دانش خانواده و جمعیت

جمعی از نویسندگان

ویراست دوم



نشر معارف

دانش خانواده و جمعیت

ویراست دوم

نویسندگان

زهرا آیت‌اللهی، دکتر امیرحسین بانکی‌پور فرد

دکتر فاطمه بداغی، شیما سادات حسینی

دکتر محمود حکمت‌نیا، دکتر مؤنس سیاح

دکتر محمدجواد محمودی، دکتر بتول نامجو

باهمکاری: گروه مطالعات زنان و خانواده پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی

سخن آغازین

«دانش خانواده و جمعیت» که به‌عنوان دو واحد درسی مورد تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار گرفت، در جهت استحکام و تعالی خانواده و مسئله جمعیت و مشکلات آن درشمار یکی از عناوین درسی کارشناسی معرفی گردید.

در کنار این مسئله، دانشگاه معارف اسلامی براساس تجربه خود در ارائه درس «اخلاق خانواده» و اهداف مشترکی که در سرفصل‌های ارائه‌شده توسط وزارتین در درس «دانش خانواده و جمعیت» پیش‌بینی شده، اقدام به تألیف کتاب یادشده نموده است.

این کتاب دربردارنده مجموعه‌ای از دانش‌های شناختی، مهارتی و رفتاری است که می‌تواند آگاهی‌بخش دانشجویان در عرصه‌های مختلف نهاد خانواده، قبل و بعد از تشکیل خانواده باشد. مهارت‌ها و آمادگی‌های قبل از ازدواج و نحوه مدیریت عاطفی، اخلاقی و رفتاری پس از ازدواج ازجمله مباحثی است که کتاب حاضر عهده‌دار آن است.

در این کتاب ضمن توجه دادن به مهارت‌های ارتباطی که بین اعضای خانواده ضروری است، مسائلی چون آگاهی‌های حقوقی، دانش‌ها و مهارت‌ها در اقتصاد خانواده و نحوه حل مشکلات و آسیب‌های خانواده در عرصه‌های مختلف نیز مباحثی ارائه گردیده است.

این کتاب که با تلاش جمع نویسندگان و با تمرکز بر اشکالات و دیدگاه‌های اساتید سراسر کشور مورد بازنگری و ویرایش مجدد قرار گرفت، به کوشش اساتید محترم آقایان دکتر امیرحسین بانکی‌پورفرد، دکتر محمود حکمت‌نیا، دکتر محمدجواد محمودی و خانم‌ها زهرا آیت‌اللهی، شیما سادات حسینی، دکتر مؤنس سیاح، دکتر بتول نامجو و نیز استفاده از ایده‌های آقایان دکتر محمود گلزاری، حسین بستان و محمدرضا سالاری‌فر تدوین شده است.

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی ضمن سپاس از نویسندگان محترم به‌ویژه سرکار خانم زهرا آیت‌اللهی که سرپرستی گروه نویسندگان را به‌عهده داشته و در ویراست دوم این اثر نیز تلاش وافری مبذول داشته‌اند، از مدیر محترم گروه اخلاق اسلامی آقای محمدجواد فلاح که ضمن داوری و ایراد پیشنهادهایی به تکمیل شدن اثر کمک کرده‌اند و همچنین از کارشناس گروه جناب آقای مهدی فدایی و مدیر امور پژوهشی جناب آقای سید سعید

روحانی و همکارانشان که در انتشار بهنگام اثر نقش داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌نماید. معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی از پیشنهادها و دیدگاه‌های اساتید، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم در جهت بهبودی و تکمیل شدن اثر استقبال می‌کند و به دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات ایشان ارج می‌نهد.

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی





فصل اول: تشکیل خانواده (پیش از ازدواج)



فصل دوم: تشکیل خانواده (حین ازدواج)



فصل سوم: تحکیم خانواده



فصل چهارم: ایمن‌سازی خانواده؛ آسیب‌ها و راهکارها



فصل پنجم: فرزندآوری و فرزندپروری



فصل ششم: جمعیت





مقدمه

در اسفند سال ۱۳۹۱ دو واحد درس عمومی اجباری «دانش خانواده و جمعیت» جایگزین درس «جمعیت و تنظیم خانواده» شد و از نیمسال اول سال تحصیلی ۹۳ - ۱۳۹۲ در دانشگاه‌ها ارائه گردید. هدف از این درس، آشنایی دانشجویان با مبانی و آموزه‌های بنیادین خانواده و مهارت‌های تشکیل، تحکیم و تعالی این نهاد و همچنین تسهیل ازدواج جوانان ذکر شده است. اهداف رفتاری این درس آن است که دانشجویان بتوانند:

۱. مفاهیم بنیادین خانواده را براساس آموزه‌های دینی بیان کنند؛

۲. با معیارهای انتخاب همسر آشنا شوند؛

۳. مهارت‌های مورد نیاز در تشکیل خانواده و نحوه رفتار با همسر و سایر خویشاوندان را به‌دست آورند؛

۴. با مفاهیم بنیادین مباحث جمعیت آشنا گردند؛

۵. از فواید فرزندآوری و آسیب‌های کاهش جمعیت در سطح ملی و پیامدهای تک‌فرزندی در ابعاد فردی و خانوادگی آگاه شوند.

ازاین‌رو، کتاب حاضر برای تأمین منبع این دو واحد درسی، براساس سرفصل‌های مصوب شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی تدوین گردید. در تألیف این کتاب، سرکار خانم زهرا آیت‌اللهی در تألیف فصل اول، سوم، چهارم و پنجم، دکتر امیرحسین بانکی پورفرد در تألیف فصل دوم، دکتر محمدجواد محمودی، دکتر مؤنس سیاح و دکتر بتول نامجو در تألیف فصل ششم، دکتر محمود حکمت‌نیا، دکتر فاطمه بداغی و شیماسادات حسینی در تألیف فصل هفتم و زهرا رحیمی یگانه نیز در تکمیل فصل پنجم تلاشی ستودنی داشته‌اند.

از همه عزیزانی که زمینه شکل‌گیری این اثر را فراهم نمودند، قدردانی می‌نماید. همچنین از معاون محترم پژوهشی، جناب آقای دکتر غلامحسین گرامی و نیز از مدیر محترم گروه اخلاق اسلامی، جناب آقای

دکتر محمدجواد فلاح که ضمن داوری این اثر، پیشنهادهایی برای ارتقای آن ارائه نمودند، سپاسگزاری می‌کند.

در ویراستاری این اثر نیز از تلاش خانم‌ها فاطمه قاسم‌پور و سوده آیت‌اللهی (ویراست نخست کتاب) و آقای امیرعباس رجبی (ویراست دوم کتاب) قدردانی می‌گردد. به‌ویژه از خانم‌ها نرگس نقدی‌زاده و سمیرا بیاتی که پیگیری اجرایی کار را برعهده داشته‌اند و همچنین از کارشناس گروه اخلاق اسلامی جناب آقای مهدی فدایی و مدیر امور پژوهشی آقای سید سعید روحانی و همکاران ایشان که در انتشار بهنگام این اثر نقش مؤثری داشته‌اند، سپاسگزاری می‌شود.

امید است دانشجویان گرامی با بهره‌مندی از مطالب کتاب، با ارائه پیشنهادها و دیدگاه‌های خویش، ما را در رفع کاستی‌های این اثر یاری رسانند.

گروه نویسندگان

فصل اول

تشکیل خانواده

(پیش از ازدواج)

اهداف درس

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱	پیامدهای ارتباط دوستانه با جنس مخالف را بشناسند.
۲	مهارت ارتباط شایسته با جنس مخالف را به‌دست آورند.
۳	پیامد رابطه آزاد با جنس مخالف را ارزیابی کنند.
۴	با مهارت خویشتن‌داری تا آستانه ازدواج آشنا شوند.

برگی از یک زندگی

کلنل باکستر، فرمانده پایگاه وقتی به دفتر کارش برگشت، جوانی را که احضار کرده بود، دید. قیافه جوان ایرانی (عباس بابایی) آشنا به‌نظر می‌رسید. یادش آمد شبی دیروقت با همسرش از مهمانی برمی‌گشته و او را دیده که در خیابان‌های پایگاه می‌دود تا شیطان را از خودش دورکند. حالا هم جوان داشت روی روزنامه‌هایی که کف دفترش پهن کرده بود، دولا راست می‌شد. وی بعد از اتمام کارش توضیح داد که این از واجبات دین آنهاست و الان وقت انجام آن است.[1]

نیازهای اساسی جوان

نیازهای جوان، او را به حرکت و تکاپو سوق می‌دهد. این نیازها در طبقه‌بندی‌های مختلفی قرار می‌گیرند؛ ازجمله نیاز به سلامت، محبت و امنیت. شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین نیازهایی که جوان در خود احساس می‌کند، احتیاج به همراهی از جنس مخالف است؛ نیازی که باید به‌درستی مدیریت شود. این همراهی نیازهای مختلفی را نیز برآورده می‌سازد؛ ازجمله:

۱. **نیاز عاطفی:** هر فردی، هم به ارتباط و تعامل با دیگران نیازمند است و

۱. جعفریان، **شهیدبابایی به روایت همسر شهید**، ص ۱۴.

هم به محبت کردن و مورد محبت واقع شدن.[1] مزلو،[2,3] روان‌شناس انسان‌گرا، در بیان سلسله نیازهای انسان، سومین نیاز اساسی وی را تعلق‌پذیری و محبت می‌داند که از طریق رابطه صمیمی با یک دوست، محبوب و همسر یا از طریق روابط اجتماعی در گروه برآورده می‌شود.[4] موری[5,6] نیز در مجموعه نیازهای بیست‌گانه انسان یادآور می‌شود که آدمی به پیوندجویی و همکاری نزدیک و لذت‌بخش با فردی که به وی شباهت داشته باشد یا او را دوست بدارد، نیازمند است.[7]

نیاز عاطفی به جنس مخالف در جوانی به اوج خود می‌رسد. در آموزه‌های دینی، برآورده شدن این نیاز در چارچوب ازدواج توصیه شده است.[8]

۲. **نیاز جنسی:** یکی از مهم‌ترین نیازهای زیستی، ارضای غریزه جنسی است. بی‌گمان آنچه می‌تواند به این نیاز اساسی پاسخ گوید، ازدواج است. اگر این نیاز و نیاز عاطفی به طریقی جز ازدواج پاسخ داده شود، دختران و پسران با آسیب‌ها و مشکلات بسیاری روبه‌رو می‌شوند؛ آسیب‌هایی که جبران آن دشوار و در برخی موارد ناممکن خواهد بود. از این جهت به برخی از این آسیب‌ها اشاره می‌کنیم.



آسیب‌های ارتباط با جنس مخالف

از آنجاکه غریزه جنسی بسیار قوی است و بسیاری از امور ذهنی، عاطفی، روانی و رفتاری انسان را درگیر خود می‌کند، افراد برای سامان دادن به آن به راهکارهایی دست می‌زنند که

---

۱. احمدی، روابط دختر و پسر، ص ۲۸.

۲. آبراهام هَرولد مَزلو (متولد ۱۹۰۸ م) روان‌شناس انسان‌گرای آمریکایی، مبدع نظریه «سلسله‌مراتب نیازهای انسانی» است. او را پدر روان‌شناسی انسان‌گرا می‌شناسند.

3. Abraham (Harold) maslaw.

۴. پی شولتز و آلن شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۳۴۹.

۵. اصل مهم در دیدگاه موری (متولد ۱۸۹۳ م) وابستگی فرایندهای روان‌شناختی به فرایندهای فیزیولوژیکی است. او به‌عنوان مرد بزرگ شخصیت‌شناسی مطرح است.

6. Henry munry.

۷. همان، ص ۲۳۲.

۸. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ و از نشانه‌های او این است که همسرانی از [جنس] خودتان برای شما آفرید تا بدان‌ها آرامش یابید و در بین شما دوستی و رحمت قرار داد. قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند. (روم (۳۰): ۲۱)

آنها را به کژراهی می‌کشاند. از جمله این راهکارها «دوستی با جنس مخالف» و «روابط آزاد با جنس مخالف» است. در این قسمت به برخی پیامدهای این دو شیوه رفتار می‌پردازیم.

یک. دوستی با جنس مخالف

ارتباط با جنس مخالف با دوستی آغاز می‌شود که می‌تواند کوتاه‌مدت یا درازمدت باشد و در سطوح مختلف انجام گیرد. گرایش دختران و پسران به جنس مخالف در نوجوانی و به‌علت بیداری غرایز و شدت حالات هیجانی آغاز می‌گردد.

دوستی با جنس مخالف که هوس‌آلود بوده و همراه با کشش جنسی است، در قرآن نکوهش شده است. خداوند در قرآن کریم با عنوان «مُتَّخِذِی أَخْدَان»[1] و «متخذات اخدان»[2] (= دوست‌گیرندگان از جنس مخالف) دختران و پسران را از دوستی‌های هوس‌آلود برحذر می‌دارد و در ادامه می‌فرماید:

> و هرکس [ارکان] ایمان را انکار کند، پس قطعاً عملش تباه گشته و او در آخرت از زیانکاران است.[3]

مطابق این آیه، چنین دختران و پسرانی هرچند اهل نماز و ذکر و دعا باشند، ازآن‌رو که به لوازم ایمان خود پایبند نبوده‌اند، اعمال نیکشان تباه شده و در آخرت زیانکار می‌گردند.

علل دوستی با جنس مخالف

روابط دوستانه با جنس مخالف معمولاً برپایه عواملی صورت می‌پذیرد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. مشارکت اجتماعی یا علمی: در این نوع روابط، ارتباط دختر و پسر در محدوده روابط انسانی است، بی‌آنکه تمایل‌های نفسانی در آن وجود داشته باشد. این روابط، فراتر از محدوده درس یا کار مشخص شکل نمی‌گیرد؛ چنان‌که مثلاً مرد و زن نامحرم برای جلسات

---

۱. مائده (۵): ۵.

۲. نساء (۴): ۲۵.

۳. وَمَن يَكْفُرْ بِالإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. (مائده (۵): ۵)

مربوط به کار، در منزل شخصی وعده ملاقات نمی‌گذارند. افزون بر این، اگر یکی از آن‌دو احساس کرد دیگری رابطه را به هوس آلوده ساخته، ارتباط را قطع می‌کند.

۲. **همسریابی:** گاه افراد به‌منظور یافتن همسری مناسب به روابط دوستانه با جنس مخالف می‌پردازند.

۳. **شناخت جنس مخالف:** برخی از جوانان با هدف آشنایی و شناخت خصوصیات ویژه جنس مخالف با آنها دوست می‌شوند تا روابط خود را با فردی که در آینده با او ازدواج می‌کنند، براساس این شناخت تنظیم نمایند؛ حال آنکه:

یک. از طریق دقت در ویژگی‌های پدر و مادر، خواهر یا برادر و سایر بستگانی که از جنس مخالف هستند نیز می‌توان با خصوصیات ویژه جنس مخالف آشنا شد. مطالعه کتب مرتبط نیز در این زمینه اطلاعات علمی‌تر و دقیق‌تری به‌دست می‌دهد.

دو. دوستانی که از جنس مخالف‌اند، هریک ویژگی‌های فردی دارند که یقیناً همسر آینده خصوصیاتی متفاوت با آن ویژگی‌ها خواهد داشت.

بنابراین نمی‌توان تنظیم روابط با همسر آینده را از طریق تجربه ارتباط با پسرها یا دخترهای مختلف (با ویژگی‌های فردی متفاوت) انجام داد. افزون بر این، آسیب‌های دوستی‌های بی‌سرانجام با جنس مخالف بیش از آن است که ارزش این تجربه را داشته باشد؛ به‌خصوص آنکه معمولاً همسر احتمالی آینده اگر از این تجربه‌های مکرر روابط دوستانه مطلع گردد، حاضر به ازدواج با او نخواهد شد.

۴. **خلأ عاطفی:** کمبود محبت و عدم ارضای عاطفی از مسیر درست، برخی دختران و پسران را به‌سوی دوستی‌های بی‌سرانجام با جنس مخالف سوق می‌دهد. این مسئله بیشتر در فرزندان خانواده‌هایی که دچار اختلاف و کشمکش هستند، ظهور و بروز دارد.

۵. **احساس قدرت:** برخی دختران با تسخیر قلب پسران، و برخی پسران نیز با چیره شدن بر جسم دختران احساس قدرت می‌نمایند و بدین طریق فردی از جنس مخالف را ابزار رضایتمندی خویش قرار می‌دهند. برخی نیز با برقراری ارتباط با جنس مخالف، در بین دوستان هم‌سنخ خویش جایگاه و اعتبار خاصی برای خود احساس کرده، خود را قدرتمند می‌پندارند.

۶. **فرار از مشکلات:** عده‌ای به‌جای حل منطقی مسائل زندگی، برای فرار از مشکلات،

به خوش‌گذرانی با جنس مخالف روی می‌آورند.

۷. **سردی و یکنواختی زندگی:** ازآنجاکه این روابط همراه با شور و هیجان خاصی است، برخی از افرادی که در زندگی خویش هدفی ندارند و ایام را به بیهودگی می‌گذرانند، با استقبال از شور و هیجان این روابط، درصدد گریز از یکنواختی زندگی هستند.

۸. **تأثیر ماهواره و اینترنت:** برخی فیلم‌ها یا سایت‌های غیراخلاقی که از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای یا اینترنت مورد استفاده قرار می‌گیرد، انگیزه شدیدی برای ارتباط بی‌ضابطه با جنس مخالف ایجاد می‌کند.

۹. **لذت جنسی:** بسیاری از پسران و برخی دختران برای دستیابی به لذت‌های جنسی، به بهره‌گیری از عواطف جنس مخالف و ارتباط با او اقدام می‌کنند.

۱۰. **فرهنگ خانوادگی:** روابط بی‌ضابطه با جنس مخالف در برخی خانواده‌ها امری عادی است که در نتیجه فرزندان برپایه این آداب رشد می‌یابند.

پیامدهای دوستی با جنس مخالف

هرچند دوستی با جنس مخالف، شادمانی، هیجان و لذت کوتاه‌مدت به‌دنبال دارد، با توجه به زیان‌های آتیِ این نوع رابطه، عقل سلیم آن را برنمی‌تابد. برخی از این زیان‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. **ایجاد اختلال در تمرکز فکری:** روابط با جنس مخالف می‌تواند تمرکز فرد را به هنگام تحصیل مختل کند. یکی از عوامل مهم اُفت تحصیلی دانشجویان، گرفتاری در احساس وابستگی به جنس مخالف است.

۲. **ایجاد اضطراب:** این نوع روابط معمولاً پنهانی و همراه با اضطراب است. این اضطراب در درازمدت انسان را دچار ضعف اراده و برخی مشکلات روانی می‌کند.

۳. **ایجاد ناراحتی‌های روحی:** این دوستی‌ها که طرف مقابل در آن هیچ تعهد جدی الزام‌آوری را نپذیرفته، بادوام نخواهد بود؛ بدین‌بیان که چه‌بسا فرد در برخورد با دختر یا پسری جذاب‌تر، دوست خود را رها کند. در نتیجه هر چند این نوع روابط در ماه‌های اولیه همراه با هیجان و شادی است، ولی پس از چند ماه، نگرانی نسبت به آیندهٔ این روابط و احساس حقارت از اینکه شخص بازیچه امیال دیگری شده است، سبب ناراحتی‌های

روحی و روانی هر دو یا یکی از آنها می‌شود.

۴. ضعف اعتماد: معمولاً این روابط همراه با بی‌اعتمادی نسبت به یکدیگر است؛ زیرا هردو احتمال می‌دهند به همان سادگی که این رابطه شکل گرفت، روابط دیگری نیز پیش از این رابطه شکل گرفته یا شکل خواهد گرفت.

۵. تضعیف حمایت‌ها: این روابط اگر آشکار باشد، به‌دلیل تعارض با هنجارهای خانوادگی و اجتماعی، مورد حمایت قرار نمی‌گیرد و چه‌بسا موجب شود که سایر حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی نیز از فرد سلب گردد.

۶. کاهش شانس ازدواج موفق: دختران و پسرانی که سابقه دوستی با جنس مخالف دارند، معمولاً شانس کمتری برای ازدواج موفق خواهند داشت. این ضایعه برای دختران بیشتر است؛ چراکه بیشتر پسرانی هم که با دختران متعدد رابطه داشته‌اند، به هنگام ازدواج به‌سراغ دخترانی می‌روند که هرگز به روی مردی آغوش نگشوده‌اند.

۷. افزایش ازدواج‌های ناپایدار: در این دوستی‌ها، روابط دختر و پسر بیشتر براساس جاذبه‌های ظاهری شکل می‌گیرد، نه برپایه همتایی بین طرفین که شرط اساسی یک ازدواج موفق است. از سوی دیگر، ارتباط عاطفیِ دو جنس به وابستگی ختم می‌گردد و نقص‌ها دیده نمی‌شود؛ اما وقتی هیجانات فروکش کند، نقص‌ها نمایان شده، به کاهش رضایت‌مندی زناشویی و اختلافات خانوادگی می‌انجامد. به همین دلیل، طبق برخی تحقیقات صورت‌گرفته در آمریکا، از هر صد ازدواجِ عشقی، نود و سه مورد آن با شکست دردناک مواجه شده است. در فرانسه نیز عمر متوسط هر ازدواج عشقی، سه ماه و نیم است.[1]

۸. آسیب به دختران: در این دوستی‌ها معمولاً عشق با هوس، یکی دانسته می‌شود. عشق، همراه با احترام، اعتماد، تعهد، صمیمیت، گذشت، یاری و درک و همدلی است، اما در هوس‌رانی، ابراز محبت‌ها به هیچ رو عمیق نیست و فرد تنها به‌دنبال رابطه جنسی است. ازاین‌رو در بسیاری از این دوستی‌ها هرچند انگیزه اولیه روابط دوستانه بوده است، بزرگ‌ترین گوهر وجودی دختر به یغما می‌رود و عفت او لکه‌دار می‌گردد.

۹. ارتکاب گناه: این روابط حرام و گناه‌آلود است. لذت گناه می‌رود، ولی عقاب و عذاب خداوند باقی می‌ماند. حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «ای مردم! تقوا پیشه سازید؛ زیرا صبر بر تقوا

---

۱. کی‌نیا، مبانی جرم‌شناسی، ج ۲، ص ۸۰۸.

آسان‌تر از صبر بر کیفر الهی است».[1]

◆ **برای مطالعه بیشتر[2]**

کازمارک و بک لند در سال ۱۹۹۱ م در مقاله‌ای با عنوان «سوگ محرومیت؛ گسسته شدن پیوند عاشقانه یک نوجوان»، با استناد به چند بررسی علمی نشان دادند که وقتی رابطه عاطفی دو نفر قطع می‌شود، هردو دچار حالاتی شبیه داغ‌دیدگی و سوگ می‌شوند که شدت این مسئله برای دختران بیشتر است. اُفت تحصیلی، بروز مشکلات جسمی، بی‌توجهی به لباس و ظاهر، کنارکشیدن از مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی، تنها ماندن در اتاق خود، گوش دادن به موسیقی‌های غم‌انگیز و هم‌زمان اشتغال ذهنی به فرد سابق، از بارزترین نمونه‌های واکنش به جدایی است.

بلسک و باس[3] در سال ۱۹۹۴ م با بررسی ۱۲۱ دانش‌آموز دبیرستانی دریافتند کسانی‌که مدت زیادی با یک یا چند نفر از جنس مخالف پیوند عاطفی برقرار می‌کنند، دچار کاهش عزت نفس می‌شوند.[4] تحقیقات جونیر و اودری[5] در سال ۲۰۰۰ م نیز نشان داد که علایم افسردگی در دختران و پسرانی که درگیر رابطه‌های عاشقانه هستند، افزایش می‌یابد.[6]

ابی. ال‌فروث،[7] روان‌شناس آمریکایی در سال ۲۰۰۷ م با مطالعه طولی بر روی ۱۳۱۶ نوجوان دختر و پسر ۱۳ تا ۱۸ ساله نشان داد که داشتن رابطه عاطفی و عاشقانه با جنس مخالف، اعتماد به نفس را کاهش و افسردگی را افزایش می‌دهد. البته دختران بیش از پسران به افسردگی دچار می‌گردند و پسران نیز بیش از دختران با کاهش سطح اعتماد به نفس روبه‌رو می‌شوند.

همچنین تحقیقی دیگر نشان داد که در یک نمونه مختلط دختر و پسر، ۵۹ درصد دختران قربانی خشونت فیزیکی و ۹۶ درصد قربانی خشونت روانی شده و ۱۵ درصد نیز اجبار برای انجام عمل جنسی را تجربه کرده‌اند.[8]

۱. ابن‌شعبه حرانی، **تحف العقول**، ص۲۲۰.
۲. بنگرید به: گلزاری، **ارتباط آگاهانه با جنس مخالف**، ص ۴۰ - ۳۱.

3. A. L Bleske. & D. M Buss.
4. Bleske, A. L. & Buss, D. M., "Can men and women be just friends?", **Personal relationships**, No. 7, p. 131 - 151.
5. Jonior & Odir.
6. Joyner, k., & udry, J. R. "you don't bring me any thing but down: Adolescent romance and depression", **Journal of health and Social Behavior**, No. 41, p. 369 -391.
7. Ebi. Lfroth.
8. James, WH., West, C., Deters, k E., & Armijo, E. **Youth dating violence**. Adolescence, No. 35, p. 454 - 465.

هازنبدز[1] از قرار ملاقات گذاشتن انتقاد کرده است؛ چراکه پیامد آن ایجاد روابط سطحی است. قرار ملاقات گذاشتن‌های چندگانه (قرار با تعداد زیادی از افراد در یک زمان) به‌دلیل سطوح پایین درگیری در روابط، موجب پایان یافتن آن می‌شود و به همین دلیل از تحول روابط هیجانی معنادار جلوگیری می‌کند. او معتقد است این زنجیره به تعارض در روابط عشقی و ناپایداری در ازدواج می‌انجامد.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای دوستی با جنس مخالف، وادار شدن ناخواسته و اجباری به برقراری رابطه جنسی است. این پدیده که صحنه به‌ظاهر دلپذیر و صمیمانه دوستی را به عرصه آسیب‌رسان فشار و دشمنی تبدیل می‌کند، یکی از بارزترین گونه‌های خشونت در جامعه مدرن معاصر است.

تا پیش از سال ۱۹۸۰ م تصور می‌شد که تجاوز همیشه از سوی بیگانه‌ای منحرف صورت می‌گیرد که ناگهان به زنی حمله می‌نماید و با خشونت، نیاز جنسی خود را که پیامد ناکامی است، برطرف می‌کند؛ اما از آن زمان به بعد، مطابق برخی پژوهش‌ها در آمریکا و اروپا اعلام شد که در جامعه، نوع دیگری از تجاوز رایج است که تجاوزگر و قربانی، یکدیگر را به‌خوبی می‌شناسند و مدت‌ها با هم پیوند دوستی دارند. از آن تاریخ، اصطلاح «تجاوز در قرار عاشقانه»[2] یا عبارت جامع‌تر و فراگیرترِ «تجاوز آشنا»[3] بر سر زبان‌ها افتاد و به مقاله‌ها و کتاب‌های علمی آن کشورها راه یافت.

امروزه پژوهشگران به‌سختی می‌پذیرند که تجاوزهای جنسی و ازجمله تجاوز آشنایان به‌علت ناکامی جنسی یا شرور بودن متجاوزان باشد؛ زیرا معلوم شده است که بیشتر مرتکبان این کار نه محرومیت جنسی دارند و نه از افراد دیگر خلاف‌کارتر هستند. پسران خوب و نجیب و قابل اعتماد نیز در موقعیت‌های خاص قرارهای عاشقانه، از نظر شهوانی تحریک می‌شوند و دوست جنس مخالف خود را به تماس‌های جنسی وادار می‌کنند.

مهم‌ترین این موقعیت‌ها ناشی از دیدن فیلم‌های جنسی، قرار گرفتن در مکان خلوت و پوشش نامناسب دختر یا حرکات تحریک‌کننده اوست. افزون بر این، طول کشیدن مدت دوستی و تبدیل شدن رابطه اتفاقی ابتدایی به رابطه‌ای پایدار و نیز سوءتعبیرهای ارتباطی و برداشت نادرستی که دو طرف از رفتارهای غیرکلامی یکدیگر دارند نیز می‌تواند موجب بروز خشونت و تجاوز در روابط عاشقانه شود.

در کشور ایران به‌دلیل فضای مذهبی و اخلاقی جامعه، میزان دوستی با جنس مخالف کم است و از سویی به‌سبب محدودیت‌های خانوادگی و اجتماعی،

روابط دو جنس در این دوستی‌ها معمولاً چندان پیشرفته نیست؛ هرچند بررسی‌ها نشان

1. Hozenbbeds.
2. Date rape.
3. Date acquaintance.

می‌دهد در موارد معدودی از این دوستی‌ها، آسیب‌هایی جدی متوجه هردو یا یکی از آنها شده است. برای نمونه، در سال ۱۳۸۰ در جامعه آماری تصادفی از بین دختران و پسران دبیرستانی در چهار شهرستان، دو هزار دانش‌آموز به سه پرسش‌نامه درباره «رابطه با جنس مخالف»، «سلامت روان» و «عمل به باورهای دینی» پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد نوجوانانی که با جنس مخالف دوستی و ارتباط دارند، به‌طور معناداری نسبت به نوجوانانِ بدون ارتباط، دارای نشانه‌های اضطراب، افسردگی و بیماری‌های روان‌تنی بیشتری هستند و میزان دین‌داری آنها پایین‌تر است.

در سال ۱۳۸۲ از جمعیت ۶۲ هزار نفری دانش‌آموزان دختر و پسر یک شهرستان دیگر، ۳ هزار و ۲۰۰ نفر به‌عنوان گروه نمونه به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌هایی با محتوای وضعیت ارتباط با جنس مخالف، سلامت روان، آسیب‌های روانی اجتماعی (گرایش به خودکشی، فرار و ...)، رضایت از جنسیت، رضایت از ظاهر و روابط خانوادگی و عمل به باورهای دینی پاسخ دادند. در این تحقیق جامع، دانش‌آموزان از نظر وضعیت ارتباط با جنس مخالف چهار گروه بودند:

۱. کسانی که در زمان انجام پژوهش با جنس مخالف ارتباط داشتند؛

۲. نوجوانانی که در آن زمان، ارتباط‌های پیشین خود را قطع کرده بودند؛

۳. دختران و پسرانی که به یک نفر از جنس مخالف علاقه داشتند، اما آن فرد از آن علاقه آگاه نبود؛

۴. کسانی که نه در گذشته و نه در حال، چه یک‌طرفه و چه دوطرفه، با جنس مخالف ارتباطی نداشتند.

مجریان این نظرسنجی، «ارتباط» را این‌چنین تعریف کرده بودند: دل‌بستگی عاطفی، همراه با تماس‌های پنهانی و دور از چشم خانواده.

نتایج تحقیق نشان داد که گروه اول، از نظر آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی، تنش‌های روحی و ضعف اعتقادات و اعمال دینی، بدتر و پایین‌تر از بقیه بودند. گروه دوم از نظر آسیب اجتماعی و ضعف دین‌داری در رتبه دوم قرار داشتند. گروه سوم از نظر اخلاقی و دینی وضعیت خوبی داشتند، اما از نظر روانی از نشانه‌های افسردگی رنج می‌بردند. در مقابل، گروه چهارم از همه جهات، یعنی سلامت روان، سلامت اخلاق و پایبندی به باورهای دینی در رتبه بالاتری بودند.

مهارت‌های رفتاری در روابط با جنس مخالف

اگر احساس کردید نسبت به فردی از جنس مخالف خود علاقه‌مند شده‌اید:

۱. با وجود کشش شدید امیال نفسانی، حریم الهی را در روابط با او پاس دارید و این روایت

را به یاد داشته باشید:

خداوند به جوانی که بندگی [خدا] می‌کند، بر فرشتگان مباهات می‌کند و می‌گوید: بنده مرا بنگرید که به خاطر من از تمایلات نفسانی خود چشم پوشیده است.[1]

پیامبر ﷺ نیز فرمود:

هرکه عاشق شد و عشق خویش را کتمان کرد و عفت پیشه ساخت و صبر نمود، خداوند او را آمرزیده، داخل بهشت خواهد کرد.[2]

۲. برای پرهیز از وابستگی:
یک. احساس خود را بروز ندهید؛
دو. با یکدیگر تعاملِ کاری نداشته باشید؛
سه. نگاه و رفتار خود را کنترل کنید؛ زیرا احساسات بدون کلام نیز انتقال می‌یابد؛
چهار. برای حفظ شخصیت و احترام خود به‌گونه‌ای رفتار نکنید که او حس کند شما اهل روابط ناسالم هستید؛
پنج. اگر فکر می‌کنید او فردی مناسب برای ازدواج شماست، اگر پسر هستید، مستقیماً یا با واسطه، و اگر دختر هستید، با کمک فردی امین و باتجربه نظر او را درمورد ازدواج جویا شوید؛ چه‌بسا او قصد دارد با دیگری ازدواج کند، یا به هر دلیل مایل به ازدواج با شما نیست. این امر کمک می‌کند تا گرفتار سردرگمی نشوید و بیهوده ذهن و روانتان فرسوده نگردد.
۳. چنانچه از طریق گفتگوی اینترنتی با کسی آشنا شده و قصد ازدواج با او را دارید:
یک. مراقب باشید که بسیاری از اطلاعات داده‌شده ممکن است واقعیت نداشته باشد؛
دو. بکوشید گفتگوی شما از حوزه ادب و عقل خارج نگردد و احساسات شما نیز کنترل‌شده باشد؛
سه. ارتباط خود را در قالب خواستگاری رسمی شکل دهید و با دیدار حضوری او و خانواده‌اش اطلاعات خود را واضح سازید.

---

۱. إنّ اللهَ تعالی یُباهِی بِالشّابِ العابدِ الملائِکةَ، یَقولُ: أُنظُروا إلی عَبدی تَرَکَ شَهوَتَهُ مِن أجلی. (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۰۳، ح ۷۳۶)
۲. مَن عَشِقَ و کَتَمَ و عَفَّ و صَبَرَ، غَفَرَاللهُ لَهُ و أدخَلَهُ الجَنَّةَ. (بهایی، منهاج النجاح، مقدمه ۲، ص ۸۷)

توجه داشته باشید که دوستی با جنس مخالف از طریق اینترنت ممکن است مشکلاتی از این دست را برای شما فراهم سازد:

یک. ازآنجاکه ایمیل‌های شما نزد طرف مقابل ثبت شده است، درصورتی‌که قطع رابطه را لازم بدانید، با تهدید او به رسوایی مواجه خواهید شد.

دو. در موارد بسیاری، هردو یا یکی از شما به دیگری دل‌بستگی شدیدی پیدا می‌کنید، ولی زمانی که با او ملاقات می‌کنید، با مشاهده ظاهر او یا رفتارش، واقعیت او را با شخصیت مجازی‌اش بسیار متفاوت می‌بینید و به همین دلیل دچار ضربه روحی می‌شوید.

سه. گاهی پس از تعلق خاطر به طرف مقابل و هنگام شناخت واقعیت، او را برای ازدواج مناسب نمی‌بینید، ولی به‌دلیل ترحم یا ترس از نفرین او یا به‌خاطر تهدید او به خودکشی یا آزار او یا ... به ازدواجی نامناسب تن داده، آینده خویش را تباه می‌سازید.

چهار. والدین معمولاً آشنایی از طریق اینترنت را دلیل بر سبک‌سری دختر و ساده‌لوحی پسر می‌دانند و با ازدواج حاصل از این آشنایی موافقت نمی‌کنند.

پنج. ارتباط اینترنتی با جنس مخالف گاهی سبب سلب اعتماد همسر آینده می‌شود.

۴. درصورتی‌که فردی - با وجود وعده‌هایش - به شما بی‌وفایی کرد و از ازدواج با شما سر باز زد، شکست عاطفی خویش را مدیریت کنید و نگذارید عواطف و احساسات، امید به زندگی و رشد و کمال را در شما ضعیف سازد. این کلام خدا را به یاد داشته باشید:

وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ.[1]

و چه‌بسا از چیزی ناخشنودید و آن برای شما خوب است و چه‌بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است.

۵. اگر به این نتیجه رسیدید که فردی که به او دل بسته‌اید، صلاحیت همسری شما را ندارد، هرچه زودتر رابطه خود را قطع کنید. برای قطع رابطه با جنس مخالف باید:

یک. بدانید فراموشی فردی که به او دل بسته بودید، نیاز به زمان دارد. ازاین‌رو به خودتان فرصت دهید.

دو. همیشه به خودتان یادآوری کنید که چه‌بسا در ازدواج با او خوشبخت نمی‌شدید و

۱. بقره (۲): ۲۱۶.

شاید برخی خصوصیات اخلاقی منفی و ناشناخته او، زندگی را بر شما تلخ می‌ساخت؛ شاید فرزندی معیوب حاصل ازدواج شما می‌شد یا شاید . . . .

سه. از نگاه کردن به او، حرف زدن با او، رد و بدل کردن پیامک، نامه‌های الکترونیکی و هر آنچه احساسات شما را شعله‌ور می‌سازد، بپرهیزید.

چهار. رابطه را به‌صورت ناگهانی قطع کنید. قطع تدریجی رابطه، احتمال برقراری مجدد آن را بالا می‌برد.

پنج. قبل از بیان تصمیم به قطع رابطه، همه واکنش‌ها و پاسخ‌های طرف مقابل را پیش‌بینی و برای آن جوابی آماده کنید تا هم ذهن خودتان هنگام صحبت کردن آماده‌تر باشد و هم آسان‌تر رابطه قطع شود.

شش. هرگز به محیط‌هایی که احتمال حضور او وجود دارد، نروید. از هرچه ممکن است شما را به یاد او بیندازد، پرهیز کنید؛ از خانواده او، دوستان مشترکتان، ایمیل یا تلفن او.

هفت. حتماً ویژگی‌هایی منفی از او دیده‌اید. هرگاه ذهن شما به او مشغول شد، به آن ویژگی‌های منفی بیندیشید و به خویشتن بگویید: او شایسته من نبود.

هشت. در دفترچه یادداشت خود فهرستی از موضوعاتی را که اندیشیدن به آنها برای شما لازم یا مسرت‌بخش است، بنویسید. هرگاه فکر او به ذهنتان آمد، سراغ دفترچه خود بروید و به یکی از آن موضوعات بیندیشید.

نه. هرگاه ذهن شما ناخودآگاه به او مشغول شد، بگویید: «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم.»[1] آنگاه وضعیت خویش را تغییر دهید و مشغول به کار مثبت و جدیدی شوید.

ده. روابط دوستانه خود را با بستگان و دوستان خوب خود بیشتر کنید.

یازده. با افراد باایمان، فعال و بانشاط دوست شوید و دوستی خود را با آنان تقویت کنید.

دوازده. از تنهایی بپرهیزید؛ زیرا وسوسه و فکر او بیشتر سراغ شما خواهد آمد.

سیزده. از خداوند بخواهید آنچه موجب خوشبختی شماست، نصیب شما سازد.

چهارده. سعی کنید برای ازدواج با فردی که مطلوب خود می‌دانید، اقدامات مطلوب را انجام دهید.

پانزده. این روایت از پیامبر ﷺ را در برگه‌ای یادداشت کنید و در جلوی دیدگان خود قرار

---

۱. از شیطانِ رانده‌شده به خداوند پناه می‌برم.

دهید:

هرکس به آنچه از دستش رفته، امید نداشته باشد، آسوده است و هرکس به آنچه خداوند روزی‌اش کرده، خرسند باشد، شادمان می‌گردد.[1]

۶. اگر متوجه شدید که باید ارتباط با جنس مخالف خود را قطع کنید و او شما را به آبروریزی تهدید کرد، نگران نباشید؛ زیرا در صورت طرح هر مسئله‌ای، آبروی خود او نیز در خطر خواهد بود، زمانی که قطع رابطه از طرف شما باشد، این نشانه پاکی شماست و دیگران نیز نظر مثبتی درباره شما می‌یابند. اعتماد به نفس داشته باشید و به سخنان و رفتارهای جاهلانه او اهمیتی ندهید. توجه داشته باشید اگر به هر دلیل در مقابل تهدیدهای او سستی نشان دهید، او با مشاهده تأثیر رفتارش، بر دامنه تهدیدهای خود خواهد افزود.

۷. از دوستی و رفت‌وآمد با جنس مخالف به امید ازدواج در آینده بپرهیزید؛ زیرا:

یک. این روابط مورد رضایت خدا نیست و گناه شمرده می‌شود.

دو. کنش‌های غریزی پسران و وابستگی عاطفی دختران در دوستی با جنس مخالف سبب می‌شود این روابط در دو خط موازی پیش نرود بنابراین آسیب‌ها شما را تهدید می‌کند.

سه. اگر او با شما ازدواج کند، ممکن است پس از ازدواج اعتماد لازم را به یکدیگر نداشته باشید؛ زیرا همواره می‌اندیشید که همسرتان همان فردی است که روزی بدون رعایت موازین شرعی با جنس مخالف خود ـ که خود اوست ـ روابط دوستانه برقرار کرده است.

چهار. اگر با شما ازدواج نکند، سبب سرخوردگی شما خواهد شد و شما احساس می‌کنید تحقیر شده‌اید.

پنج. اگر پس از مدت‌ها دوستی و ارتباط با فردی به این نتیجه رسیدید که ازدواج با او به مصلحت شما نیست و این رابطه را قطع کردید، دچار عذاب وجدان خواهید شد؛ چه‌بسا او به شما دل‌بسته است و قطع این دل‌بستگی، او را دچار آسیب شدیدی خواهد کرد.

شش. اگر در آینده با فرد دیگری ازدواج کنید:

الف) گاهی اوقات در زندگی شما مشکلاتی ایجاد خواهد شد. برای مثال، چه‌بسا او با ارائه مدارکی از روابط دوستانه شما با خود (پیامک‌ها، نامه‌های الکترونیکی، عکس و نامه)

---

۱. صدوق، **الأمالی**، ص ۲۲۵ و ۳۹۳.

همسر شما را نسبت به شما بدبین کند.
ب) معمولاً احساس می‌کنید به همسرتان خیانت کرده‌اید؛ چراکه در گذشته، قلب و ذهن خود را در اختیار فرد دیگری قرار داده بودید.
ج) همسر آینده شما برای شما جذابیت لازم را نخواهد داشت؛ زیرا آن‌دو را با هم مقایسه می‌کنید و به هر حال، برخی ویژگی‌های مطلوب فرد اول را در دومی نمی‌یابید. افزون بر این، قلب لطیف‌تر از آن است که هر چند وقت یک‌بار شیفته یکی گردد. عشقِ اولین، تکرار نخواهد شد.
هفت. درصورتی‌که او نیز ازدواج کند، احساس می‌کنید به همسر آینده او خیانت کرده‌اید.
هشت. به یاد داشته باشید در تمامی آن ایامی که به امید ازدواج با فردی، خواستگارهای متعدد خود را رد می‌کنید، فرصت‌های طلایی ازدواجی پاک را از خود سلب کرده‌اید.
نه. اگر فردی به شما وعده ازدواج داد، از او بخواهید تا به‌طور رسمی خواستگاری کند؛ زیرا چه‌بسا امکان ازدواج با او به دلایلی همچون مخالفت خانواده او یا مخالفت خانواده شما وجود نداشته باشد. حال اگر فردی واقعاً خواهان ازدواج با شما باشد، فرصت را از دست نخواهد داد و موانع را برطرف خواهد کرد؛ به‌خصوص اگر دریابد که او را در رفع مشکلات ازدواج همراهی خواهید کرد.
ده. اگر قصد ازدواج با فردی را دارید، هرچه زودتر اقدام به خواستگاری نمایید و پس از توافق طرفین، ازدواج کنید و بدانید تا زمانی که عقد ازدواج خوانده نشود، امکان دارد او با دیگری ازدواج کند.

دو. روابط آزاد با جنس مخالف و پیامدهای آن

این روابط به‌معنای روابط جنسی براساس میل و اراده خود فرد و رضایت طرف مقابل است و به‌جز رضایت دختر و پسر، محدودیت دیگری را نمی‌پذیرد. ازاین‌رو، روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج پذیرفته می‌شود. این نوع ارتباط با جنس مخالف پیامدهای آسیب‌زای فراوانی دارد که برخی از آنها بدین قرار است:
۱. **آسیب‌های روانی**: زیاده‌روی در ارضای غریزه جنسی نه‌تنها باعث ارضای کامل نمی‌شود، بلکه آسیب‌زا نیز خواهد بود. به تعبیر شهید مطهری: «در این مورد هرچه عرضه بیشتر

گردد، هوس و میل به تنوع افزایش می‌یابد».[1]

ازآنجاکه هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود و تقاضای نامحدود، خواه‌ناخواه انجام‌نشدنی است، همیشه نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها با آن همراه است که این به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌انجامد.[2]

۲. آسیب رسیدن به زنان عفیف: بیشترین آسیب‌های ارتباط آزاد متوجه زنان است. خانم جینا لمبروزو،[3] روان‌شناس معروف ایتالیایی می‌گوید:

> اینکه گفته شود غرایز جنسی آزاد گذاشته شود و هرکس که مشتاق لذات و هوس‌رانی است، در پیروی از امیال خویش افسارگسیخته گردد، اگرچه در ظاهر مطلوب است، ولی برای زنان آسیب‌زاست؛ چراکه زنان دلربا و فریبنده به‌آسانی قادر بر تصاحب شوهر دیگران می‌شوند و زنان پارسا شاهد از دست دادن همسران خود می‌گردند و سرانجام در این عالم، بین زنان پارسا و تبهکار فرقی نباشد. ارتباط آزاد، سعادت ناچیزی نصیب زنان مردنما می‌نماید و در عوض، آنهایی که دارای حس مادری و آرزوهای بلند اجتماعی هستند، از بین رفته و نابود می‌گردند. سزاوار نیست زنانی که درخور تحسین‌اند، به‌خاطر عده‌ای محدود فدا شوند. قوانین معمول ملل جهان نیز همین است که نباید مصالح اکثریت، فدای لذات قلیلی شود. تردیدی نیست که بهترین راه‌حل همان راهی است که پیشینیان انتخاب نموده‌اند؛ یعنی زناشویی.[4]

۳. بروز آسیب‌های عاطفی: ارضای نیازهای عاطفی باید کنترل‌شده و قانون‌مدار باشد. تعاملات عاطفی آزاد زن و مرد، آسیب‌های فردی و اجتماعی فراوانی درپی دارد. ایور موریش[5] درباره لزوم قانون‌مندی ابراز عواطف می‌گوید: جامعه باید اظهار عواطف را به سامان درآورد و هر فرد بفهمد که مهار خود و قبول مسئولیت در قبال حالات عاطفی چقدر

---

۱. مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۸۷ - ۸۴.

3. Gina Lombroso.

۴. لمبروزو، روان‌شناسی زن، ص ۱۱۵ - ۱۱۳.

5. Murysh.

اهمیت دارد.[1]

هرگاه ارتباط آزاد که معمولاً ناپایدار و بدون چارچوب معین است، صورت گیرد، هریک از طرفین می‌توانند بدون درنظر گرفتن احساسات دیگری، به روابط پایان دهند که این امر می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به‌دنبال داشته باشد. می[2] معتقد است:

عشق مراحلی دارد؛ ازجمله میل روانی که از طریق پیوند با فردی عزیز به‌وجود می‌آید و هر دو همسر دراثر وحدت و رابطه بادوام، شادی و شعف را تجربه می‌کنند؛ چراکه انسان نمی‌تواند بدون میل به وحدت باقی بماند.[3]

خانم لمبروزو نیز تأکید دارد:

مرد در دنیای عشق امیدوار است که قلب زن برای نخستین بار به روی او گشوده شده و اولین کسی باشد که در آستانه او راه می‌یابد، و زن آرزومند است آخرینِ کسی باشد که در قلب مرد رسوخ کرده و در آن پناهگاهِ نیاز، برای همیشه جای گیرد.[4]

این امر با ارتباط آزاد با جنس مخالف کاملاً منافات دارد. این نوع رابطه گاه به وابستگی عاطفی دختر و پسر می‌انجامد. پس از مدتی که وابستگی‌ها شکل گرفت، امکان جدایی از نظر روانی، بسیار سخت و مشکل‌آفرین می‌شود. در چنین مواقعی، جوانان به افسردگی شدید دچار می‌شوند؛ چون از طرفی در بسیاری از موارد، هر دو طرف یا یکی از آنها خواهان استمرار این ارتباط دوستانه هستند و از طرف دیگر به‌دلیل ویژگی‌های شخصی، خانوادگی، اقتصادی یا اجتماعی ازدواج صورت نمی‌پذیرد. ازاین‌رو دچار تنش می‌شوند و در یک بن‌بست سخت گرفتار می‌آیند. به‌علاوه، این وابستگی عاطفی در بسیاری از موارد، آفت بزرگی برای تمرکز حواس می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ذهن را درگیر خود می‌کند و مطالعه و توجه در کلاس و تمرکز در هنگام کار

۱. موریش، درآمدی در جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ص ۴۲.

2. Mey.

۳. فیست، نظریه‌های شخصیت، ص ۶۴۰.

۴. لمبروزو، روان‌شناسی زن، ص ۱۲۰.

را بسیار دشوار می‌سازد.[1]

۴. **بروز آسیب‌های معنوی**: روابط آزاد زن و مرد از مصادیق شهوت‌رانی شمرده می‌شود. براساس روایات اهل‌بیت ﷺ، شهوت گذرگاه شیطان، سرسخت‌ترینِ دشمنان، فاسدکننده دین[2] و بیمارکننده عقل است[3] و افسوسِ در قیامت را به‌دنبال دارد.[4] کسی که عقل او بر شهوتش غلبه کند، برتر از ملائکه می‌گردد و کسی که شهوت او بر عقلش غلبه کند، از چهارپایان پست‌تر خواهد شد.[5] شاعر گران‌قدر مولوی گوید:

این جهان کوهست و فعل ما ندا — سوی ما آید نداها را صدا
مار شهوت را بکش در ابتدا — ورنه اینک گشت مارت اژدها[6]

۵. **کاهش ازدواج و محرومیت از منافع آن**: ارتباط آزاد با جنس مخالف سبب کاهش ازدواج در جامعه خواهد شد؛ زیرا براساس منطق مبادله، هنگامی که افراد به‌راحتی و با صرف هزینه اندک، امکان رسیدن به اهداف موردنظر خویش را داشته باشند و بتوانند از این طریق خود را ارضا کنند، انگیزه زیادی برای جایگزینی شیوه‌های همراه با مسئولیت (همچون ازدواج) نخواهند داشت.[7] الیزابت فاکس جنووز،[8] کارشناس مسائل زنان، در بیان وضعیت آمریکا می‌گوید:

> **تعداد زیادی از زنان جوان، هرچند به‌اشتباه، از رابطه جنسی و تن دادن به آن - و نه خویشتن‌داری جنسی - برای شیفته و مجذوب کردن مرد استفاده کردند. افزایش چشمگیر تولد کودکان نامشروع و کاهش نرخ ازدواج، حاکی از محاسبه اشتباه این زنان است. اما زنان جوانی هم که پایبند به هنجارهای سنتی و قواعد اخلاقی بودند، وضع بهتری نداشتند؛ زیرا مردان با دسترسی آسان به زنانی که مخالفتی با رابطه جنسی قبل از ازدواج نداشتند، انگیزه**

---

۱. احمدی، روابط دختر و پسر، ص ۳۱.
۲. طَاعَةُ الشَّهْوَةِ تُفْسِدُ الدِّین. (نوری طبرسی، مستدرک الوسایل، ج ۱۱، ص ۳۴۴)
۳. قَرِینُ الشَّهْوَةِ مَرِیضُ النَّفْسِ مَعْلُولُ العَقْلِ. (همان، ۳۴۶)
۴. مَا التَذَّ أحد مِن الدُّنیا لِذّه الاّ کانَت له یَوم القِیامه غُصه. (همان، ۳۴۷)
۵. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۱.
۶. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر اول.
۷. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۲۲.
8. Elizabeth fox Genovese.

خود را برای پذیرش تقاضای زنانی که رابطه جنسی را بهای ازدواج می‌دانستند، از دست دادند. تعجبی ندارد مردان جوانی که می‌توانند بدون ازدواج از رابطه جنسی برخوردار باشند، ازدواج را به تأخیر انداخته و یا به‌طورکلی از آن صرف‌نظر نمایند.[1]

۶. **کاهش لذت جنسی**: گرچه ارتباط آزاد، نیاز جنسی را برآورده می‌کند، استمرار این وضعیت و تجربه مکرر محرک‌های جنسی، آستانه تحریک حسی را بالا برده، لذت جنسی واقعی را به مرور کاهش می‌دهد. از بین رفتن لذت جنسی، آثار مخربی را در روابط بین همسران ایجاد می‌کند و زمینه ناسازگاری را فراهم می‌آورد.[2] در آموزه‌های دینی، فحشا زایل‌کننده لذت جنسی معرفی شده است؛ چنان‌که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

> خود را به زنا آلوده نکنید که خداوند لذت همسران را از درون شما می‌زداید.[3]

۷. **تنزل جایگاه زنان**: در این جوامع جایگاه بسیاری از زنان، از انسانی محترم به یک کالای جنسی عمومی تنزل می‌یابد؛ به‌گونه‌ای که مردان به بسیاری از زنان به چشم یک کالا می‌نگرند تا از آن بهره برند و سپس او را رها کنند. تحقیقات نشان می‌دهد نگاه به فرد به‌عنوان ابزار جنسی می‌تواند منجر به نارضایتی از جسم خود، اختلال‌های غذایی، پایین آمدن عزت نفس، احساس افسردگی و حتی مشکلات جسمی در دختران و زنان جوان شود.[4]

۸. **آسیب‌های مربوط به سلامت**: در جوامعی که اخلاق مدرن جنسی گسترش یافته، معیار اصلی در برقراری ارتباط با جنس مخالف، جاذبه‌های جسمانی زنان است. ازاین‌رو، آنان با تمرکز بر جسم خویش برای جذب جنس مخالف، دچار آسیب‌های مربوط به سلامت شده‌اند. رژیم‌های غذایی افراطی برای داشتن اندامی جذاب از جمله این آسیب‌هاست. در این رقابت، تعداد از دختران به معیارهای مطلوب خود در حفظ ظاهر و اندام دست می‌یابند و برخی نیز با برداشت منفی از ظاهر خود، شادمانی روحی خویش را از کف می‌دهند.

---

۱. فاکس جنوور، زنان و آینده خانواده؛ کتاب زنان، ص۲۳۷.
۲. رجبی، حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص ۱۴۲.
۳. لاتزنُوا فَیُذهِبَ الله لِذَّه نِسـائِکُم مِن أجوافِکُم ... . (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۸)
۴. بنگرید به: محققان سازمان روان‌شناختی آمریکا، تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب، ص ۱۰۴.

آزادی در رفتارهای جنسی موجب گسترش بیماری‌های جنسی به‌خصوص بیماری مهلک ایدز شده است.

۹. **گسترش سوءاستفاده جنسی:** آشکار ساختن جاذبه‌های جنسی از سوی زنان منجر به تحریک جنسی مردان می‌شود و چون قدرت جسمانی آنان بیشتر است، خشونت‌های جنسی نسبت به زنان، در محیط تحصیل، کار و جامعه گسترش می‌یابد. الیزابت فاکس جنووز می‌گوید:

> **آزادی جنسی زنان عملاً به تخیلات جنسی و تجاوزکارانه مردان انجامید و آنان نیز همگام با زنان، خود را از هنجارها و آداب و رسوم رفتار جنسی رها کردند.[۱]**

درنتیجه بسیاری از مردان و زنان از لذت پیوند عاطفی با همسر و بهره‌مندی از آرامش حاصل از این مودت و محبت و همچنین از رسیدن به کمال و بالندگی محروم گشته‌اند.

۱۰. **دغدغه دائمی برای برآوردن نیاز جنسی:** روابط جنسی خارج از محدوده خانواده، زودگذر و موقت است و فرد نسبت به استمرار رابطه متعهد نمی‌گردد. ازاین‌رو، بسیاری از زنان و مردان زمان بسیاری صرف می‌کنند تا شریک جنسی جدیدی بیابند که البته با او نیز تعهد روابط مستمری ندارند. به همین دلیل، آنان نگران نیاز جنسی سیری‌ناپذیر خود هستند که آیا در آینده نیز پاسخ‌گویی برای آن می‌یابند یا خیر. ویلیام گاردنر[۲و۳] می‌گوید:

> **بدون وجود ازدواج و خانواده جهت تنظیم میل جنسی، دچار آشفته‌بازاری از روابط جنسی خواهیم شد که در آن انسان‌ها به حیواناتی جفت‌جو تبدیل می‌شوند که تحریکات جنسی برای آنها همه چیز، و تعهد و مسئولیت [نیز] هیچ است.[۴]**

۱۱. **بلوغ زودرس و گسترش رفتارهای جنسی بدون مسئولیت:** حیازدایی از رفتارهای آشکار

---

۱. فاکس جنووز، زنان و آینده خانواده؛ کتاب زنان، ص ۲۳۷.

۲. ویلیام گاردنر دارای مدرک دکتری ادبیات انگلیسی از دانشگاه استانفورد آمریکاست. او از سال ۱۹۷۱ م در همین دانشگاه و نیز در دانشگاه یورک به تدریس پرداخته و دارای کتاب‌ها و مقالات متعدد در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است.

3. William Gardner.

۴. گاردنر، جنگ علیه خانواده، ص ۸۸ .

جنسی و دسترسی آزادانه به اطلاعات جنسی، سبب کاهش سن بلوغ و بیداری زودرس غریزه جنسی می‌شود. درنتیجه پسران و دختران چندین سال پیش از ازدواج به روابط جنسی روی می‌آورند. سقط جنین‌های گسترده، تولد فرزندان نامشروع بدون حمایت خانواده، رفتارهای جنسی خشن و شیوع افسردگی در بین نوجوانان، ازجمله پیامدهای این‌گونه روابط است.[1]

۱۲. **پرشمارترشدن زنان سرپرست خانوار:** ارتباط جنسی می‌تواند منجر به تشکیل سلول‌های اولیه انسان جدید شود. در صورت تداوم بارداری، انتساب او به مادر روشن است، ولی اثبات پدری مرد قطعی نیست؛[2] چراکه هیچ قرارداد الزام‌آوری زن را از ارتباط با سایر مردان بازنمی‌دارد. حال اگر مادر سرپرستی کودک را بپذیرد، محکوم به پذیرش سرپرستی فرزندی بدون حمایت پدر خواهد بود و این امروزه یکی از معضلات اجتماعی غرب است.

۱۳. **رواج انحرافات جنسی:** آزادی روابط زن و مرد توأم با پوشش‌های هوس‌انگیز زنان، میل شهوانی را در مردان - اعم از مجرد یا متأهل - چنان برانگیخته است که بسیاری از آنان براثر فزونی هیجان‌های غریزه جنسی به جنون جنسی مبتلا شده‌اند. به همین دلیل تجاوزهای جنسی به کودکان، همجنس‌بازی و ارتباط جنسی با انواع حیوانات در اروپا و آمریکا رواج یافته است.[3]

تحقیقات متعددی نشان داده که ارتباط آزاد جنسی به‌دلیل تغییر مداوم شریک جنسی، موجب اختلال در روابط جنسی می‌شود و بیشتر این مشکلات نیز متوجه زنان است. برای مثال در پژوهشی که در سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ م در دانشگاه لندن (مرکز تحقیقات جنسی و ایدز) صورت گرفته است، ۱۱ هزار زن و مرد انگلیسیِ ۱۶ تا ۴۴ ساله مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند که براساس آن، ۵۴ درصد از زنان به نوعی اختلال در رفتار جنسی مبتلا بودند؛ درحالی‌که افراد متأهل به‌مراتب کمتر از سایرین دچار مشکل بوده‌اند.[4]

۱۴. **سردی روابط همسران:** به‌دلیل عرضه گسترده جاذبه‌های جنسی زنان و سهولت ارضای

---

۱. همان.

۲. آزمایش‌های ژنتیک نیز می‌تواند عدم انتساب فرزند به مردی را اثبات کند، ولی انتساب او به مردی را به‌صورت قطعی اثبات نخواهد کرد.

۳. بنگرید به: فرهمند و بختیاری، فمینیسم و خانواده، واگردهای فمینیستی در ازدواج، ص ۱۵۲.

۴. بنگرید به: همان.

جنسی مردان با هرزنی (مجرد یا متأهل)، روابط عاطفی بسیاری از زن و شوهرها سرد و کم‌رنگ شده است. در بسیاری از پیوندها از عشقی آتشین خبری نیست. مردان به اندک تمایلی جسم زن را در اختیار دارند و زنان لطف تمنای پررنج مرد را برای وصال با خود نمی‌چشند. پس از ازدواج نیز بسیاری از زن و شوهرها به انحصار روابط جنسی همسر خود با خویشتن اعتمادی ندارند؛ حال آنکه قوی‌ترین عامل در استحکام روابط همسران، اعتماد به همسر در وفاداری جنسی است.

مطالعه‌ای در آمریکا که بر روی بیش از ۷ هزار مرد و زن (یک بار در ۱۸ سالگی و بار دوم در ۳۸ سالگی آنها) صورت گرفت، نشان داد کسانی که تا پیش از ازدواج پاک‌دامنی خود را حفظ کردند، نسبت به بقیه افراد ۵۰ درصد کمتر در معرض طلاق قرار می‌گیرند. همچنین میانگین درآمد آنها ۲۰ درصد بیشتر از دیگران است و در زمینه تحصیلی نیز به مدارج عالی‌تری می‌رسند. در ضمن پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هرچه روابط جنسی قبل از ازدواج کمتر باشد، زندگی مشترک پایدارتر است و فرد نیز خوشبخت‌تر، سالم‌تر و موفق‌تر است. همچنین پژوهش‌ها ثابت می‌کند که رابطه جنسی در چارچوب زندگی مشترک از لحاظ فیزیکی و عاطفی، رضایت‌بخش‌تر از رابطه جنسی آزاد است.[1] دکتر آیان کرنر[2] .مشهورترین مشاور امور جنسی در آمریکا ـ خطاب به زنان می‌نویسد: هرچه رابطه جنسی آزادتر باشد، رضایت و شادمانی عاطفی کمتری احساس می‌کنید. جرج گیلدر[3] نیز در سال ۱۹۷۳ م یادآور می‌شود: شواهد نشان می‌دهد مردان نیز وقتی ازدواج کرده، احساسات خود را یک جا متمرکز می‌کنند، زندگی بهتری دارند. وندی شلیت[4] می‌گوید:

> **از میان رفتن احساس شرم از رفتارهای نادرست جنسی موجب شده است که افراد، بیشتر دست به خشونت جنسی بزنند تا رفتارهای تعهدآمیز و عاشقانه. زوج‌ها به‌راحتی همدیگر را بدون اعتماد و با انزجار و حتی به‌گونه‌ای**

---

۱. وندی ولی دموس، دختران به عفاف روی می‌آورند، ص ۴۲ ـ ۴۱.

2. Ian Corner.

3. George Gilder.

۴. وندی شلیت متولد ۱۹۷۵ م در ایالت ویسکانسین آمریکاست. او که فارغ التحصیل رشته فلسفه از دانشکده ویلیامز است، سعی کرده با شواهد دقیق مشکلات ناشی از بی‌توجهی به عفاف را در جامعه آمریکا بررسی کند و به نقش اساسی عفاف در سلامت فرد و جامعه بپردازد.

انتقام‌جویانه ترک می‌گویند. مادرانِ تنها، فرزندان رهاشده، قلب‌های شکسته، بیماری‌های جنسی و هرج و مرج احساسات و همچنین سقط جنین، حاصل روابط جنسی مدرن است.[1]

۱۵. **توجه افراطی به مسائل جنسی:** در جامعه‌ای که تحریک جنسی فراوان باشد، بسیاری از افراد در مدتی طولانی متوجه مسائل جنسی‌اند، بی‌آنکه به مسائل عمیق و سازنده بیندیشند. در این محیط‌ها فعالیت‌های علمی و حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی کاهش می‌یابد. ازهمین‌رو، امروزه مهم‌ترین دلیلی که برخی کشورها برای حمایت از تأسیس محیط‌های علمی تک‌جنسیتی مطرح می‌کنند، کمک به رشد علمی دانش‌پژوهان است. برای نمونه در اواخر دهه پایانی قرن بیستم، کشور سوئد به کمیته رفع تبعیض علیه زنان سازمان ملل گزارش داد: دولت سوئد معتقد است که در صورت جداسازی دختران و پسران، دانش‌آموزان بهره علمی بالاتری خواهند برد.[2]

۱۶. **بی‌توجهی به بسیاری از نیازهای انسانی:** اخلاق نوین جنسی بسیاری از نیازهای غریزی آدمی را نادیده می‌گیرد؛ ازجمله:

یک. نیاز غریزی به مهر ورزیدن پدرانه و مادرانه؛

دو. نیاز غریزی به عشق ورزیدن و معشوق واقع شدن. این حس در محیط آکنده از هوس‌های موقت و هرجایی شکل نخواهد گرفت.

سه. نیاز غریزی به حیا و عفت‌ورزی و بسیاری از ارزش‌های اخلاقی دیگر.

هم‌خانگی یا زندگی مشترک بدون ازدواج

امروزه در جوامع غربی نوعی از روابط کم‌وبیش پایدار بین زن و مرد رواج یافته که عبارت است از هم‌خانگی یا زندگی مشترک یک زن با یک مرد بدون ازدواج. آندرا میشل در گزارش یونسکو اعلام می‌کند: شمار فزاینده‌ای از مردان و زنان بیرون از قاعده ازدواج زندگی مشترکی دارند. این حالت در اروپا بیشتر مشاهده می‌شود؛ چنان‌که در فرانسه ۱۰ درصد از زوج‌ها (حدود یک میلیون زوج) این‌گونه‌اند. در نروژ و دانمارک نیز از هر ۱۰ زوج، ۳ تا ۴ نفر

---

۱. بنگرید به: **فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳**، به نقل از: وندی، **بازگشت به عفاف**.

۲. طاهری، **بررسی اسناد بین‌المللی حقوق زنان**، ص ۸۱.

زندگی مشترک بدون ازدواج دارند.[۱]

عواملی چند سبب رواج این سبک زندگی است؛ ازجمله آزادی بی‌سابقه روابط جنسی، کاهش نظارت والدین بر رفتار جنسی فرزندان، ایدئولوژی استقلال و عدم تعهد، نداشتن جنبه رسمی و قانونی این نوع زندگی که امکان ارضای جنسی غیرمتعهدانه را فراهم می‌آورد و نیز مدارای بیشتر مالکان خانه‌های استیجاری درمورد اسکان زوج‌های هم‌خانه.[۲]

این هم‌زیستی زن و مرد بدون پیوند ازدواج، در واقع یک رفتار نامشروع[۳] می‌باشد که با زیرپا گذاشتن چارچوب‌های دینی و عرفی، مسئولیت‌پذیری مشترک را نادیده گرفته و عامل تولد فرزندان نامشروع بسیاری نیز می‌شود.

اندیشمندان غربی معتقدند: این شیوه زندگی به‌هیچ‌روی برای بروز عواطف اصیل و عمیق بین زن و مرد و پرورش صحیح فرزندان (به‌عنوان اهداف مهم ازدواج) زمینه مناسبی فراهم نمی‌آورد؛ چراکه بی‌ثباتی و ناپایداری از ویژگی‌های اصلی آن است. در ضمن ازآنجاکه این رابطه معمولاً مدتی به طول می‌انجامد، میان زن و مرد الفتی از نوع الفت در ازدواج به‌وجود می‌آید (البته همراه با انحصارطلبی)، اما چون در این نوع رابطه، شریک جنسی می‌تواند هر زمان که بخواهد به زندگی مشترک خاتمه دهد، هر دو طرف همواره در حالت اضطراب و نگرانی و احتمالاً بدبینی نسبت به یکدیگر به‌سر می‌برند و ازاین‌رو احساس رضایت عاطفی در میان آنها بسیار کمتر از احساس رضایت در میان زن و شوهرهاست.[۴] دانشمندان روزبه‌روز بیشتر به این نتیجه می‌رسند که هم‌خانگی یا همزیستی بدون ازدواج در واقع جایگزینی برای مجرد بودن است و نمی‌تواند جانشین ازدواج گردد.[۵]

◆ **برای مطالعه بیشتر**[۶]

گزارش ملی کشورهای اروپایی به سازمان ملل، اعتراف دولتمردان این کشورها به شیوع گسترده فجایع جنسی در کشورهایی است که نسبت به تأمین آزادی در رفتارهای جنسی

---

۱. فرهمند و بختیاری، **فمنیسم و خانواده؛ واگردهای فمنیستی در ازدواج**، ص ۱۴۱.

2. Allan and Crow, **Families, Households, and Society**, p. 66 - 68.

۳. برخی عنوان «زنای رایگان» را به این نوع رابطه اطلاق می‌کنند. مطابق قوانین ج.ا.ا نیز ارتباط جنسی زن و مرد خارج از عقله نکاح مجازات دارد.

۴. بستان، **اسلام و جامعه‌شناس خانواده**، ص ۶۲ .

۵. بنگرید به: **فمنیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳**، به نقل از: کیوپلسون، **مشکل ازدواج**.

۶. بنگرید به: یوسف‌زاده، **نقض حقوق زنان و کودکان در اتحادیه اروپا**.

بیشترین تعهد را دارند. نمونه‌هایی از این گزارش‌ها عبارت است از:
۱. گزارش ملی کشور انگلستان به CEDAW[۷] در سال ۲۰۰۸ م:
- در انگلستان خشونت‌های خانگی و جنسی علیه دختران و زنان ادامه دارد.
- قاچاق دختران و زنان در حال فزونی است.
۲. گزارش ملی کشور آلمان به CEDAW در سال ۲۰۰۴ م:
- زن در رسانه‌ها و تبلیغات به‌عنوان کالایی جنسی نشان داده می‌شود.[۸]
- زنان در آلمان مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند.[۹]
۳. گزارش ملی دولت بلژیک در سال ۲۰۰۶ م و گزارش ویژه فروش و هرزه‌نگاری کودکان در سال ۱۹۹۹ م:
- فروش کودکان در بلژیک مستقیماً به قاچاق گسترده انسان مربوط می‌شود. بیشتر قربانیان، دختران و زنان جوان اروپای شرقی هستند که برای به‌کارگیری در فحشا فروخته شده‌اند.
- در کشور پیشرفته‌ای نظیر بلژیک که فقط ۶ درصد از مردم فقیرند، نمی‌توان گفت که نیاز اقتصادی سبب روی آوردن به فحشا می‌شود. دلایل و عواملی که موجب می‌شود برخی از افراد به میل خود به این کار روی آورند، تقریباً در تمام اروپا یکسان است. این کودکان در سنین پایین با انواع خشونت‌ها، تجاوز جنسی، کم‌مهری و بی‌توجهی روبه‌رویند.
بسیاری از آنان در سنین ۱۲ تا ۱۳ سالگی از خانه می‌گریزند.
۴. گزارش دولت فرانسه از وضعیت کودکان در این کشور در سال ۲۰۰۶ م و گزارش ویژه فروش و هرزه‌نگاری کودکان در سال ۲۰۰۲ م:
- آمار فحشا در حال افزایش است. اعضای یک NGO در سرکشی از محلات پاریس دریافتند که زنان، کودکان و پسربچه‌هایی وجود دارند که از اروپای شرقی و آفریقای غربی اغلب به‌اجبار و توسط شبکه‌های سازمان‌یافته وارد فرانسه می‌شوند. این شبکه‌ها به دختران قول مشاغلی با درآمد بالا را می‌دهند یا از طریق اعضا با آنها ارتباط عاشقانه برقرار می‌کنند تا آنها را به خود وابسته کنند، اما به مجرد ورود آنان به فرانسه، برای وادار کردن آنها به اطاعت، اعضای خانواده‌شان را تهدید می‌کنند.
- طبق برآورد پلیس تعداد روسپیان فرانسه بین ۱۵ تا ۱۸ هزار نفر است که نیمی از آنها

۷. CEDAW «کمیته رفع تبعیض علیه زنان در سازمان ملل» است. همه کشورهایی که به معاهده بین‌المللی «کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان» ملحق شده‌اند، موظف‌اند وضعیت زنان را در کشور خود به این کمیته گزارش دهند. بنابراین گزارش‌های مذکور اعلام وضعیت زنان این کشورها از سوی دستگاه‌های رسمی و دولتی آن کشور است.

8. A/59/38, Par 384.
9. A/59/38, Par 400.

در پاریس‌اند.
- سوءاستفاده جنسی از کودک در محیط خانواده نیز رخ می‌دهد. در بازدید از مرکز نگهداری اطفال شامبون، کارکنان این مرکز اعلام کردند که در سال‌های اخیر تعداد نشانه‌های تجاوزهای جنسی در خانواده‌ها افزایش یافته است.
۵. گزارش ملی کشور فنلاند در سال ۲۰۰۸ م:
- هرزه‌نگاری در فضای رسانه‌ای و تبلیغی کشور فنلاند رو به افزایش است. این نمایش‌ها به تقویت کلیشه‌های موجود از زنان - به‌عنوان ابزار جنسی - و کاهش مناعت طبع دختران می‌انجامد.
- آمار تجربه‌های آزار و اذیت جنسی دختران در مدرسه‌ها بالاست.
۶ . در آمریکا نیز FBI در سپتامبر ۲۰۰۶ م گزارش داد که در سال گذشته حدود ۹۳۹۰۰ زن قربانی تجاوز جنسی شده‌اند؛ یعنی به‌طور متوسط از هر ۱۰۰ هزار نفر، ۶۲/۵ نفر. زنان آمریکا اغلب در محل کار خود نیز مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرند. کمیته فرصت‌های برابر شغلی آمریکا در سال ۲۰۰۶ م گزارش داد که این کمیته در سال ۲۰۰۵ م، ۱۲ هزار و ۶۷۹ مورد شکایت از سوءاستفاده جنسی در محل کار دریافت کرده که ۸۵ درصد آنها زنان بوده‌اند.

مدیریت غریزه جنسی

اسلام برای لزوم رفتار جنسی متناسب با شأن شریف انسانی قوانینی را معین کرده تا زمینه‌ساز رشد و کمال فرد و جامعه باشد. برخی از این قوانین را برمی‌شماریم:

۱. **تأکید بر رعایت حیا در روابط با جنس مخالف:** حیا سد محکمی برای انسان در مقابله با وسوسه‌های شیطانی است.

حیای از خدا آن است که فرد هنگام انجام کار ناپسند، خدا را ناظر بر اعمال خویش ببیند و از انجام آن خودداری ورزد. در این حال فرد به علم و آگاهی خدا اعتقاد دارد و حضور خدا را درک می‌کند.[1] هنگام طغیان غریزه جنسی، حیا عاملی بازدارنده از رفتارهای غیراخلاقی است. امام صادق علیه‌السلام در این باره فرمود:

حیا فقط مخصوص انسان است. اگر حیا نبود، ... از فحشا پرهیز نمی‌شد.[2]

---

۱. بنگرید به: شجاعی، نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۲۰ - ۲۸۹.
۲. أُنظُر یَا مُفَضَّلُ إِلَى مَا خُصَّ بِهِ الإِنسَانُ دُونَ جَمِیعِ الحَیَوَانِ ... فَإِنَّ مِنَ النَّاسِ مَن لَولَا الحَیَاءُ لَم یَرْعَ حَقَّ وَالِدَیهِ وَ لَم یَصِلْ ذَا رَحِمٍ وَ لَم یُؤَدِّ أَمَانَةً وَ لَم یَعِفَّ عَن فَاحِشَةٍ. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۳، ص ۸۱)

۲. ایجاد نگرش منفی نسبت به پیروی از غرایز حیوانی: در صورت ایجاد چنین نگرشی، اراده بازدارنده فرد نسبت به پیروی از شهوت‌ها تقویت می‌شود. حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

ابتدای شهوت‌ها طرب و شادی است و آخر آن رنج و دشواری.[1]

فیض کاشانی می‌گوید:

ز دست من گرفت هوا اختیار من — خون جگر نهاد هوس در کنار من
برمن چو دست یافت گرفت و کشان کشان — هرجا که خواست برد دل من مهار من[2]

۳. سفارش به تقوای چشم و گوش و زبان و لمس: بسیاری از خطاهای جنسی از این حواس آغاز می‌شود. گاه چشم می‌بیند و دل اسیر می‌شود؛ گوش می‌شنود و نیازهای غریزی تشدید می‌شود؛ زبان می‌گوید و رابطه هوس‌آلود شروع می‌گردد و لمس، نیاز خفته را بیدار می‌سازد. خداوند در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور[3] به مردان و زنان باایمان امر می‌کند تا در برخورد با نامحرم، دیدگان خود را فروآورند. امام علی علیه‌السلام در تفسیر این آیه مطلبی به این مضمون فرمود:

زیرا نگاه حرام عامل وقوع روابط حرام و ارتباط گناه‌آلود با نامحرم است.[4]

بیهوده نیست که بابا طاهر عریان گوید:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد — هر آنچه دیده بیند دل کند یاد
بسازم خنجری نیشش ز پولاد — زنم بر دیده تا دل گردد آزاد[5]

در مورد تقوای گوش نیز سفارش شده تا مردان و زنان از شنیدن موسیقی‌هایی که موجب تقویت تخیلات جنسی می‌شود، بپرهیزند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

غنا [= موسیقی مناسب مجالس لهو و لعب]، افسونِ رابطه جنسیِ حرام است.[6]

در آیات و روایات بر رعایت عفاف و حیای کلام نیز تأکید شده و درمورد تماس بدنی، از هر نوع لمس حتی اگر به صورت دست دادن با نامحرم باشد، نهی شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

---

۱. اول الشهوات طرب و آخرها عطب. (آمدی، غرر و درر، ص ۳۰۴)
۲. فیض کاشانی، دیوان اشعار، غزل ۷۶۰.
۳. قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ ... . (نور (۲۴):۳۱ - ۳۰)
۴. وَالنَّظَرُ سَبَبُ إِيقَاعِ الْفِعْلِ مِنَ الزِّنَا وَغَيْرِهِ. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۰۰)
۵. بابا طاهر عریان، دوبیتی‌ها، ش ۲۳.
۶. الغِنا رُقْيَةُ الزِّنَا. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۶، ص ۲۴۷)

کسی که با نامحرم دست بدهد، خداوند بر او غضب می‌کند.[۱]

۴. رعایت حجاب ازسوی زنان: هرچند بایدها و نبایدهای الزامی دین در روابط با نامحرم، دختران و پسران را یکسان دربر می‌گیرد، توصیه خاصی نیز به زنان شده است؛ چراکه جذابیت ظاهری و رفتاری زنان برای مردان، بسیار بیشتر از جاذبه مردان برای زنان است و مردان در برابر جنس مخالف، توان خویشتن‌داری کمتری دارند. ازاین‌رو، خداوند از سویی مرد را نیازمند زن خلق کرده و از جانبی دیگر با دستور به پوشاندن جذابیت‌های زنانه، مرد را به دستیابی محترمانه به او (از طریق ازدواج) توصیه کرده است. از همین‌روی، رعایت حجاب ـ که هدف از آن، حفظ ارزشمندی زن و نیز در امان داشتن او از سوءاستفاده مقتدرانه مرد است ـ بر زن واجب می‌باشد. درحقیقت حجاب، پیام بازدارنده به مردان بیماردل است تا در برخورد با زنان جانب احتیاط را رعایت کنند و از رفتار غیرمؤدبانه بپرهیزند. حجاب همچنین وسیله‌ای برای محدود کردن مردان در بهره‌جویی آسان از وجود زن است.
در سوره احزاب[۲] و نیز در سوره نور[۳] بر لزوم رعایت حجاب از سوی زنان تأکید شده است. برخی روایات در تفسیر این آیات، صورت و دست‌ها تا مچ را از پوشش مستثنا کرده‌اند. البته باید از آرایش و زینت چهره و دست‌ها در مقابل نامحرم نیز پرهیز کرد. مراجع عظام تقلید همگی بر وجوب رعایت این حد از حجاب فتوا داده‌اند.

خویشتن‌داری جنسی تا آستانه ازدواج

کنترل غریزه جنسی چنان اهمیتی دارد که خداوند حکیم امر فرموده است که دختران و پسران تا آستانه ازدواج عفت پیشه کنند و به رفتارهای جنسی حرام آلوده نشوند:

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لا يَجِدُونَ نِكَاحاً.[۴]

و کسانی‌که [وسایل] ازدواج نمی‌یابند، باید خویشتن‌داری کنند.

افزون بر این، قرآن کریم هر نوع ارضای جنسی خارج از چارچوب ازدواج را حرام دانسته و

---

۱. مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً تَحْرُمُ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۴)
۲. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلابِيبِهِنَّ. (احزاب (۳۳): ۵۹)
۳. لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ. (نور (۲۴): ۳۱)
۴. نور (۲۴): ۳۳.

آن را تعدی و تجاوز نامیده است.[۱]

شیوه‌های رایج رفتار جنسی حرام، خودارضایی، رابطه جنسی با هم‌جنس و روابط جنسی بیرون از چارچوب ازدواج است. بی‌تردید این رفتار از فردی سر می‌زند که با دو ملاک «بیشترین لذت» و «سریع‌ترین زمان» می‌خواهد به ارضا برسد و از همین‌رو محدودیت‌های اخلاقی برای او بی‌معناست.[۲]

یک. شناخت روابط جنسی حرام و پیشگیری از آن

۱. خودارضایی

این رفتار نوعی انحراف جنسی است که در دین مقدس اسلام حرام بوده و از گناهان کبیره شمرده می‌شود. امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤالی درباره خودارضایی فرمود:

> گناه بزرگی است که خدای متعال در کتاب خود از آن نهی کرده است.[۳]

این عمل آثار سوء جسمی و روانی نیز درپی دارد؛ ازجمله:

۱. ایجاد ضعف در برخی فعالیت‌های مغزی همچون ضعف در حافظه کوتاه‌مدت یا ضعف در تمرکز؛[۴]

۲. بروز اختلال‌های جنسی مانند ضعف لذت در ارتباطات جنسی پس از ازدواج و کم‌شدن قدرت باروری؛

۳. ضعف دستگاه عصبی و کنترل اعصاب؛

۴. ایجاد برخی از اختلال‌های خواب.[۵]

---

۱. وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ، إِلاَّ عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ، فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ. (مؤمنون (۲۳): ۷ - ۵)

۲. متقی‌فر، درآمدی برنظام اخلاق جنسی در اسلام، ص ۱۹۳.

۳. لَمّا سُئِلَ الصَّادِقُ علیه‌السلام عَنِ الْخَضْخَضَةِ فَقَالَ إِثْمٌ عَظِيمٌ قَدْ نَهَى اللهُ تَعَالَى عَنْهُ فِي كِتَابِهِ. (مجلسی، بحارالأنوار، ج۱۰۱، ص۳۰)

۴. خودارضایی مکرر باعث تحریک بیش از حد سیستم عصبی پاراسمپاتیک و افزایش تخلیه استیل کولین از انتهای این رشته‌ها در مغز می‌شود که این خود موجب پاره‌ای از عوارض جسمانی و روانی است؛ همچون حواس‌پرتی، ضعف حافظه و عدم تمرکز حواس. (دیانت مقدم، آرامش طوفانی، ص ۳۰ - ۲۹)

۵. بنگرید به: شریفی خضارتی، انحرافات جنسی؛ مطالعه تطبیقی جرم‌شناسی، ص ۲۳۵ - ۲۳۲.

۲. ارتباط با جنس مخالف خارج از چارچوب ازدواج

دختر و پسر مجردی که خویشتن‌داری نکنند و به رابطه جنسی مبادرت ورزند، مستحق مجازات در دنیا و عذاب الهی در آخرت‌اند. خداوند دراین‌باره می‌فرماید:

وَلا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلاً.[1]

و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری و بد راهی است.

در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم:

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.[2]

زن زناکار و مرد زناکار، هریک از آن‌دو را صد ضربه تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روزِ بازپسین ایمان دارید، نسبت به آن‌دو در [کار] دین خدا هیچ دلسوزی شما را گرفتار نکند، و باید دسته‌ای از مؤمنان مجازات آن‌دو را مشاهده کنند.[3]

حضرت علی علیه‌السلام نیز در مورد عذاب اخروی فردی که رابطه جنسی نامشروع دارد، می‌فرماید:

زناکار در آخرت با بد محاسبه‌ای روبه‌رو خواهد شد. خداوند مهربان [با وجود محبت نامحدودش] بر او خشم می‌گیرد و در آتش، جاودانه خواهد ماند.[4]

---

۱. اسراء (۱۷): ۳۲.

۲. نور (۲۴): ۲.

۳. امام رضا علیه‌السلام درمورد مجازات این افراد می‌فرماید: «... عِلَّةُ ضَرْبِ الزَّانِي عَلَى جَسَدِهِ بِأَشَدِّ الضَّرْبِ لِمُبَاشَرَتِهِ الزِّنَا، وَاسْتِلْذَاذِ الْجَسَدِ كُلِّهِ بِهِ، فَجُعِلَ الضَّرْبُ عُقُوبَةً لَهُ، وَعِبْرَةً لِغَيْرِهِ، ...؛ علت آنکه بربدن زناکار باید ضربات شلاق زد این است که بدن مرتکب زنا شده و با تمام وجود از آن لذت برده است. ازاین‌رو، شلاق به‌عنوان کیفر بدن و درس عبرت برای دیگران قرار داده شده است». (صدوق، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۹۷)

۴. إِيَّاكُم وَالزِّنَا ... فَسوءُ الحِسَابِ وَسَخَطُ الرَّحمنِ وَالخُلُودُ فِي النَّارِ. (صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۸۰) ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی نیز بیان می‌کند: «مجازات زنای دختر یا پسر مجرد صد ضربه شلاق است.» ماده ۸۳ نیز مجازات مرد یا زن متأهل را که همسرش در دسترس باشد و امکان رابطه جنسی با او را داشته باشد، ولی با این وجود زنا نماید، مرگ اعلام می‌کند. (البته ماده ۸۱ در مواردی با اثبات برخی دلایل در دادگاه، در مجازات تخفیف قائل شده است) در ماده ۶۷ این قانون نیز آمده است: مرد و زنی که وادار به زنا شوند، مجازات نمی‌شوند و آن‌که با دیگری به‌زور زنا کرده است، حتی اگر مجرد باشد، محکوم به قتل است.

در روایات، حکمت تعیین مجازات و اصرار بر اجرای آن، پاک ساختن مجرم از آلودگی گناه و پیشگیری از فراگیر شدن جرم در جامعه عنوان شده است. در حقیقت ازآنجاکه بعد فرامادی انسان اصالت دارد و فانی نخواهد شد، جسم مادی انسان در انحراف از مسیر، زیر فشار قرار گرفته، به‌سوی طهارت روح بازگردانده می‌شود تا پس از مشقتی موقت، از سعادتی ابدی بهره‌مند شود.

۳. ارتباط جنسی با هم‌جنس

این نوع رابطه نیز در اسلام حرام است و فردی که مرتکب این عمل شود، مجازات می‌گردد. آیات و روایات بسیاری بر حرمت رابطه جنسی با هم‌جنس تأکید دارد. برای مثال، آیاتی که به قوم لوط اشاره می‌کند،[1] زشتی هم‌جنس‌بازی مردان و عذاب الهی مربوط به آن را یادآور می‌شود. در یکی از این آیات می‌خوانیم:

> **و بارشی [از سنگ‌های عذاب] بر آنان باراندیم. پس بنگر فرجام خلافکاران چگونه بوده است![2]**

در آیاتی که به قوم رس اشاره شده نیز بر زشتی ارتباط جنسی زنان با یکدیگر (مُساحقه) و عذاب الهی آن تأکید شده است.[3]

قانون مجازات اسلامی ایران در ماده ۱۱۰ مجازات هم‌جنس‌بازی مردان را مرگ، و در ماده ۱۲۹ مجازات هم‌جنس‌بازی زنان را صد ضربه شلاق اعلام نموده است.

به نوشته بسیاری از مجلات پزشکی و علمی، هم‌جنس‌بازان برخی بیماری‌ها را چند برابر بیش از افراد غیر هم‌جنس‌خواه دارند: ایدز ۵ هزار برابر و سفلیس، سوزاک و هپاتیت نیز چندین برابر. بیشتر افراد هم‌جنس‌گرا از سلامت روانی مطلوبی برخوردار نیستند و دچار انواع افسردگی و بیماری‌های روانی هستند.[4]

---

۱. اعراف (۷): ۸۴ - ۸۰ ، هود (۱۱): ۸۳ - ۷۸ ، نمل (۲۷): ۵۸ - ۵۴ ، حجر (۱۵): ۷۵ - ۶۱ ، انبیاء (۲۷): ۷۴ ، شعراء (۲۶): ۱۷۴ - ۱۶۱ ، عنکبوت (۲۹): ۳۴ - ۲۸.

۲. وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَراً فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ. (اعراف (۷): ۸۴)

۳. بنگرید به: ق (۵۰): ۱۲؛ فرقان (۲۵): ۳۸.

۴. بنگرید به: فرهمند، فمینیسم و لزبینیسم؛ کتاب زنان، ص ۱۴۹ - ۱۴۸.

دو. ازدواج موقت

ازآنجاکه برخی زیر فشار شدید غریزه جنسی، توان خویشتن‌داری ندارند و نمی‌توانند به‌گونه‌ای بسیار ساده و آسان ازدواج کنند، در شریعت مقدس اسلام ازدواج موقت پیش‌بینی شده است. در این ازدواج مسئولیت‌ها حداقلی بوده و بر مرد لازم نیست مخارج همسر خود اعم از مسکن، خوراک و پوشاک را تأمین نماید؛ هرچند اگر حاصل ازدواج موقت تولد فرزندی باشد، زن و مرد تمام مسئولیت‌های پدر و مادر - همچون تأمین مخارج، نگهداری، حفظ سلامت و تربیت او - را برعهده دارند؛ تا جایی که تخلف از این مسئولیت‌ها حرام است و مجازات دنیوی نیز دارد. در توضیح بیشتر این نوع ازدواج نکاتی چند درخور ذکر است:

۱. ازدواج موقت یا صیغه، ازدواجی است مدت‌دار که باید با الفاظ عربی «ایجاب و قبول» منعقد گردد مدت آن نیز مشخص شود. در این ازدواج باید مهریه ذکر شود، وگرنه عقد باطل است. پس از عقد، هر زمان زن متقاضی مهریه شود، بر شوهر واجب است آن را به زن بپردازد. در ازدواج موقت به زن نفقه تعلق نمی‌گیرد و زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند. همچنین زن و شوهر می‌توانند هر شرط مشروعی را قرار دهند و بر هر دو لازم است بدان عمل کنند؛ مانند اینکه در این ازدواج رابطه زناشویی وجود نداشته باشد.

۲. در ازدواج موقت طلاق وجود ندارد و پایان آن با سپری شدن مدت عقد یا با بذل مدت (بخشش مدت باقی‌مانده عقد از جانب شوهر) محقق می‌شود. زنی که در عقد موقت مردی بوده و با یکدیگر رابطه زناشویی داشته‌اند، پس از اتمام دوران عقد باید عدّه نگه دارد. در این مدت، ازدواج وی با فرد دیگری به عقد دائم یا موقت حرام است.[۱]

۳. چنانچه دختری بخواهد به عقد موقت پسری درآید، درصورتی‌که پیش‌تر ازدواج نکرده باشد، باید پدرش به این امر رضایت دهد.[۲]

---

۱. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز در مواد ۱۱۹، ۱۰۴۳، ۱۰۷۵، ۱۰۹۵، ۱۱۱۳، ۱۱۵۸، ۱۱۶۸ و ۱۱۷۱ به این امور اشاره کرده است.

۲. آیات عظام امام خمینی ﷺ، خامنه‌ای، فاضل لنکرانی، تبریزی، نوری همدانی، مکارم شیرازی و سیستانی در رساله‌های عملیه خود به فتوا یا احتیاط واجب، اجازه پدر یا جد پدری را در ازدواج موقت دختری که قبلاً ازدواج نکرده است، لازم می‌دانند.

۴. در روایات اهل‌بیت ﷺ مردان متأهل از ازدواج موقت نهی شده‌اند، مگر آنکه توجیهی وجود داشته باشد؛ مانند عدم دسترسی به همسر و نیاز جنسی شدید. امام رضا ﷺ فرمود:

ازدواج موقت، حلال و مباح مطلق است، برای کسی که خداوند امکان ازدواج دائم را روزی او نکرده است. پس با ازدواج موقت خود را حفظ می‌کند. حال اگر با ازدواج دائم از آن بی‌نیاز شود، ازدواج موقت در صورتی برای او مباح است که از همسرش دور باشد.[1]

مهارت‌های رفتاری برای خویشتن‌داری جنسی

دختران و پسران مجرد برای خویشتن‌داری جنسی نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت رفتار خود هستند تا نفس سرکش را رام خویش سازند. برای تقویت خویشتن‌داری جنسی می‌باید:

۱. از راهکارهای اندیشه‌ای (تفکر در مورد فلسفه زندگی، تقویت باور به خدا، جدی گرفتن آخرت و افزایش اطلاعات درباره پیامدهای دوستی دختر و پسر)، گرایشی (توجه به کرامت خویشتن و مدیریت خواسته‌ها) و رفتاری (رعایت حدود الهی و مدیریت اوقات فراغت) استفاده کنید.

۲. به آثار منفی ارتباط آزاد با جنس مخالف بیندیشید و بکوشید تا عزت نفس شما افزایش یابد. به ارزشمندی خویش توجه داشته باشید و این کلام گهربار حضرت علی ﷺ را هرگز فراموش نکنید: «لَیسَ لِاَنفسِکم ثَمَنٌ اِلاّ الجَنَّةَ، فَلاتَبیعوها اِلاّ بها؛[2] برای نفس شما بهایی جز بهشت نیست. پس جز در ازای بهشت، آن را نفروشید».

پروین اعتصامی در شعری زیبا گوید:

دیده ببندی و در افتی به چاه — این گنه توست، نه حکم قضاست
کعبه دل مسکن شیطان مکن — پاک کن این خانه که جای خداست[3]

۳. هیجانات و احساسات خود را کنترل کنید؛ به این معنا که هدایت ارادی هیجانات غریزی را در دست بگیرید. در جریان کنترل نفس، آدمی هیجانات خود را می‌شناسد، می‌پذیرد و با هدایتشان به سمت هدف‌های بالاتر، به آنها فرصت بروز می‌دهد. انسان موجودی مختار و دارای اراده است و می‌تواند و باید خود و تصمیماتش را کنترل کند. ما

---

۱. سألت اباالحسن ﷺ عن المتعه، فقال: «هِیَ حَلالٌ مُبَاحٌ مُطلَقٌ لِمَن لَم یُغنِهِ اللهُ بِالتَّزوِیجِ فَلیَستَعفِف بِالمُتعَةِ فَإِنِ استَغنَی عَنهَا. بِالتَّزوِیجِ فَهِیَ مُبَاحٌ لَهُ إِذَا غَابَ عَنهَا.» (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۵۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۲)

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.

۳. اعتصامی، دیوان اشعار، قصیده ۸.

با مدیریت و کنترل خود می‌توانیم بگوییم بزرگ شده‌ایم و شأن انسانی یافته‌ایم و مسئول کارهای خود هستیم.

۴. خداوند می‌بیند و می‌شنود. این واقعیت را هرگز فراموش نکنید.

۵. در اتاق خواب، جلوی ماشین و دیگر جاها تصویر کعبه یا آیاتی از قرآن را نصب نمایید و به هنگام وسوسه شیطان، به آن نظر کنید تا یاد خدا در دل شما تقویت گردد. می‌توانید بالای صفحه رایانه خود آیاتی از قرآن را قرار دهید؛ مانند این آیه: «أَلَم یَعلَم بأَنَّ اللهَ یَرى؛ آیا نمی‌داند که خدا می‌بیند؟».[1]

۶. روزانه به فعالیت جدی و زیاد بپردازید تا فرصت نیابید که در تخیلات آزاردهنده فرو روید.

۷. برای مقاومت در مقابل وسوسه‌های جنسی، از شیوه تغییر وضعیت آگاهانه استفاده کنید؛ درست مانند اینکه در اوج خشم شما، فردی چیزی گفته که شما نتوانسته‌اید جلوی خنده خود را بگیرید و ناگهان احساس کرده‌اید خشم شما به‌سرعت برطرف شده است. بنابراین در زمانی که وسوسه‌ها به‌شدت شما را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند، آگاهانه از محیط وسوسه‌انگیز به‌سرعت خارج شوید و به کار مثبتی که کاملاً متفاوت با آن فضا باشد، مشغول گردید.

۸. از ورزش غفلت نکنید. ورزش باعث دفع انرژی زاید بدن و تعدیل قوای جنسی می‌شود و از نظر روانی نیز استقامت فرد را در برابر مشکلات و سختی‌ها افزایش می‌دهد. به‌دلیل صرف انرژی زیاد در ورزش، انسان خوابی عمیق خواهد داشت و این امر سبب آرامش می‌گردد.

۹. برای خواب خویش برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشید. فقط پس از خستگی زیاد به بستر بروید و صبح‌ها پس از بیداری به‌سرعت بستر خواب را ترک کنید.

۱۰. از پرخوری و پرخوابی بپرهیزید و از غذاهایی که سبب تقویت غریزه جنسی می‌شود، کمتر مصرف کنید؛ مانند گوشت قرمز، سرخ‌کردنی‌ها، پیاز، سوسیس و کالباس، غذای چرب و غذاهایی با طبع گرم همچون: خرما، پسته، شیرینی و خربزه. در ضمن غذای شب باید سبک و زودهضم باشد.

۱۱. روزه‌داری در کاهش میل جنسی مؤثر است و علاوه بر آن سبب تقویت تقوا و نیروی اراده می‌شود. در صورت امکان، روزه مستحبی نیز بگیرید.

۱۲. روابط عاطفی خود را با خانواده‌تان تقویت کنید.

۱۳. از دیدن فیلم و عکس، خواندن رمان و اشعار و شنیدن موسیقی‌هایی که میل جنسی را تقویت می‌کند، به‌شدت بپرهیزید؛ زیرا نزدیک نشدن به محرک‌ها آسان‌تر از مقاومت کردن در برابر تحریک است.

---

۱. علق (۹۶): ۱۴.

۱۴. دختران با رعایت حریم الهی در پوشش، گفتار و رفتار خویش، به جنس مخالف اثبات کنند که برای جسم خویش حرمت اخلاقی قائل شده‌اند.
۱۵. پسران با رعایت حریم الهی در نگاه، گفتار و رفتار، مردانگی خویش را در معرض دید دیگران قرار دهند، نه مردی خویش را. دختران و پسران توجه داشته باشند که حیوانات نیز جنس نر و ماده دارند و این موضوع برای آنها هیچ شرافتی نیاورده است.
۱۶. از شنیدن سخنان افراد متأهلی که روابط عاطفی خود با همسرشان را بازگو می‌کنند، اجتناب کنید.
۱۷. از دوستی با افرادی که اهل رفتارهای جنسی و غیراخلاقی هستند، بپرهیزید.
سنایی غزنوی چه زیبا سروده است:

منشین با بدان که صحبت بد — گرچه پاکی ترا پلید کند
آفتاب ارچه روشن است او را — پاره‌ای ابر ناپدید کند[1]

۱۸. با دوستان خوب به فعالیت سالم علمی، تفریحی یا اقتصادی بپردازید و خود را در آن غوطه‌ور سازید.
۱۹. از پوشیدن لباس‌های تنگ و لباس‌های زیرِ بسیار نرم یا بسیار زبر اجتناب کنید.
۲۰. با حضور در برنامه‌های مذهبی، ارتباط خود را با خدا تقویت نمایید.
۲۱. قرائت قرآن و دعا را در برنامه روزانه خود قرار دهید.
۲۲. فکر و خیال خود را کنترل کنید. حضرت علی علیه‌السلام فرموده است: «هرکس زیاد به فکر گناهان باشد، عاقبت به گناه آلوده می‌شود».[2]
۲۳. اوقات فراغت خویش را مدیریت کنید.
۲۴. از عطر و ادکلن‌های تحریک‌کننده جنسی استفاده نکنید.
۲۵. تابلوهای خانه‌تان حاوی مطالب یا تصاویری نباشد که تحریک‌کننده امیال جنسی است.
۲۶. هنگامی که میل جنسی شما تقویت شد، دوش آب سرد بگیرید و سپس به فعالیت سالمی که ذهن شما را مشغول سازد، بپردازید.
۲۷. از بیان احساسات لطیف خود نزد جنس مخالف بپرهیزید.
۲۹. تفاوت‌های جنسیتی را بیاموزید و در روابط خود، آن تفاوت‌ها را درنظر بگیرید؛ ازجمله آنکه: پسران از نظر جنسی سریع‌تر تحریک می‌شوند و تصورات جنسی به‌سرعت در ذهن آنان نقش می‌بندد و خویشتن‌داری برای آنها دشوارتر است؛ حال آنکه دختران در ارتباط خود با جنس مخالف بیشتر خواهان ارضای عاطفی هستند و در جذب جنس مخالف از طریق کلام و عشوه‌گری‌های رفتاری، توانمندی بیشتری دارند.

••

۱. سنایی، دیوان اشعار، ش ۶۹.
۲. مَن کَثُرَ فِکرُهُ فِی المَعاصِی دَعَتهُ إلَیها. (آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۸۶)

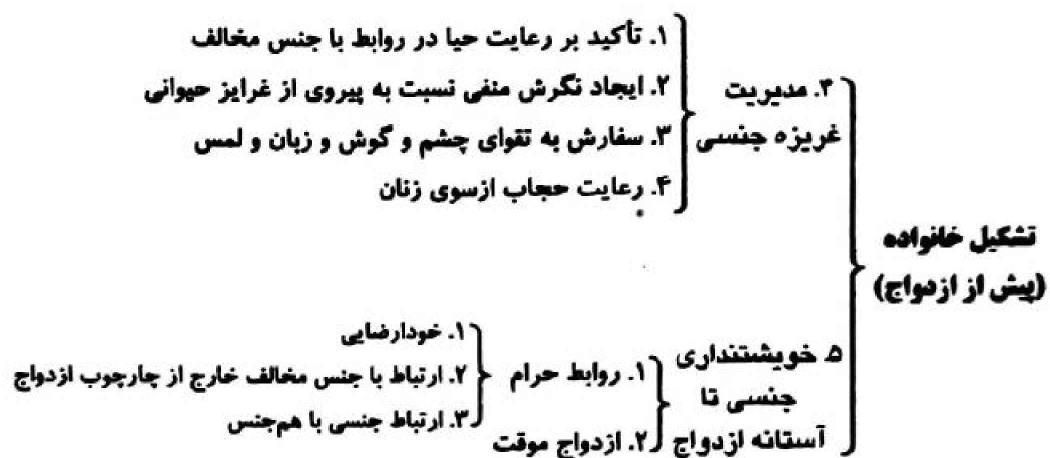
۳۰. با نگاه یا کلام غیرعادیِ جنس مخالف هیجان‌زده نشوید و از خیال‌پردازی در این زمینه اجتناب کنید.
۳۱. اگر برای رابطه‌ای دوستانه پیامی دریافت کردید، به‌صراحت بگویید که وارد این روابط نمی‌شوید، یا اینکه در صورت لزوم، آن را در جهت ازدواج قرار دهید.
۳۲. از روابط پنهانی با جنس مخالف بپرهیزید و برای هرگونه ارتباط با جنس مخالف از تجربه و مشورت والدین استفاده کنید.
۳۳. هیچ‌گاه خود را از آفات رابطه با جنس مخالف مصون ندانید؛ زیرا شیطان همیشه در کمین است.
۳۴. برای پیشگیری از تکرار خطاهای جنسی، بازه زمانی کوتاه‌مدت (مانند یک ماه یا چهل روز) تعیین کرده، با خود عهد کنید که در این مدت کوتاه از آن خطاها بپرهیزید. پس از گذشت موفقیت‌آمیز این دوره، به خود پاداش دهید و خدا را برای این موفقیت شکر کنید. حال با احساس خوبی که به‌دست آورده‌اید، بازه زمانی بعد را طولانی‌تر کنید. پس از مدتی می‌بینید که رفتار پاک و شایسته عادت شما شده است.
۳۵. در صورت ارتکاب خطای جنسی برای خود جریمه سنگینی قرار دهید تا نقش بازدارنده داشته باشد. صادقانه و خالصانه به درگاه خدا توبه کنید و این کلام خداوند را فراموش نکنید: «وَ لا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللهِ إِنَّهُ لا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللهِ إِلاَّ الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛[1] و از [گشایش و] رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که جز گروه کافران، [کسی] از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».
۳۶. توبه از گناه را هرگز تدریجی قرار ندهید؛ زیرا لذت شیطانی گناه شما را به ادامه آن وسوسه خواهد کرد. بنابراین توبه را قطعی انجام دهید و با عزمی جزم، رابطه شیطان را با خویش قطع کنید. این شعر را به یاد داشته باشید:

شب‌های دراز بی‌عبادت چه کنم — طبعم به گناه کرده عادت چه کنم
گویند کریم است و گنه می‌بخشد — گیرم که ببخشد ز خجالت چه کنم

---
۱. یوسف (۱۲): ۸۷.

نمودار مطالب فصل




تشکیل خانواده
(پیش از ازدواج)
۴. مدیریت
غریزه جنسی
۱. تأکید بر رعایت حیا در روابط با جنس مخالف
۲. ایجاد نگرش منفی نسبت به پیروی از غرایز حیوانی
۳. سفارش به تقوای چشم و گوش و زبان و لمس
۴. رعایت حجاب ازسوی زنان
۵. خویشتنداری
جنسی تا
آستانه ازدواج
۱. روابط حرام
۲. ازدواج موقت
۱. خودارضایی
۲. ارتباط با جنس مخالف خارج از چارچوب ازدواج
۳. ارتباط جنسی با همجنس

◆ **پرسش**

۱. پیامدهای منفی شکست عاطفی در عشق به جنس مخالف را در بین فردی از دوستان یا آشنایان خود ارزیابی کنید.

۲. پیامدهای مثبت و منفی دوستی با جنس مخالف چیست؟ آیا با احتساب هزینه و با درنظر داشتن فایده این دوستی‌ها، استمرار آن در غیر قالب ازدواج عاقلانه است؟

۳. چه راهکارهایی برای تقویت عفاف و حیا در جامعه پیشنهاد می‌کنید؟

۴. برای آنکه عقل و خرد یک جوان بر هوس‌های نفسانی او حاکم باشد، چه راهکارهایی را توصیه می‌کنید؟

◆ **منابعی برای مطالعه بیشتر**

۱. محمدرضا احمدی، **روابط پسر و دختر**، قم، نشر معارف.

۲. علی‌اصغر احمدی، **تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران**، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

۳. غلامعلی حداد عادل، **فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی**، تهران، سروش.

۴. سید مجتبی حسینی، **نگاه و پوشش (آرایش، گفتگو و روابط دختر و پسر)**، قم، نشر معارف.

۵. حسن رحیم‌پور ازغدی، **عفاف نماد هویت انسانی**، تهران، سنابل.

۶. وندی شلیت و نانسی لی دموس، **دختران به عفاف روی می‌آورند**، ترجمه و تلخیص سمانه مدنی و پریسا پورعلمداری، قم، معارف.

۷. یوسف غلامی، **راز یک فریب**، قم، نشر معارف.

۸. علی‌نقی فقیهی، **تربیت جنسی**، قم، دارالحدیث.

۹. محمود گلزاری، **ارتباط آگاهانه با جنس مخالف**، تهران، مهر.

۱۰. مرتضی مطهری، **مسئله حجاب**، تهران، صدرا.

۱۱. ـــــ، **اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب**، تهران، صدرا.

فصل دوم
تشکیل خانواده
(حین ازدواج)

اهداف درس

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

کارکردهای ازدواج را بشناسند.

۱ در برخورد با موانع ازدواج، راهکارهای مناسب برای رفع برخی از آنها را

۲ بدانند.

۳ با معیارهای همسرگزینی آشنا شوند.

۴ برخی مهارت‌های انتخاب همسر شایسته را فراگیرند.

◆ برگی از یک زندگی

همسر شهید چمران می‌گوید: مهریه‌ام قرآن کریم و تعهد از داماد بود که مرا در راه تکامل و اهل‌بیت علیهم‌السلام و اسلام هدایت کند. این اولین عقد در صور (از شهرهای لبنان) بود که در آن، عروس چنین مهریه‌ای داشت. اینها برای فامیلم و برای مردم عجیب بود.[1]

ازدواج و کارکردهای آن

رایج‌ترین و بهترین نظریه اندیشمندان و ادیان (به‌ویژه دین اسلام) برای پاسخ به نیاز انسان به جنس مخالف، ارضای آن در قالب ازدواج است. ازدواج کارکردهای فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. تکامل شخصیت: تجربه همسر شدن و پس از آن پدر یا مادر شدن، نوعی کمال شخصیت محسوب می‌شود. فرد بر اثر این دو تجربه، دیگران را بخشی از خود احساس می‌کند که این نوعی «توسعه خود» است. شهید مطهری می‌فرماید:

> ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعیِ فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. بعد از ازدواج وقتی می‌خواهیم کار کنیم، برای منِ تنها نیست. آن «من» تبدیل به «ما» می‌شود؛ به‌طوری‌که انسان به سرنوشت خانواده

---

۱. جعفریان، چمران به روایت همسر شهید.

علاقه‌مندتر است تا به سرنوشت شخص خودش، و رنج می‌برد تا آنها در آسایش باشند. این یک درجه از «خود» است.[1]

بنابراین ازدواج، عواطف لطیف انسانی را به خروش می‌آورد. در حقیقت عشق به همسر و سپس فرزندان سبب رشد عاطفی فرد متأهل می‌شود.

هنگامی که دختر و پسر ازدواج می‌کنند، به‌دلیل عشق به همسر خویش و به‌دلیل آنکه زندگی جدید را، خانه و خانواده خود، می‌دانند که با انتخاب خویش آن را بنا نهاده‌اند، نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کنند و درصدد رفع نیازهای خود و همسرشان برمی‌آیند. این تلاش جدی و شیرین سبب شکوفایی استعدادها می‌شود و بدین ترتیب خصلت‌های اخلاقی همچون خلاقیت و سازندگی، صبر و سازگاری، امیدواری و تلاش و نشاط و سرزندگی در آنان رشد می‌یابد.

۲. **کامل شدن ایمان:** یکی از دروازه‌های ورود شیطان به ذهن و روان آدمی، غریزه جنسی است و ازدواج عامل تسکین این نیاز است. همین امر سبب می‌شود که فرد به رفتارهای خلاف اخلاق روی نیاورد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

> هر جوانی که در آغاز جوانی خویش ازدواج کند، شیطان فریاد برمی‌آورد: «ای وای! ای وای! دوسوم از دین خود را از دستبرد من در امان داشت.» پس این بنده باید در یک‌سوم باقی‌مانده، تقوای الهی پیشه کند.[2]

بنابراین اگر فرد ازدواج نکند، ممکن است براثر فشار نیازهای جنسی به گناه کشیده شود. انجام چنین رفتارهایی باعث بروز احساس حقارت در فرد می‌شود و به کرامت نفس وی آسیب می‌رساند.

۳. **ایجاد آرامش روانی:** زن و شوهر محرک مثبت برای یکدیگرند و هنگام بروز مشکلات همراه و رفیق و حامی عاطفی هم‌اند. آنان با پیوند به هم، از ناراحتی ناشی از بی‌اعتمادی به آینده می‌کاهند.

سعدی به‌زیبایی می‌گوید:

زن خوب و فرمانبر پارسا   کند مرد درویش را پادشا

۱. مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۶۸.

۲. مَا مِنْ شَابٍ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةِ سِنِّهِ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَهُ يَا وَيْلَهُ! عَصَمَ مِنِّي ثُلُثَيْ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰)

برو پنج نوبت بزن بر درت / چو یاری موافق بود در برت[1]

فرد پیش از ازدواج به‌دلیل نیازهای مختلف ازجمله نیاز جنسی و نیاز به همراه در زندگی دچار نوعی ناآرامی و اضطراب است. بررسی وضعیت روانی دختران و پسران قبل از ازدواج، چگونگی تأثیر ازدواج در آرامش روانی را آشکار می‌سازد.

گذشته از این، در بین انسان‌ها نزدیک‌ترین رابطه عاطفی میان زن و شوهر برقرار می‌شود و این رابطه در کاهش نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و آشفتگی‌ها نقشی بنیادین دارد. بنابراین خانواده برای تأمین حمایت روانی و عملی در مقابله با تنش‌ها پایگاه مهمی شمرده می‌شود. نقش روابط زن و شوهر آن هنگام روشن می‌شود که تأثیر نبودِ این روابط یا آسیب به آن مشاهده شود. بی‌تردید شدیدترین فشارها براثر ازهم گسیختگی روابط خانوادگی پدید می‌آید. در آمارها آمده است که مرگ همسر ۱۰۰ درجه، طلاق ۷۳ درجه، زندگی جدا از همسر ۶۵ درجه، مشکلات جنسی ۳۹ درجه و تغییر عمده در روابط به‌دلیل مشاجرات خانوادگی ۳۵ درجه «تنیدگی»[2] به‌دنبال دارد.[3]

۴. **ارضای نیاز جنسی:** رابطه جنسی، به نشاط فردی و تسکین دردها و تنش‌های بدن می‌انجامد. این امر برای رفع افسردگی و رسیدن به شادمانی و برطرف شدن سستی و عدم تحریک‌پذیری، عاملی مؤثر است و حتی تندخویی و خشم را کنترل می‌کند.[4]

۵. **کسب استقلال:** ازجمله مهم‌ترین تحولات دوران جوانی، احساس نیاز به استقلال از خانواده است. بی‌گمان ازدواج بهترین پاسخ به این نیاز است؛ چراکه هم فرد را مستقل می‌کند و هم همگان، این استقلال را به رسمیت می‌شناسند.

۶. **تجربه مدیریت:** با گذر از دوران کودکی و نوجوانی، افراد تمایل دارند افزون بر مستقل شدن از خانواده، مدیریت مجموعه جدیدی را نیز تجربه کنند. دختر و پسر پس از ازدواج، مدیران خانواده نوپای خود خواهند بود؛ به آن‌سان که هریک به تناسب خویش به برنامه‌ریزی و اجرای ایده‌های خود می‌پردازند. بدیهی است با تولد فرزندان، حیطه این مدیریت نیز گسترده‌تر خواهد شد.

۷. **بهره‌مندی از حمایت‌های گسترده:** انسان تا قبل از ازدواج و به تناسب نیاز خویش از حمایت‌های

---

۱. سعدی، بوستان، باب هفتم.
۲. هر محرکی که در انسان ایجاد تنش کند، استرس‌زا یا عامل تنیدگی نامیده می‌شود.
۳. بنگرید به: سالاری‌فر و همکاران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۵۵ - ۳۵.
۴. بنگرید به: همان، ص ۵۳ - ۴۷.

مادی و غیرمادی خانواده و بستگان خود بهره‌مند است. با ازدواج و تشکیل خانواده جدید بر تعداد بستگان فرد افزوده می‌شود و فامیل همسر او نیز در زمره بستگان او قرار می‌گیرند. بنابراین چتر حمایت‌های عاطفی، روانی و گاه مالیِ بستگان بسیار گسترده‌تر می‌شود.

۸. **کسب اعتبار اجتماعی**: ازدواج، اعتبار اجتماعی خاصی به فرد می‌بخشد. در واگذاری شغل، مسکن، وام و ... معمولاً تأهل یک اولویت است. مردم نیز برای افراد متأهل احترام بیشتری قائل هستند.

۹. **ارضای میل به جاودانگی**: ازدواج و سپس تجربه شیرین پدر یا مادر شدن سبب می‌شود که انسان با گذر زمان، خود را رو به افول نبیند. بدین‌سان، فرد تداوم حیات خویش را در فرزندان خود می‌یابد که حاصل دسترنج مادی و معنوی اوست.

تسهیل ازدواج در رویارویی با موانع مختلف

در منابع اسلامی تأکید شده که در صورت مهیا بودن مقدمات اولیه ازدواج، دختر و پسر به دلایل واهی ازدواج را به تأخیر نیندازند و از مشکلات و موانع ازدواج، بیم به دل راه ندهند؛ چراکه خداوند پشتیبان آنها خواهد بود. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

> **بر خداوند حق است فرد مجردی را که برای رعایت عفاف از حرام الٰهی ازدواج می‌کند، یاری نماید.[1]**

دختر و پسر جوانی که با فراهم شدن مقدمات اولیه ازدواج به آن اقدام می‌کنند، از فواید و برکات ازدواج ـ که به بخشی از آن اشاره شد ـ زودتر بهره‌مند می‌شوند. اما متأسفانه امروزه امور مختلفی سبب تأخیر در ازدواج می‌شود؛ ازجمله افزایش سطح توقعات مادی و غیرمادی فرد و خانواده، آداب و رسوم دست و پاگیر و غلط، گرایش پسران جوان برای احراز موقعیت‌های بالای اقتصادی و اجتماعی قبل از ازدواج و تمایل برخی دختران برای کسب موقعیت‌هایی همانند مردان و اشتغال در مشاغل خارج از خانه، مشکلات خانوادگی، رعایت ترتیب در ازدواج فرزندان، ترس و نگرانی ناشی از سوءسابقه ذهنی، تغییر معیارهای گزینش همسر و گرفتار شدن به آرمان‌زدگی و ایدئال‌خواهی افراطی در

---

۱. حَقٌّ عَلَى اللهِ عَوْنُ مَنْ نَكَحَ الْتِمَاسَ الْعَفَافِ عَمَّا حَرَّمَ اللهُ. (متقی هندی، **کنزالعمال**، ج ۱۶، ص ۲۷۶.

انتخاب همسر، نداشتن خواستگار مناسب، سربازی و اشتغال به تحصیل. در پژوهشی که در سال ۱۳۹۰ در بین دانشجویان متأهل دانشگاه‌های مختلف انجام پذیرفت، موانع ازدواج از دید دانشجویان به ترتیب اولویت عبارت بود از: چشم و هم‌چشمی، نداشتن شغل (به‌ویژه برای پسران)، اولویت یافتن ملاک‌های ظاهری در انتخاب همسر، تحمیل جامعه و خانواده نسبت به تأخیر ازدواج پسران، عدم امکان شناخت طرفین به‌دلیل تنوع در گرایش‌های فرهنگی و اعتقادی، پوشش نامناسب دختران، کاهش انگیزه ازدواج در پسران، کم‌جرئت شدن افراد جامعه در معرفی دختران و پسران برای ازدواج و نیز تفاوت والدین با جوانان در معیارهای انتخاب همسر.[1]

در این بخش به تعدادی از موانع ازدواج و راهکارهای برطرف کردن آنها اشاره می‌شود.

۱. اشتغال به تحصیل

بسیاری از دختران و پسران، اشتغال به تحصیل را مانع ازدواج می‌دانند و تصور می‌کنند ازدواج مانع پیشرفت تحصیلی آنان می‌گردد؛ درحالی‌که هرچند ازدواج سبب می‌شود تا آنها ساعات کمتری درس بخوانند، بازده آن بهتر و بیشتر خواهد بود. در این زمینه به نکته‌های زیر توجه کنید:

یک. فاصله میان عقد تا عروسی کمی بیشتر باشد.

دو. شروع ازدواج با مقاطع حساس تحصیلی (کنکور، امتحانات و ...) هم‌زمان نباشد. مراسم عروسی نیز پس از گذراندن یک یا دو ترم برگزار شود تا پایه‌های تحصیلی محکم شده باشد و امکان ترک تحصیل کمتر شود.

سه. عروس و داماد با دلگرمی و امید، یکدیگر را در مسیر تحصیل علم یاری دهند و در امور خانه به یکدیگر کمک کنند.

چهار. قانع باشند؛ چه آنکه با قناعت می‌توان آرامش فکری و روحی بیشتری به‌دست آورد و در مسائل آموزشی و پژوهشی پیشرفت کرد.

پنج. والدین و خانواده‌ها از آنها حمایت کنند.

۱. بنگرید به: محبّی، جامعه‌شناسی تنگنای ازدواج در ایران.

شش. کارهای اضافی و غیرضروری از برنامه روزانه حذف شود تا زمان برای کارهای مهم فراهم گردد.
هفت. می‌توان هم‌زمان با هم یا زمانی که همسر در منزل نیست، درس خواند؛ زیرا برخی اوقات، درس خواندن هنگام حضور همسر، نوعی بی‌توجهی به او تلقی می‌شود.

۲. سطح تحصیلات

ازآنجاکه امروزه سطح تحصیلات بسیاری از دختران بالاتر از سطح تحصیلات پسران است، باید توجه داشت که ارزیابی و قضاوت درباره چند و چون تفاوت تحصیلات دخترها و پسرهای آماده ازدواج می‌باید با عنایت به هوشمندی، کفایت عقلانی، تجارب ارزشمند حرفه‌ای و بینش اجتماعی طرفین انجام پذیرد. درواقع صرف تفاوت بسیار در میزان تحصیلات نمی‌تواند و نباید مانعی برای زوجیت باشد. چه‌بسا پسرهایی که با وجود بهره‌مندی از ظرفیت هوشی بالا و رشد مطلوب عقلانی و امکان ادامه تحصیلات دانشگاهی، به دلایلی ازجمله کسب مهارت‌های مورد نیاز، بضاعت مالی محدود و اشتغال، موفق به تحصیلات دانشگاهی نشده‌اند. بی‌تردید برخورداری پسر از تجارب حرفه‌ای مفید و ارزشمند از نظر منطقی به‌مراتب از صرف تحصیلات نظری والاتر و ارزشمندتر باشد.[1] ازاین‌رو پسر و دختر درچنین شرایطی می‌توانند همسر شایسته‌ای برای یکدیگر باشند؛ به شرط آنکه:
یک. پسر فهمیدگی لازم را برای پذیرش مدیریت خانواده داشته باشد؛ دوست‌دار دانش باشد و مانع تحصیل همسرش نشود و همچنین دارای ویژگی برتری از حیث اطلاعات عمومی یا سطح خانوادگی باشد.
دو. زن ظرفیت پذیرش مدیریت شوهری با تحصیلات کمتر را داشته باشد.

۳. مسائل اقتصادی

مسائل اقتصادی را نباید مانع ازدواج دانست. اگر امکانات لازم و ابتدایی برای زندگی مشترک وجود داشته باشد، می‌توان برای ازدواج اقدام کرد. در این زمینه:

۱. افروز، تحصیلات و تفاوت‌های تحصیلی در ازدواج، ص ۱۲ - ۱۱.

یک. باید به خداوند متعال توکل کرد. خداوند در قرآن وعده فرموده:

إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.[1]

اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می‌سازد.

دو. پسران ضمن پایین آوردن سطح توقعات شغلی خود بکوشند تا شغل مناسبی بیابند و در این راه از پرداختن به مشاغل پاره‌وقت و نیمه‌وقت امتناع نکنند. با تلاش و توکل به خدا می‌توان در آینده صاحب موقعیت‌های شغلی مناسب‌تری شد.

سه. دختران نیز هنگام انتخاب همسر توجه کنند که پسر، جوهره کار و قابلیت تأمین امکانات مورد نیاز را داشته باشد. اگر پسر اهل کار و تلاش است، اما هم‌اکنون نمی‌تواند نیازهای زندگی را برآورده کند، می‌تواند از حمایت خانواده تا زمان فراهم شدن امکانات بهره‌مند باشد.

چهار. برای ازدواج نباید توقعات بالایی در میزان مهریه، جهیزیه و مسکن داشت. اگر این امور ساده گرفته شود، ازدواج آسان و شیرین خواهد شد. برای کمتر شدن مخارج ازدواج، خانواده‌ها با جلوگیری از تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی، برای برگزاری جشن ساده بکوشند تا برای فرزندشان امکانات ازدواج فراهم شود.

پنج. درصورتی‌که در منزل پدر دختر یا پسر امکانات خلوت مناسب زوج جوان فراهم باشد، می‌توان فاصله عقد تا عروسی را طولانی‌تر کرد تا پسر امکان تهیه مسکن، و دختر امکان تهیه جهیزیه را بیابد.

شش. در صورت امکان، زوج جوان در آغاز زندگی از امکانات مسکن والدین استفاده نمایند.

هفت. بستگان زوج جوان توجیه شوند که به‌جای هدایای غیرنقدی کم‌اهمیت، هدایای نقدی به آنها اهدا کنند.

هشت. در صورت امکان والدین دختر برای تهیه جهیزیه، فقط به موارد ضروری اکتفا کنند و بقیه هزینه جهیزیه را برای تهیه مسکن در اختیار زوج جوان قرار دهند.

نه. در تعیین مهریه به شرایط اقتصادی مرد توجه شود و با تعیین مهریه بالا، دختر (و اساساً خود ازدواج) وجهه اقتصادی پیدا نکند.

ازآنجاکه تأمین جهیزیه در بیشتر مناطق ایران برعهده خانواده دختر است، گاهی

---

۱. نور (۲۴): ۳۲.

فقر فرهنگی، پافشاری بر آداب و رسوم غلط و مقایسه خود با دیگران، این ماجرا را به یک معضل تبدیل می‌کند. بنابراین باید توجه داشت که از نظر اسلام و قانون، تهیه جهیزیه برعهده دختر و خانواده وی نیست و این تنها یک مسئله عرفی است. درواقع جهیزیه برای آغاز زندگی مشترک است که با همت طرفین، وسایل زندگی کامل‌تر خواهد شد. ازاین‌رو اگر جهیزیه مختصر بود و برخی ایراد گرفتند و رفتار نامناسبی نشان دادند، مرد باید مدافع همسرش باشد و از این سو زن نیز نباید در موضع دفاع قرار گیرد؛ زیرا پاسخ به هر ایرادی لازم نیست.

۴. خدمت سربازی

خدمت سربازی مانعی برای ازدواج محسوب نمی‌شود؛ ضمن آنکه حمایت‌های والدین در دوره کوتاه سربازی به آنها کمک خواهد کرد. افزون بر این، مرد در دوران سربازی در محل سکونت خود و همسرش خدمت می‌کند و حقوق سربازی او نیز دو برابر است. گاه می‌توان با توافق همسر، مراسم عروسی را تا پایان دوران خدمت سربازی به تعویق انداخت.

۵. طلاق پدر و مادر

اگر طلاق پدر و مادر مانع ازدواج است، باید توجه داشت:

یک. برخی نگران دعواها و درگیری‌های والدین و تأثیر منفی آن بر دختر و پسر هستند؛ حال آنکه چه‌بسا دعواها و اختلافات، پنهانی و دور از چشم فرزندان بوده است.

دو. عده‌ای نگران خلأهای عاطفی فرزندان طلاق هستند؛ درحالی‌که ممکن است این خلأ را پدربزرگ، مادربزرگ یا سایر افراد فامیل جبران کرده باشند.

سه. برخی نگران تربیت ناصحیح فرزند طلاق هستند؛ حال آنکه چه‌بسا فردی که نگهداری او را برعهده گرفته، به‌خوبی وی را تربیت نموده باشد. بنابراین:

- ازآنجاکه هر دختر یا پسر دیگری نیز امکان دارد که دارای ضعف‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری باشد، دربرخورد با فرزند طلاق نیز می‌باید فرایند تحقیق همچون دیگران انجام پذیرد.
- در جلسات خواستگاری ضمن مطرح کردن به‌موقع این موضوع، باید دلایل طلاق

والدین برای خانواده طرف مقابل توضیح داده شود. این کار سبب می‌شود تا آنها موقعیت را بهتر درک کنند.

۶. سوءسابقه والدین

سوءسابقه والدین نیز مانع ازدواج فرزندان نیست، اما در این زمینه بررسی و تحقیق ضروری است. اگر سایه بدنامی اعتیاد، انحراف اخلاقی، بزهکاری یا حبس والدین، زندگی آینده را تهدید می‌کند، برای اطمینان‌بخشی به طرف مقابل باید توضیح داد که شخصیت او متمایز از فضای حاکم بر خانواده است. همچنین افزایش توانایی‌های فردی و تلاش برای یافتن وجهه اجتماعی مثبت برای خود در جامعه نیز امری ضروری است.

۷. سن

اگر دختر و پسر رشد فکری مناسبی برای زندگی مشترک دارند، نباید ازدواج آنان به تأخیر بیفتد. ازدواج در اوایل جوانی سبب می‌شود تا افراد از نعمت‌ها و برکات ازدواج زودتر بهره‌مند شوند و پیش از آنکه شخصیت آنها قالب محکمی پیدا کند، در کنار یکدیگر رشد کنند. ازدواج در اوایل جوانی اغلب باعث انعطاف‌پذیری، گذشت، نشاط روحی بیشتر به همراه توقعات پایین‌تر، سازگاری بیشتر با همسر و در نهایت موجب آرامش بیشتر در زندگی خواهد شد. البته برای ازدواج در سنین بالا نیز باید یادآور شد که تجربه و پختگی برای افراد مسن‌تر، مزیتی برای زندگی مشترک به‌شمار می‌آید. بی‌تردید بالا رفتن سن موجب کسب تجربه بیشتر می‌شود و درنتیجه، زندگی آرامش خواهد یافت. درباره نگرانی از بارداری خانم‌ها در سن بالا نیز باید توجه داشت که خانم‌ها تا پس از چهل سالگی نیز باردار می‌شوند. افزون بر این، چه بسا افرادی در سنین پایین نیز از موهبت بچه‌دار شدن محروم باشند. مهم آن است که همسران در زندگی مشترک خود آرامش داشته باشند.

به‌طورکلی سن حقیقی انسان برآیندی است از سه مؤلفه اصلی: سن شناسنامه‌ای یا سال تولد، سن زیستی یا بیولوژیکی و سن روانی و عقلانی و سرزندگی. گاه دو نفر دارای سن شناسنامه‌ای یکسان و سن زیستی متفاوتی هستند. برای مثال، شخصی بسیاری

از موهای سرش سفید شده و پوست او دارای کمی چین و چروک است، اما دیگری حتی یک تار موی سفید هم ندارد و سلامت دندان‌ها و پوست بدنش نشان‌دهنده سن زیستی کمتری است. گاه نیز افراد با سن شناسنامه‌ای یکسان، سن روانی متفاوتی دارند. نشاط و سرزندگی، پویایی فکر، بلوغ عقلانی و قابلیت مطلوب همسرداری، قدرت و مهارت ابراز احساسات، انگیزه‌های تلاش، امیدآفرینی و امیدبخشی، توانمندی‌ها و مهارت‌های کلامی، هوش هیجانی و ارتباطات اجتماعی، نشان‌دهنده سن روانی و بلوغ عقلانی افراد است.[1]

نکته درخور توجه اینکه، امروزه بیشترین سهم جمعیت ایران را جوانان تشکیل می‌دهند و یکی از نیازهای مهم آنان نیز ازدواج است. حال اگر ازدواج جوانان با فاصله سنی کم اتفاق افتد، این نیاز آنان به‌خوبی پاسخ داده خواهد شد. برای وضوح بیشتر مسئله مقایسه تعداد پسران و دختران مجرد لازم است: سرشماری سال ۱۳۹۰[2] بیانگر آن است که تعداد پسران مجرد ۳۰ تا ۳۴ سال ۵۵۸ هزار و ۶۶۹ نفر و تعداد دختران مجرد ۳۰ تا ۳۴ سال ۵۳۳ هزار و ۹۱۰ نفر بوده است. در مقطع سنی ۳۵ تا ۳۹ سال نیز تعداد پسران مجرد ۱۸۵ هزار و ۷۹۵ نفر و تعداد دختران مجرد ۲۴۸ هزار و ۷۰۹ نفر بوده است. حال اگر پسران برای ازدواج با دخترانی با فاصله سنی ۵ یا ۶ سال کوچک‌تر از خود اصرار داشته باشند، بسیاری از دختران فرصت ازدواج را از دست خواهند داد، ولی اگر پسران مجرد با دخترانی با فاصله سنی ۲ تا ۴ سال کوچک‌تر از خود ازدواج نمایند، قریب به اتفاق دختران و پسران از نعمت ازدواج بهره‌مند خواهند شد. آمار طلاق در کشور نیز بیانگر آن است که ازدواج همسالان یا افرادی با فاصله سنی اندک، ازدواج‌های موفقی بوده است. برای نمونه، آمار ازدواج و طلاق در سال ۱۳۸۸ نشان می‌دهد که بیشترین نسبت ازدواج به طلاق در این سال در بین زوج‌های همسال اتفاق افتاده است؛ به این معنا که بیشترین ازدواج و تعداد اندک طلاق در بین زن و شوهرهای هم‌سن بوده است و سپس در میان زوج‌هایی که پسر یک یا دو سال از دختر بزرگ‌تر بوده است.[3] کاهش طلاق در بین همسالان به‌دلیل نقش همفکری و همدلی بیشتر بین همسران با فاصله سنی اندک است. ازاین‌رو مناسب است پسران به ازدواج با دخترانی با فاصله سنی اندک تشویق شوند.

---

۱. بنگرید به: افروز، سن و تفاوت‌های سنی در ازدواج، ص ۱۲ ـ ۱۰.
۲. مرکز آمار ایران.
3. www.sabteahval.ir.

نکاتی درباره ازدواج با تفاوت سنی معکوس

مطابق عرف و فرهنگ کشور ما، داماد معمولاً بزرگ‌تر از عروس است. اگر در شرایطی سن دختر بالاتر بود، در این زمینه لازم است دختران به این نکات توجه کنند:

یک. مراقب آثار گذر عمر بر جسم و روان خود باشند و از عواملی که آنها را فرسوده می‌سازد (همچون حساسیت زیاد نسبت به مشکلات زندگی - که نشاط روانی را از بین می‌برد - یا آنچه سبب به‌هم خوردن تناسب اندام یا از بین رفتن طراوت پوست صورت می‌شود)، بپرهیزند و بکوشند با ورزش و مراقبت‌های لازم، خود را جوان‌تر نگاه دارند.

دو. به علاقه‌ها و سلیقه‌های همسر جوان‌ترشان توجه کنند و رفتار خود را با آنها تنظیم نمایند.

۸. بیماری والدین

چنانچه کسی به‌دلیل بیماری پدر یا مادر (یا هردو) مجبور به مراقبت از آنها باشد، نباید ازدواج را به تأخیر بیندازد؛ چراکه ممکن است فرصت‌های ازدواج مناسب را از دست بدهد؛ ضمن آنکه پدر و مادر نیز از تأخیر ازدواج فرزندشان رنجیده خاطر خواهند شد. برای حل این مسئله در صورت وجود خواهر یا برادر می‌توان مسئولیت رسیدگی به والدین را بین یکدیگر تقسیم کرد. در غیر این صورت در انتخاب همسر باید فردی را برگزید که مانع مراقبت همسر از والدین خود نشود. همچنین در صورت امکان می‌توان برای آنها پرستار گرفت.

۹. سخت‌گیری در معیارهای ظاهری

نباید انتظار بالا از زیبایی همسر را مانعی برای ازدواج خود قرار داد؛ زیرا:

یک. هیچ فردی زیبایی مطلق ندارد. ازاین‌رو باید سطح توقع خود را نسبت به زیبایی همسر تعدیل کرد.

دو. زیبایی امری شدنی است و فردی که برای ازدواج انتخاب می‌شود، با آرایش، لباس و ... زیبا خواهد شد؛ همان‌گونه که برخی زیبارویان، زیبایی واقعی ندارند و در صورتِ محو پیرایه‌ها و آرایش‌ها هرگز مورد پسند نخواهند بود. باید دانست زیبایی پس از مدتی عادی می‌شود و آنچه مهم جلوه می‌کند، رفتار همسر است.

سه. زیبایی امری ترکیبی است. چه بسیار دختران خوش‌سخن و خوش‌اخلاق و پسران مهربان و فهمیده که پس از اندکی زندگی مشترک، در چشم همسر خود زیباترین جلوه خواهند کرد.

چهار. زیبایی نسبی است؛ چه‌بسا دختری در چشم پسری زیبا جلوه کند، حال آنکه مادر پسر در مراسم خواستگاری او را نمی‌پسندد.

پنج. زیبایی زیاد دختر یا پسر برای کسانی که نسبت به برخورد جنس مخالف با همسرشان غیرت و حساسیت زیادی دارند، گرفتاری ایجاد خواهد کرد؛ بدین بیان که هم همسر دائماً نگران است و هم زن یا مرد با محدودیت‌های رنج‌آفرین همسر مواجه خواهد بود.

شش. گاهی زیبایی همسر سبب غرور، تکبر و فخرفروشی او می‌شود که این امر زندگی مشترک را تلخ و تحمل‌ناپذیر خواهد ساخت.

۱۰. باورهای اشتباه

برخی از باورهای نادرست در زمینه ازدواج عبارت است از:

یک. ترس از محدود شدن آزادی‌های دوران مجردی؛ حال آنکه:

- از دست دادن برخی از آزادی‌های دوران مجردی، بهای رشد و آرامش گران‌بهایی است که در دوران تأهل به‌دست می‌آید.
- برای اینکه حس عدم آزادی به‌وجود نیاید، بهتر است طرح تازه‌ای برای روابط با دوستان درنظر گرفته شود تا از روابط دوره مجردی در حد متعادل استفاده گردد. هنگام انتخاب همسر نیز نظر وی در مورد آزادی‌های دوران مجردی و حفظ مواردی که برای فرد مهم است، پرسیده شود تا در این زمینه به تفاهم برسند.

دو. ترس از مشکلات زندگی؛ حال آنکه:

- یادآوری سابقه پیروزی بر مشکلات به‌خوبی می‌تواند باعث افزایش امید و درنتیجه موجب کاهش ترس باشد.
- مشورت با افراد موفق در زندگی برای کاهش ترس از مواجهه با مشکلات زندگی مشترک، بسیار مؤثر است.
- در انتخاب شریک زندگی باید به توانایی وی در حل مشکلات دقت شود.
- مشکلات و سختی‌ها با یاری خدا تمام خواهد شد؛ ضمن آنکه پس از ازدواج برای

حل مشکلات، همراهی به‌نام همسر وجود خواهد داشت.

سعدی گوید:

همه روز اگر غم خوری غم مدار — چو شب غمگسارت بود در کنار
کرا خانه آباد و همخوابه دوست — خدا را به رحمت نظر سوی اوست[1]

سه. مقایسه با دیگران؛ درصورتی‌که راز یک انتخاب صحیح، تناسب زن و مرد با یکدیگر است، نه تناسب با دوستان و آشنایان. مقایسه خود با دیگران، نتیجه‌ای جز یأس یا بالا رفتن توقعات ندارد. بنابراین هرکس باید خود را فقط با توانمندی‌ها و محدودیت‌های خود مقایسه کند تا با رسیدن به سطحی از خودشناسی، تصمیم مناسبی برای ازدواج بگیرد. مقایسه فرصت‌های ازدواج خود با سایر افراد (دوستان، فامیل و ...) گاه به بهای از دست دادن موقعیت‌های مناسبی تمام می‌شود که هرگز بازنمی‌گردد.

چهار. تأکید بر ازدواج خواهر بزرگ‌تر. در این‌گونه موارد ازدواج خواهرکوچک‌تر قبل از خواهر بزرگ‌تر باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که موجب سرشکستگی وی نشود. بنابراین:

- والدین با خواهربزرگ‌ترسخن بگویند و موافقت او را برای ازدواج خواهر کوچک‌تر جلب نمایند.
- والدین علت این امر را واضح و مستدل برای بستگان و دوستان بیان کنند.
- عزت و احترام دختر بزرگ‌تر حفظ شود و محاسن وی - البته نه به‌صورت ترحّمی - در میان جمع بیان گردد.
- با خواهر بزرگ‌تر درمورد ازدواج خواهر کوچک‌تر مشورت شود. والدین نباید وی را در مقابل تصمیم انجام‌شده قرار دهند؛ زیرا این موضوع ممکن است ضربه روحی به او وارد کند. اگر پیشنهاد اقدام برای ازدواج خواهر کوچک‌تر از طرف خواهر بزرگ‌تر باشد، بهتر است.

۱۱. اختلاف نظرهای سیاسی

اختلاف در ایده‌های سیاسی مانع ازدواج نیست، اگر:

یک. دختر و پسر در کلیات اعتقادات سیاسی با هم مخالف و در تضاد نباشند.

دو. هردو یا یکی از آنها تعصب سیاسی نداشته باشند.

سه. دیدگاه سیاسی خود را با مسائل زندگی خانوادگی درنیامیزند.

۱. سعدی، بوستان، باب هفتم.

۱۲. تفاوت فرهنگی

در این موارد باید به نکات زیر توجه کرد:

یک. فرد درصورتی‌که قدرت انطباق با شرایط جدید و متفاوت را دارد، این ازدواج را بپذیرد.

دو. فرد قبل از ازدواج، با فرهنگ و آداب و رسوم طرف مقابل به‌خوبی آشنا شود تا با رعایت آن، مانع ایجاد اختلاف با وی یا خانواده و بستگان او گردد. او باید خانواده خود را نیز در این زمینه توجیه کند.

سه. اگر سطح تفاوت فرهنگی بسیار بالا بود، این ازدواج چندان مناسب نیست؛ زیرا بیشتر اختلافات ناشی از تفاوت اعتقادات و رفتارهای برخاسته از فرهنگ فرد است.

۱۳. ازدواج با فرزند تک‌سرپرست

در ازدواج با فرزند تک‌سرپرست باید توجه داشت:

یک. او از وجود یک سرپرست محروم بوده است؛ ازاین‌رو به توجه عاطفی نیاز بیشتری دارد. همسر وی باید اهل مهر و محبت و مدارا باشد.

دو. ممکن است به‌دلیل نبود الگوی پدرانه یا مادرانه، همسر نیاز به زمان داشته باشد تا نقش مردانه یا زنانه را به‌خوبی ایفا نماید. بنابراین باید با او مدارا شود. البته در مواردی فرزند تک‌سرپرست به‌دلیل حضور پدربزرگ یا مادربزرگ یا فرزندان آنها، فاقد این خلأ است.

۱۴. مخالفت والدین

درصورتی‌که پدر یا مادر با ازدواج فرزند مخالفت کنند، آغاز زندگی مشترک با اضطراب و تنش همراه خواهد شد. در این زمینه می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

یک. بهتر است فرد علت مخالفت آنها را جویا شود و به دلایل آنها بیندیشد؛ شاید آنان دلیل منطقی و موجهی دارند. در این صورت، او باید در تصمیم خود بازنگری کند. اگر علت مخالفت آنان غیرمنطقی است، با آرامش و احترام و رعایت روابط عاطفی صحیح، آنان را با خود همراه سازد. فرد نباید با عقاید غیرمنطقیِ آنها به‌صراحت مخالفت کند، بلکه در ابتدا بخشی از سخنان آنها را بپذیرد و به‌تدریج خواسته‌های خود را مطرح نماید.

دو. از فردی که دلایل او را درک می‌کند و می‌پذیرد و بر پدر و مادر او نیز نفوذ دارد، استفاده کند تا میانجی‌گری نماید. این فرد می‌تواند یکی از بستگان، دوستان پدر یا مادر، یک روحانی یا مشاور باشد.
سه. برای متقاعد کردن پدر و مادر، ابتدا هریک را که کلام دختر یا پسر نزد او نافذتر است، با خود همراه سازد.
چهار. بر محبت و احترام خود به آنها بیفزاید تا محبت و رضایت آنها را بیشتر جلب کند.

۱۵. نیافتن فرد مناسب

امروزه به‌دلیل کم‌رنگ شدن ارتباط‌های فامیلی، کاهش مهمانی‌های دسته‌جمعی و صمیمانه و نیز کم شدن احساس مسئولیت بستگان، دوستان و آشنایان در معرفی دختر و پسرهای هم‌شأن، یکی از موانع ازدواج، نیافتن فرد مناسب است. افزون بر این، تحول در زندگی‌های کنونی به‌خصوص در شهرهای بزرگ، مهاجرت‌ها، گسست‌های قومی و فرهنگی و نداشتن ارتباط‌های محلی باعث شده فرصت‌های شناخت خانوادگی در بین افراد کم شود. کسی که همسر شایسته خویش را نیافته است، چند نکته را باید درنظر گیرد:
یک. انصراف از برخی معیارهای فرعی؛ برای مثال، اگر شرط کسی در انتخاب همسر، سید بودن یا تحصیلات عالی اوست، چون این دو از ملاک‌های اساسی نیست، باید آنها را کنار نهاد تا دایره انتخاب وسیع‌تر شود.
دو. بالا بردن شایستگی‌ها؛ به‌عنوان مثال پسر شغل مناسبی بیابد و دختر شیوه ارتباطات اجتماعی و از همه مهم‌تر، اخلاق فردی خود را بهبود بخشد. همچنین شخص باید از رفتار و گفتار نامناسب بپرهیزد و نقاط ضعفی را که در ازدواج مورد توجه دیگران است، رفع کند.
سه. حضور فعال در اجتماعات سالم؛ زیرا حضور اجتماعی بستری مناسب برای انتخاب شدن است. گذشته از این، حضور صمیمانه در جمع بستگان که علاقه ویژه‌ای به انسان دارند و کمک به آنها، سبب جلب رحمت الهی شده و موجب دل‌نگرانی آنان نسبت به سرنوشت فرد می‌شود و همین امر چه بسا زمینه ازدواج او را فراهم سازد.
در این زمینه احساس مسئولیت همگانی نیز حائز اهمیت است. بدین بیان، اگر افراد در بین اعضای فامیل و دوستان، دختر و پسری را سراغ دارند که مناسب همدیگرند، با رعایت

اصول اخلاقی آنها را به یکدیگر معرفی کنند. در روایات نیز به این موضوع توصیه شده؛ چنان‌که امام کاظم علیه‌السلام فرمود:

> **در قیامت سه گروه در سایه رحمت الهی هستند و خداوند آنان را در سایه عرش خویش قرار می‌دهد: ... یک گروه کسانی هستند که برای ازدواج مسلمانی وساطت کنند.**[1]

البته دعا و اصرار بر آن، توکل به خداوند و توسل به اهل‌بیت علیهم‌السلام را نیز نباید نادیده انگاشت.

۱۶. ازدواج فامیلی

از ازدواج فامیلی نباید نگران بود؛ چه‌بسا در این نوع ازدواج‌ها، تناسب بیشتری وجود داشته باشد و حمایت‌های فامیلی نیز بیشتر صورت گیرد. افزون بر این، شناخت از فرد مقابل بیشتر و دقیق‌تر بوده و امکان فریب بسیار کمتر است. در ضمن ازآنجاکه معمولاً آداب و رسوم، اخلاق و اعتقادات فامیل شباهت بیشتری به هم دارد، تفاهم با همسر و خانواده او نیز بیشتر است. در ازدواج فامیلی باید به این نکات توجه کرد:

یک. از مشاوره ژنتیک غفلت نشود.

دو. ازدواج براساس انتخاب عاقلانه انجام شود، نه فقط پیروی از آداب و رسوم.

۱۷. ازدواج با سرپرست خانواده

دختری که با سرپرست خانواده ازدواج می‌کند، درصورتی‌که قدرت تحمل بالایی دارد، پیشنهاد ازدواج را بپذیرد و پس از ازدواج بر صبر و مدارای خود بیفزاید. دخالت‌های خانواده همسر، آگاهی آنها از مسائل خصوصی زندگی، عدم استقلال در برخی مواقع و توجه هم‌زمان همسر به دو خانواده (به‌دلیل مسئولیت‌های دوگانه) و ایجاد دوگانگی در تربیت فرزندان می‌تواند از مشکلات پیش‌رو باشد؛ هرچند در این نحوه زندگی، هنگام نیاز، حمایت‌کنندگان بیشتر خواهند بود و می‌توان از تجربه‌های والدین همسر در زندگی خود و فرزندان بهره‌مند شد و در غیاب همسر نیز هم‌صحبت و مؤنس داشت. بنابراین:

---

۱. ثَلاثَةٌ یَستَظِلّونَ بِظِلِّ عَرشِ اللهِ یَومَ لا ظِلَّ إلاّ ظِلُّه: رَجُلٌ زَوَّجَ أخاهُ المُسلِمَ أو أخدَمَه أو کَتَمَ لَهُ سِرّاً. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۳۵۶)

یک. از ابتدا تا حد امکان، مسکن خویش را مستقل از مسکن خانواده همسر قرار دهند (طبقه‌ای در کنار طبقه آنها یا خانه‌ای نزدیک خانه آنها یا ...).
دو. بکوشند تا از برکات ارتباط نزدیک با خانواده همسر بهره‌مند شوند و مشکلات پیش‌آمده را به‌خوبی مدیریت کنند.

۱۸. معلولیت

معلولیت مانع ازدواج نیست. کسی که با معلول ازدواج می‌کند، می‌باید:
یک. سعه صدر داشته و صبور باشد؛
دو. ارزش‌های مختلفی را که معلول دارد، به‌خوبی ببیند؛
سه. شاکر باشد و او را به‌سبب معلولیت تحقیر نکند؛
چهار. پیش از ازدواج با پزشک مشورت کند تا از تمام مشکلات جسمی یا روحی او و نیازهایش مطلع گردد؛
پنج. با افرادی که با این‌گونه معلولان ازدواج کرده‌اند، مشورت نماید و از تجربه آنان استفاده کند؛
شش. به ویژگی‌های اعتقادی و اخلاقی و فرهنگ خانوادگی معلول نیز توجه کند.
معمولاً افرادی که معلولیت آنها به‌گونه‌ای است که نقص جسمانی هریک از سوی دیگری جبران می‌شود، برای ازدواج مناسب یکدیگرند؛ زیرا یکدیگر را بهتر درک می‌کنند و در آینده، منّتی بر یکدیگر نخواهند داشت. البته خانواده‌های آنها نیز باید هنگام بارداری، زایمان و خردسالی فرزند آنها به ایشان کمک کنند.

۱۹. تعداد زیاد جمعیت اعضای خانواده

تعداد زیاد جمعیت اعضای خانواده مانع از ازدواج نیست. در خانواده‌های پرجمعیت:
یک. فرزندان معمولاً از روابط عاطفی بیشتری بهره‌مند می‌شوند؛ زیرا علاوه بر محبت پدر و مادر، طعم مهر خواهران و برادران را نیز می‌چشند.
دو. افراد قانع‌تر و سازگارتر هستند.
سه. تعامل اجتماعی این‌گونه فرزندان بهتر است و توان مدیریت بهتری برای مسائل

خود دارند.

۲۰. ازدواج مجدد

امروزه شاهد تعداد فراوان زنان و مردانی هستیم که به‌دلیل وقوع طلاق یا فوت همسر، مجرد هستند. سرشماری سال۱۳۹۰ بیانگر آن است که در این سال ۳۹ هزار و ۷۳۵ مرد ۳۰ تا ۳۴ سال و ۷۵ هزار و ۶۸۵ زن در همین سن به‌دلیل طلاق، بدون همسر بوده‌اند و تعداد ۸ هزار و ۳۰۴ مرد و ۸۳ هزار و ۱۰۱زن نیز در همین سن براثر فوت همسر مجرد بوده‌اند. لازمه پاسخ به نیاز این افراد آن است که خانواده، دوستان و بستگان این افراد مقدمات مناسب را برای ازدواج افراد همتا و هم‌شأن از این گروه با یکدیگر فراهم سازند. بسیاری از دختران و پسرانی که به دلایل مختلف از همسر خود جدا شده‌اند یا همسر آنان فوت نموده است، افراد بسیار مناسبی برای ازدواج با یکدیگرند، هرچند لازمه موفقیت در ازدواج مجدد این افراد اموری چند است؛ ازجمله:

یک. از زمان طلاق یا فوت همسر حدود شش ماه گذشته باشد تا تنش‌های روانی پس از طلاق یا فوت همسر از بین رفته یا کاهش یافته و آرامشی که لازمه تصمیم‌گیری صحیح است، فراهم شده باشد.

دو. در ازدواج دوم نیز شایستگی‌های لازم و معیارهای اصلی ازدواج درنظر گرفته شود.

سه. در صورت وجود فرزند باید اطمینان یافت که آیا همسر جدید صلاحیت رسیدگی به فرزند را دارد یا خیر.

چهار. در ازدواج مجدد پس از طلاق باید درمورد علت طلاق تحقیق دقیق صورت گیرد.

پنج. یکی از مناسب‌ترین افراد برای ازدواج پس از طلاق، همسر سابق است. بنابراین اگر مرد یا زنی پس از جدایی به این نتیجه رسید که همسرش فرد سالمی با خطاهای جزئی و قابل رفع بوده و خودش نیز اشتباهاتی داشته که تصمیم دارد آنها را اصلاح کند، ازدواج مجدد آن‌دو با هم مناسب است؛ همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید:

وَ بُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذٰلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلاحاً.[1]

---

۱. بقره (۲): ۲۲۸.

و در این [مدت]، شوهرانشان برای بازگرداندن آنها [به زندگی مشترک] سزاوارترند، اگر خواهان اصلاح باشند.

انتخاب همسر شایسته

پس از رفع موانع ازدواج، مهم‌ترین مسئله انتخاب صحیح شریک زندگی است. ازاین‌رو باید معیارهای انتخاب همسر را به‌خوبی شناخت.

یک. معیارهای همسرگزینی

یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی هر فرد، فرایند گزینش همسر است؛ چراکه انسان تا پایان عمر با پیامدهای انتخاب خود همراه است. اسلام در انتخاب همسر بر چند معیار اساسی تأکید کرده است:

۱. **همتایی و همانندی:** تعالیم اسلام در گزینش همسر بر اصل کفو بودن تأکید دارد؛ به این معنا که زن و مرد در ویژگی‌های مناسب برای ازدواج، مشابه و تقریباً همتا[۱] باشند. البته این همسانی بیشتر درخصوص ایمان است و زن و مرد به‌سبب ایمان، همتای یکدیگر دانسته شده‌اند.[۲]

۲. **خوش‌اخلاقی:** اساس زندگی زناشویی، سازگاری، تفاهم و همکاری است که این امور فقط در پرتو اخلاق نیکو فراهم می‌شود. سعدی گوید:

زن بد در سرای مرد نکو — هم در این عالم دوزخ او
زینهار از قرین بد زنهار — و قنا ربّنا عذاب النّار[۳]

البته مردان بد نیز مصداق این کلام شاعر هستند.

۳. **سلامت:** سلامت جسمانی و روانی نیز جزو شرایط لازم یک همسر مناسب به‌شمار می‌رود. بنابراین اگر فرد به بیماری جسمی شدید و بدون علاج یا به بیماری روانی شدید مبتلا باشد، گزینش او به‌عنوان همسر، کارکردها و اهداف موردنظر ازدواج را تأمین نخواهد کرد.

به‌جز صفات یادشده، سایر ملاک‌ها نسبی است؛ بدین معنا که باید آنها را با توجه به سایر

---

۱. أنكِحُوا الأكْفاءَ وَانْكِحُوا مِنْهُمْ وَاخْتارُوا لِنُطَفِكُمْ. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۶)
۲. المُؤمن كُفو المُؤمنه وَ المُسلِمُ كُفو المُسلِمه. (همان، ص ۴۴)
۳. سعدی، بوستان، باب هفتم.

ملاک‌ها و ضعف یا قوت آنها درنظر گرفت.

دو. مهارت‌های انتخاب همسر شایسته

۱. خودشناسی مقدمه همسرگزینی

انسان تا خود را به‌خوبی نشناسد، نمی‌تواند تشخیص دهد که چه کسی همتا و هم‌شأن اوست. ازاین‌رو بهتر است ابتدا ویژگی‌های جسمانی، اخلاقی، اعتقادی و خانوادگی خود را مشخص کند. برای شناخت خود باید از موضوعاتی در ابعاد مختلف (اعتقادی و مذهبی، اخلاقی، ظاهری، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، میزان هوشمندی و سطح تحصیلات، خصلت‌های شخصیتی، سلیقه‌ها و ...) شروع کرد و ضمن کمک گرفتن از نظر دیگران درمورد خود، جواب آنها را مشخص نمود. صداقت در هنگام خودشناسی به انسان فرصت می‌دهد تا شخصیت پنهان خود را بهتر بشناسد.

۲. راه‌های شناخت فرد مناسب برای ازدواج

از مهم‌ترین روش‌ها برای شناخت همسر آینده عبارت است از:

یک. گفتگو با طرح سؤالات دقیق؛

دو. دقت در گفتار و رفتار؛

سه. تحقیق از دوستان صمیمی، بستگان، همکاران و معرفان؛

چهار. مشورت با افراد آگاه، دلسوز و مطمئن؛

در گفتگو و تحقیق باید این امور مورد بررسی قرار گیرد:

- ویژگی‌های جسمانی (سلامت، سابقه بیماری مهم جسمی یا روانی، ویژگی‌های ظاهری چون قد و اندام و ...)؛
- ویژگی‌های اعتقادی (مبانی فکری، باورها و بینش‌های مذهبی)؛
- ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری (درون‌گرا یا برون‌گرا بودن، عادات خاص)؛
- سطح درک و نیز میزان هوش؛

- مشخصات خانوادگی (سطح فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، جایگاه فرد در خانواده و نگرش خانواده نسبت به این ازدواج)؛

- مسائل اقتصادی (شغل، میزان درآمد، برنامه‌ریزی برای هزینه درآمد، مسکن، توقعات مالی و برنامه‌ریزی برای مصرف)؛

- حساسیت‌ها و علایق خاص فرد. اگر دختر یا پسر نسبت به امری حساسیت ویژه‌ای داشته باشد و طرف مقابل برای آن مسئله اهمیتی قائل نباشد، در آینده دچار مشکل می‌شوند. البته باید توجه داشت که در صورت عدم حساسیت شدید به برخی علاقه‌ها و سلیقه‌ها، این موارد با گذشت زمان و تحت‌تأثیر روابط مشترک با همسر تغییر خواهد کرد.

◆ **برای مطالعه بیشتر**[1]

توجه به مواردی چند در امر ازدواج ضروری است:

۱. **پرهیز از انتخاب احساسی:** از انتخاب براساس عشق تند و آتشین، تلافی نسبت به دیگران یا خواستگارهای پیشین، دلسوزی و ایثار نسبت به طرف مقابل و طمع ورزیدن به مال اجتناب نمایید. برای انتخابی عقلانی، اطلاعات لازم را کسب و بررسی نمایید و پیامدهای انتخاب را ارزیابی کنید. در انتخاب خود قاطعیت داشته باشید و تعهدات انتخاب را بپذیرید. به یاد داشته باشید مناسب‌ترین فرد برای ازدواج، آن کسی است که بتوانید او را چون دوست صمیمی برای خود بپذیرید. باید بتوانید او را همان‌گونه که هست، بدون تغییر قبول کنید. از اینکه شبیه او شوید و همچنین از اینکه او پدر یا مادر فرزند شما باشد، باید احساس رضایت نمایید.

۲. **احساس خوشایندی:** اگر کسی را می‌شناسید که از او خوشتان آمده و می‌خواهید با او ازدواج کنید، این نکته را فراموش نکنید که شما فقط دو گزینه ندارید؛ یعنی فکر نکنید که یا باید با کسی که از او خوشتان آمده، ازدواج کنید، یا باید با کسی که از او خوشتان نمی‌آید، ازدواج کنید، بلکه گزینه سومی نیز وجود دارد: ازدواج با کسی که هم معیارهای دیگر را داراست و هم از او خوشتان می‌آید. معیار «خوش آمدن» را پس از معیارهای مطلوب قرار دهید؛ زیرا اگر این ملاک را ابتدا برجسته کنید، فرصت شناخت معیارهای دیگر از بین می‌رود. ابتدا اطمینان پیدا کنید که تطابق فرهنگی، خانوادگی، فکری و روحی بین شما وجود دارد. سپس به احساس خویش مراجعه کنید و ببینید آیا نسبت به او احساس مطلوبی (نه لزوماً علاقه زیاد) دارید یا خیر. به یاد داشته باشید که در یک انتخاب عاقلانه، پس از ازدواج، عشق نیز ایجاد خواهد شد. این محبت، وعده الهی است که خداوند در آیه

---

۱. بنگرید به: آیت‌اللهی، مهارت‌های زندگی خانوادگی در آینه آیات و روایات، ص ۵۱ - ۵۰.

۲۱ سوره روم[1] بدان اشاره کرده و آن را یکی از نشانه‌های خود برشمرده است.

۳. تفکیک بین ملاک‌های اصلی و فرعی: بهتر است معیارهای اصلی را پیش از شروع جلسات گفتگو اولویت‌بندی کنید تا بعد از هر جلسه بتوانید به ارزیابی و جمع‌بندی برسید. همچنین با مشاهده یک ملاک در شخص، قضاوت سطحی و شتاب‌زده نداشته باشید و قبل از ارزیابی تمام معیارها، نظر خود را اعلام نکنید. نکته مهم آنکه، هیچ‌کس تمام امتیازات را نخواهد داشت، بلکه از جمع‌بندی معیارها باید معدل خوبی کسب شود و حد این معدل خوب نیز به شرایط دختر و پسر بستگی دارد. ممکن است فردی در برخی جنبه‌ها بالاتر از همسرش باشد؛ درحالی‌که همسر وی در جنبه‌های دیگر از او پیشتاز باشد. در ضمن توجه داشته باشید که مسائل حاشیه‌ای ازدواج مانند مهریه و مراسم عقد و ازدواج به ملاک‌های اصلی تبدیل نشود. در تمام این موارد، رعایت اعتدال ضروری است.

۴. اهمیت دادن به نظر خانواده: در زمان انتخاب و گزینش به نظر خانواده اهمیت دهید؛ زیرا انتخاب بدون کمک خانواده معمولاً پیامدهایی منفی دارد. درصورتی‌که خانواده به دلایل غیرمنطقی با ازدواج شما مخالفت می‌کنند، تا آنجا که ممکن است، آنها را نسبت به ازدواج خود توجیه نمایید. افزون بر این، اگر قصد ازدواج با فردی را دارید که خانواده شما و او با یکدیگر سنخیتی ندارند، ازدواج در صورتی مناسب است که میزان رفت‌وآمد با آن خانواده کم باشد (به علتی مانند دوری مسافت). در ضمن شما ناگزیر هستید که روابط خویش با خانواده را به‌خوبی مدیریت کنید.

۵. درمان برخی بیماری‌ها: اگر شما یا فرد موردنظر، مشخصاتی مانند اختلال جنسی، اعتیاد، بیماری‌های خطرناک مُسری و اختلال شخصیت دارید، ازدواج را تا درمان کامل به تأخیر بیندازید. در مراسم خواستگاری نیز بیماری‌هایی را که مانع روابط زناشویی است، یا سبب نقص در فرزندان می‌شود، به طرف مقابل بگویید، هرچند لازم نیست بیماری‌های درمان‌شده و ازبین‌رفته مطرح گردد.

۶. مشورت: با مشورت از تجارب دیگران در زندگی استفاده کنید. مشاوره قبل از ازدواج، شما را از مشکلات ورود به زندگی مشترک آگاه می‌کند تا در زمان بروز مشکل، با منطق و صبر آن را حل نمایید. در صورت بروز اختلاف‌نظر در یکی از ملاک‌های فرعی، بهتر است آن را با مشاور درمیان بگذارید تا تصمیم نهایی با دقت بیشتری گرفته شود.

---

۱. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً؛ و از آیات الهی آن است که برای شما از جنس خودتان همسرانی خلق کرد تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما دوستی و رحمت قرار داد.

نمودار مطالب فصل

تشکیل خانواده (حین ازدواج)

- **۱. ازدواج و کارکردهای آن**
  - **۱. تکامل شخصیت**
  - **۲. کامل شدن ایمان**
  - **۳. ایجاد آرامش**
  - **۴. ارضای نیازهای جنسی**
  - **۵. کسب استقلال**
  - **۶. تجربه مدیریت**
  - **۷. بهره‌مندی از حمایت‌های گسترده**
  - **۸. کسب اعتبار اجتماعی**
  - **۹. ارضای میل به جاودانگی**
- **۲. تسهیل ازدواج در رویارویی با موانع مختلف**
  - **۱. اشتغال به تحصیل**
  - **۲. سطح تحصیلات**
  - **۳. مسائل اقتصادی**
  - **۴. خدمت سربازی**
  - **۵. طلاق پدر و مادر**
  - **۶. سوءسابقه والدین**
  - **۷. سن**
  - **۸. بیماری والدین**
  - **۹. سخت‌گیری در معیارهای ظاهری**
  - **۱۰. باورهای اشتباه** ←
    - **۱. ترس از محدود شدن آزادی‌های دوران مجردی**
    - **۲. ترس از مشکلات زندگی**
    - **۳. مقایسه با دیگران**
    - **۴. تأکید بر ازدواج خواهر بزرگتر**
  - **۱۱. اختلاف‌نظرهای سیاسی**
  - **۱۲. تفاوت فرهنگی**
  - **۱۳. ازدواج با فرزند تک‌سرپرست**
  - **۱۴. مخالفت والدین**
  - **۱۵. نیافتن فرد مناسب**
  - **۱۶. ازدواج فامیلی**
  - **۱۷. ازدواج با سرپرست خانواده**
  - **۱۸. معلولیت**
  - **۱۹. تعداد زیاد جمعیت اعضای خانواده**
  - **۲۰. ازدواج مجدد**
- **۳. انتخاب همسر شایسته**
  - **۱. معیارهای همسرگزینی**
    - **۱. همتایی و همانندی**
    - **۲. خوش‌اخلاقی**
    - **۳. سلامت**
  - **۲. مهارت‌های انتخاب همسرشایسته**
    - **۱. خودشناسی مقدمه همسرگزینی**
    - **۲. راه‌های شناخت فرد مناسب برای ازدواج**

پرسش

۱. شخص متأهل چهل‌ساله دارای چه تجارب مثبتی است که فرد مجرد چهل‌ساله از آن بهره‌مند نیست؟

۲. امروزه ازدواج جوانان با موانع مختلفی روبه‌روست که به برخی از آنها در این فصل اشاره شد. برای غلبه بر این موانع آیا راهکار دیگری می‌شناسید؟ توضیح دهید.

۳. در عرف منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنید، چه اقداماتی برای تسهیل ازدواج جوانان صورت می‌گیرد؟

۴. اگر بخواهید دختر یا پسری را برای ازدواج به دوست دانشجوی خود معرفی کنید، چه اموری باید رعایت شود؟

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. ابراهیم امینی، **جوان و همسرگزینی**، قم، بوستان کتاب.

۲. محمدجواد حاج علی اکبری، **مطلع عشق**، تهران، فرهنگ اسلامی.

۳. **خواستگاری (پرسش و پاسخ‌های دانشجویی)**، قم، نشر معارف.

۴. حسین دهنوی، **گلبرگ زندگی**، قم، خادم الرضا علیه‌السلام.

۵. سیده فاطمه محبی، **جامعه‌شناسی تنگنای ازدواج در ایران**، قم، نشر معارف.

فصل سوم
تحکیم خانواده

اهداف درس

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱	عوامل تحکیم خانواده را بشناسند.
۲	با تعدادی از مهارت‌های تحکیم خانواده آشنا شوند.
۳	وظایف پدر و مادر و فرزندان را در خانواده فراگیرند.
۴	اطلاعاتی درمورد ارتباط با بستگان نسبی و سببی به‌دست آورند.

◆ برگی از یک زندگی

همسر شهید مصطفی چمران می‌گوید: مصطفی لبخند به لب داشت و من خیلی جا خوردم. فکر می‌کردم کسی را که اسمش با جنگ گره خورده و همه از او می‌ترسند، باید آدم قسی‌القلبی باشد. حتی از او می‌ترسیدم، اما لبخند او و آرامشش مرا غافلگیر کرد. مصطفی تقویمی آورد. گفتم: آن را دیده‌ام. گفت: از کدام تصویر آن خوشتان آمد؟ پاسخ دادم: شمع خیلی مرا متأثر کرد. با تأکید پرسید: «شمع؟ چرا شمع؟» اشکم بی‌اختیار بر روی گونه‌هایم لغزید. گفتم: «نمی‌دانم! این شمع، این نور، انگار در وجود من هست. من فکر نمی‌کردم کسی بتواند معنای شمع و از خودگذشتگی را به این زیبایی بفهمد و نشان بدهد.» دلم می‌خواست بدانم آن را چه کسی کشیده است. مصطفی گفت: «من کشیده‌ام.» ادامه دادم: شما که در جنگ و خون زندگی می‌کنید! مگر می‌شود؟! فکر نمی‌کنم شما بتوانید این‌قدر احساس داشته باشید.

چمران شروع کرد به خواندن نوشته‌های من. گفت: «هرچه نوشته‌اید، خوانده‌ام و دورادور با روحتان پرواز کرده‌ام» و اشک‌هایش سرازیر شد.[۱]

ازدواج یک دختر و پسر، سرآغاز دلدادگی و مهرورزی بین آنهاست و معمولاً شیرین‌ترین روزهای زندگی، پس از عقد آغاز می‌شود. این رابطه نیازمند رسیدگی و مراقبت است تا به درازای عمر، شیرینی و گرمی خود را حفظ کند. در غیر این صورت، به مرور زمان و با بی‌تدبیری و خودخواهی یکی از همسران یا هردوی آنها، پایه این بنای نوساخته اندک‌اندک سست شده،

---

۱. ر.ک: جعفریان، چمران به روایت همسر شهید.

ناگهان فرومی‌ریزد. ازاین‌رو، زوج‌های جوان باید با عوامل استحکام خانواده آشنا شوند و مهارت‌های تقویت این عوامل را بیاموزند.

عوامل تحکیم خانواده

یک. دین‌داری

ازجمله عوامل مؤثر دراستحکام خانواده، اعتقادات دینی و رفتارهای منطبق بر شاخص‌های دینی است. پژوهش‌های بسیاری، تأثیر دین‌داری را بر سلامت روابط اعضای خانواده و استحکام آن اثبات کرده‌اند.

برای مطالعه بیشتر

گروهی از استادان دانشگاه ایالتی کانزاس درپی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که «تعهد به خانواده، اغلب با عامل تعهد دینی التزام دارد».[1]

در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ م پروفسور نیک استینت[2] از دانشگاه آلاباما و پروفسور جان دی فرین[3] از دانشگاه نبراسکا برای کشف رابطه بین دین و پایداری خانواده تحقیقاتی انجام دادند و دریافتند که ۸۴ درصد از افراد مورد مطالعه، دین را عامل مهمی برای تقویت و استحکام خانواده می‌شمردند.

همچنین در سال ۱۹۹۲ م یافته‌های یک مطالعه ملی بر روی ۲۳۰۰ مرد (از ۲۰ تا ۳۹ سال) نشان داد افرادی که همسران خود را کتک می‌زنند، اعتقادات دینی ندارند.[4]

پروفسور آلن برگین،[5] استاد روان‌شناسی دانشگاه بریگام یانگ ـ که موفق به دریافت جایزه از انجمن روان‌شناسی آمریکا شد ـ معتقد است: «برخی از تأثیرات دین، اثری معادل انرژی هسته‌ای بر روان انسان‌ها دارند. شواهد قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد مشارکت دینی باعث کاهش مسائلی مانند بی‌بندوباری جنسی، اعمال انحرافی و بزهکارانه، حاملگی در سنین پایین، تجاوز به عنف، طلاق، نارضایتی از ازدواج، خودکشی و اعتیاد به مواد مخدر و الکل می‌شود و از سویی عزت نفس، انسجام

---

۱. بنگرید به: بلالی، «رابطه مذهب و خانواده در غرب»، **مطالعات راهبردی زنان**.

2. Nick Stinct.

3. John De Frain.

۴. بلالی، «رابطه مذهب و خانواده در غرب»، **مطالعات راهبردی زنان**.

5. Allan Bergin.

خانوادگی و سلامت عمومی را نیز افزایش می‌دهد.» در حال حاضر، اندیشمندان اجتماعی در حال تئوریزه کردن قدرت مداوم دین در قبال نیروهایی هستند که باعث از هم گسیختگی خانواده می‌شوند.[1]

درمورد چگونگی تأثیر دین‌داری بر استحکام خانواده می‌توان بدین نکات اشاره کرد:

۱. **ایجاد وفاق در تعیین بایسته‌های زندگی**؛ وقتی اعضای خانواده متدین باشند، همگی در باید و نبایدهای زندگی خانوادگی، سرسپرده دستورهای الهی هستند. ازاین‌رو درمورد حقوق، وظایف و محدوده انتظارات خویش یکپارچه هستند و گرفتار اختلاف‌نظر نمی‌شوند.

۲. **تأثیر رعایت حلال و حرام الهی**: در موارد فراوانی، پرهیز از محرمات الهی به استحکام خانواده می‌انجامد:

- غیبت حرام است. ازاین‌رو، اعضای خانواده حرمت همدیگر را در غیاب هم پاس می‌دارند.
- تهمت حرام است. بنابراین افراد خانواده به واسطه تهمت همسر، در معرض از بین رفتن احترام خود و نفرت از یکدیگر قرار نمی‌گیرند.
- سخن‌چینی حرام است. درنتیجه اختلافات خانوادگی تشدید نمی‌شود.
- نسبت ناروای بی‌عفتی به زنان پاک‌دامن، حرام است. از همین‌روی، روابط عاطفی همسران خصمانه نمی‌شود.
- شراب‌خواری حرام است. ازاین‌رو، همسر و فرزندان از برخی خشونت‌ها و بدرفتاری‌ها در امان می‌مانند.
- دروغ‌گویی حرام است. بنابراین اعضای خانواده به یکدیگر اعتماد دارند.
- آزار والدین و ناخشنود ساختن آنها حرام است. درنتیجه حمایت عاطفی متقابل والدین و فرزندان، روابط آنان را گرم و صمیمی می‌سازد.
- مشاهده فیلم‌ها و شنیدن موسیقی‌های محرک قوای جنسی حرام است. ازاین‌رو، سطح توقعات جنسی به‌صورت غیرمتعارف افزایش نمی‌یابد و همسران از روابط جنسی خویش لذت می‌برند.

نمونه‌های فراوان دیگری نیز می‌توان بیان کرد که همگی نشان‌دهنده تأثیر رعایت حلال و حرام الهی در استحکام روابط اعضای خانواده است.

---

۱. بلالی، «رابطه مذهب و خانواده در غرب»، مطالعات راهبردی زنان.

نکته مهم در این زمینه آن است که مقصود از دین‌داری، داشتن اعتقادات اسلامی و بروز رفتارهای منطبق بر آن است، نه آن نحوه از دین‌داری که با گزینش بخشی از دین و رها کردن بخشی دیگر، به نام دین عمل می‌شود؛ چراکه گاه افراد هم‌زمان با عمل به برخی رفتارهای دینی (نظیر اصرار بر نمازهای مستحب یا رعایت ظواهر مذهبی یا شرکت در مراسم دسته‌جمعی دعا یا پافشاری بر اذکار پرشمار)، بخشی از دین - همچون خوش‌رفتاری با همسر و فرزندان، پرهیز از نگاه آلوده به نامحرم یا رعایت حجاب - را رها می‌سازند و مطابق میل خویش، گزینشی عمل می‌کنند. چنین افرادی متدین واقعی نیستند و نباید انتظار داشت که ظهور و بروز آثار دین‌داری موجب استحکام روابط خانوادگی ایشان شود.

دو. محبت به اعضای خانواده

قرآن کریم از رابطه میان زوجین با کلمه «مودت» و «رحمت» تعبیر می‌کند.[1] این نکته بسیار دقیق به جنبه انسانی زندگی زناشویی اشاره دارد؛ بدین بیان که شهوت تنها عامل پیوند زناشویی نیست، بلکه صفا و صمیمیت و اتحاد دو روح است که زوجین را به یکدیگر پیوند می‌دهد.[2]

در ادبیات بسیاری از جوامع انسانی، عشق و شیفتگی متقابل عاملی نیرومند در کشش میان زن و مرد است. عشق می‌تواند جدایی‌ها، فاصله‌ها و تضادها را در پرتو درخشش خود بزداید و دل‌بستگی‌های عمیق و شورانگیزی را جایگزین سازد. بی‌تردید زندگی مشترک از مهم‌ترین عرصه‌های تجلی عشق و شیفتگی در روابط انسانی است که در شکل‌گیری این پیوند و استمرار آن نقشی اساسی دارد.[3] امام صادق علیه السلام در روایتی بر اهمیت احساس عاطفی اشاره می‌کند:

هرگاه عشق و علاقه مردی به همسرش زیاد شود، بر ایمان او افزوده می‌شود.[4]

امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید:

بدان که زنان چند گروه‌اند [که] یک گروه از آنان گنج و غنیمت به‌شمار

۱. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً. (روم (۳۰):۲۱)

۲. مطهری، **جاذبه و دافعه علی علیه السلام**، ص۵۳.

۳. بستان و همکاران، **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده**، ص ۱۸۹.

۴. اَلْعَبْدُ كُلَّمَا ازْدَادَ لِلنِّسَاءِ حُبّاً إِزْدَادَ فِي الْإِيمَانِ فَضْلاً. (صدوق، **من لایحضره الفقیه**، ج ۳، ص ۳۸۴)

می‌آیند. این گروه، زنانی هستند که شوهران خود را دوست دارند و به آنها عشق می‌ورزند.[۱]

شاعر ارزشمند، محی‌الدین مهدی الهی‌قمشه‌ای زبان حال این افراد را چنین بیان می‌کند:

بیا تا شمع هم، پروانه هم، یار هم باشیم
در این گلشن، بهار هم، گل هم، خار هم باشیم
پریشان خاطران بر گرد هم از جان و دل گردیم
ز شهر آوارگان در دشت غم، غمخوار هم باشیم
به صحرای صفا، در پرده با هم، راز هم گوییم
به گلزار وفا، هم‌ناله و هم‌راز هم باشیم
شبان تیره را روشن کنیم از مهر یکدیگر
در این تاریک محفل شمع گل رخسار هم باشیم[۲]

رابطه عاطفی همسران، ارتباطی دوسویه است که در نگاه، کلام و رفتارشان بروز می‌نماید. بدین‌سان، محبت آنها نسبت به هم بیشتر و ژرف‌تر می‌گردد. دراین‌باره نکته مهم آن است که این احساس باید بارها و بارها اظهار شود؛ چنان‌که امام صادق علیه‌السلام فرمود:

باید میان همسران پیام‌رسانی باشد. سؤال شد: مقصود شما از پیام‌رسان چیست؟ آن حضرت فرمود: بوسه و سخن.[۳]

علاوه بر همسران، بدون تردید ابراز محبت به فرزندان نیز بسیار مهم است. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

خداوند به‌دلیل محبت زیادِ بنده به فرزندش به او رحم می‌کند.[۴]

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز فرمود:

هرکس فرزندش را ببوسد، خداوند برای او حسنه می‌نویسد، و کسی که او را

---

۱. وَ اعلَم أنَّ النِّسَاءَ شَتَّى فَمِنهُنَّ الغَنِيمَةُ وَ الغَرَامَةُ وَ هِيَ المُتَحَبِّبَةُ لِزَوجِهَا وَ العَاشِقَةُ لَهُ. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۴)
۲. الهی قمشه‌ای، دیوان اشعار.
۳. وَلْيَكُنْ بَيْنَهُمَا رَسُولٌ، قِيلَ: وَ مَا الرَّسُولُ؟ قَالَ: القُبلَةُ وَالكَلَامُ. (جزائری، التحفة السنیه، ص ۲۷۷)
۴. إنَّ اللهَ لَيَرحَمُ العَبدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لِوَلَدِهِ. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲)

شاد کند، خداوند در روز قیامت او را شاد می‌سازد.[1]

ابراز محبت اعضای خانواده به یکدیگر آثار فراوانی درپی دارد؛ ازجمله:

یک. دلگرمی همه اعضا به خانه و خانواده و دل در گرو غیر نسپردن؛

دو. بهره‌مندی فرزندان از چتر حمایتی خانواده و نشاط و شادابی حاکم بر آن؛

سه. دلگرمی به کسب و کار و فعالیت‌های مربوط به معاش؛

چهار. شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های خدادادی اعضای خانواده به شکلی درست و کامل؛

پنج. لذت بردن از زندگی و ارتباط با دیگران.[2]

سه. خوش‌گفتاری

از نکاتی که در خانواده باید بدان نظر داشت، خوش‌گفتاری با همسر است. امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید:

حق همسر بر تو آن است که همواره به یاد داشته باشی که خداوند همسرت را سبب آرامش، راحتی و آسایش تو قرار داد؛ او را مؤنس و یاورت نمود و به وسیله او از بسیاری ناملایمات محافظت شدی. پس واجب است هریک از شما همسران، خداوند را به‌خاطر همسر محبوبش شکر گوید و توجه داشته باشد که او نعمتی الهی است و واجب است که با این نعمت خداوندی خوش‌گفتار باشد.[3]

امام علی علیه‌السلام نیز به فرزند خویش وصیت فرمود:

پسرم! با همسر خود خوش‌سخن باش تا زندگی‌ات صفا یابد.[4]

سخن گفتن دوستانه و صمیمی، رعایت ادب در کلام و تشکر از زحمات شریک زندگی،

---

۱. مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ کَتَبَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَ مَن فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللهُ یَومَ القیامَة. (کلینی، **الکافی**، ج ۶، ص ۴۹)

۲. طوسی، **همسران شایسته**، ص ۲۵۰.

۳. وَ أما حَقُّ رَعیَّتِکَ بِمِلْکِ النِّکاحِ فَأَن تَعلَمَ أَنَّ اللهَ جَعَلَها سَکَناً وَ مُستَراحاً وَ أُنساً وَ واقِیَةً وَ کَذلِکَ کُلُّ واحِدٍ مِنکُما یَجِبُ أَنْ یَحمَدَ اللهَ عَلی صاحِبِهِ وَ یَعلَمَ أَنَّ ذلِکَ نِعمَةٌ مِنهُ عَلَیهِ وَ وَجَبَ أَن یُحسِنَ صُحبَةَ نِعمَةِ اللهِ. (نوری، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۱، ص ۱۶۰)

۴. ... أَحسِنِ الصُّحبَةَ لَهَا لِیَصفُوَ عَیشُکَ. (حر عاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۲۰، ص ۱۶۹)

از مصادیق بارز خوش‌سخنی است.

چهار. ارضای صحیح نیاز جنسی

ازجمله اهداف مهم ازدواج، ارضای نیاز جنسی است. بنابراین همسران باید در مقابل نیاز جنسی یکدیگر احساس مسئولیت نمایند و از همسر خویش لذت‌بخش‌ترین بهره جنسی را ببرند.

ارضای صحیح نیازهای جنسی علاوه بر آنکه زندگی را شیرین و لذت‌بخش می‌سازد، به سلامت جسم نیز کمک می‌کند و از سویی در رشد بهنجار شخصیت و آرامش روان انسان نقشی اساسی دارد. از این‌سو، بی‌توجهی به نیازهای جنسی همسر به روابط زن و شوهر آسیب می‌رساند و آنها را دچار عصبانیت و دلسردی نسبت به خانواده می‌کند و به‌تدریج موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه و در نهایت سبب افسردگی می‌شود.[1] از دیگر آثار مهم ارضای صحیح نیازهای جنسی، کمک به حفظ ایمان از دستبرد شیطان است. اساساً فشار غریزه جنسی، عامل مهمی در ارتکاب انواع گناهان است. پیامبر اکرم ﷺ به ابوذر فرمود:

> **فردی که با همسرش ارتباط زناشویی برقرار می‌کند، خداوند به او اجر و ثواب می‌دهد. همان‌طور که وقتی حرامی را مرتکب شوی، مجازات می‌شوی، وقتی حلالی را نیز به‌جا آوری، اجر خواهی برد؛ آیا نمی‌بینی هنگامی‌که فردی بترسد از اینکه مرتکب حرام شود سپس حلال را به‌جا آورد اجر داده خواهد شد.[2] (چرا که به واسطه انجام این حلال از حرام الهی در امان خواهد ماند)**

ایشان در روایتی دیگر می‌فرماید:

> **بنده مؤمن هنگامی که دست همسرش را بگیرد، خداوند برایش ده حسنه می‌نویسد و ده سیئه را محو می‌کند، و اگر او را ببوسد، خداوند برایش صد حسنه می‌نویسد و صد سیئه را محو می‌کند، و اگر با او رابطه زناشویی**

---

۱. بنگرید به: سالاری‌فر و همکاران، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۳۶.
۲. کَما أنَّكَ إذا أتَيتَ الحَرامَ أُزِرتَ، فَكَذلِكَ إذا أتَيتَ الحَلالَ أُوجِرتَ. فَقالَ: ألا تَرى، إنَّهُ إذا خافَ عَلى نَفسِهِ فَأتَى الحَلالَ أُوجِرَ. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۰۹)

برقرار کند، خداوند برایش هزار حسنه می‌نویسد و هزار سیئه را محو می‌نماید.[1]

روابط جنسی سالم در رضایت از زندگی مشترک همسران تأثیر بسزایی دارد. روابط زناشویی مناسب سبب احساس لذت مشترک، ایجاد و تعمیق شور و نشاط در زندگی، تقویت صمیمیت بین همسران، و کاهش تنش در برخورد با فشارهای زندگی می‌شود.

نیاز جنسی همسران به یکدیگر منحصر در رابطه زناشویی نیست و شامل همه بهره‌های دیداری، شنیداری و رفتاری می‌گردد؛ هرچند معمولاً این بهره‌ها به هم‌بستری و ارتباط زناشویی منتهی خواهد شد.

روایات اسلامی به ضرورت توجه هریک از همسران به پاسخ‌دهی مناسب به همه این نیازها اشاره دارد؛ ازجمله آراستگی ظاهری در مقابل هم. امام صادق علیه السلام فرمود:

در ارتباط بین زن و شوهر، مرد نیازمند سه چیز می‌باشد که یکی از آنها به‌دست آوردن قلب زن با آراستن ظاهر خود در مقابل دیدگان اوست و زن نیز در روابط خود با همسرش بی‌نیاز از سه ویژگی نیست که یکی از آنها ظاهری جذاب در برابر دیدگان شوهر است.[2]

در ارضای نیازهای جنسی، زن و شوهر باید به دو نکته توجه کنند:

۱. **توجه به تفاوت جنسی زن و مرد:** نکته مهم در زمینه نیاز جنسی همسران این است که غریزه جنسی مردان و زنان با یکدیگر تفاوت‌های چشمگیری دارد: مردان نسبت به محرک‌های جنسی سریع‌تر تحریک می‌شوند، در مقابلِ نیاز جنسی خود مقاومت کمتری دارند و هنگام عدم ارضای جنسی خود آسیب‌پذیرتر هستند. به‌دلیل این تفاوت‌ها، تمکین جنسی برای زن واجب است و هرگاه شوهر از همسر خود طلب رابطه جنسی نماید، بر زن واجب است که نیاز شوهر خود را برآورده سازد، مگر آنکه عذر شرعی یا عقلی داشته

---

۱. فَإِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَخَذَ بِيَدِ زَوْجَتِهِ كَتَبَ اللهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ فَإِنْ قَبَّلَهَا كَتَبَ اللهُ لَهُ مِائَةَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ مِائَةَ سَيِّئَةٍ فَإِنْ أَلَمَّ بِهَا كَتَبَ اللهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ. (نوری، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۴، ص ۱۵۰)

۲. لا غِنَى بِالزَّوْجِ عَنْ ثَلاثَةِ أَشْيَاءَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ وَهِيَ ... وَاسْتِعْمَالُهُ اسْتِمَالَةَ قَلْبِهَا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا ... وَ لا غِنَى بِالزَّوْجَةِ فِيمَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ زَوْجِهَا الْمُوَافِقِ لَهَا عَنْ ثَلاثِ خِصَالٍ وَ هُنَّ ... وَالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ لَهَا فِي عَيْنِهِ. (مجلسی، **بحارالأنوار**، ج ۷۵، ص ۲۳۷؛ ابن شعبه حرانی، **تحف العقول**، ص ۳۲۳)

باشد. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

زنی برای حاجتی نزد پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به او فرمود: شاید تو از «مسوّفات» هستی؟ زن گفت: ای پیامبر خدا! «مسوّفات» چیست؟ آن حضرت فرمود: زنی که همسرش او را برای نیاز جنسی دعوت می‌کند، ولی او دائماً آن را به عقب می‌اندازد، تا اینکه همسرش را چُرت فرامی‌گیرد و می‌خوابد. پس فرشتگان مدام او را لعنت می‌کنند تا شوهرش از خواب بیدار شود.[1]

تمکین زن سبب رضایت‌مندی شوهر می‌شود و او را محبوب وی قرار می‌دهد. ازاین‌رو، زنان باید نسبت به تقاضای جنسی همسر خود حساس باشند و نیاز او را در این زمینه با نگاه‌های جذاب، کلام پراحساس و رفتار مطلوب خویش برآورده سازند و با کوتاهی در این امر، زمینه حضور زن دیگری را در ذهن شوهر خود فراهم نکنند. پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

بهترین زنان شما کسی است که در خلوت با شوهر، لباس حیا از تن برمی‌کنَد.[2]

البته مردان و زنان هردو باید پیام‌های جنسی همسرخود را - حتی اگر مستقیم نباشد - دریابند و با پاسخ مطلوب به این پیام‌ها، زندگی زناشویی خود را جذاب و دلنشین سازند.
یکی دیگر از تفاوت‌های همسران آن است که مردان در روابط جنسی با همسر خود معمولاً به‌سرعت به اوج لذت جنسی می‌رسند؛ حال آنکه رسیدن به این مرحله در زنان نیازمند مدت زمان بیشتری است. ازاین‌رو، بسیاری از زنان از رابطه زناشویی لذت کامل نمی‌برند. اطلاعات اندک مردان و زنان و نیز حیای زنانه گاه سبب می‌شود این نارضایتی زنان تا سال‌ها ادامه یابد و به مرور زمان به سردمزاجی آنها بینجامد. معمولاً مردان نیز اگر شاهد هیجانات جنسی همسر خود نباشند، از این رابطه احساس رضایت کافی نخواهند داشت. امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود:

هنگامی که یکی از شما خواست با همسرش آمیزش جنسی کند، پس نباید شتاب کند؛ زیرا زنان نیازهایی دارند.[3]

---

۱. عن أبی عبدالله علیه‌السلام قال: «إنَّ امرَأَةً أتَتْ رَسُولَ الله لِبَعْضِ الحَاجَةِ. فَقَالَ لَهَا: لَعَلَّكِ مِنَ المُسَوِّفَاتِ؟ قَالَتْ: وَ مَا المُسَوِّفَاتُ يَا رَسُولَ اللهِ؟ قَالَ: المَرْأَةُ الَّتِي يَدْعُوهَا زَوْجُهَا لِبَعْضِ الحَاجَةِ فَلَا تَزَالُ تُسَوِّفُهُ حَتَّى يَنْعُسَ زَوْجُهَا وَ يَنَامَ، فَتِلْكَ لَا تَزَالُ المَلَائِكَةُ تَلْعَنُهَا حَتَّى يَسْتَيْقِظَ زَوْجُهَا. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۲)

۲. خَيرُ نِسائِكُم الَّتِی إذا دَخَلَت مَعَ زَوجِها خَلَعَت دِرعَ الحَياء. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۷)

۳. ... إذَا أرَادَ أحَدُكُم أن يَأتِيَ زَوجَتَهُ فَلا يُعجِلْهَا فَإنَّ لِلنِّسَاءِ حَوَائِجَ .... (همان، ص ۲۸۷)

ازاین‌رو، هریک از زوجین باید اطلاعات لازم در زمینه چگونگی رضایت جنسی از یکدیگر را کسب کنند و به آن عمل نمایند.

۲. **خویشتن‌داری جنسی از غیر همسر:** ازآنجاکه غریزه جنسی عامل بسیار مهم در پیوند عاطفی همسران و استحکام خانواده است، اسلام دستور داده تا زنان و مردان ارضای این نیاز را در همه مراتب آن به همسر خود معطوف نمایند. در همین راستا، اسلام نگاه و کلام هوس‌آلود با غیرهمسر و نیز عشوه زنانه در کلام و رفتار برای غیرشوهر را حرام شمرده و حتی توصیه کرده است که افراد مراقب ذهن خویش باشند تا در نیاز جنسی خویش به غیرهمسر خود نیندیشند. حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

> **هرگاه از زنی خوشتان آمد، نزد همسر خود بروید [و با او رابطه زناشویی برقرار کنید]؛ زیرا همسر شما هم مانند اوست، و برای شیطان در قلب خود راهی قرار ندهید، تا اینکه آن زن از خاطر شما برود.**[1]

زن و مرد عفیف در مقابل همه وسوسه‌های جنسی خارج از چارچوب زناشویی، خویشتن‌داری می‌کنند. بدین‌گونه، آنان نسبت به همسر خود احساس نیاز بیشتری خواهند داشت و این امر پیوند خانواده را مستحکم‌تر خواهد ساخت.

نکاتی درباره روابط جنسی زن و شوهر

یک. پس از هر بار رابطه جنسی کامل، واجب است زن و شوهر غسل جنابت نمایند.[2]

دو. رابطه زناشویی، در دوران خون‌ریزی ماهیانه زنان، در حال روزه و در احرام سفر حج حرام است و علاوه بر گناه، سبب وجوب کفاره نیز می‌شود. رابطه زناشویی در ایام خون‌ریزی ماهیانه زنان، برای آنها عوارض منفی جسمانی و روانی درپی خواهد داشت.

سه. مصرف داروهای محرک جنسی بدون مشورت با پزشک معمولاً تا زمان کوتاهی اثر مثبت دارد، ولی در درازمدت توانایی جنسی را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کند.

چهار. برخی از افراد به دلایل گوناگون دچار ناتوانی‌های جنسی و سردمزاجی هستند و قادر به

---

۱. إِذَا رَأَى أَحَدُکُمُ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ، فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَى فَلَا يَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ عَلَى قَلْبِهِ سَبِيلاً لِيَصْرِفْ بَصَرَهُ عَنْهَا. (همان؛ صدوق، **الخصال**، ج ۲، ص ۶۳۷)

۲. درصورتی‌که به آب دسترسی نباشد، تیمم بدل از غسل واجب است.

ارضای مطلوب نیازهای جنسی همسر خود نیستند. این وضعیت در درازمدت آسیب‌زاست. هریک از زوجین باید با شناخت، شجاعت و صداقت به این مشکل توجه کنند و از طریق مشورت با افراد متخصص مانند روان‌پزشک، روان‌شناس، متخصص غدد، متخصص زنان، متخصص کلیه و مجاری ادرار و مشاور خانواده، به حل و فصل آن بپردازند. امروزه به‌دلیل پیشرفت علوم، بیشتر این اختلال‌ها که علت جسمی یا روانی دارد، قابل درمان است.

پنج. مدیریت اقتصادی خانواده

نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن و آنچه سلامت و امنیت جسمانی و روانی فرد را تأمین می‌کند، از نیازهای اساسی انسان است. ازاین‌رو پس از تشکیل خانواده، اعضای آن نیازمند برنامه‌ریزی صحیح برای تأمین این نیازها هستند. قوانین اسلامی و ملی، مسئولیت تأمین مخارج زندگی را بر دوش شوهر نهاده است. بنابراین مردان باید در جهت کسب درآمد و نیز مدیریت صحیح اقتصاد خانواده بکوشند.

ازاین‌سو، زنان نیز باید تلاش اقتصادی همسر خود را پاس بدارند و با شغل او سازگاری داشته باشند؛ چراکه به‌دست آوردن شغل مناسب و حفظ آن دشوار است. حمایت زن از شوهر در امر اشتغال در تقویت توانایی‌های او تأثیر بسزایی خواهد داشت. در غیر این صورت، انگیزه مرد کاهش می‌یابد و چه‌بسا به‌دلیل علاقه به همسر خود، به مشاغل ناهمخوان با تخصص خود یا شغل‌های نامشروع روی می‌آورد که در هر صورت اقتصاد خانواده آسیب می‌بینند.

افزون بر این، زنان با مدیریت مصرف در خانواده و نیز آموزش شیوه مصرف صحیح به فرزندان، سهم مهمی در ایجاد آرامش و آسایش خانواده دارند.

شش. توجه به تفاوت‌ها در رفتار با همسر

در طول تاریخ و در جوامع مختلف همواره زنان با مردان تفاوت‌هایی داشته‌اند؛ هرچند تربیت و آموزش‌های رسمی و غیررسمی در تنوع و شدت این تفاوت‌ها اثرگذار بوده است. ابعاد این تفاوت‌ها عبارت است از: جسمی و فیزیولوژیکی، عاطفی و روانی، رفتار و عملکرد و نیز خواسته‌ها و انتظارات. اسلام نیز بر وجود این تفاوت‌ها و تنظیم رفتارها براساس آن

صحه نهاده است. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

مردم مادامی که متفاوت باشند، در جهت خیر و خوبی سیر می‌کنند. پس هنگامی که مساوی گردند، نابود می‌شوند.[1]

یکی از مهارت‌هایی که زوج‌های جوان باید بیاموزند، شناخت این تفاوت‌ها و تنظیم رفتارها و انتظارات خود براساس آن است. ازاین‌رو باید دانست:

یک. زن‌ها ظریف‌تر از مردان هستند و مردان عضلات قوی‌تر و قدرت بدنی بیشتری دارند. در ضمن خون مردان دارای اکسیژن بیشتری است و قلب آنها نیز به هنگام فعالیت بدنی مجال بیشتری برای فعالیت دارد. بر همین اساس به هنگام تقسیم وظایف در خانواده، مردان باید بخش سخت‌افزاری امور خانه و زنان نیز امور نرم‌افزاری خانواده را برعهده گیرند. در ضمن ازآنجاکه زنان لطیف‌تر از مردان، و مردان خشن‌تر از زنان هستند، زنان رفتار جدی مرد را خشونت بی‌رحمانه نشمارند و از شوهر خود انتظار ابراز محبت زنانه نداشته باشند و در رفتارهای گوناگون شوهر خود نیز به ابراز محبت‌های او توجه کنند. مردان هنگام خرید برای خانه، تعمیر لوازم منزل و هر خدمتی که به خانواده می‌کنند، پیام‌های محبت‌آمیزی دارند. به مردان نیز توصیه می‌شود به همسر خود سخت‌گیری نکنند. همچنین از تأثیر کلماتی که بار عاطفی دارد، غفلت نورزند و به‌شدت از تندخویی بپرهیزند و از همسر خود حمایت و حفاظت کنند؛ زیرا زنان به‌دلیل ظرافت جسمانی و عواطف لطیف، آسیب‌پذیرترند.

دو. مردان کلی‌نگرتر هستند و زنان به جزئیات دقت بیشتری دارند. بنابراین مردان باید بکوشند به امور جزئی خانه‌داری زنان توجه و آن را تحسین کنند. زنان نیز از بی‌توجهی مردان نسبت به جزئیات رفتاری خود تعجب نکنند. آنان مردان را متوجه جزئیات کنند تا واکنش مناسب آنان را ببینند.

سه. مردان نسبت به آنچه می‌بینند و زنان نسبت به آنچه لمس می‌کنند، حساس‌ترند. پسران حتی در چند هفته اول زندگی به الگوهای بینایی علاقه بیشتری نشان می‌دهند، اما در دختران حساسیت لمسی از بدو تولد مشاهده می‌شود. براساس این تفاوت‌ها، زنان باید به آرایش، زیبایی و نوع پوشش خود در خانه توجه نمایند و در ضمن، عشوه‌گری زنانه را

---

۱. النّاسُ بِخَیرٍ ما تَفاوَتُوا فَإِذَا اسْتَوَوا هَلَکُوا. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۷، ص ۱۰۱)

نیز فراموش نکنند.[1] مردان نیز زیبایی و خودآرایی همسر خود را تحسین نمایند تا انگیزه او برای برآوردن نیاز شوهر قوی‌تر شود. افزون بر این، مردان از تأثیر مثبت تماس‌های بدنی با همسر خود غفلت نکنند و توجه داشته باشند که وقتی زنان تحت فشار جسمی یا روانی هستند، تمایل بیشتری به نوازش دارند.

چهار. غالباً مردانْ هدف‌مدار و زنان رابطه‌مدارند. بر همین اساس مردان بیشتر به موفقیت‌های اجتماعی و زنان بیشتر به هدف‌هایی با موفقیت احساسی (مانند عشق) علاقه دارند. بنابراین مردان باید به همسر خود اظهار علاقه کنند و به احساسات او اهمیت دهند. وقتی همسرشان با احساس سخن می‌گوید، به‌خوبی گوش دهند و هنگامی که ناراحت است، با او همدردی کنند. نیز از نگاه، کلام و رفتاری که نشان‌دهنده ارتباط صمیمی و عاشقانه است، غفلت نورزند. زنان نیز تصمیم‌گیری در امور مهم خانواده را به شوهر خود بسپارند و از قدرت تصمیم‌گیری او نزد دیگران به‌خصوص فرزندان تعریف نمایند. همچنین به همسر خود اعتماد نموده، در مشکلات کاری ـ دست‌کم با زبان ـ او را همراهی کنند و در سخن گفتن با او از کلمات تأییدکننده بهره گیرند و بسیار به او بگویند: «به تو افتخار می‌کنم.» بی‌گمان توانایی مردان به پشتیبانی همسرشان بستگی دارد.

پنج. زنان بیشتر به حمایت نیاز دارند و مردان بیشتر به ریاست متمایل‌اند. بر این اساس زنان باید تدبیر امور خانه را به دست شوهر خود بسپارند، اما از همکاری و بیان نظر مشورتی دریغ نورزند. نیز در مقابلِ همسر خود متواضع باشند و او را با دیگران نسنجند و اگر شوهرشان نمی‌تواند مشکلی را حل کند، او را مأیوس نکنند.

مردان نیز در گفتار و رفتار تکیه‌گاه مناسبی برای همسر خود باشند و در مشکلات به او توجه کنند و وی را تسلی دهند. همچنین امور خانواده را به‌درستی مدیریت کنند و بدانند که زنان به مردان مقتدر، مسئولیت‌پذیر و متعهد نیازمندند.

اگر زن در خانه، ریاست شوهر را نپذیرد، اعتماد به نفس مرد آسیب می‌پذیرد و روحیه لجبازی در او ایجاد می‌گردد و بدین‌سان انگیزه وی برای پذیرش مسئولیت‌های سنگین خانوادگی تضعیف می‌شود. به این ترتیب، با نبودِ مدیریت واحد و متناسب با مسئولیت‌ها،

---

۱. امام صادق علیه‌السلام یکی از خصلت‌های مطلوب زن را در روابط با همسرش، عشق‌ورزی همراه با عشوه‌گری ذکر کرده است: «إظهارُ العِشقِ لَهُ بِالخِلابَةِ». (همان، ج ۷۵، ص ۲۳۷)

بی‌نظمی در خانه حاکم می‌شود و در نهایت فرزندان از پدر و مادر خود فرمان نمی‌پذیرند و درنتیجه درست تربیت نخواهند شد.

شش. خیال‌پردازی زنان قوی‌تر است و مردان معمولاً جدی‌تر و استدلالی‌ترند. بر این بنیاد، مردان باید از بیان سخنانی که همسرشان را مضطرب می‌سازد، بپرهیزند و به همسر خود امنیت خاطر دهند. همچنین برخی سخنان اغراق‌آمیز همسر خود را جدی نگیرند و هدف اصلی از ابراز آن سخن را دریابند. برای مثال، وقتی زن به شوهر خود می‌گوید: «تو هیچ وقت به من توجه نمی‌کنی»، در حقیقت می‌گوید: «لطفاً اکنون به من توجه کن».

زنان نیز در به‌کار بردن کلمات و جملات دقت بیشتری کنند؛ زیرا شوهر آنها سخنانشان را جدی خواهد گرفت.

هفت. قدرت تکلم در زنان قوی‌تر از مردان است. معمولاً زن‌ها شکایت می‌کنند: «شوهرم کم صحبت می‌کند»، و مردان نیز شکایت می‌کنند: «همسرم همواره حرف می‌زند.» با توجه به این تفاوت جنسیتی، زنان این انتظار خود را تعدیل کنند و نیاز به سخن گفتن بیشتر را در روابط خود با فرزندان یا سایر زنان (بستگان و دوستان) تأمین نمایند. از این نکته نیز غافل نباشند که مردان از شیرین‌سخنی همسرشان لذت می‌برند و بدان نیاز دارند. معمولاً زنان خوش‌زبان نزد شوهر خود از زنان خوش‌سیما محبوب‌ترند.

تفاوت دیگر آنکه، مردان بسیاری از اوقات در سکوت می‌اندیشند و سپس نتیجه پایانی را بر زبان می‌آورند. آنان دوست ندارند تردیدشان را نشان دهند. همچنین تحلیلی و استدلالی سخن می‌گویند، بی‌آنکه متوجه احساسات خود باشند. از سویی برای صحبت کردن درمورد احساس‌های خود به‌ویژه احساس‌های منفی مانند عصبانیت و سرخوردگی، تمایل کمتری دارند. آنها معمولاً بیان این نوع احساس‌ها را ضعف می‌دانند. این در حالی است که زنان پس از تجربه احساس منفی دوست دارند درمورد آن صحبت کنند تا از این طریق آرامش یابند. در ضمن زنان برای افزایش صمیمیت و نزدیکی علاقه دارند درمورد هر کاری که انجام می‌دهند، یا درباره اتفاق‌هایی که در طول روز افتاده، با همسرشان صحبت کنند، ولی مردان گفتگو درمورد جزئیات را خسته‌کننده و بی‌فایده می‌دانند.

همچنین مردان تمایل دارند هنگام بروز مشکل به‌جای صحبت کردن درمورد آن، به‌دنبال راه‌حل برای رفع آن باشند؛ ولی زنان دوست دارند ابتدا درباره مشکل و احساس خود نسبت

به آن سخن بگویند و سپس به راه‌حل بپردازند.

در پایان یادآوری می‌شود افزون بر این تفاوت‌ها، زنان و مردان دارای تفاوت‌های فردی نیز هستند. در ازدواج موفق، زن و شوهر باید بکوشند تا تفاوت‌های فردی خود و همسرشان را نیز شناسایی کرده، متناسب با این تفاوت‌ها با همسر خویش رفتار کنند.

هفت. احترام به همسر و خانواده او

همه افراد در روابط با دیگران نیازمند احترام‌اند، ولی زن و شوهر به پاس روابط عاطفی عمیق خود و نیز به‌دلیل زحمات بسیاری که برای یکدیگر می‌کشند، از همسر خود احترام بیشتری انتظار دارند. روایات اسلامی نیز بر رعایت این اصل اخلاقی تأکید می‌کند؛ چنان‌که حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌تر باشد و همسر خویش را بیشتر تکریم کند.[1]

اقبال لاهوری به زیبایی گوید:

جهان عشق نه میری نه سروری داند   همین بس است که آیین چاکری داند[2]

در اسلام افزون بر سفارش به ارتباط صمیمی و احترام به همسر، درباره ضرورت ارتباط مؤثر با خانواده خود - چه قبل از ازدواج و چه بعد از ازدواج - نیز توصیه‌هایی شده است. خداوند در قرآن بارها بر نیکی کردن و احترام به پدر و مادر سفارش کرده[3] و احسان به والدین را پس از امر به پرستش خود امری ضروری شمرده است.[4] در روایات اهل‌بیت علیهم السلام نیز بر نیکی به پدر و مادر تأکید بسیار شده است؛ همچنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

سه چیز است که خداوند بر احدی از مردم در آن سه چیز آسان نگرفته است:

---

۱. خِیارُکم اَلْیَنُکُم مَناکِبَةً وَ اَکرَمُهُم لِنِسائِهِم. (بحرانی اصفهانی، عوالم العلوم والمعارف، ج ۱۱، ص ۹۰۹؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۷۶)

۲. لاهوری، پیام مشرق.

۳. «وَ وَصَّیْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ حُسْناً» (عنکبوت (۲۹): ۸)؛ «وَ وَصَّیْنَا الإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ» (لقمان (۳۱): ۱۴)؛ «وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً». (اسراء (۱۷): ۲۳)

۴. وَ قَضی رَبُّکَ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ إِیّاهُ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً؛ و پروردگارت فرمان قطعی داده که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید. (اسراء (۱۷): ۲۳)

یکی از آنها نیکی کردن به پدر و مادر است؛ نیکوکار باشند یا خطاکار.[1]

بنابراین زن و شوهر باید مراقب باشند ازدواج سبب سردی روابط آنها با والدین نشود. ازاین‌رو اگر همسری مانع روابط صمیمی فرد با خانواده‌اش شود، گویی ارتباط او را با ریشه استوارش قطع کرده است؛ اقدامی که سبب سستی روابط همسران خواهد شد. در روایتی آمده است که پدر و مادر همسر، جایگاهی شبیه پدر و مادر خود انسان دارند.[2] بنابراین رعایت احترام و نیکی به والدین همسر لازم است.

هشت. رازداری

روابط زن و شوهر از تمامی روابط انسانی صمیمانه‌تر است. آنها شب و روز در کنار هم هستند و از احوال و رفتار یکدیگر مطلع‌اند. صمیمیت مطلوب همسران اقتضا می‌کند که هریک از آنان حافظ اسرار همسر خود و مسائل خانوادگی باشند؛ چراکه خداوند زن و شوهر را لباس یکدیگر معرفی کرده است:

هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ.[3]

آنان لباسی برای شما، و شما لباسی برای آنان هستید.

لباس پوشاننده عیوب و زینت‌دهنده بدن است و همان‌گونه که لباس بدون حائل و واسطه به بدن می‌چسبد، همسران نیز باید دیگران را در روابط خود راه ندهند و محرم اسرار یکدیگر باشند.[4] بی‌گمان افشای اسرار خانوادگی سبب خواری خانواده در منظر دیگران خواهد شد. در حفظ اسرار خانوادگی، زن و مرد به‌یکسان مسئول‌اند، ولی ازآنجاکه زنان معمولاً زودتر رنجیده‌خاطر می‌شوند و ارتباطات کلامی وسیع‌تری نسبت به مردان دارند، باید در حفظ اسرار خانواده بیشتر اهتمام ورزند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

---

۱. ثَلاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لِأَحَدٍ مِنَ النَّاسِ فِيهِنَّ رُخْصَةً بِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرَّيْنِ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ. (ابن‌شعبه حرانی، **تحف العقول**، ص ۳۶۷؛ حر عاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۲۱، ص ۴۹۰)

۲. الآبَاءُ ثَلاثَةٌ: أَبٌ وَلَدَكَ، وَأَبٌ زَوَّجَكَ، وَأَبٌ عَلَّمَكَ. (امینی، **الغدیر**، ج ۱، ص ۳۶۹)

۳. بقره (۲): ۱۸۷.

۴. بنگرید به: جوادی آملی، **تسنیم**، ج ۹، ص ۴۶۰.

من زنی را که از خانه خود دامن‌کشان برای شکایت شوهرش بیرون شود، دشمن می‌دارم.[۱]

نه. عفو و گذشت

انسان به‌دلیل جهالت و کوتاهی، مرتکب خطا می‌شود. در توصیه‌های اسلامی آمده است که در برابر خطای خویش سخت‌گیر باشیم و با اظهار ندامت به درگاه الهی و مراقبت از اعمال خود، مانع از تکرار آن گردیم؛ اما در تعامل با دیگران باید سهل‌گیر و نرم‌خو باشیم، مگر آنکه خطا سبب وارد آمدن آسیب جدی به دیگران گردد. این امر در خانواده که کانون عطوفت و محبت است، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا اگر مرد یا زن از اشتباه همسر خود چشم نپوشد، هرکوتاهی سبب ایجاد نزاع و اختلاف خواهد شد. بنابراین در صورت مشاهده خطا از همسر، باید ابتدا بررسی نمود که آیا رفتار او اشتباه بوده، یا برداشت ما از این رفتار، نادرست است. در مرحله دوم باید اندیشید که آیا رفتار نامطلوب همسر واکنشی در برابر رفتار اشتباه ماست. در مرحله آخر اگر خطای عمدی همسر بدون تقصیر ما انجام گرفته، با مهربانی به او گوشزد کنیم و اگر همسر عذری آورد، بپذیریم. گذشت و عذرپذیری به اصلاح رفتار او کمک خواهد کرد و انگیزه وی را برای تغییر رفتار تقویت خواهد نمود. بخشش و گذشت نه‌تنها به تحکیم روابط همسران کمک می‌کند، بلکه موجب حفظ سلامت جسمی و روانی خود فرد نیز می‌گردد؛ چنان‌که برپایه برخی تحقیقات، افرادی که کینه به دل می‌گیرند، دچار ناراحتی‌های جسمی ازجمله فشارخون و زخم معده و ناراحتی‌های عصبی (همچون افسردگی) می‌شوند.[۲] حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

هرکه از بسیاری امور، تغافل و چشم‌پوشی نکند، زندگی‌اش تیره می‌شود.[۳]

مهارت‌های تحکیم خانواده

آنچه بیان شد، برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تحکیم خانواده بود. توفیق در این امور

---

۱. إِنِّي لَأُبْغِضُ الْمَرْأَةَ تَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهَا، تَجُرُّ ذَيْلَهَا، تَشْكُو زَوْجَهَا. (پاینده، نهج الفصاحه، ح ۹۶۰، ص ۳۴۸)
۲. عاطف وحید و دیگران، تحکیم پیوند زناشویی، ص ۱۱.
۳. مَن لَم يَتَغافَل و لايَغُضُّ - يتغاضى - عَن كَثيرٍ مِن الامورِ، تَنَغَّصَتْ عِيشَتُه. (آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۰۳۷۵، ص ۴۵۲)

نیازمند برخی مهارت‌هاست که به آنها اشاره می‌شود.

یک. اظهار محبت

شنیدن عبارات محبت‌آمیز از نیازهای جدی زوجین است. ازاین‌رو:

یک. محبت و علاقه خود را به همسرتان به بهانه‌های گوناگون ابراز کنید و از هر فرصتی برای تبادل ارتباطات عاطفی خود با یکدیگر بهره بگیرید. لحظاتی که احساس می‌کنید خیلی همسرتان را دوست دارید، آن را به او بگویید و احساس خود را در دفتر خاطرات بنویسید تا اگر زمانی میان شما ناراحتی و کدورتی پیش آمد، با خواندن آن نوشته آرام شوید.

دو. از همسر خود عکس بگیرید و یادگاری نگه دارید. او حس خواهد کرد که چقدر برای شما مهم است و درمی‌یابد که او را با همان وضعیت کنونی دوست دارید.

سه. هرچند وقت یک بار، کاری ویژه برای همسر خود انجام دهید. برای نمونه، غذای مورد علاقه همسر خود را تهیه کنید، یا خوراکیِ مورد علاقه وی را خریداری کنید.

چهار. ادبیات محبت‌آمیز در افراد متفاوت است. برای نمونه، مردان با سخنان محبت‌آمیز، نوازش یا با خرید هدیه برای زن به او محبت می‌کنند و زنانِ نیز با آشپزی خوب یا خانه‌داری باسلیقه برای شوهر، محبت خود را ابراز می‌نمایند. محبت همسرتان را با هر ادبیاتی که دارد، بپذیرید و به همسرتان با ادبیاتی که با روحیات او سازگار است، محبت کنید تا آن را بهتر دریابد.

پنج. گاهی اوقات برای هم نامه بنویسید. این نامه را در جیب لباس همسرتان یا روی میز او یا هر جای دیگری که فقط او می‌بیند، بگذارید. برای نوشتن نامه‌ها به دنبال دلیل نباشید. ابراز محبت و عشق به همسر، یا تشکر از زحماتی که برای شما انجام داده، یا عذرخواهی از اشتباهی که مرتکب شده‌اید، می‌تواند بهانه خوبی برای نوشتن نامه‌های پرمحبت باشد.

شش. بسیاری از افراد، توانایی لازم برای ابراز محبت قلبی خود را ندارند و گاه این محبت را در قالب عبارت‌های نامناسب ابراز می‌کنند. برای نمونه، مردان در سخت‌گیری‌های خود برای حضور همسرشان در خانه، محبت خود و عدم طاقت دوری او را به وی ابراز می‌کنند. در این مواقع بکوشید تا صحبت‌های همسرتان را ترجمه کنید. در ضمن خودتان نیز با همسرتان بدون نیاز به ترجمه سخن بگویید. برای مثال به‌جای آنکه بگویید: «دوست

ندارم دیر به خانه بیایی»، بگویید: «وقتی زود به خانه می‌آیی، خوشحال می‌شوم».
هفت. پس از تولد فرزندتان، بهترین هدیه شما به او عشق و علاقه شما به مادر یا پدر او، یعنی همسرتان است. پدر و مادرهایی که تصور می‌کنند بدون عشق و علاقه به یکدیگر می‌توانند به‌طور واقعی به فرزندان خود عشق بورزند، از این نکته غافل‌اند که فرزندان باید در محیطی آرام و بدون تنش زندگی کنند. روابط سرد و بی‌روح پدر و مادر، غذای مسموم روحی است که به فرزندان داده می‌شود.
هشت. به همسر خود، محبت مادرانه یا پدرانه نداشته باشید؛ زیرا این رفتار به او این پیام را می‌دهد که بی‌لیاقت است و همین از اعتماد به نفس او می‌کاهد. افزون بر این، جذابیت همسری شما نیز کاهش می‌یابد؛ زیرا او شما را بیشتر مادر یا پدر می‌بیند تا همسر. در ضمن خدمت‌های بیش از حد شما او را پرتوقع می‌سازد و زمانی که نتوانید آنها را انجام دهید، احساس می‌کند همسر وظیفه‌ناشناسی هستید.

دو. ارتباط گفتاری مناسب

کلام مهم‌ترین وسیله ارتباطی بین دو فرد است. ازاین‌رو، همسران که نزدیک‌ترین افراد به یکدیگر هستند و بیشترین اوقات عمر را با یکدیگر سپری می‌کنند، باید مهارت خوب سخن گفتن و خوب شنیدن را فراگیرند. بنابراین شما باید:
یک. از اعجاز کلام عاطفی در پیوند قلبی خود و همسرتان غفلت نکنید. در کلام مهربان خویش از همسر خود تمجید کنید و به او احترام بگذارید و هنگامی که همسرتان با شما صحبت می‌کند، کارها و امور دیگر را رها نمایید و فقط به وی گوش دهید.
دو. ازابراز هرگونه خستگی، بی‌حوصلگی و شتاب‌زدگی هنگام صحبت همسر خودداری کنید و خود را صبور، علاقه‌مند و مشتاق به ارتباط کلامی با وی نشان دهید.
سه. هنگام حرف زدن همسر با تکان دادن سر یا پرسیدن سؤالاتی درمورد مضمون صحبت او و طرح پرسش‌های بازپاسخ،[1] نشان دهید که به سخنان او گوش می‌دهید. با همسر خود همدلی نمایید و آن را ابراز کنید. همدلی به‌معنای موافقت با نظر و عقاید همسر نیست،

۱. سؤالاتی که با چگونه، چرا و چه آغاز می‌شوند و جواب تفصیلی دارند.

بلکه بدین معناست که خود را به‌جای وی بگذارید و به او بگویید چطور احساس وی برای شما درک‌شدنی است. جبهه‌گیری، سرزنش همسر، تجسس در امور وی، اصرار بر راهنمایی او هنگام درددل کردن، بزرگ یا کوچک جلوه دادن مسئله‌ای که مطرح می‌کند و قضاوت سطحی و عجولانه، می‌تواند مانع همدلی با همسر در ارتباط کلامی شود.

چهار. اگر پیش‌تر نظر خود را درمورد موضوعی به همسرتان گفته‌اید، در صورت لزوم آن را تکرار کنید و از به‌کار بردن جملاتی مانند «تو که می‌دانی» یا «صد بار به تو گفته‌ام» اجتناب کنید؛ زیرا این نوع جملات در همسر موضع دفاعی ایجاد می‌کند.

پنج. به‌جای اینکه بگویید «چه نمی‌خواهید»، مهربانانه بگویید «چه می‌خواهید؟» اگر شما به همسرتان بگویید «چه نمی‌خواهید»، چه‌بسا او درنیابد که در عوض چه باید بکند، ولی وقتی تقاضای مثبت خود را ابراز نمایید، همسرتان به‌روشنی نیاز شما را درمی‌یابد. البته انتظار نداشته باشید تقاضای شما کاملاً برآورده شود. برای این منظور، نظر همسرتان را نیز جویا شوید.

شش. از طرف همسر خود صحبت نکنید و از به‌کار بردن عباراتی همچون «تو فکر می‌کنی من ...» یا «تو می‌خواهی من ...» اجتناب کنید و در عوض از او درباره افکار و احساساتش سؤال کنید. برای مثال بگویید: «تو در مورد ... چه فکر می‌کنی؟» یا «تو درباره ... چه احساسی داری؟»

هفت. اگر عصبانی، نگران، مضطرب، خسته یا غمگین هستید، ممکن است حرف‌ها و کارهای همسر خود را به‌صورت منفی دریافت کنید و براساس این برداشت اشتباه، واکنش منفی بروز دهید. در این شرایط باید وضعیت خود را به همسرتان ابراز کنید. ابراز احساس فرد، احتمال درک احساسات را از سوی همسر افزایش می‌دهد.

هشت. زمانی که احساس می‌کنید خود یا همسرتان در جریان گفتگو دچار مشکل عاطفی یا هیجانی شدیدی شده‌اید، از ادامه صحبت صرف‌نظر نمایید و آن را به فرصت مناسب دیگری واگذار کنید.

نه. وقتی خشمگین یا رنجیده‌خاطر هستید، از به‌کار بردن عبارات تند بپرهیزید؛ چراکه به احتمال بسیار پاسخ وی نیز تند خواهد بود. اگر با زبانی آرام‌تر احساس خود را بیان کنید، هم به گفته شما توجه خواهد شد و هم امکان حل مشکل بیشتر می‌شود.

سه. احترام به همسر

همسران افزون بر حفظ روابط عاطفی صمیمانه، نیازمند حفظ برخی حریم‌ها بین خود نیز هستند. این حریم‌ها با رعایت احترام همسر تحقق می‌یابد. برای احترام به همسر باید:

یک. به رابطه صمیمی میان خود و همسرتان بسنده نکنید و به او احترام بگذارید. احترام گذاردن به همسر موجب کوچک شدن شما نمی‌شود، بلکه حق‌شناسی، صفا و مودت شما را اثبات خواهد کرد. افزون بر این، احترام به همسرتان سبب می‌شود که او در انجام مسئولیت‌هایش توانمندتر گردد. در ضمن او نیز احترام شما را حفظ خواهد کرد و بدین‌سان عزت نفس هردوی شما بیشتر خواهد شد.

دو. به یاد داشته باشید شما هستید که می‌توانید همسر خود را نزد دیگران پرارج یا بی‌مقدار کنید. بی‌شک هرچه بر ارزش او بیفزایید، بر ارزش خود افزوده‌اید.

سه. هنگام ورود به منزل به استقبال او بروید و در سلام کردن پیشی بگیرید و هنگام خروج از خانه او را بدرقه کنید.

چهار. در حضور میهمان او را کمک دهید و هنگام پذیرایی به او نیز تعارف کنید.

پنج. در غیاب همسرتان از او تعریف کنید و در جمع از او تمجید نمایید.

شش. به زحمت‌هایی که برای خانواده متحمل می‌شود، توجه کنید.

هفت. کارهای شخصی‌تان را خودتان انجام دهید و به او دستور ندهید.

هشت. در امور زندگی با او مشورت کنید.

نه. به بستگان او محبت کنید و به آنها احترام بگذارید.

چهار. روابط زناشویی مطلوب

روابط زناشویی مطلوب، تأثیر عمیقی بر تحکیم خانواده دارد. در این زمینه به چند نکته اشاره می‌شود:

یک. هنگام شادی با همسرتان عهد ببندید که در هیچ شرایطی نباید بسترتان از هم جدا شود، مگر آنکه یکی از شما در سفر باشد، و عهد ببندید که هر کسی تخلف کرد، باید جریمه‌ای سنگین بپردازد. بستر مهم‌ترین عاملی است که آتش کدورت‌ها را هرقدر هم زیاد باشد، خاموش خواهد کرد.

دو. امروزه به‌دلیل گستردگی اطلاعات جنسی، تخیل و توقعات جنسی افراد بالا رفته است. به همین دلیل زن و شوهر از رابطه سالم و طبیعی به میزان کافی لذت نمی‌برند. ازاین‌رو بکوشید تا از دیدن فیلم‌ها، خواندن کتاب‌ها و مرور پایگاه‌های اینترنتی که شما را در معرض تحریکات جنسی قرار می‌دهد، بپرهیزید. با این کار، هم از حرام الهی دوری می‌جویید و هم روابط زناشویی شما همواره لذت‌بخش خواهد بود. در ضمن به یاد داشته باشید بسیاری از رفتارهای جنسی مهیج که در فیلم‌ها نشان داده می‌شود، مختص افرادی است که به‌دلیل فساد اخلاقی، تجربه انواع رفتارهای جنسی را با افراد مختلف دارند و همسر عفیف و نجیب شما با این رفتارها بیگانه است.

پنج. رازداری در خانواده

برای حفظ اسرار خانوادگی باید نکاتی چند را درنظر داشت:

یک. عیب‌های پنهان همسر، وضعیت اقتصادی خانواده (چه ثروت و چه فقر)، اختلاف‌های زناشویی، مشکلات خویشاوندان همسر و مشکلات روحی و روانی فرزندان، جملگی رازهای خانوادگی‌اند که نباید بازگو شوند، مگر آنکه با مشاوری خردمند و امین، آن‌هم به‌منظور رفع مشکلات در میان گذارده شود.

دو. حرمت حریم خانه را همواره حفظ کنید و اسرار زندگی‌تان را نزد دیگران فاش نسازید، حتی اگر پدر یا مادرتان باشد. گله از مشکلات جزئی نزد پدر و مادر، نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه تصویری تیره در ذهن خانواده‌تان ایجاد می‌کند.

سه. لزومی ندارد همه امور زندگی را برای همسرتان بازگو کنید؛ زیرا این امر سبب نگرانی همسرتان می‌گردد. از سویی نزد همسر خود نیز نباید راز دیگران را فاش سازید. البته همسر شما نیز باید بداند که شنیدن همه واقعیت‌ها ضرورتی ندارد.

چهار. رازی که مربوط به زندگی مشترک است، از هم پنهان نکنید؛ چراکه اگر همسر شما به‌شکلی از آن مطلع شود، احساس می‌کند که با او صمیمی نیستید و به او اعتماد ندارید. این امر روابط شما را سرد خواهد کرد و او را نیز نسبت به شما بی‌اعتماد خواهد نمود. در ضمن با پنهان کردن آن، خود را از همفکری و حمایت همسر محروم خواهید ساخت.

شش. کسب درآمد و مدیریت مصرف

۱. کسب درآمد

مسائل مربوط به اشتغال مردان

ازآنجاکه تأمین درآمد خانواده برعهده مردان است، پسران جوان باید از آغاز جوانی با مهارت‌های لازم برای کسب درآمد آشنا شوند:

۱. از آغاز زندگی مشترک به‌دنبال مشاغل سطح بالا نباشید. هر شغل حلالی که کمکی برای تأمین معاش شما و خانواده‌تان باشد - هرچند با دستمزد پایین - می‌تواند مقدمه خوبی برای شغل‌های بهتری در آینده باشد. شغل‌های پاره‌وقت و نیمه‌وقت و اشتغال در کنار پدر یا یکی از بستگان یا دوستان می‌تواند آغاز خوبی باشد تا دیگران با مشاهده همت و توانمندی شما، فرصت‌های شغلی بهتری را به شما پیشنهاد دهند.

۲. باید شغل شما شرافتمندانه و مال حاصل از آن حلال باشد. بنابراین باید از اموری مانند رشوه گرفتن یا رشوه خوردن، غل و غش در معامله، مبادلات غیرقانونی و قاچاق و معاملات حرام همچون قمار، ربا و غصب دوری گزید؛ زیرا مال حرام، برکت را در زندگی از بین خواهد برد و تأثیر نامطلوبی بر فرزندان خواهد گذاشت. امام صادق علیه السلام فرمود:

اثر درآمد حرام، در نسل آشکار می‌شود.[1]

۳. محدوده فعالیت اقتصادی خود را مشخص کنید و در همان محدوده به کسب تجربه و تلاش بیشتر بپردازید. عدم ثبات شغلی معمولاً مانع پیشرفت اقتصادی می‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ارزش کارها به این است که به پایان برسد و نیمه‌کاره رها نشود.[2]

۴. سعی کنید نگرانی‌ها و افکار منفی مربوط به محیط کار را به خانه منتقل نکنید؛ چه‌آنکه

---

۱. كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذُّرِّيَّةِ. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۲۵)
۲. الْأُمُورُ بِتَمَامِهَا وَ الْأَعْمَالُ بِخَوَاتِيمِهَا. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۱۶۵)

خانه محل آرامش اعضای خانواده است.
۵. اشتغال بیش از حد شما نباید به مسئولیت‌های همسری و پدری شما و نیز به ارتباطات صمیمانه زناشویی آسیب برساند. همچنین در محیط کار مراقب روابط با نامحرم باشید تا موجب بروز غیرت‌ورزی همسرتان نشوید.
۶. زنان توجه داشته باشند که مردان نیاز دارند همسرشان در امور مربوط به اقتصاد خانواده با آنان همراهی کنند؛ به‌ویژه امروزه که ازدواج‌های همسالان بیشتر اتفاق می‌افتد. زنان هنگام شروع فعالیت یا شغل جدید، مشوق همسر خود باشند، نه اینکه پی‌درپی تذکر بدهند و سؤال کنند.

مسائل مربوط به اشتغال زنان

مردان نباید همسر خود را مجبور به کار کنند؛ چراکه تأمین مخارج زندگی وظیفه زن نیست. اما اگر او داوطلبانه مشغول به کاری می‌شود:
۱. از اینکه در تأمین مخارج زندگی کمک می‌کند، از او تشکر کنید.
۲. به او کمک کنید تا در محیط مناسبی اشتغال یابد؛ محیطی که روابط مردان و زنان، مناسب شأن انسانی آنها و در چارچوب حدود الهی باشد و شرایط کار در آنها فرسودگی ایجاد نکند.
۳. اشتغال بیرون از خانه، همسر شما را خسته می‌کند، همان‌گونه که شما هم خسته می‌شوید. بنابراین در امور منزل به او کمک کنید.
۴. ازآنجاکه همسر شما برای تأمین نیازمندی‌های زندگی به شما کمک می‌کند، شما نیز زمانی که خانه یا ماشین یا زمینی می‌خرید، سعی کنید بخشی از آن را به نام همسر خود کنید و او را مالک چیزی بسازید که اگر روزی دست تقدیر، عمر شما را کوتاه‌تر از او ساخت، او محتاج دیگران نشود و تا آخر عمر با غرور به همسر دلسوز خود افتخار کند.

◆ **برای مطالعه بیشتر**
زنان شاغل به این امور توجه داشته باشند:
۱. برخی از زنان با نگرانی از درآمد پایین شوهر، به اشتغال بیش از حد روی می‌آورند. درنتیجه هم خود را فرسوده می‌کنند و هم شوهر و فرزندان را از

نعمت همسر و مادری بانشاط محروم می‌نمایند. کار و تأمین معاش زندگی، وظیفه مردان است و آنها از آغاز زندگی، آمادگی پذیرش مسئولیت‌های خانه را دارند. زن‌ها باید نقش بی‌بدیل خود را در ایجاد آرامش، نشاط، شادی و گسترش محبت در خانه حفظ کنند و بیش از توان خود مسئولیت نپذیرند.

۲. برای زمان اشتغال خود برنامه‌ریزی نمایید. سعی کنید زمان ورود همسر به خانه در منزل باش‌ید. استقبال گرم از شوهر در لحظه ورود او به خانه، در استواری روابط صمیمی همسران بسیار مؤثر است. وقتی فرزند کوچک است، سعی کنید تا حد امکان به اشتغال بیرون از خانه نپردازید. سال‌های ابتدایی عمر کودک بسیار حساس است و در این ایام هیچ چیز جای آغوش گرم و تربیت مادرانه را نخواهد گرفت. بهترین فرصت‌های شغلی و بیشترین درآمدها با داشتن فرزندی صالح و سالم قابل مقایسه نیست.

۳. برای جمع میان مسئولیت‌های خانوادگی و اشتغال، از شغل‌های پاره‌وقت و نیمه‌وقت یا شغل‌های خانگی استقبال کنید.

۴. برای استفاده از تلفن و تماس با دوستان و فامیل و اطرافیان و نیز تماشای برنامه‌های تلویزیون و استفاده از اینترنت، برنامه‌ریزی درست و بهینه داشته باشید تا این امور به ارتباط شایسته با همسر و فرزندان آسیب نرساند.

۵. در مواقعی که کار منزل زیاد است، صمیمانه از همسرتان کمک بخواهید. البته توقع نداشته باشید که او مانند یک زن خانه‌داری کند؛ چراکه این کار با روحیات زنانه سازگارتر است. بگذارید در هر کاری که مایل است، به شما کمک کند و سپس از او برای کمک‌هایش تشکر کنید.

۶ . در زندگی با همسر به هیچ رو سخنی از پول من و پول تو به میان نیاورید. زنان با اشتغال خود، روابط خود و همسرشان را صمیمی‌تر می‌کنند. ازاین‌رو با ایجاد مرز میان خود و همسرتان به این صمیمیت آسیب نرسانید.

۷. مردان در خانواده به اقتدار نیاز دارند. این اقتدار مردانه به آنها کمک می‌کند تا در فراز و فرود زندگی، تکیه‌گاه همسر و فرزندان باشند. درصورتی‌که شاغل هستید و درآمد مستقل دارید، به اقتدار شوهر خود آسیب نزنید.

۸ . اگر در محیط شغلی خویش به موفقیت‌های چشمگیری دست یافتید، یا مدیریتی را به شما سپردند، هرگز فراموش نکنید که مدیر خانواده شوهر است. منصب خود را بیرون از خانه بگذارید و درون خانه در مقابل شوهر خود متواضع باشید. این رفتار مدبرانه، نشانه مدیریت توانمند در تنظیم روابط خانوادگی است.

۲. مدیریت مصرف

ثروت خانواده از دو راه تأمین می‌شود: زیاد کردن درآمد و کم کردن مخارج. بنابراین به همان میزان که برای ازدیاد درآمد مشروع تلاش می‌کنید، برای مصرف بهینه نیز باید برنامه‌ریزی نمایید. به بیان دیگر برای ثروتمند شدن، به‌جای آنکه بکوشید بیشترین امکانات را در زندگی خود فراهم کنید، بکوشید از امکانات موجود بیشترین بهره را ببرید.

بنابراین همسران جوان برای مدیریت بهینه مصرف به این نکات توجه کنند:

۱. موارد مصرف خانواده را مشخص کنید. مخارج خانواده معمولاً عبارت است از: غذا، پوشاک، خرید یا اجاره مسکن و تعمیرات، هزینه منابع انرژی مانند آب، برق و گاز، مخارج مربوط به رفت‌وآمد، تلفن، بهداشت و درمان، خرید لوازم منزل، تعمیر و خرید لوازم مربوط به شغل، هزینه تحصیل، اقساط وام، هزینه آرایش و عطر، تفریح و مسافرت، میهمانی و حقوق واجب الهی مانند خمس و زکات فطره. این موارد را متناسب با درآمد و هزینه‌های خانواده بودجه‌بندی کنید.

۲. تا آنجا که ممکن است، بخشی از درآمد خود را - هرچند کم - پس‌انداز کنید. اندک اندک این پس‌اندازها می‌تواند سرمایه کار بهتر یا امکانات اصلی زندگی شود. چه‌بسا پس از چندین سال پس‌انداز و استفاده از وام‌های گوناگون بتوانید صاحبِ خانه شوید، یا مغازه‌ای بخرید یا در کارهای تولیدی سرمایه‌گذاری کنید.

۳. همسر خویش را از میزان درآمد خود مطلع نمایید و درمورد مصرف آن با یکدیگر همفکری کنید و برای مصارف هر ماه با هم برنامه‌ریزی داشته باشید. بدین‌سان، او با شما همدلی می‌کند و توقعات خود و مصرف خانواده را با درآمد شما تنظیم خواهد کرد.

۴. درباره تهیه مسکن به این نکات توجه کنید:

یک. تهیه مسکن مناسب را در اولویت برنامه‌ریزی اقتصادی خانواده قرار دهید. اگر در آغاز زندگی مجبور به اجاره‌نشینی هستید، سعی کنید در اولین فرصت و با استفاده از وام‌ها و کمک مالی پدرشوهر یا پدرزن - به‌صورت بلاعوض یا قرض - برای خرید مسکنی هرچند کوچک و در مناطق ارزان‌قیمت اقدام کنید. با اجاره‌نشینی همواره مبلغ زیادی از درآمد صرف اجاره‌بها می‌شود و همین خانه‌دار شدن شما را دشوار می‌سازد.

دو. سکونت موقت در منزل والدین در آغاز زندگی مشترک، بخشی از بار مالی را از دوش شما

برمی‌دارد. در صورت همکاری والدین از این امکانات استفاده نمایید و روابط بین خویش، همسر و خانواده خود را نیز مدیریت کنید.

سه. در خرید مسکن، علاوه بر تناسب آن با پول خود، به این موارد نیز توجه کنید: موقعیت محله و همسایگان، آفتاب‌گیر بودن اتاق‌ها، نزدیکی به محل کار یا تحصیل یا منزل بستگان و دسترسی آسان به مراکز خرید و خدمات عمومی.

۵. در مصرف زیاده‌روی نکنید. در صورت اسراف در مصرف و برآورده شدن سریع انواع خواسته‌های همسر و فرزندان، آنها روزبه‌روز به خواسته‌های خود بیشتر توجه می‌کنند و از شما توقع بیشتری دارند. این امر موجب می‌شود که روابط آنها با شما و با یکدیگر از هم بگسلد. اعتدال در مصرف را رعایت کنید. سعدی گوید:

چو کم خوردن طبیعت شد کسی را — چو سختی پیشش آید، سهل گیرد
و گر تن‌پرور است اندر فراخی — چو تنگی بیند، از سختی بمیرد[1]

نقش اعضای خانواده

هرچند ازدواج به‌ظاهر پیوند دختر و پسر با یکدیگر است، با این امر مقدس شبکه‌ای ارتباطی متشکل از زن و شوهر و فرزندان و بستگان ایجاد می‌شود که هریک جایگاه و نقش ویژه‌ای دارند. ایفای مناسب این نقش‌ها سبب برکت و رحمت فراوان در زندگی هریک از آنها خواهد شد.

در نگاهی اجمالی می‌توان رابطه اعضای خانواده را چنین برشمرد:

- زن و شوهر؛
- والدین و فرزندان؛
- همسران و بستگان.

یک. زن و شوهر

همسران هرچند در خانواده نقش‌های مشترک فراوانی دارند، به‌دلیل برخی تفاوت‌های

---
۱. سعدی، گلستان، باب سوم.

«جسمانی»، «عاطفی» و«روانی» نقش‌های ویژه‌ای نیز برعهده دارند. ازاین‌رو در اسلام مسئولیت تأمین مخارج زندگی زن و فرزندان برعهده مردان قرار داده شده و زن‌ها از آن معاف هستند. به‌دلیل واگذاری این مسئولیت سنگین بر دوش مردان که هم توانایی جسمانی و روانی بیشتری برای کارهای سخت دارند و هم بیشتر به مدیریت و ریاست متمایل‌اند، زنان به پذیرش اقتدار مردان در خانه سفارش شده‌اند. مرد جایگاه مدیریتی خاصی در خانه دارد و حامی و مراقب همسر است. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

> هریک از فرزندان آدم یک فرمانرواست: مرد فرمانروای خانواده خویش است و زن فرمانروای خانه خویش.[1]

براساس تفاوت‌های جسمانی و روانی زنان و مردان، نقش زنان در ایجاد محبت و گسترش عواطف در خانواده پررنگ‌تر بوده و از همین‌رو در رفع کدورت‌ها مسئولیت بیشتری متوجه آنهاست.[2] به سایر تفاوت نقش‌ها و تکالیف همسران نیز در سایر بخش‌ها اشاره شده است.

دو. والدین و فرزندان

با تولد فرزندان، زن و شوهر نقش‌های جدیدی می‌پذیرند. ایفای نقش پدری و مادری شیرین، ولی پرمسئولیت است. پدر باید نیازهای اولیه کودک به‌ویژه مخارج خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان فرزند را برآورده کند و مادر نیز وظیفه دارد با ایجاد ارتباط عاطفی عمیق با فرزند به تربیت او همت گمارد. هرچند تربیت جسمانی، روانی، اعتقادی و اخلاقی فرزندان وظیفه مشترک پدر و مادر است، نقش مادر در این بخش حساس‌تر و مؤثرتر می‌باشد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ماهیت روابط میان‌فردی هر شخص، در تعامل میان نوزاد و مادر تثبیت می‌شود. اگر میزان تماس بدنی، دیداری و کلامی مادر و آگاهی

---

۱. كُلُّ نَفسٍ مِنْ بَنِی آدَمَ سَيِّدٌ؛ فَالرَّجُلُ سَيِّدُ أَهْلِهِ، وَالمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا. (پاینده، نهج‌الفصاحه، ح ۲۱۷۷)
۲. خدا در قرآن می‌فرماید: «وَ إِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزاً أَوْ إِعْرَاضاً فَلا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحاً وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَ أُحْضِرَتِ الأَنْفُسُ الشُّحَّ وَ إِنْ تُحْسِنُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيراً؛ و اگر زنی از سرکشی یا روی‌گردانی شوهرش ترس داشته باشد، پس هیچ گناهی بر آن دو نیست در اینکه با آشتی در میانشان صلح برقرار کنند، و صلح بهتر است، و [هرچند در این موارد] جان‌ها در معرض آزمندی است، و اگر نیکی کنید و خودنگه‌دار باشید، پس در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است». (نساء (۴): ۱۲۸)

و پاسخ دهی او به نیازهای کودک کافی باشد، وی دارای الگوی دل‌بستگی ایمنی‌بخش می‌شود. این نوع دل‌بستگی با ویژگی‌های آینده فرد مرتبط است؛ ویژگی‌هایی چون عواطف مثبت، همدلی، عزت نفس بالا و تعامل‌های بدون تعارض با همسالان و بزرگسالان.[1]

اسلام به تناسب این نقش‌ها با عباراتی همچون «بهشت زیر پای مادران است»،[2] شخصیتی والا از ایفای نقش مادری به‌دست داده و از این سو بر نقش مردان نیز انگشت نهاده است:

> کسی که از طریق کسب روزی حلال برای تأمین معاش خانواده خود تلاش می‌کند، خداوند را در روز قیامت با چهره‌ای که چون ماه شب چهارده می‌درخشد، ملاقات می‌کند.[3]

این تعابیر سبب می‌شود مادران و پدران به تناسب نقش‌های خویش، احساس مسئولیت نمایند و رضایت بیشتری از انجام مسئولیت خویش به‌دست آورند. ازآنجاکه بیشتر مسئولیت‌های پدر و مادر در مقابل فرزند مشترک است، می‌توان نقش ویژه والدین در خانواده را به‌اختصار چنین ذکر کرد: رعایت أصول سلامت فرزند در دوران جنینی، تلاش برای بارداری و زایمان سالم، توجه به تغذیه کودک در دوران شیرخوارگی، کمک به فرزندان برای استقلال در رفتارهای شخصی، سیراب نمودن فرزند از محبت و عشق بدون عوض، زمینه‌سازی برای بازی‌های سالم و سازنده، تلاش در جهت سلامت جسمانی و رشد کودک و درمان بیماری‌های او، رشد دادن خصلت‌های اخلاقی مانند «اعتماد به نفس، نشاط روحی، امیدواری، صبر و بردباری، صداقت، مسئولیت‌پذیری، حیا و عفت، خوش‌رفتاری با دیگران و شجاعت»، ایجاد و تقویت اعتقادات صحیح در او همچون «ایمان به خالق جهان هستی، نقش و مسئولیت انسان در جهان، پذیرش معاد و رسالت رسولان، باور به قرآن و دوری از خرافه‌ها» و فراهم نمودن امکانات آموزشی مورد نیاز برای رشد و پیشرفت.

نقش والای پدر و مادر در سازندگی و رشد فرزند، برای او نیز وظایفی ایجاد می‌کند. کودک تا زمانی که به رشد عقلی لازم نرسیده است، معمولاً مطیع پدر و مادر بوده، از آنان تأثیر می‌پذیرد. اندک‌اندک با آغاز بلوغ و ورود به دوران نوجوانی، حس استقلال طلبی در او رشد می‌کند. از این

---

۱. بنگرید به: آذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۲۶۸ ـ ۲۶۶.
۲. الجَنَّةُ تَحتَ أقدامِ الأُمَّهاتِ. (نوری طبرسی، مستدرک الوسایل، ج ۱۵، ص ۱۸۰)
۳. مَنْ طَلَبَ الدُّنیَا حَلالاً ... وَسَعْیاً عَلَى عِیَالِهِ ... لَقِیَ اللهَ وَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَیْلَةَ الْبَدْرِ. (همان، ج ۱۳، ص ۱۷ و ۵۵)

پس با ورود به سن مسئولیت‌پذیری، به فرزند تکلیف می‌شود تا از پدر و مادر خویش اطاعت کند و به آنان فرصت دهد تا به تداوم نقش تربیتی خویش بپردازند. علاوه بر آن، احترام به پدر و مادر و نیکی به آنان برای فرزندان واجب شمرده شده است. خداوند می‌فرماید:

به آدمی سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند.[1]

همچنین بر رسیدگی به مادر و پدر در ایام سالمندی تأکید شده است[2] و درصورتی‌که آن‌دو یا یکی از آنها نیازمند باشد، بر فرزند - اعم از دختر و پسر - واجب است که مخارج آنها را تأمین کند.

بنابراین نقش والدین و فرزندان در خانواده به‌اختصار چنین است: وظیفه پدر و مادر، مراقبت، حمایت و تربیت فرزند است. البته پدر علاوه بر اینها، تأمین معاش او را نیز عهده‌دار است. وظیفه فرزند نیز احترام به والدین و اطاعت از دستورهای مشروع آنها و رسیدگی به آنان در ایام نیازمندی و سالمندی است.

سه. همسران و بستگان

از نظر اسلام، ارتباط با بستگان (صله رحم) قبل یا بعد از ازدواج واجب است و آثار مثبت متعددی دارد؛ ازجمله اینکه عمر را زیاد می‌کند و فقر را از بین می‌برد،[3] حساب قیامت را آسان می‌کند[4] و اخلاق افراد را نیکو می‌گرداند.[5]

از بُعد روان‌شناختی، حمایت عاطفی خویشاوندان نسبی یا سببی در مشکلات زندگی، راهنمایی و حمایت مالی آنها در فشارهای اقتصادی و نیز نشاط روحی حاصل از دید و

---

۱. «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْناً» (عنکبوت (۲۹): ۸؛ احقاف (۴۶): ۱۵)؛ «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ» (لقمان (۳۱): ۱۴)؛ «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً». (نساء (۴): ۳۶؛ انعام (۶): ۱۵۱)

۲. وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَ لَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلاً كَرِيماً وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيراً؛ و پروردگارت فرمان قطعی داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. اگر یکی از آن‌دو، یا هردو نزد تو به [سن] پیری برسند، پس به آن‌دو «اُف» [=کوچک‌ترین سخن اهانت‌آمیز] نگو و آن‌دو را با پرخاش نران و به آن‌دو سخنی ارجمند بگو و از سر مهر، بال فروتنی برای آن‌دو فرو آور و بگو: پروردگارا! آن‌دو را رحمت کن، همان‌گونه که مرا در خُردی پرورش دادند. (اسراء (۱۷): ۲۴ - ۲۳)

۳. صِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمُرِ... وَ تَنْفِي الْفَقْرَ. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۲)

۴. صِلَةُ الرَّحِمِ تُهَوِّنُ الْحِسَابَ. (طوسی، امالی، ص ۴۸۱)

۵. صلةُ الأرحامِ تُحَسِّنُ الخُلُقَ. (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۲)

بازدیدها، به سلامت روانی اعضای خانواده کمک می‌کند و سبب رشد اجتماعی آنها نیز خواهد شد.

بنابراین دختر و پسر پس از ازدواج وظیفه دارند ارتباط با خویشان خود به‌ویژه پدر و مادر را حفظ نمایند، هرچند این ارتباطات نباید به روابط همسران آسیب برساند. گاهی وابستگی شدید یکی از آنها به والدین، سبب کوتاهی در مسئولیت همسری می‌شود و گاه فرد بدون رعایت حریم خصوصی روابط خود با همسرش، آبروی وی را نزد بستگان خویش می‌برد. گاهی اوقات نیز رقابت فامیلی در تجملات، سبب ایجاد فشار اقتصادی بر خانواده جدید می‌شود. در مواردی نیز دخالت‌های بستگان به‌خصوص والدین موجب از بین رفتن استقلال خانواده جدید می‌گردد و روابط آنها را دچار تنش می‌سازد.

◆ **برای مطالعه بیشتر**

امروزه به‌دلیل وجود برخی تفاوت‌های فکری و نگرشی بین جوانان و والدین آنها، ارتباط سازنده اعضای خانواده نوپا با والدین خود نیازمند کسب برخی توانمندی‌هاست که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌شود:

۱. توجه داشته باشید که افراد به بستگانشان به‌ویژه والدین خویش علاقه‌مندند و صمیمانه آنها را دوست دارند و نسبت به هرکس که حرمتشان را بشکند یا آنها را نادیده بگیرد، احساس بدی پیدا می‌کنند. رفتار خوب با خانواده همسر سبب می‌شود که آنها نیز با شما رابطه خوب و عاطفی برقرار نمایند و فضای روانی مثبتی را به نفع شما در خانواده خود ایجاد کنند؛ اقدامی که در نهایت موجب مثبت‌تر شدن نظر همسر می‌شود.[1]

۲. هرچند وقت یک بار خانواده خود و همسرتان را به منزل دعوت کنید و با همسر خود به دیدار آنها بروید. این مهمانی‌ها نشانه احترام و صمیمیت است.

۳. ارتباط با خانواده خود و خانواده همسرتان را مدیریت کنید. زمان رفت‌وآمدها و مقدار حضور نزد آنها را به‌گونه‌ای تنظیم کنید که هم روابط صمیمانه حفظ شود و هم به برنامه‌های شخصی و خانوادگی شما آسیب نرسد.

۴. کوتاه‌ترین راه برای رسیدن به خوشبختی، استفاده از تجربه دیگران است. بهترین تجربه‌ها از آنِ پدر و مادر شما و پدر و مادر همسرتان است. از راهنمایی منطقی والدین همسر خود استقبال کنید و نصایح آنها را دخالت تلقی نکنید. گاه خودتان نیز در برخی امور زندگی با آنها مشورت کنید.

۵. برای پیشگیری از ایجاد اختلاف بین خانواده خود و همسرتان، از آغاز زندگی مشترک،

---

۱. بنگرید به: ایمانی، **ارتباط با خانواده همسر**، ص ۱۴۵ ـ ۱۴۱.

به همسر خود کمک کنید تا عادات و آداب و رسوم خانواده شما را بهتر بشناسد. البته از او انتظار نداشته باشید که دقیقاً متناسب با آن رفتار کند.

۶ . هنگام نیاز خانواده خود و همسرتان به کمک آنها بشتابید تا اگر زمانی آنها منتظر حضور شما بودند و شما این حضور را مصلحت ندانستید، دلگیر نشوند و رفتار شما را تکبر یا بدخلقی به‌شمار نیاورند. کمک شما به خانواده همسرتان در مشکلات، نشانه صمیمیت شماست و نزد خداوند نیز اجر خواهد داشت؛ ضمن آنکه آنها نیز هنگام مشکلات به کمک شما خواهند شتافت. به‌علاوه، همسر شما نیز یاد می‌گیرد که در سختی‌ها به خانواده شما رسیدگی نماید.

۷. اسرار زندگی خود و همسرتان را تا حد امکان نزد خانواده خود یا همسر بازگو نکنید. آنها شما را دوست دارند و ممکن است نگرانی‌های آنان سبب دخالت نامناسب در زندگی شما شود.

۸ . بکوشید تا ارتباط شما با خانواده خود و خانواده همسرتان متوازن باشد تا شائبه تبعیض پیش نیاید. این توازن را هم در رفت‌وآمدها و هم در گفتار رعایت کنید.

۹. دختران با روش مناسبِ مدیریت داخلی خانه همچون آشپزی خوب، نظافت و نظم منزل و مهمان‌داری شایسته، آشنا باشند و پسران نیز در کسب و کار و شیوه صحیح تأمین مخارج زندگی اطلاعات کافی به‌دست آورند و به‌درستی رفتار کنند تا زمینه دخالت‌های والدین در زندگی آنان بسیار کم شود.

۱۰. اگر از خانواده خود دلگیر شده‌اید، نزد همسرتان از آنها بدگویی نکنید؛ چراکه نگاه همسرتان نسبت به خانواده شما منفی خواهد شد. اگر از خانواده همسر خود انتقادی دارید، فقط درمورد آنچه به روابط شما و همسرتان و زندگی خانوادگی شما مربوط می‌شود، واکنش نشان دهید. انتقاد نسبت به آنها را از طریق همسرتان ابراز کنید و مستقیم به آنان نگویید. هنگام بازگویی این انتقادها به همسرتان، احترام آنها را رعایت کنید و اگر هم لازم شد، به‌طور مستقیم برخی انتقادها را به آنان بگویید، اما با کلام و سخنان محترمانه.

۱۱. اگر لازم است، گاه در مقابل دخالت‌های خانواده همسرتان واکنش منفی نشان دهید. سعی کنید «نه» گفتن شما محترمانه باشد و در این خصوص با همسرتان نیز هماهنگ رفتار کنید.

۱۲. اگر همسر شما از رفتار بستگان شما با خودش گله‌مند است، با او همدردی کنید. نگذارید حمایت‌های شما از خانواده‌تان، میان شما و همسرتان شکاف ایجاد کند.

۱۳. اگر بستگان همسرتان مرتکب رفتار زشتی شدند، همسر خود را سرزنش نکنید. هر کسی مسئول اعمال خویش است، نه مسئول اعمال دیگران. در ضمن پشت سر

خانواده همسرتان بدگویی نکنید که غیبت و حرام است.
۱۴. برای پیشگیری از دخالت‌های ناروای خانواده همسر در زندگی خصوصی خود، به همسر خویش در جمع خانواده ابراز علاقه کنید و به او احترام بگذارید. این امر، خانواده همسر را متوجه روابط مستحکم شما می‌کند و آنها را از دخالت در زندگی شما بازمی‌دارد.
۱۵. زمانی که پدر یا مادر درمورد زندگی خصوصی شما توصیه‌ای دارند، به آنها بگویید در آن زمینه با همسرتان مشورت می‌کنید و سپس در صورت صلاحدید اقدام خواهید کرد. درنتیجه آنها متوجه خواهند شد که با زوجی روبه‌رویند که دارای حریم‌های مستحکم است.
۱۶. درصورتی‌که والدین همسر در زندگی شما دخالت‌های ناروا دارند، طول اقامت خود را در منزل آنان کاهش دهید و در عوض تعداد دفعات دیدار را بیشتر کنید و در مدت کوتاه حضور در نزد آنان نیز به آنها محبت نمایید.
۱۷. زنان شاغل توجه داشته باشند که پدر و مادر زن یا شوهر ممکن است برای حمایت از اشتغال زن، از او و فرزندانش حمایت‌های افراطی به‌عمل آورند. این امر در طولانی‌مدت موجب بیگانه شدن همسران با وظایف خود، بی‌مسئولیتی زوجین نسبت به یکدیگر یا فرزندشان و غرق شدن همسران در فعالیت‌های فردی می‌شود و روابط گرم خانوادگی زن و شوهر را به سردی می‌کشاند. در صورت کمک والدین، میزان این حمایت‌ها را مدیریت کنید و با صمیمیت از آنها تشکر نمایید.

حقوق و تکالیف همسران

بنیان خانواده بر مودت و رحمت و عواطف عمیق انسانی و معنوی بنا شده است. بی‌تردید مسئولیت‌پذیری و ایثار و گذشت، امری دوسویه است که بذر محبت را به درختی تنومند مبدل می‌کند و زن و مرد را زوجی خوشبخت می‌سازد؛ زوجی که نه برای حق‌طلبی و رقابت مذموم، بلکه بر مبنای رحمت و الفت کنار یکدیگرند. بر این مبنا، بیان برخی از حقوق و تکالیف قانونی در این بخش، تنها برای ارتقای آگاهی‌های حقوقی است تا اگر احیاناً زندگی به مراحل دشواری رسید، از آن بهره گیرند.
وظایف و حقوق اعضای خانواده مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران به قراری است که در پی می‌آید.

یک. حقوق و تکالیف مشترک

۱. حسن معاشرت

ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی اعلام می‌دارد: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.» لوازم حسن معاشرت عبارت است از:

۱. **اسکان مشترک:** زن و شوهر باید با یکدیگر و در محل مشترکی زندگی کنند. بنابراین شوهر مکلف است زن را در خانه بپذیرد و زن نیز مکلف است در خانه شوهر زندگی کند. همسران باید به اهمیت بستر مشترک و نقش هم‌بستری در ایجاد مودت و رحمت بین آنها و تأثیر آرامش روحی و روانی آن بر اعضای خانواده توجه داشته باشند.

۲. **روابط جنسی متعارف:** داشتن روابط جنسی به‌شکلی متعارف، نوعی خوش‌رفتاری به‌شمار می‌آید. بنابراین بی‌اعتنایی یکی از همسران به خواست طرف دیگر، اگر به دلیل موجهی نباشد، برخلاف حسن معاشرت است.[۱]

خروج از حسن معاشرت برای زن، اگر به‌صورت عدم تمکین جنسی باشد، موجب «نشوز» است و وی دیگر مستحق نفقه نخواهد بود. برابر ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نیز چنانچه شوهر دچار سوء معاشرت شود، به‌گونه‌ای‌که ادامه زندگی خانوادگی تحمل‌ناپذیر گردد، زن حق طلاق خواهد داشت.

۳. **خوش‌رفتاری:** بدیهی است که بدرفتاری یا ضرب و شتم همسر از مصادیق بارز سوءمعاشرت خواهد بود.[۲] پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

> **هر مردی به صورت همسرش یک سیلی بزند، خداوند عزوجل به مالک دوزخ فرمان می‌دهد در جهنم هفتاد سیلی به او بزند.[۳]**

نیز فرمود:

> **آگاه باشید! هرگاه زنی با شوهرش مدارا نداشته باشد و بر آنچه خداوند**

---

۱. عراقی، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، ص ۹۱.

۲. قانون مدنی، ماده ۱۱۳۰، بند ۲ و ۴.

۳. فَأَیُّ رَجُلٍ لَطَمَ اِمْرَأَتَهُ لَطْمَةً أَمَرَاللهُ عَزَّوَجَلَّ مالِکَ خازِنِ النّیرانِ فَیَلْطِمُهُ عَلی حَرِّوَجْهِهِ سَبْعینَ لَطْمَةً فی نارِ جَهَنَّمَ. (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۰)

روزی آنان کرده، صبر نکند و شوهرش را به مشقت اندازد [و] از وی چیزی بخواهد که قادر بر به‌دست آوردن آن نباشد و فوق طاقت شوهر باشد، خداوند از چنین زنی حسنه‌ای را - که او را از آتش در امان دارد - نمی‌پذیرد و مادامی که زن چنین است، مورد غضب الهی است.[1]

۲. تحکیم خانواده و مشارکت در امور آن

ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی اعلام می‌کند: زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند. لازمه تحکیم خانواده اموری چند است؛ ازجمله:

۱. **همکاری در امور خانواده:** در اسلام تأکید شده که زن و شوهر در امور خانواده مشارکت و همکاری داشته باشند. گاه زن در امور شخصی به یاری مرد نیاز دارد و گاه مرد نیازمند یاری زن است (مثلاً در بیماری). این نوع مساعدت موجب تعمیق محبت بین زن و شوهر می‌شود.

۲. **وفاداری همسران:** وفاداری زن و شوهر به یکدیگر و تخصیص روابط جنسی به حریم خانواده،[2] از مهم‌ترین عوامل تحکیم خانواده است. بی‌تردید مقررات جزایی و تعیین مجازات برای روابط جنسی خارج از حریم زوجیت، حاکی از وجود اصل وفاداری زوجین در حقوق جمهوری اسلامی ایران است.[3]

هر نوع نگاه، گفتار و رابطه حرام با غیر همسر، افزون بر حرمت، موجب رنجش و کدورت بین همسران می‌شود. آنچه زمینه وفاداری بین همسران را تقویت می‌کند، «عفاف» است که در آداب دینی به زن و مرد توصیه شده است.[4] از سویی غیرت مردان نیز در حفظ عفاف خانواده مؤثر است. رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند بندگان باغیرت خود را دوست دارد».[5] برای مثال، شوهر می‌تواند به همسر خود تذکر دهد که در برابر نامحرمان آرایش نکند و

---

۱. وَ مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ لَمْ تُوَافِقْهُ وَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى مَا رَزَقَهُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ شَقَّتْ عَلَيْهِ وَ حَمَّلَتْهُ مَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ لَمْ يَقْبَلِ اللهُ مِنْهَا حَسَنَةً تَتَّقِي بِهَا النَّارَ وَ غَضِبَ اللهُ عَلَيْهَا مَا دَامَتْ كَذَلِكَ ... (حرعاملی، **وسائل الشیعه**، ج ۲۰، ص ۱۶۴)

۲. **منشور حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی ایران**، فصل دوم، بند نهم.

۳. صفایی و امامی، **مختصر حقوق خانواده**، ص ۱۲۳.

۴. پاینده، **نهج الفصاحه**، ح ۲۰۰۸.

۵. إنّ اللهَ يُحِبُّ مِن عِبادِهِ الغَيورَ (متقی هندی، **کنزالعمال**، ح ۷۰۷۰)

حجاب خویش را حفظ نماید، یا در معاشرت با همکاران مرد خود، رفتاری متین و باوقار داشته باشد. البته باید یادآور شد که غیرت در امور حرام امری پسندیده است، نه در امور حلال؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «در امر حلال غیرت وجود ندارد».[1]
بی‌شک غیرت‌ورزی بدون دلیل شرعی و عقلی آثار زیان‌باری دارد. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به امام حسن علیه السلام نوشت:

> **تو را از غیرت بی‌جا برحذر می‌دارم؛ زیرا غیرت بی‌جا زنان سالم را به بیماری می‌کشاند.**[2]

بنابراین وسواس‌های برخی مردان، زیر نظر گرفتن زن و تذکرهای مکرر که مثلاً چرا با آن مرد صحبت کردی یا چرا جواب تلفن مردی را دادی، از مصادیق غیرت‌ورزی‌های نادرست است.
الزام زن و شوهر به وفاداری نسبت به یکدیگر، هم از آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»[3] دریافتنی است و هم از اینکه قرآن از ازدواج به «میثاق غلیظ» (به‌معنای «پیوند استوار») تعبیر نموده است.[4]
۳. گذشت از خطای همسر: انسان هیچ‌گاه از خطا و اشتباه مصون نیست. ازاین‌رو، بخشودن وسیله‌ای برای تداوم زندگی مشترک است. این موضوع در خانواده‌هایی که فرزند دارند، ضرورت بیشتری می‌یابد. ای‌بسا پدر یا مادر با علم به اینکه حق همسری وی از جانب همسرش تضییع می‌شود، به‌منظور حفظ حقوق فرزندان در برخورداری از نعمت پدر و مادر و بهره‌مندی کودکان از محیطی آرام و بدون تنش، از حقوق خود می‌گذرند.
نکته مهم اینکه، صبر بر خطاهای دیگری را نباید با ظلم‌پذیری یکی دانست. چه بسیار مواردی که این صبر کلید گشایش باشد.

۳. حضانت و تربیت فرزندان

از مسئولیت‌های مهم زن و شوهر، مراقبت از سلامت جسمانی فرزندان، رسیدگی عاطفی به

---
۱. لا غیرة فِی الحَلال ... . (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۴۳، ص ۱۴۴؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۸)
۲. اِیّاکَ وَ التَّغایُرَ فی غَیرِ مَوْضِعِ غَیْرَةٍ فَاِنَّ ذلِکَ یَدْعُو الصَّحیحَةَ مِنْهُنَّ اِلَی السَّقَمِ ... . (کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۳۷؛ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج۲۰، ص۲۳۷)
۳. به قراردادها وفا کنید. (مائده (۵):۱)
۴. نساء (۴):۲۱.

آنان و برآوردن نیازهای روانی‌شان است. از سویی پرورش فکری و تربیت اخلاقی و دینی فرزندان نیز برعهده آنهاست. از همین‌رو است که در قرآن کریم آمده است:

قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً.[1]

خودتان و خانواده‌هایتان را از آتشی حفظ کنید.

در قانون مدنی دراین‌باره مواردی ذکر شده؛ ازجمله:

نخست. پدر و مادر مکلف‌اند در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خود اقدام کنند.[2]

دوم. حضانت و نگهداری فرزندان از حقوق و وظایف مشترک زوجین است.[3]

سوم. حضانت اطفال برای حمایت از آنان است. ازاین‌رو، هیچ‌یک از والدین حق ندارد از نگهداری طفل امتناع نماید.[4]

چهارم. شیردهی طفل نیز درصورتی‌که تغذیه طفل به غیراز شیر مادر ممکن نباشد، به‌عهده مادر است.[5]

اما زوجین گاه به هنگام اختلاف با مواردی روبه‌رو می‌شوند که از آن آگاهی ندارند. این موارد را برمی‌شمریم:

۱. معمولاً اختلافات خانوادگی درمورد حضانت کودکان، پس از طلاق و جدایی مطرح می‌شود. ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی می‌گوید:

در صورت جدایی پدر و مادر، مادر تا سن هفت سالگی درمورد اطفال (چه اناث، چه ذکور) اولویت دارد و پس از انقضای مدت، حضانت اطفال با پدر است. در صورت اختلاف، دادگاه با توجه به مصلحت طفل، درمورد حضانت طفل تعیین تکلیف می‌کند.

ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی بیان می‌کند:

هیچ‌یک از پدر یا مادر حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به‌عهده آنهاست،

---

۱. تحریم (۶۶): ۶.
۲. قانون مدنی، ماده ۱۱۷۸.
۳. همان، ماده ۱۱۶۸.
۴. همان، ماده ۱۱۷۲.
۵. همان، ماده ۱۱۷۳.

از نگهداری او امتناع کنند.

همچنین در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی آمده است:

اگر پدر یا مادر از نظر اخلاقی صالح نباشند، یا صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، دادگاه به تقاضای وابستگان طفل یا قیم یا رئیس حوزه قضایی تصمیم لازم را می‌گیرد.

برابر همین ماده، موارد انحطاط اخلاقی پدر یا مادر عبارت است از: اعتیاد، فساد اخلاقی، بیماری روانی، سوءاستفاده از طفل و نیز ضرب و جرح غیرمتعارف طفل.

در ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی نیز می‌خوانیم:

نمی‌توان طفل را از پدر و مادر او گرفت، مگر به حکم قانون.

همچنین ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی می‌گوید:

هرگاه به هر دلیلی طفل با یکی از والدین زندگی کند، نباید از ملاقات با دیگری محروم شود.

این به آن دلیل است که بهره‌مندی از حمایت‌های عاطفی و روحی پدر و مادر، نعمتی است غیر قابل جایگزین.

۲. پس از فوت پدر، حضانت فرزند با مادر است و در این موضوع محدودیت سنی وجود ندارد. در ماده ۴۳ قانون حمایت خانواده چنین آمده:

حضانت فرزندانی که پدرشان فوت شده، با مادر آنهاست، مگر آنکه دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد.

لازم به ذکر است حفظ فرزند در دوران جنینی نیز تکلیف مادر می‌باشد. در صورت اسقاط جنین فرد سقط کننده مرتکب فعل حرامی شده و باید دیه نیز بپردازد مواد ۴۸۷ تا ۴۸۹ قانون مجازات اسلامی مقدار دیه جنین سقط شده را به تفکیک بیان کرده است.

۴. پرداخت نفقه اقارب

نفقه نزدیکان، انفاقی است که شخص باید در حال نیازمندی والدین و فرزندان بپردازد تا برای فرزندان صغیر یا فقیر، یا پدر و مادر نیازمند او هزینه شود. گاهی نسبت به این نوع نفقه که برعهده افراد است، کوتاهی می‌شود که افراد به‌ویژه فرزندان باید به آن توجه کنند. ملاک این نوع نفقه، حقوق فرزندان بر والدین خود و همچنین حقوقی است که پدر و مادر به حکم زحماتی که در دوره کودکی فرزند خود متحمل شده‌اند، بر فرزند - اعم از دختر یا پسر - پیدا می‌کنند. شرط این نوع نفقه، ناتوان بودن آن شخص است.[1] برای مثال اگر فرزند امکان اشتغال و تأمین مخارج خویش را داشته باشد دیگر بر پدر لازم نیست که مخارج فرزند را تأمین نماید. طبق قوانین، «نفقه اقارب» بر کسی واجب است که توان دادن نفقه را داشته باشد.[2] قانون مدنی درمورد نفقه اقارب می‌گوید:

نفقه ابوین با رعایت الأقرب فالأقرب به‌عهده اولاد و اولادِ اولاد است.[3]

نفقه اولاد برعهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق، به‌عهده اجداد پدر است، با رعایت الأقرب فالأقرب. در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها، نفقه به‌عهده مادر است.[4]

دو. حقوق و مسئولیت‌های اختصاصی همسران

۱. حقوق اختصاصی مرد

۱ - ۱. مدیریت خانواده: هر اجتماعی به یک مدیر نیاز دارد (هرچند بین افراد آن نهاد کمال همکاری وجود داشته باشد)؛ چراکه اختلاف نظرهایی هرچند جزئی پیش می‌آید و اگر مشخص نباشد که تصمیم نهایی را چه کسی باید بگیرد، آن نهاد گرفتار بی‌نظمی و عدم انسجام خواهد شد و کارآیی لازم را از دست خواهد داد. در آیین اسلام ازآنجاکه تحصیل مال

---

۱. اسعدی، خانواده و حقوق آن، ص ۲۵۶.
۲. قانون مدنی، ماده ۱۱۹۸.
۳. همان، ماده ۱۲۰۰.
۴. همان، ماده ۱۱۹۹.

و اداره زندگی برعهده مردان گذارده شده و مرد مسئول تأمین مخارج زندگی است، مدیریت و سرپرستی خانواده نیز بردوش آنان نهاده شده است. آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»[1] بر این امر دلالت دارد. لازمه این امر، تمکین و گردن نهادن اعضای خانواده ازجمله همسر در برابر تصمیم‌های شوهر است. قوّام بودن، مسئولیتی در جهت حفظ مصالح خانوادگی است و زنان با حفظ این اقتدار برای شوهرانشان می‌توانند به آنان در پایداری خانواده یاری برسانند. شوهران نیز باید ریاست بر خانواده را فرصتی برای ارتقای سطح مادی و معنوی خانواده بشمارند.

در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی نیز به چنین امری اشاره شده است: «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است».

بنابراین مرد سرپرست خانواده محسوب می‌شود و موظف است مخارج همسر و فرزندان را تأمین نماید. همچنین باید درباره مسائل مهم زندگی خانوادگی تصمیم‌گیری نماید و در این تصمیم‌گیری نیز می‌باید مصلحت همسر و فرزندان را درنظر گیرد و از خودکامگی و استبداد در مدیریت خانواده بپرهیزد.[2] به تعبیر دیگر، هدف از ریاست مرد، حفظ سلامت و استحکام خانواده است. بنابراین اگر مرد از موقعیت خود سوءاستفاده کند - مانند اینکه به‌عنوان رئیس خانواده، زن را از رفت‌وآمد متعارف با خویشاوندان خود بازدارد، یا اموال او را تصرف نماید - برخلاف قانون بوده و از مصادیق سوءمعاشرت به‌شمار می‌آید.[3]

۱ - ۲. منع اشتغال زن در موارد خاص: ریاست شوهر در خانواده گاه موجب محدودیت زن در انتخاب شغل می‌شود. بی‌گمان شغل زن باید با مصالح خانواده و حیثیت شخصی زوجین سازگار باشد. در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی آمده است:

شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.

البته شغلی که با مصالح خانوادگی در تنافی باشد، شغلی است که ذاتاً مشروع است، وگرنه می‌توان از مشاغل نامشروعی مانند قاچاق، بی‌هیچ قید و شرطی جلوگیری کرد. تشخیص

---

۱. مردان [مایه] پایداری زنان‌اند. (نساء (۴): ۳۴)
۲. مقدادی، ریاست خانواده، ص ۱۲۰ - ۱۱۹.
۳. صفایی، مختصر حقوق خانواده، ج ۱، ص ۱۲۵.

منافات داشتن شغل زن با مصالح خانوادگی یا حیثیت همسر، با دادرس است که باید به عرف رجوع کند. برای مثال، اگر شغل زن به‌گونه‌ای باشد که به هیچ رو نمی‌تواند به اداره امور خانواده و نگاهداری و تربیت اطفال بپردازد، ازآنجاکه این شغل وضع خانواده را نابسامان می‌کند، منافی مصالح خانوادگی شمرده می‌شود. همچنین اگر زن در شغل خویش با مردان نامحرم روابط غیرمتعارف دارد و دائماً در معرض نگاه‌های آلوده و سخنان هرزه مردان قرار می‌گیرد، این شغل با حیثیت زن سازگار نیست و از همین‌رو دادگاه به درخواست شوهر می‌تواند زن را از این شغل بازدارد.

البته شوهر حق ندارد از موقعیت خود و اختیارهای ناشی از آن سوءاستفاده کند؛ زیرا هدف از ریاست مرد، حفظ نظام خانواده و استحکام آن است. بنابراین اگر بخواهد اقتدار خویش را به منظوری دیگر به‌کار برد و برخلاف مصالح خانواده و به قصد قدرت‌نمایی اقدامی کند، باید او را منع کرد.

۱ ـ ۳. تمکین زوجه: یکی از اهداف ازدواج، ارضای نیازهای جنسی از طریق مشروع است. زن و شوهر در این زمینه، حقوق و مسئولیت‌های اساسی دارند و هریک باید احساس نیاز جنسی همسر را برآورده سازند، مگر آنکه مانعی عقلی یا شرعی وجود داشته باشد. این موضوع مطابق عهدی است که هریک از آنها با انعقاد قرارداد ازدواج پذیرفته‌اند. البته در این زمینه به‌دلیل تفاوت‌های جسمانی و روانی زنان و مردان، زن وظیفه سنگین‌تری برعهده دارد و از همین‌رو تمکین خاص بر زنان الزامی است. هرچند همه حقوق و وظایف همسری پس از عقد بر زوجین واجب و لازم می‌شود.[1]

بر مبنای برخی قوانین، عرف جامعه معمولاً روابط زناشویی همسران و پرداخت نفقه زوجه را تا زندگی مشترک به تعویق می‌اندازد. البته هرگاه پس از عقد، زن آمادگی خویش را برای روابط زناشویی اعلام نماید، بر مرد لازم است نفقه او و ازجمله تأمین مسکن را بپذیرد، مگر آنکه زن دریافت نفقه و تهیه مسکن توسط شوهر را به آینده موکول نماید. به هر روی امروزه دوران عقد، مدت زمانی است بین انعقاد قرارداد ازدواج تا شروع زندگی مشترک زیر یک سقف، تا در این دوران خانواده دختر جهیزیه تهیه نماید و پسر مسکن مناسب فراهم کند. در ضمن دختر و پسر نیز نسبت به یکدیگر شناخت بهتری پیدا می‌کنند و با روحیات و

۱. قانون مدنی، ماده ۱۱۰۲.

نیازمندی‌های همسر خود بیشتر آشنا می‌شوند.

۱ ـ ۴. ولایت بر فرزندان: خانواده از زن و شوهر و فرزندان تشکیل می‌شود. فرزندان تا فرارسیدن زمان بلوغ و رشد فکری لازم، تحت سرپرستی پدر خود قرار دارند. آنها تا هنگامی که کوچک هستند، بر دارایی‌های خود تسلطی ندارند و از تصمیم‌گیری درباره امور مهم زندگی ناتوان هستند.[1] در این دوران، پدر مسئولیت تأمین مخارج فرزندان را برعهده دارد و موظف است به امور اساسی زندگی آنها رسیدگی کند.

۲. حقوق اختصاصی زن

۲ ـ ۱. حق هم‌بستری: یکی از حقوق زن بر مرد آن است که مرد با وی ترک هم‌بستری نکند. چنانچه مرد زندگی مشترک یا سایر حقوق زوجیت (مانند هم‌بستری) را ترک نماید و زن دچار سختی شود، حق زن خواهد بود که به دادگاه رجوع نماید. در ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی آمده است:

> اگر در مرد عیبی قبل یا بعد از عقد باشد که مانع هم‌بستری شود، به شرط اینکه حتی یک بار عمل زناشویی را انجام نداده باشد، زن حق دارد نکاح را فسخ کند.

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نیز بیان می‌کند:

> اگر این عیب پس از رابطه زناشویی در مرد ایجاد شود و زن دچار سختی و مشقت شود، می‌تواند به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق نماید.

البته زن می‌باید همسر خویش را برای مراجعه به پزشک ترغیب و همراهی کند تا عیب شوهر برطرف گردد؛ زیرا در بیشتر موارد، پزشک با کشف علت ناتوانی جنسی مرد، قادر بر درمان خواهد بود.

۲ ـ ۲. حق نفقه: نفقه زوجه، مخارجی است که شوهر باید به همسر بپردازد. برابر ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، نفقه عبارت است از: همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن

---

۱. علاسوند، زن در اسلام، ج ۲، ص ۵۱.

از قبیل مسکن، پوشاک، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و یا خادم، در صورت عادت یا احتیاج (به‌دلیل نقصان یا مرض). نفقه، متناسب با وضعیت زن، با توجه به شرایط زندگی خانوادگی و بستگان و زنانِ مانند او در همان شهر است. البته باید دانست اگر وضع مالی زن از توان اقتصادی شوهر بهتر است و او حاضر به ازدواج با این مرد شده، نمی‌تواند در میزان نفقه سخت‌گیری کند. علاوه بر ماده مذکور، در ماده ۱۱۰۸ آمده:

> اگر زن بدون مانع مشروع، از ادای وظایف زوجیت امتناع کند و نیازهای مشروع جنسی شوهر را برآورده نسازد، مستحق نفقه نخواهد بود و نفقه ساقط می‌شود.

حال اگر زن سازگاری داشته باشد، ولی با این‌همه شوهر نفقه ندهد، زن می‌تواند به دادگاه شکایت کند. دادگاه نیز میزان نفقه را معین، و شوهر را به دادن آن محکوم می‌کند. اگر شوهر به دستور دادگاه عمل نکند و دادگاه نیز نتواند او را مجبور نماید، طبق ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی حاکم ممکن است زوج را به طلاق وادار کند. هرچند قانون در این زمینه از زن حمایت حقوقی و کیفری می‌کند، توصیه اخلاقی به زنان این است که با دشواری‌های زندگی سازگار باشند تا خداوند در زندگی آنان گشایشی پدید آورد.

نفقه با قوانین مخصوص به خود، یکی از مهم‌ترین منابع برای تأمین همبستگی زن و شوهر و دیگر اعضای خانواده است. انفاق مرد به زن، به او احساس کفایت و مفید بودن می‌دهد و بدو القا می‌کند که شوهرش برای حفاظت از خانواده و آسایش وی می‌کوشد. مردان نیز این کوشش را سندی برای علاقه خود به همسر و فرزندان می‌شمرند و آن را دست‌مایه غرور و اقتدار خویش می‌دانند. بنابراین قانون نفقه به حفظ جایگاه طبیعی مرد و زن کمک می‌کند.[1]

۳ ـ ۳. حق مهریه: «مهر» عطیه و بخششی است که مرد پس از ازدواج به همسر خود می‌پردازد. قرآن کریم از مهر به «صداق» تعبیر نموده است: «وَ آتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً.»[2] واژه «صداق» از ریشه صدق بوده و نشان حقیقی علاقه و عشق شوهر به زن است و صدقِ ادعای وی را در اظهار علاقه‌اش اثبات می‌کند. واژه «نحله» نیز به‌معنای عطیه است. در

۱. همان، ص ۱۵۴.
۲. نساء (۴): ۴.

این تعبیر، مهر جنبه تقدیمی و هدیه بودن دارد. ازآن‌رو که این هدیه باید از سر صدق و راستی به زن تقدیم شود، نباید با سخت‌گیری و تعیین شرط و فشارهای دختر و خانواده او همراه گردد و به ارقام نجومی - که پرداخت آن در توان مرد نیست - کشیده شود. از سویی مهریه نتیجه تدبیر ماهرانه‌ای است که در متن خلقت برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها با یکدیگر به‌کار می‌رود و حاکی از این است که مرد برای جلب رضایت همسر خود و به احترام موافقت او هدیه‌ای نثار وی می‌کند.[1]

در شریعت مقدس اسلام، بر پرداخت مهریه زنان تأکید بسیار رفته و خودداری از آن در شمار پلیدترین گناهان شمرده شده است. امام صادق عليه السلام فرموده است: «خودداری از پرداخت مهریه از پلیدترین گناهان شمرده می‌شود.»[2]

چه بسیار مردانی که در طول زندگی مشترک هدایای زیادی به همسر خود می‌دهند، یا مبالغ کلانی صرف زندگی و لوازم خانه مشترک می‌کنند، ولی مهریه زنان را که شرعاً بر آنها واجب است، نمی‌دهند و حتی گاهی درخواست پرداخت مهریه را از سوی زنان، مساوی با طلاق می‌دانند؛ حال آنکه مطالبه حق قانونی زن نباید به‌معنای عدم وفاداری وی تلقی شود.

پرداخت این هدیه از طرف مرد، تأثیر روان‌شناختی ویژه‌ای در زن برجای می‌گذارد و او احساس می‌کند مرد به وی علاقه‌مند است؛ چراکه علاقه خود را در عمل نشان داده و حاضر است هزینه آن را بپردازد.

مهریه در مرد نیز آثار روان‌شناختی ویژه‌ای دارد: اولاً او متوجه می‌شود برای کسی که دوست دارد و به او علاقه‌مند است، باید هزینه کند. ثانیاً تأثیر مهریه به پس از ازدواج بازمی‌گردد. به‌طورکلی اگر برای کسب چیزی سرمایه‌گذاری کنیم، راضی نمی‌شویم آن را به‌سادگی از دست بدهیم. درمورد ازدواج نیز مرد سرمایه‌گذاری عاطفی و مادی گسترده‌ای کرده است و بدین سبب نمی‌تواند به‌آسانی از آن دست بردارد.[3]

آن‌چنان‌که گذشت، ازجمله توصیه‌های اخلاقی درمورد مهریه، پرهیز از تعیین مهریه‌های سنگین است. حضرت علی عليه السلام فرمود: «مهریه را زیاد قرار ندهید؛ زیرا سبب کدورت و

---

۱. بنگرید به: مطهری، حقوق زن در اسلام، ص ۱۸۶ - ۱۸۴.
۲. أَقْذَرُ الذُّنُوبِ ثَلاثَةٌ ... حَبْسُ مَهْرِ الْمَرْأَةِ ... . (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۰۸)
۳. بنگرید به: سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۸۰ - ۱۷۹.

... دشمنی می‌شود.»[1]

همچنین در روایات آمده است که از ویژگی‌های همسر مطلوب، سبک بودن مهریه اوست؛ چنان‌که درمورد سیره معصومین ازجمله حضرت زهرا علیها السلام نیز این امر رعایت گردیده است.

◆ برای مطالعه بیشتر

نکات حقوقی مهم درباره مهریه عبارت است از:

۱. مهریه باید قابل تملک (ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی)، قابل اندازه‌گیری به مال و درعین حال معلوم و معین باشد. همچنین مبهم نباشد؛ یعنی تعداد، مقدار و وصف آن معلوم باشد. برای نمونه، نمی‌توان یک دانگ از خانه‌ای را مهریه زن قرار داد، مگرآنکه مشخصات آن خانه دقیقاً تعیین گردد.

۲. اگر مهریه مال غیرمنقول مانند خانه، زمین و باغ باشد، علاوه‌بر تنظیم سند ازدواج و ثبت در دفتر ازدواج، باید مفاد سند در دفتر معاملات نیز ثبت شود (بند ۴ آیین‌نامه متحدالشکل شدن ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۱/۵/۲۰).

۳. اگر مهریه از نوع خانه و زمین باشد، منافع مال متعلق به زن می‌شود؛ یعنی از نظر قانونی اگر مثلاً خانه دراجاره است، زن می‌تواند مال‌الاجاره را دریافت کند.[2]

۴. مرد باید قصد پرداخت مهریه را داشته باشد.

۵. در دفترچه عقد ازدواج قسمتی وجود دارد که زوجین باید مشخص کنند مهریه باید عندالمطالبه پرداخت شود یا عندالاستطاعه و یا بخشی عندالمطالبه و بخشی عندالاستطاعه اگر در سند ازدواج ثبت شود که مرد مهریه را عندالاستطاعه بپردازد، پرداخت مهریه زمانی بر مرد لازم می‌شود که توانایی پرداخت آن را داشته باشد. در این صورت اگرزن مهریه خود را مطالبه کند، باید توانایی مالی مرد در پرداخت نفقه را اثبات نماید تا بتواند مهریه را دریافت کند. می‌توان بخشی از مهریه را عندالمطالبه قرار داد که در صورت تقاضای زن به او پرداخت شود و برخی را عندالاستطاعه تا هر زمان مرد توانایی پرداخت را داشت بپردازد. درصورتی‌که مهریه بیش از ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد نیز مرد برای نپرداختن بیش از آن تعداد مجازات نخواهد شد.[3]

---

۱. [illegible] حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۵۳.
۲. [illegible] حقوق [illegible]، ص ۹۸ ـ ۹۱.
۳. [illegible] مهریه [illegible] ۱۱۰ سکه [illegible]

۶ . اگر بعد از عقد و قبل از نزدیکی طلاق واقع شود، زن مستحق نصف مهر است (ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی).

۷. در صورت عدم پرداخت مهریه در طول حیات، پس از مرگ شوهر، ابتدا مهریه زن به‌عنوان دِین از اموال شوهر به زن پرداخت می‌شود. سپس بقیه اموال مطابق قانون به وراث می‌رسد.

شروط ضمن عقد ازدواج: در عقد نکاح، حقوق و تکالیف زوجین در قوانین تعیین شده است ولی در عین حال زوجین می‌توانند با شروط ضمن عقد برخی حقوق دیگر را برای خویش ایجاد نمایند.

در حال حاضر، سندهای ازدواج دارای شروط چاپ شده‌ای است که اگر زوجین ذیل هر یك را امضاء کنند در روابط بین آنها قابل استناد و لازم‌الاجراست. این شروط چاپ شده در حقیقت دو شرط است:

شرط اول: تنصیف دارایی زوج است که مطابق آن اگر شوهر، زن را بدون دلیل موجّه طلاق دهد باید نصف دارایی خود را که پس از ازدواج بدست آورده است به زوجه منتقل نماید.

شرط دوم: آنکه زن با وجود موارد معین، وکالت در طلاق را از شوهر داشته باشد که در صورت وجود هریك از آن موارد، خود را مطلّقه نماید، یعنی زن می‌تواند با شوهر توافق کند که اگر شوهر رفتاری نادرست داشت بتواند خود را به وکالت از طرف شوهر طلاق دهد.

علت پیش‌بینی این حق طلاق برای زن به وکالت از شوهر آن است که طلاق از نظر قوانین ایران به اراده مردمی باشد و زن در صورتی حق طلاق دارد که یا از دادگاه اجازه بگیرد،[1] یا اینکه از شوهر وکالت در طلاق داشته باشد و این شرطی است که در قانون مدنی پذیرفته شده است: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند».

مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا تا مدت معینی غایب شود یا ترك انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوءقصد کند یا سوءرفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیرقابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل[2] باشد که پس از اثبات تحقق شرط در

نباشد، تا زمان پرداخت نفقه حبس خواهد شد). چنانچه مهریه بیشتر از این میزان باشد، درخصوص مازاد فقط توانایی شوهر ملاک پرداخت است.

۱. موارد ۱۱۳۰ قانون مدنی و ۱۰۲۹ قانون مدنی.

۲. از جانب شوهر وکیل باشد که خود مطلقه نماید یا اینکه بتواند از جانب شوهر وکیل بگیرد تا وکیل، او را از

محکمه و صدور حکم نهایی خود را مطلقّه سازد.[1]

علت اینکه وکالت را در ضمن عقد نکاح واقع می‌سازند آن است که وکالت، عقد جایز است و در عقد جایز می‌توان موکل را عزل کرد یا وکیل استعفا کند به همین دلیل برای اینکه موّکل نتواند وکیل را عزل کند وکالت را در ضمن عقد لازم نکاح واقع می‌سازند.

از سال ۱۳۶۱ مواردی در عقدنامه‌ها ذکر شده و به موجب آن زن به وکالت از شوهر می‌تواند خود را مطلقّه سازد.

بخشی از شروط مذکور در سال‌های بعد، وارد قوانین کشور گردید. از این‌رو بسیاری از مفاد مندرج در بند دوم شروط ضمن عقد (وکالت زن در طلاق از سوی شوهر به سبب سوءمعاشرت، حبس، غیبت و ...) از مصادیق عسر و حرج زن شناخته شد؛ که مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی[2] با اثبات آن در دادگاه به درخواست زن، او مطلقّه می‌شود.

امروزه مواردی مثل ترك زندگی خانوادگی به مدت ۶ ماه متوالی، اعتیاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی که مخل روابط خانوادگی باشد، محکومیت قطعی به حبس ۵ سال یا بیشتر، ضرب و شتم یا هرگونه سوءمعاشرت، ابتلا به بیمارهای صعب‌العلاج روانی و ... در قانون پیش‌بینی شده است. از این‌رو این سؤال مطرح می‌شود که با وجود پیش‌بینی قانون، امضای این شروط چه فایده‌ای خواهد داشت؟

قبول کردن این شروط از دو نظر مفید است:

۱. دادگاه به مواردی که ضمن عقد نکاح شرط شده، در صورت عدم حضور مرد نیز می‌تواند رسیدگی نماید؛ زیرا وکالت از ازدواج برای زوجه در ضمن عقد شرط شده است.

۲. شرایط اثبات دعوی را به نفع زن در موارد فوق آسان‌تر می‌کند. زیرا گاه اثبات عسر و حرج (تنگی و سختی غیرقابل تحمل) دشوار است.

در عقدنامه، قسمت دیگری وجود دارد که زوجین می‌توانند شرایط دیگری را به اراده خود انتخاب نموده و بر آن توافق و به عقدنامه ملحق نمایند.

البته اموری را می‌توان به‌عنوان شرط در سند ازدواج آورد که از یك‌سو با طبیعت ازدواج

طرف شوهر طلاق دهد.

۱. ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی.

۲. ماده اصلاحی ۱۱۳۰ قانون مدنی مصوب ۲۹ تیر ۱۳۸۱، مجمع تشخیص مصلحت نظام، روزنامه رسمی ۱۶۷۶۸، مورخ ۱۳۸۱/۶/۳۱.

مخالف نباشد و از سوی دیگر از دیدگاه فقهی و قانونی منعی نداشته باشد.[1]

شروط مخالف شرع مانند آنکه مرد بگوید: من همسر تو شدم به شرط اینکه حجاب را رعایت نکنی.

شروط مخالف قانون مانند آنکه مرد شرط کند با زن ازدواج می‌کند به شرط اینکه عقد او را ثبت نکند.

شرط مخالف ذات عقد نکاح (طبیعت عقد) مانند آنکه زن در عقد ازدواج دائم شرط عدم‌تمکین نماید.

تشخیص شروط باطل و صحیح همه آسان نیست، مثلاً مرد نمی‌تواند در عقد دائم شرط نماید که نفقه همسر خود را نپردازد.

لازم به ذکر است هرچند از نظر قانونی می‌توان شروطی را در ضمن عقد ازدواج مطرح نمود ولی ذکر بسیاری از این شروط در آغاز ازدواج یا سبب می‌شود که در طرف مقابل تردید برای ازدواج فراهم شود و او را از ازدواج منصرف سازد و یا در صورت وقوع ازدواج، فرد را دچار بدبینی می‌نماید و او گمان می‌کند همسرش به اندك مسئله‌ای، از ادامه زندگی مشترك منصرف خواهد شد.

بنابراین توصیه می‌شود جز در موارد ضروری، اقدام به ذکر این شروط نشود. بلکه طرفین در گفتگوهای مقدماتی ایده‌ها و نظرات خود را به طور شفاف در موضوعات مورد نظر خود به یکدیگر منتقل کنند.

۱. [illegible]

نمودار مطالب فصل



پرسش

۱. پس از ازدواج، برای ابراز علاقه به همسرتان با استفاده از خلاقیت خود چه اقداماتی انجام می‌دهید؟ چند نمونه ذکر کنید.
۲. در این فصل به برخی از عوامل مؤثر در استحکام خانواده اشاره شد. چه عوامل دیگری را می‌توانید نام برید.
۳. علاوه بر مهارت‌های تحکیم خانواده که در این فصل ذکر شد، چه مهارت‌های دیگری را می‌توانید ذکر کنید؟
۴. به‌نظر شما مهم‌ترین آموزشی که زوج‌های جوان برای مدیریت اقتصادی خانواده باید فراگیرند، چیست؟
۵. اصول اسلامی حاکم بر نظام خانواده را نام برید.
۶. وظایف الزامی زن و شوهر نسبت به یکدیگر کدام‌اند؟

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. غلامعلی افروز، **روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. محسن ایمانی، **ارتباط با خانواده همسر**، اصفهان، حدیث راه عشق، سازمان ملی جوانان.
۳. فاطمه بداغی، **اخلاق و حقوق خانواده**، اصفهان، حدیث راه عشق.
۴. عبدالمجید برازجانی، **۲۴۰ اصل خانوادگی در اندیشه مطهر**، قم، آخرین.
۵. حسین بستان، **خانواده در اسلام**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. علی‌احمد پناهی، **پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی: همسرداری**، قم، معارف.
۷. سید مجتبی حسینی، **احکام ازدواج**، قم، معارف.
۸. محمود حکمت‌نیا، **فلسفه حقوق خانواده**، قم، جامعة الزهرا ﷺ.
۹. زهرا رحیمی یگانه، **خانواده شاد و بانشاط**، اصفهان، حدیث راه عشق.
۱۰. محمدرضا شرفی، **خانواده متعادل**، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۱۱. سید حسین صفایی، **حقوق خانواده**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. محمدکاظم عاطف وحید، فهیمه فتحعلی لواسانی و احمدرضا محمدپور، **تحکیم پیوند زناشویی**، مشهد، آهنگ قلم.
۱۳. ــــــ، **مهارت‌های ارتباطی همسران**، مشهد، آهنگ قلم.
۱۴. علی قائمی، **خانواده و مسائل همسران جوان**، تهران، منیر.

فصل چهارم

ایمن سازی خانواده؛ آسیبها وراهکارها

اهداف درس

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

عوامل تضعیف خانواده را بشناسند و مهارت‌های لازم برای رفع این

۱ عوامل را به دست آورند.

۲ با عوامل و پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی

۳ شوند.

۴ راهکارهای ترمیم خانواده‌های آسیب‌دیده از طلاق را بدانند.

◆ **برگی از یک زندگی**

نوه امام خمینی ﷺ می‌گوید: یک بار که خانم مسافرت رفته بود، آقا خیلی دل‌تنگی می‌کرد. خلاصه ما هرچه سربه‌سر آقا گذاشتیم، اخم ایشان باز نشد. بالأخره من گفتم: خوش به حال خانم که شما این قدر دوستشان دارید. امام گفت: خوش به حال من که چنین همسر فداکاری دارم. این‌همه فداکاری که خانم در زندگی کرد، هیچ‌کس نکرده است.[1]

مسائل و مشکلات خانواده معاصر

خانواده در غرب دستخوش تغییراتی شده که بسیاری از آنها همگام با تحولات در سبک زندگی فردی و اجتماعی رخ داده است. این تغییرات از طریق قدرت رسانه‌ای، ارائه یک‌سویه نظریات علمی غرب در محافل دانشگاهی و فشار برای تغییر وضعیت اجتماعی سایر کشورها از سوی نهادهای بین‌المللی، روزبه‌روز در جهان در حال گسترش است. برخی از این تغییرات عبارت است از:

۱. گسترش روابط جنسی لذت‌گرا (به‌جای روابط اخلاق‌گرا یا خانواده‌گرا)؛

۲. افزایش میزان هم‌خانگی مشترک بین دو جنس به‌ویژه در میان جوانان؛

---

۱. رجایی، برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۱، ص ۷۴.

۳. افزایش آمار والدین مجرد؛
۴. گسترش هم‌جنس‌گرایی و بی‌پرده‌تر شدن این نوع روابط؛
۵. کاهش تعداد افراد خانواده، خصوصی و هسته‌ای شدن[1] آن و جدایی جغرافیایی از خویشاوندان؛
۶. افزایش چشمگیر طلاق و آسیب‌های آن به‌ویژه بر کودکان خردسال؛
۷. افزایش سالمندانِ تنها و از بین رفتن منزلت کهن‌سالان؛
۸. کاهش اقتدار دینی در شکل‌گیری خانواده و روابط اعضای آن؛
۹. فرزندسالاری؛
۱۰. ابهام در مرز بین تجربیات کودکی و بزرگسالی به‌دلیل دریافت آسان اطلاعات جنسی.

بسیاری از اندیشمندان، این تحولات را حاصل تنوع و تکثر در جامعه پست‌مدرن می‌دانند. در دیدگاه پست‌مدرن، آینده سرشار از تمایز و تکثر روزافزون است. همچنین افراد در انتخاب خویش آزادند و هیچ حقیقت و اخلاقیاتی درمورد زندگی و خانواده به‌طور خاص نمی‌تواند وجود داشته باشد.[2]

.هم‌زمان با تغییرات خانواده در جهان، خانواده ایرانی نیز نسبت به دهه‌های گذشته تفاوت‌های بسیاری پیدا کرده و دچار آسیب‌های متعددی شده است. برخی از این آسیب‌ها بدین قرار است: بالارفتن سن ازدواج، افزایش افراد مأیوس از ازدواج، تمایل به مجردزیستی، بی‌میلی به فرزندآوری به‌دلیل تغییرات شغلی و فرهنگی، کاهش نرخ باروری و افزایش سالمندی، کاهش پیوندهای درون‌نسلی، کاهش مدت زمان ارتباط عاطفی و کلامی اعضای خانواده با یکدیگر، بیشتر شدن جدایی فیزیکی میان افراد مسن و کودکان، کاهش تعداد وظایف خانواده‌ها و خویشاوندان و واگذاری آنها به نهادهای حمایتی جامعه،[3] افزایش تعارض‌های خانوادگی، افزایش طلاق و نیز وجود رقبای مؤثر و قوی همچون ماهواره و اینترنت در کنار نقش تربیتی خانواده.

---

۱. خانواده هسته‌ای، خانواده‌ای است که از دو نسل والدین و فرزندان تشکیل شده است (در مقابل خانواده گسترده که شامل برخی بستگان دیگر مانند پدربزرگ و مادربزرگ‌ها نیز می‌شود).
۲. بنگرید به: کید و استیل، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مهارتی خانواده**، ص ۳۱۳ - ۲۵۶.
۳. بنگرید به: نوابی‌نژاد، «آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده»، **مجموعه مقالات سومین نشست راهبردی**، ج ۲، ص ۶۸۵ و ۶۸۷.

در این بخش به واکاوی چند نمونه از این مشکلات پرداخته می‌شود.

یک. افزایش سن ازدواج و مجردزیستی

تغییر نگرش‌ها در سال‌های اخیر سبب فزونی سن ازدواج دختران و پسران شده است که هم می‌تواند به افزایش اضطراب‌ها و فشارهای عصبی و کاهش انگیزه فعالیت‌های اقتصادی و آسیب‌پذیری جنسی بینجامد و هم با سپری شدن دوران شور جوانی، انگیزه تشکیل خانواده را کم کند.

عوامل پرشماری می‌تواند باعث کم شدن انگیزه و بالا رفتن سن ازدواج شود که یکی از مهم‌ترین آنها شیوه زندگی مدرن و سیطره تفکر مادی‌گرایی در جهان کنونی است. برپایه این نگرش، اشتغال به تحصیل و عدم امکان برآوردن توقعات بالای اقتصادی جوانان یا خانواده‌های آنان، از موانع ازدواج شمرده می‌شود و آن را تا پایان یافتن دوره تحصیل و تا زمان کسب دارایی مناسب به تأخیر می‌اندازد. کسانی هم که پیش از تأمین اقتصادی ازدواج کرده‌اند، به‌دلیل نیاموختن مهارت‌های لازم برای سپری کردن زندگی در شرایط حداقلی و رها نکردن خود از دام فرهنگ مصرف‌زده، گرفتار معضلاتی در زندگی خواهند شد که حیات خانوادگی آنان را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، ازآنجاکه با کاهش همبستگی خانوادگی و ترویج فرهنگ استقلال‌طلبی، خانواده‌ها در نظارت و حمایت از زوج‌های جدید نقشی کمتر از گذشته ایفا می‌کنند، زمان ازدواج جوانان به تأخیر می‌افتد. کم شدن قبح تک‌زیستی و تجرد و کاهش قداست و اهمیت تشکیل خانواده نیز در افزایش سن ازدواج مؤثر است.[1]

دو. افزایش اختلاف‌های خانوادگی

رشد آمار طلاق و نزاع‌های خانوادگی نشان‌دهنده گسترش اختلاف در خانواده‌هاست. رضایت خانوادگی ـ که مشخصه آن ارتباط مؤثر و لذت‌بخش است ـ براثر اختلاف خانوادگی کاهش می‌یابد و درنتیجه زن یا شوهر، همسر خود را کمتر به‌صورت مثبت درک می‌کند و بیشتر درگیر رفتارهای منفی می‌شود. آنها توافق کمتر و اختلاف بیشتری دارند

۱. زیبایی‌نژاد، آسیب‌شناسی خانواده، ص ۲۷ ـ ۲۶.

و رفتار غیرکلامی و تقابل منفی بیشتری بروز می‌دهند. کاهش رضایت زناشویی باعث می‌شود شیوه‌های ارتباطی مثبت مانند همدلی، بیان مناسب احساس، تفاهم با همسر، اعتماد و سطح توجه آنان کاهش یابد.[1] ادامه اختلاف، زن و شوهر را دچار سردرگمی و محرومیت مکرر ساخته، آنها را آسیب‌پذیر می‌کند. برپایه برخی از تحقیقات، روابط زن و شوهر بر سلامت عاطفی فرزندان اثرگذار است و کج‌روی‌های اجتماعی فرزندان با نابسامانی خانواده مرتبط است.[2]

سه. ضعف کارآمدی خانواده

جامعه‌شناسان مهم‌ترین کارکردهای خانواده را تنظیم رفتار جنسی، تولیدمثل، حمایت و مراقبت، ایجاد آرامش روانی، ارضای نیازهای عاطفی، جامعه‌پذیری، کنترل و نظارت می‌دانند. البته پرورش معنوی افراد را نیز باید به این موارد افزود. امروزه تحولات گسترده در خانواده‌ها، همه این کارکردها را در معرض آسیب قرار داده است.

عوامل تضعیف کارآمدی خانواده

تضعیف خانواده، محصول عوامل فراوانی است که برخی از آنها شناختی و برخی نیز رفتاری است. عوامل شناختی را باید با اصلاح باورها و نگرش‌ها، و عوامل رفتاری را باید با کسب مهارت‌های رفتاری جدید برطرف نمود.

یک. عوامل شناختی

۱. فقدان اطلاعات مورد نیاز

اگر فردی درباره اهداف ازدواج و مسیر رسیدن به آرامشِ حاصل از آن، دانش کافی کسب کند، با اراده و تلاش می‌تواند خانواده‌ای متعادل و رو به کمال داشته باشد. بسیاری از افراد

۱. بنگرید به: بورنستین، روش‌های درمان مشکلات زناشویی، ص ۱۴۸ - ۱۴۶.
۲. سالاری‌فر و دیگران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۲۹.

متأهل - با وجود میل شدید به برخورداری از برکات چنین خانواده‌ای - به‌دلیل جهل و فقر اطلاعاتی درباره مسائل خانواده، از آرامش حاصل از ازدواج محروم‌اند.

۲. انحرافاتِ شناختی

رفتار انسان برآیند اعتقاد و اراده بر انجام کار (بر مبنای آن اعتقاد) است. ازاین‌رو، نوع نگرش انسان عاملی اساسی در رفتارهایی است که موجب استحکام یا تضعیف خانواده می‌شود. برخی از نگرش‌های نادرست یا انحرافاتِ شناختی که باعث تضعیف خانواده می‌شود، به شرحی است که درپی می‌آید:

۲-۱. تقدس‌زدایی از ازدواج و خانواده

یکی از عواملی که در سوق‌یابی به ازدواج، دوری گزیدن از جایگزین‌های احتمالی، ایجاد آمادگی‌های فردی و اجتماعی در جهت مقابله با آسیب‌های احتمالیِ پیوند زناشویی و در حفظ و تثبیت خانواده نقشی تعیین‌کننده دارد، مقدس دانستن ازدواج است. بی‌شک حرمت نهادن به یک پدیده، به‌ویژه درصورتی‌که چنین نگرشی در ذهنیت عموم غلبه داشته باشد، به‌طور طبیعی در تقویت موقعیت آن، و از دیگر سو در تضعیف اراده‌های ناهمسو تأثیری شگرف دارد.

به باور صاحب‌نظران، یکی از عوامل مهم سقوط جایگاه خانواده در غرب، فرایند دنیوی شدن یا تقدس‌زدایی[1] بود که افزون بر دیگر حوزه‌های حیات اجتماعی، نهاد خانواده را نیز به‌شدت متأثر ساخت. در نتیجه این فرایند، ازدواج که پیش‌تر اقدامی مقدس و دینی تلقی می‌شد، قداست خود را از دست داد و به یک قرارداد مدنی صرف بدل گردید.[2]

اسلام درصدد آن است که نگرش مسلمانان نسبت به ازدواج و خانواده مقدس باشد. ازاین‌رو در روایات ازدواج و روابط همسران با عباراتی تقدس‌آمیز ذکر شده است از جمله: ازدواج سبب کامل شدن دین فرد می‌شود؛[3] کسی که ازدواج می‌کند، خدا را پاک ملاقات

---

1. Secularization.

۲. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۷۲.

۳. عن علی علیه السلام أنه قال: «لم یکن أحدٌ من أصحابِ رسول‌الله صلی الله علیه و آله یتزوّج الا قال رسول‌الله صلی الله علیه و آله: کمل دینه». (نوری،

می‌کند؛[1] هنگام ازدواج درهای آسمان به رحمت گشوده می‌شود؛[2] نگاه پرمحبت زن و شوهر به یکدیگر سبب جلب رحمت خدا خواهد شد؛[3] زیاد شدن محبت مرد نسبت به زنش موجب ازدیاد ایمان می‌گردد؛[4] هم‌نشینی با همسر ثوابی بیش از ثواب اعتکاف در مسجدالنبی دارد؛[5] شوهرداری شایسته زن و تلاش مرد برای تأمین مشروع نیاز اقتصادی خانواده، ثواب جهاد در راه خدا را دارد؛[6] کسی که با همسرش ارتباط جنسی داشته باشد، اطاعت پروردگارش را انجام داده و گناهش را خداوند آمرزیده است.[7] گذشت از خطای همسر دارای اجر اخروی است.[8]

البته ذکر این نکته نیز ضروری است که افراد نباید ازدواج را تنها راه خوشبختی بدانند و در صورت عدم توفیق در ازدواج، راه سعادت و پیشرفت را به روی خود بسته ببینند؛ چه‌بسا افرادی که به دلایل فردی، خانوادگی یا اجتماعی موفق به ازدواج نشده‌اند. این افراد باید از سایر امکانات زندگی بهره برند و بدانند ازدواج جزئی از زندگی است، نه همه زندگی.

۱ - ۲. نسبی‌گرایی در ارزش‌های اخلاقی درباره خانواده

قرآن کریم هدف از بعثت پیامبر اکرم ﷺ و نزول کتاب آسمانی را تزکیه و تعلیم بیان کرده

مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰)

۱. قال رسول الله ﷺ: «مَن أَحَبَّ أَنْ يَلْقَ اللهَ طاهِراً مُطَهَّراً فَلْيَلْقَهُ بِزَوجَةٍ». (مجلسی، **بحارالأنوار**، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰)

۲. قال رسول الله ﷺ: «يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ: عِنْدَ نُزُولِ الْمَطَرِ، وَ عِنْدَ نَظَرِ الْوَلَدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ، وَ عِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ، وَ عِنْدَ النِّكَاحِ». (همان، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱)

۳. قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذا نَظَرَ إِلَى امرَأَتِهِ وَ نَظَرَت إِلَيهِ نَظَرَ اللهُ تَعالى إِلَيهِما نَظَرَ الرَّحمَةِ». (پاینده، **نهج الفصاحه**، ح ۶۲۱، ص ۲۷۸)

۴. سمعت الصادق عليه السلام يقول: «العَبدُ كُلَّما ازدادَ لِلنِّساءِ حُبّاً، ازدادَ فِي الإِيمانِ فَضلاً». (صدوق، **من لایحضره الفقیه**، ج ۳، ص ۳۸۴)

۵. قال رسول الله ﷺ: «جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللهِ تَعالى مِنَ اعْتِكافٍ فِي مسجدي هَذا». (ابن ابی‌فراس، **مجموعه ورام**، ج ۲، ص ۱۲۲)

۶. قال رسول الله ﷺ: «مِهْنَةُ إِحْدَاكُنَّ فِي بَيْتِهَا تُدْرِكُ جِهَادَ الْمُجَاهِدِينَ إِنْ شَاءَ اللهُ». (مجلسی، **بحارالأنوار**، ج ۹۳، ص ۳۲۴؛ پاینده، **نهج الفصاحه**، ص ۷۴۶)؛ قال الصادق عليه السلام: «الكادُّ عَلى عِيالِهِ مِن حَلالٍ كَالمُجاهِدِ فِي سَبيلِ اللهِ». (مجلسی، **بحارالأنوار**، ج ۱۰۰، ص ۱۰۳)

۷. عن جعفربن محمد عليه السلام: «لَيسَ شَيءٌ مُباحٌ أَحَبَّ إِلَى اللهِ مِنَ النِّكاحِ فَإِذا اغْتَسَلَ الْمُؤمِنُ مِن حَلالِهِ بَكى إِبليسُ وَ قالَ يا وَيلَتاهُ هَذَا العَبدُ أَطاعَ رَبَّهُ وَ غَفَرَ لَهُ ذَنبَهُ». (نوری، **مستدرک الوسائل**، ج ۱۴، ص ۱۵۰)

۸. عن النبي ﷺ قال: «مَن صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امرَأَتِهِ وَ احتَسَبَهُ أَعطاهُ اللهُ (بِكُلِّ مَرَّةٍ) يَصبِرُ عَلَيها مِنَ الثَّوابِ مِثلَ ما أَعطى أَيُّوبَ عَلَى بَلائِهِ». (مجلسی، **بحارالأنوار**، ج ۷، ص ۲۱۶)؛ قال ﷺ: «مَن صَبَرَت عَلى سُوءِ خُلقِ زَوجِها أَعطاهَا اللهُ مِثلَ ثَوابِ آسِيَةَ بِنتِ مُزاحِم». (همان، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷؛ طبرسی، **مکارم الأخلاق**، ص ۲۱۴)

است. لازمه تزکیه، ملاک‌های اعتقادی و رفتاری است تا همگان براساس آن، خویشتن را به فضایل آراسته نمایند. ازاین‌رو، قرآن کریم سرشار از بایدها و نبایدهایی است که رشد و کمال انسانی در گرو توجه به آنهاست؛ حال آنکه ازجمله عوارض گسترش لیبرالیسم در جهان امروز، اعتقاد به نسبی‌گرایی در ارزش‌ها و قواعد اخلاقی است. این اعتقاد بر یک پیش‌فرض تجربی - حسی (هر آنچه در محک تجربه حسی نیاید، واقعیت خارجی ندارد) استوار شده است. بر این اساس، تمام اصول و ارزش‌های اخلاقی، اموری غیرواقعی و برآمده از سلیقه‌های شخصی‌اند و هیچ معیار قطعی برای سنجش درستی یا نادرستی آنها وجود ندارد. پذیرش نسبیت اخلاقی، تأثیرات سهمگینی بر بنیاد خانواده خواهد داشت. اگر خارج از ذهن بشر هیچ معیاری برای سنجش خوبی و بدی رفتارها و عقاید نباشد، نمی‌توان درباره درستی رفتار و تمایلات دیگران قضاوت کرد. بنابراین مفهوم آزادی فردی در مکتب لیبرالیسم به رهایی از قید نظارت، قضاوت و عدم مسئولیت‌پذیری می‌انجامد و لذت نفس جای آن را می‌گیرد.

از دیگر پیامدهای نسبیت‌گرایی آن است که نمی‌توان هیچ الگویی به فرد، خانواده و جامعه عرضه کرد؛ زیرا پذیرش الگو به‌معنای پذیرش یک ارزش واقعی است. پیامد بعدی نسبیت‌گرایی، از میان رفتن روح جمعی در خانواده است. بدین‌ترتیب خانواده از افرادی تشکیل می‌شود که صرفاً در کنار هم زندگی می‌کنند. اساساً همبستگی گروهی زمانی محقق می‌شود که ارزش‌ها و اهداف مشترک، افراد گروه را به هم پیوند زند.[1]

۱ - ۳. نگرش اولویت حقوق نسبت به تکالیف

حق در گذشته، ناظر به مواردی بود که شخص در اموری مشروع دخالت و تصرف می‌کرد و از حمایت‌های قانونی بهره‌مند می‌شد و از تعرض دیگران مصون می‌ماند (حقوق سلبی). اما کاربرد حق در معنای جدید آن، ناظر به مطالبات است (حقوق مثبت)؛ به این معنا که افراد و گروه‌ها، تأمین نیازهای خود را از دیگران مطالبه می‌کنند. حقوق به معنای یادشده، تداعی‌کننده آن است که بشر تکلیف و مسئولیتی ندارد. این نگرش افزون بر آنکه با نادیده گرفتن تکالیف، آحاد جامعه را نسبت به هم متوقع و متخاصم می‌سازد، نسلی پرورش

۱. بنگرید به: گاردنر، جنگ علیه خانواده، ص ۵۸ - ۵۰ و ۱۰۴.

می‌دهد که کمتر حاضر به تلاش برای حل مشکلات شخصی و گروهی خود است و همه چیز (مانند شغل، امنیت، مسکن و حل مشکلات خانوادگی و ازدواج جوانان) را از دولت مطالبه می‌کند. خانواده نیز در چنین اوضاعی، استعداد شگرف خود را در حل مشکلات و رفع نیازمندی‌ها نادیده می‌گیرد و همواره چشم مساعدت به دست گره‌گشای دولت دارد. نتیجه آنکه، ناخواسته نسلی ناتوان با خانواده‌هایی کم‌توان پدید می‌آید؛[1] حال آنکه استواری رابطه همسران به عمق ارتباط عاطفی آنها بستگی دارد و مطالبه حقوق از همسر، باعث مشاجره و خدشه‌دار شدن رابطه آنها می‌شود. این در وضعیتی است که رعایت اخلاق، زندگی خانوادگی را شیرین می‌کند، اما اصرار بر حقوق، آن را خشک و بی‌روح می‌سازد.

۱ - ۴. نگرش ناصحیح حاصل از ضعف سواد رسانه‌ای[2]

امروزه در سبد فرهنگ خانواده، افزون بر رسانه ملی، نشریات داخلی و تلفن همراه (مجهز به پیامک، بلوتوث، وایبر، واتس‌آپ و ...)، شبکه‌های ماهواره‌ای، فیلم‌های خارجی و اینترنت نیز وجود دارد. با وجود گستردگی و تنوع رسانه‌های دیداری و شنیداری و تأثیر مثبت و منفی فراوان آنها بر اعضای خانواده، بسیاری از افراد، فاقد دانش و مهارت لازم برای انتخاب سنجیده و منطقی رسانه‌ها هستند و از سواد رسانه‌ای بی‌بهره‌اند؛ یعنی فاقد راهکاری برای پاسخ به این نیاز هستند که بدانند فلسفه وجودی، کارکردها، تهدیدات، تأثیرات و نحوه استفاده از رسانه چیست و چگونه می‌توان از فرصت استفاده از رسانه بهره برد و تهدیدات آن را کاهش داد. همان‌گونه که ما هر غذایی را نمی‌خوریم، هر نوشیدنی‌ای را نمی‌نوشیم و داروی اعصاب و روان را بی‌مهابا استفاده نمی‌کنیم، هر فیلمی، هر سایتی و هر مطلبی را نباید مورد استفاده قرار دهیم؛ چراکه استفاده از رسانه‌ها مستقیماً بر روی اعتقادات، افکار، باورها و احساسات ما تأثیر می‌نهد و تغییر باورها نیز به تغییر در رفتار و اعمال منجر خواهد شد. «افراد با به‌دست آوردن سواد رسانه‌ای می‌آموزند:

- پیام‌های رسانه‌ای چگونه معنا خلق می‌کنند؛
- هویت کسی را که تمام یا بخشی از پیام رسانه‌ای را خلق کرده، شناسایی می‌کنند؛[3]

---

۱. بنگرید به: همان، ص ۶۸ - ۶۵ .

۲. به دلیل اهمیت این موضوع، این مبحث به تفصیل مطرح شد.

۳. برای نمونه می‌اندیشند که فیلم‌ها و سریال‌های فراوانی که سوژه اصلی آن خیانت زن و شوهر به یکدیگر

- تشخیص می‌دهند سازنده پیام رسانه‌ای می‌خواهد ما به چه چیزی اعتقاد پیدا کنیم یا چه کاری انجام دهیم؛[1]

- تکنیک یا ابزاری را که در پیام رسانه‌ای برای قانع کردن مخاطب مورد استفاده قرارگرفته، می‌شناسند؛

- کشف می‌کنند که چه بخشی از رویداد گفته شده و چه بخشی بیان نشده است؛

- پیام‌های رسانه‌ای خود را براساس اعتقادات و ارزش‌های خود تولید و منتشر می‌کنند.[2]

درمجموع آنها می‌توانند یک مخاطب فعال، جستجوگر، زیرک، گزینش‌گر و هوشمند باشند، نه صرفاً یک مصرف‌کننده ساده و خام برای پیام‌های رسانه‌ای».[3]

ازآنجاکه شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و تلفن همراه نسبت به سایر انواع رسانه‌ها نوپدیدترند، به مباحثی چند درباره سواد استفاده از این رسانه‌ها اشاره می‌شود:

شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت: هرچند استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت موجب گستردگی و تنوع اطلاعات انسان، گستردگی ارتباطات و درنوردیدن مرزهای جغرافیایی در ارتباط‌های انسانی می‌شود، استفاده بدون پالایش از آنها نیز عوارض منفی متعددی برای خانواده‌ها درپی خواهد داشت؛ ازجمله:

- کم‌رنگ شدن نقش مرجعیت خانواده در انتقال ارزش‌ها به فرزندان؛

- نهادینه شدن ارزش‌های جهان مدرن (مانند فردگرایی و آزادی عمل بدون رعایت

است یا ازدواج را امری ارتجاعی قلمداد نموده یا مسائل جنسی را بی‌پروا مطرح می‌کنند، چرا از سوی شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای - که با حمایت انگلیس یا آمریکا راه‌اندازی شده - به زبان فارسی برای خانواده‌های ایرانی پخش می‌شود؟

۱. برخی متفکران علم جامعه‌شناسی برای کارکرد رسانه‌ها از واژه «صنعت فرهنگ» استفاده می‌کنند؛ زیرا درست مانند خط تولید کارخانه ماشین‌سازی، مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی مورد نظر خود را می‌سازند و به سایر کشورها صادر می‌کنند. برهمین اساس تولیدات فرهنگی کشورهای سلطه‌جو، بسان یک سرباز می‌توانند در درون کشورها و ملت‌های دیگر راه یابند و آنها را تحت تسلط ارزش‌های فرهنگی خود درآورند؛ تا جایی که برای مثال در کشورهای استفاده‌کننده از محصولات این رسانه‌ها، فروپاشی خانواده امری عادی شود؛ روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج رواج یابد؛ خوراک و پوشاک اعضای خانواده تابع تبلیغات آن رسانه‌ها شده و محصولات بومی اعتبار خویش را از دست دهد و ... .

۲. در سال ۲۰۱۴ م در ۲۰ روز نخست حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه و کشتار وسیع کودکان و زنان، ۵۲۵ میلیون مورد ثبت، تبادل و بازنشر پیام یا دیدگاه در توئیتر اتفاق افتاد. بدین‌ترتیب رژیم صهیونیستی با وجود سانسور خبری این کشتارها در رسانه‌های قدرتمند جهانی، تحت فشار افکار عمومی جهان قرار گرفت و برای فرار از فشار افکار عمومی به آتش‌بس متمایل شد.

۳. بنگرید به: رمضانی، سواد رسانه‌ای.

موازین دینی و اخلاقی و ارزش‌های بومی) به‌جای ارزش‌های ریشه‌دار در خانواده‌ها؛
- ایجاد چنددستگی اعتقادی و هویتی در راستای ترویج نسبیت‌گرایی که به وحدت اعتقادی اعضای خانواده آسیب می‌زند و روح جمعی حاکم بر خانواده را سست می‌سازد؛
- کاهش رشد طبیعی فرزندان؛ چراکه مسابقه رسانه‌ها برای جذب بیشتر مخاطب در راستای سود اقتصادی حاصل از آن، مانع فعالیت‌های طبیعی، جسمی و فکری فرزندان می‌شود و رشد خلاقیت آنان را کُند می‌سازد. افزون براین، نیاز کودکان به کشف استعدادهای خود و دستیابی به خوداتکایی نیز کاهش می‌یابد؛
- اختصاص یافتن اوقات فراغت اعضای خانواده به برنامه‌های متنوع این رسانه‌ها که سبب کاهش ارتباط کلامی و عاطفی بین آنها می‌شود؛
- تأثیر منفی بر اقتصاد خانواده به‌دلیل تنوع‌طلبی و مصرف‌گرایی حاصل از تماشای تبلیغات کالاهای مصرفی که تولیدکنندگان آن بخشی از بودجه رسانه‌ها را تأمین می‌کنند؛
- تأثیر نامطلوب اینترنت در ایجاد دوستی‌های اینترنتی با جنس مخالف که به‌دلیل مجازی بودن، فریب‌کاری در آن فراوان است؛
- بی‌وفایی به همسر به‌دلیل سهولت ارتباط با جنس مخالف در فضای مجازی و برقراری ارتباط عاشقانه با او؛
- عقلانی ساختن خیانت در روابط زناشویی و روابط میان محارم یا افراد هم‌جنس در برخی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای یا سایت‌های اینترنتی؛
- عادی‌سازی روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده و حیازدایی از مخاطبانی که در جمع خانوادگی، خصوصی‌ترین روابط با جنس مخالف را مشاهده می‌کنند. این امر سبب پایین آمدن سن روابط جنسی نیز می‌شود.[1]

خانواده‌ها برای ایمن ماندن ازاین آسیب‌ها نیازمند اقداماتی جدی‌اند؛ ازجمله: ارتقای آگاهی اعضای خانواده برای انتخاب خردمندانه برنامه‌ها، تقویت پایگاه هویت‌بخش خانواده، ارتباط با پایگاه‌های هویت‌بخش و مطمئن، نظارت بر استفاده فرزندان از رسانه و کنترل آنها و نیز پر کردن اوقات فراغت آنها با فعالیت‌های سازنده.

تلفن همراه: این ابزار نیز رسانه‌ای نوپدید است که مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرد

---

۱. یوسف‌زاده، **خانواده و مصرف کالای فرهنگی جدید**، ص ۲۹ - ۲۸.

و فواید فراوان دارد؛ همچون: ارتباط با مخاطب در مکان‌های مختلف و در حال حرکت و نیز ارتباط با پیامک در موقعیتی که نمی‌توان با مخاطب مکالمه کرد، انجام عملیات بانکی، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، استفاده از نرم‌افزارهای پزشکی، کتابخوانی، محاسبه، خرید آسان و دریافت جدیدترین اخبار. اما ازآنجاکه تلفن همراه نیز به رسانه‌ای فراگیر تبدیل شده که بسیاری از افراد از آن بدون مدیریت استفاده می‌کنند، توجه به آثار استفاده نامطلوب از آن نیز ضروری است که به چند مورد اشاره می‌شود:

- اعتیاد به تلفن همراه و از دست دادن فرصت‌های ارزشمند برای رشد و پیشرفت. در این نوع اعتیاد، فرد احساس می‌کند اگر تلفن همراه در اختیار نداشته باشد، ارتباط او با دنیا قطع می‌شود؛ از این‌رو احساس پریشانی و اضطراب می‌کند؛
- انتشار اطلاعات خصوصی افراد به‌دلیل ضریب امنیت پایین شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه از طریق هک کردن گوشی، بلوتوث و اینترنت، سرقت گوشی، ضبط صحبت‌های خصوصی و محرمانه دیگران و ثبت تصاویر و فیلم‌هایی از لحظات خصوصی آنها؛
- اختلال در روابط خانوادگی به‌دلیل وابستگی روانی به «احساس همیشه آنلاین بودن» و لزوم پاسخ‌دهی به تماس هر کسی در هر زمان و هر موقعیتی؛
- ایجاد اجتماعات مجازی از طریق تلفن همراه که معمولاً سبب کاهش اجتماعات واقعی و ارتباط چهره به چهره و تبادلات عمیق فکری و روحی بین اعضای خانواده و بستگان می‌شود؛
- کاهش ارتباط کلامی، دیداری و عاطفی در میان اعضای خانواده و اقوام و دوستان به‌دلیل جایگزینی پیامک در برابر این نوع ارتباطات و نیز وابستگی به استفاده از تلفن همراه در اجتماعات خانوادگی یا دوستان؛
- افزایش خودشیفتگی به‌دلیل امکان دسترسی به شبکه‌های اجتماعی که سبب نمایش بیشتر «خود» از طریق ارائه عکس و فیلم و ... می‌شود؛
- سرقت اطلاعات خصوصی خانوادگی افراد از طریق بلوتوث یا وای فای در مراکز شلوغ؛
- تهدید برای سلامتی به‌دلیل تشعشعات الکترونیک که موجب اختلال در عملکرد طبیعی بدن می‌شود؛ به‌ویژه برای جنین در ایام بارداری مادر.[1]

۱. به‌جز آنچه گفته شد، به این پیامدها نیز می‌توان اشاره کرد: اخاذی‌های اطلاعاتی یا مالی از طریق تلفن همراه، تحت کنترل درآوردن گوشی‌های هوشمند یا تبلت از طریق ارسال یک کد مخرب، اختلال در کارکرد

دو. عوامل رفتاری

عوامل رفتاری فراوانی به تضعیف خانواده می‌انجامد که در این بخش به چند عامل مهم اشاره می‌شود.

۱. رویارویی نامناسب با مشکلات زندگی

خداوند خیر مطلق و منشأ تمام خیرهاست؛ ازاین‌رو هرگز شری نمی‌آفریند. آنچه انسان شر می‌پندارد نیز در حقیقت خیر است و ابزاری برای رشد و کمال اوست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «به راستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم».[۱]

شاعر گران‌قدر مولوی نیز گوید:

گنج بی‌مار و گُل بی‌خار نیست — شادی بی‌غم در این بازار نیست[۲]

تولد انسان و رشد تدریجی او با مشقت‌هایی همراه است. زندگی خانوادگی نیز با دشواری‌هایی روبه‌روست: فقر، بیماری، مرگ عزیزان، ناباروری، بدرفتاری همسر و مانند آن. اگر انسان دنیا را نه محل راحتی و کامیابی، بلکه گذرگاهی برای رسیدن به سعادت ابدی بداند، هیچ‌گاه از سختی‌ها و ناکامی‌ها رنجیده خاطر نخواهد شد. سختی‌ها هرچه باشد، پایان خواهد یافت و آنچه می‌ماند، ارزش پایداری در برابر آنهاست. چه بسیار مشکلاتی که سبب نزدیکی و پیوستگی بیشتر اعضای خانواده می‌شود.

آموزه‌های اسلامی یادآور می‌شود که در برخورد با مشکلات زندگی، به این امور توجه کنید: یادآوری نعمت‌های فراوان گذشته،[۳] توجه به نعمت‌های کنونی که در کنار مشکلات وجود دارد،[۴] امید به رفع مشکل کنونی در آینده[۵] و نیز توجه به کاستی‌های موقت دنیا و

آموزشی به‌دلیل اخلال نظم در کلاس، کاهش تمرکز سایرین در یادگیری و نیز ورود تصاویر و محتوای غیراخلاقی به محیط‌های آموزشی. ازاین‌روی، استفاده از تلفن همراه در مدارس یا دانشگاه‌های برخی کشورها ازجمله انگلیس، استرالیا، قطر و تاجیکستان ممنوع بوده و توقیف تلفن همراه یا جریمه نقدی را به‌دنبال دارد.

۱. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي كَبَدٍ. (بلد (۹۰): ۴)

۲. مولوی، مثنوی معنوی.

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «در برخورد با ناملایمات به یاد داشته باشید که در گذشته با هزاران امر خوشایند روبه‌رو شده‌اید». (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۶۴، ص ۲۳۱)

۴. ابوهاشم جعفری خدمت امام هادی علیه السلام از مصیبت‌ها شکایت نمود. آن حضرت نعمت‌هایی را که او در آن غرق بود، برشمرد؛ نعمت‌هایی چون سلامتی، خانواده و دین‌داری. سپس فرمود: «شکر کدام‌یک از این نعمت‌ها را می‌خواهی به‌جای آوری؟».

۵. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛ در واقع با [هر] دشواری، آسانی است. (انشراح (۹۴): ۶)

لذت‌های جاودانه آخرت.

۲. فردگرایی در خانواده

زندگی خانوادگی از احساس نیاز مشترک دختر و پسر نسبت به هم سرچشمه می‌گیرد. ازاین‌رو، هرچه این نیاز بیشتر برآورده شود، فرد نسبت به همسرش احساس تعلق بیشتری خواهد داشت. ازجمله آسیب‌های مؤثر در روابط همسران، فردگرایی و خودخواهی در خانواده است. چارلز تیلور[۱] فردگرایی را یکی از معضلات اساسی جامعه مدرن می‌داند:

انسان‌های مدرن نگرش‌های وسیع‌تر را از دست داده‌اند؛ زیرا آنها فقط بر زندگی خودشان تمرکز کرده‌اند. به بیانی دیگر، سوی تاریک فردگرایی، خودمحوری است که زندگی را کم‌مایه می‌کند و افراد را از توجه به دیگران بازمی‌دارد.

در بینش فردگرایانه، همه قوانین خانوادگی براساس اعتقاد، نیاز و قابلیت‌های فردی تعیین می‌شود. در این نگرش، تعالی یا تنزل مقام و جایگاه افراد خانواده و ایفای درست یا نادرست نقش‌ها، به استعداد و توانایی فرد نسبت داده می‌شود و در قالب لفظ «من» و «تو» ابراز می‌گردد. بدین بیان، فرد موفقیت فردی یا خانوادگی را با کلمه «من» بیان می‌کند، بی‌آنکه مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم همسر و فرزندانش مورد توجه قرار گیرد. در بینش فردگرایانه، حقوق و مصالح فردی بر حقوق و مصالح خانواده تقدم می‌یابد.

اما در نظام اخلاقی و تربیتی اسلام فرد با اختیار و از روی رغبت، از منافع خودِ در راستای مصالح همسر و فرزندانش می‌گذرد، اما نه اینکه شخصیت، افکار، علایق و مصلحت فرد به‌طورکلی مغفول بماند.[۲] بنابراین اعضای خانواده باید تفاوت‌های فردی را به رسمیت بشناسند و سعی در تغییر اجباری آن نداشته باشند. در رهنمودهای اسلامی، به اعضای خانواده سفارش شده است که مصلحت یکدیگر را درنظر بگیرند. در روایتی آمده است:

مؤمن مطابق میل اعضای خانواده می‌خورد و منافق، خانواده‌اش مطابق میل او می‌خورند.[۳]

---

۱. فیلسوف سیاسی، اجتماعی و تاریخی و استاد فلسفه دانشگاه مک گیل کانادا.
۲. بنگرید به: فاتحی، تأثیر فردگرایی و جمع‌گرایی بر روابط اعضای خانواده؛ **کتاب زنان**، ش ۱۱، ص ۱۴۶ - ۱۳۶.
۳. اَلْمُؤمِنُ یَأْکُلُ بِشَهْوَةِ أَهْلِهِ، وَالْمُنافِقُ یَأْکُلُ أَهْلُهُ بِشَهْوَتِهِ. (کلینی، **الکافی**، ج ۴، ص ۱۲)

امام صادق ﷺ نیز فرمود:

زن و شوهر در خانواده براساس نیاز و خوشایند همسر خود ظاهرشان را آراسته سازند.[1]

همچنین پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «بهترین شما، خوش‌رفتارترین شما با خانواده است».[2]

◆ **برای مطالعه بیشتر**

پس از ازدواج، از خودخواهی‌ها بپرهیزید و به جای توجه به منافع خود، به منافع همسر و فرزندان بیندیشید. در ضمن هریک از شما نیازها و علایق شخصی نیز دارید. همسر شما تمایل دارد تا با دوستان خود دیدار کند، یا علاقه‌مند به مطالعه است؛ فرصت دهید نیازهای خود را نیز در حد متعارف و معقول برآورده کند. بنابراین به استقلال همسر در امور شخصی احترام بگذارید و مراقب باشید رسیدگی به امور شخصی شما، به نیازهای همسر و فرزندانتان آسیبی نرساند. هرگز فراموش نکنید خانواده در متن زندگی است و تحصیل، کار و دوستان، در حاشیه‌اند.

۳. زیاده‌خواهی

انسان، کمال‌گرا و بی‌نهایت‌خواه است، اما گاه بی‌نهایت‌خواهی خود را به امور فانی دنیوی محدود می‌نماید. عطار نیشابوری به زیبایی گوید:

زمین در جنب این نُه سقف مینا — چو خشخاشی بود بر سطح دریا
نگر تا تو از این خشخاش چندی — سزد تا که به ریش خود بخندی[3]

اسلام، آدمی را به قناعت در امور دنیوی و کمال‌طلبی در امور معنوی توصیه می‌کند. بسیاری از نزاع‌های خانوادگی به‌دلیل عدم قناعت است. هر اندازه زن و شوهر از یکدیگر و رابطه زناشویی انتظارات غیرعاقلانه‌ای داشته باشند، احتمال اختلال در خانواده بیشتر خواهد شد. ویلیام ج. گود در این زمینه گوید:

یک جوان غربی که از منظر عشق رومانتیک به ازدواج می‌نگرد، انتظارهای

---

۱. اسْتِعْمَالُهُ اسْتِمَالَةَ قَلْبِهَا بِالْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ فِي عَيْنِهَا ... الْهَيْئَةِ الْحَسَنَةِ لَهَا فِي عَيْنِه». (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۲۳۷)

۲. فإنَّ خِيارَكُم خِيارُكُم لِأهلِهِ. (همان، ج ۱۰۰، ص ۲۲۴)

۳. نیشابوری، اسرارنامه، بخش دوازدهم.

بسیار بالایی دارد و از داشتن یک زندگی یکنواخت و خسته‌کننده - هرچند توأم با آسایش - ناخشنود است؛ درحالی‌که در بسیاری از جوامع به جوانان آموخته می‌شود که در بهترین حالت، از همسر خود توقع احترام داشته باشند.[1]

•

اختلاف‌های خانوادگی که به‌سبب انتظار زیاد از همسر یا زندگی پیش می‌آید، معمولاً درپی مقایسه همسر خود با دیگران ایجاد می‌شود. متأسفانه برخی به‌جای نگریستن به خوبی‌های همسر خویش، محاسن دیگران را با معایب همسر خود می‌سنجند، تا اینکه به مرور نسبت به همسر خود احساس ناخوشایندی می‌یابند. درواقع بی‌وفایی‌ها نیز از همین‌جا آغاز می‌گردد. آنها در برخورد با امکانات زندگی نیز به‌جای توجه به داشته‌ها، به کمبودها می‌نگرند. اما افرادی که قانع‌اند، هماهنگ با تلاش خستگی‌ناپذیر برای بهبود وضعیت، به تقدیر الهی راضی و قانع‌اند و از همین‌رو با آرامش زندگی می‌کنند.

از آثار دیگر قناعت، عزت فرد است؛ چنان‌که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «قناعت به عزت منجر می‌شود».[2]

واقعیت نیز نشان می‌دهد مردان و زنانی که قانع نبوده و به داشته‌های دیگران طمع می‌ورزند، ذلیل و خوار می‌گردند. چه‌بسا مردانی که با داشتن همسری مهربان و سازگار، حرص بهره‌مندی از زنی زیباتر یا پولدارتر، آنها را در روابطی گرفتار کرده که حاصل آن رنجیدگی همسر، اختلافات خانوادگی و خواری در نزد عام و خاص است؛ یا از این‌سو، زنان متأهلی که با زیاده‌خواهی، زندگی را بر همسر خود ناگوار ساخته و آرامش را از همه اعضای خانواده سلب نموده‌اند. امام صادق علیه‌السلام ازجمله ویژگی‌های زن ناشایست را چنین برشمرده است: «زیاد را اندک می‌شمرد و کم را نمی‌پذیرد».[3]

همچنین امام علی علیه‌السلام به مردان توصیه کرده است:

هرگاه از زنی خوشتان آمد، به همسر خود قانع باشید؛ نزد او رفته و نیاز خود را با او برآورده سازید.[4]

۱. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۷۸.
۲. ... بِالْقَناعَةِ یَکُونُ الْعِزُ... (آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۹۲)
۳. ... تَسْتَقِلُ الْکَثیرَ وَ لا تَقْبَلُ الْیَسیرَ. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۸)
۴. قال امیرالمؤمنین علیه‌السلام: «... إِذَا رَأَى أَحَدُکُمُ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ فَلْیَأْتِ أَهْلَهُ فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَى فَلا یَجْعَلَنَّ لِلشَّیْطَانِ

رودکی در سروده خویش گوید:

با داده، قناعت کن و با داد، بزی — در بند تکلف مشو آزاد بزی

در بهْ ز خودی نظر مکن غصه مخور — در کم ز خودی، نظر کن و شاد بزی[1]

۴. بدگمانی نسبت به همسر

یکی از عوامل مؤثر در سردی روابط عاطفی همسران «بدگمانی» است که شامل نگرش منفی به پندار، گفتار یا کردار همسر است. این منفی‌نگری سبب سلب اعتماد، نفرت بی‌پیشینه، کوتاهی در برقراری روابط عاطفی، کاهش احترام به همسر و بی‌توجهی نسبت به او می‌شود و آرام آرام بنیان خانواده را همچون خانه عنکبوت سست می‌کند. فردی که مورد سوءظن قرارگرفته، تحت فشار روانی حاصل از پندار و رفتار همسر، به مرور نسبت به او احساس بیگانگی می‌کند؛ حال آنکه ازدواج بر وحدت و پیوند زن و شوهر استواراست.

منفی‌نگری نسبت به همسر برای خود فرد آثار نامطلوب فراوانی دارد؛ ازجمله:

- اراده او را برای بهبود روابط خانوادگی سست می‌سازد؛
- احساس ترس و اضطراب، زندگی او را فرامی‌گیرد؛
- شکافی عاطفی بین او و همسرش ایجاد می‌گردد و گرفتار تنهایی درونی و بیرونی می‌شود؛
- در انجام حقوق همسری کوتاهی می‌کند.[2]

در متون دینی بر خوش‌بینی نسبت به دیگران و تعبیر رفتار آنها به بهترین شکل، تأکید شده است؛ چنان‌که در کلامی از امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌خوانیم:

> **کار برادر دینی‌ات را به بهترین وجه تعبیر کن، تا زمانی که دلیل قطعی برخلاف آن برای تو حاصل شود.**[3]

بی‌تردید تفسیر رفتار به نیکوترین شکل، در محیط خانواده که برپایه محبت و علاقه همسران بنیان گرفته، ضرورتی دوچندان دارد.

عَلَى قَلْبِهِ سَيِلاً لِيَصْرِفَ بَصَرَهُ عَنْهَا». (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۷ و ج ۱۰، ص ۱۱۵)

۱. رودکی، رباعیات، رباعی شماره ۳۷.

۲. بنگرید به: علیزاده، مثبت اندیشی یا منفی نگری، ص ۱۰۶ ـ ۸۳ .

۳. ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيَكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ. (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۲)

◆ **برای مطالعه بیشتر[1]**

برخی از راهکارهای رهایی از بدبینی عبارت است از:

۱. درنظر گرفتن انواع احتمالاتی که برای رفتار مورد نظر همسر می‌توان تصور کرد و پرهیز از قضاوت قطعی (منفی) درمورد آن توجه به این احتمالات به کشف بسیاری از قضاوت‌های ناصحیح و نیز پرهیز از تکرار قضاوت‌های اشتباه - که سبب بی‌ارزش شدن فرد قضاوت‌کننده می‌شود - خواهد انجامید؛

۲. بی‌اعتنایی به سوءظن؛ همچنان‌که در قرآن آمده است: «دنبال چیزی را که بدان علم نداری، مگیر».[2]

۳. پرهیز از هم‌نشینی با افراد منفی‌اندیش و اهل تهمت و غیبت. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «انسان بر روش دوست و هم‌نشین خود خواهد بود».[3]

۴. تسلط بر خویشتن و کنترل چشم و گوش و خیال؛ چراکه بسیاری از بدگمانی‌ها به دنبال رعایت نکردن حریم خصوصی همسر و تجسس در رفتار و گفتار او حاصل می‌شود. تجسس نه‌تنها بدگمانی را برطرف نمی‌کند، بلکه بهانه‌ای نیز برای ذهن خواهد تراشید.

۵. توجه به آثار منفیْ سوءظن و آثار مثبت حسن ظن. از آثار مثبت گمان نیک می‌توان به آرامش دل،[4] جلب محبت همسر[5] و دوری از گناه[6] اشاره کرد.

۶. درصورتی‌که همه چیز بر سلامت رفتار همسر دلالت دارد، ولی فرد آرام نمی‌گیرد و دائماً گرفتار بدبینی می‌شود، باید به یک روان‌شناس یا روان‌پزشک مراجعه کند تا تحت درمان قرار گیرد.

۷. زن و شوهر باید از رفتاری که در همسر سوءظن ایجاد می‌کند، بپرهیزند؛ از مخفی‌کاری دوری کنند و تا حد امکان همسر خود را در جریان برنامه‌های کلی روزانه خویش قرار دهند و اگر تغییری در آن حاصل شد، وی را از آن مطلع سازند؛ مسائل سؤال‌برانگیز را زودتر برای او توضیح دهند و با احترام گزاردن به همسر، محبت و احترام او را جلب نمایند.

---

۱. بنگرید به: علیزاده، مثبت‌اندیشی یا منفی‌نگری، ص ۴۰ - ۳۰.

۲. وَ لا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ. (اسراء (۱۷): ۳۶)

۳. اَلْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ. (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵)

۴. امام علی ؑ: «إِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ يَقْطَعُ عَنْكَ نَصَباً طَوِيلاً؛ نیک‌گمانی، رنجی دراز را از تو می‌زداید». (نهج‌البلاغه، ص ۴۳۱)

۵. امام علی ؑ فرمود: «مَنْ حَسُنَ ظَنُّهُ بِالنَّاسِ حازَ مِنْهُمُ الْمَحَبَّةَ؛ هرکس به مردم نیک‌گمان باشد، محبت و مهر آنان را به‌دست خواهد آورد». (آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۳)

۶. امام علی ؑ: «حُسْنُ الظَّنِّ يُخَفِّفُ الهَمَّ وَ يُنجِي مِنَ تَقَلُّدِ الإثمِ؛ پندار نیک، اندوه را سبک می‌کند و انسان را از گرفتاری گناه می‌رهاند». (همان، ج ۳، ص ۲۵۳)

راه‌های ایمن‌سازی خانواده از آسیب‌ها

دختر و پسری که با یکدیگر ازدواج می‌کنند، معمولاً تفاوت‌های متعددی از جهت اعتقادات، اخلاق، فرهنگ، آداب و رسوم، سلیقه‌ها و حساسیت‌ها دارند. این تفاوت‌ها هرچند جزئی باشد، در صورت سوءمدیریت، سبب اختلافات و تعارض‌های خانوادگی می‌شود و خانواده را گرفتار آسیب‌های متعددی می‌سازد. از همین‌رو برای ایمن ساختن خانواده از آسیب‌ها، همسران باید اقداماتی را انجام دهند که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

یک. آموزش

بسیاری از مشکلات خانواده‌ها ناشی از آن است که همسران از «وظایف خود، عوامل مؤثر در استحکام یا تزلزل خانواده و روش حل مشکلات» آگاه نیستند. ازاین‌رو یکی از راهبردهای مهم حل مسائل خانوادگی، رویکرد آموزشی است.

محققان برای پیشگیری از ناسازگاری زناشویی سه راه را پیشنهاد می‌دهند: افزایش کیفیت تعامل زن و شوهر، بالا بردن آگاهی از نیازهای همسر و آموزش مهارت‌های خانوادگی که در آن به شناسایی مهارت‌های مقابله‌ای در نظام خانواده و آموزش رفتاری افراد (برای استفاده مؤثر از توانایی‌ها) پرداخته می‌شود.[1]

در مواردی نیز فرد با توجه به شرایط ویژه خود نیازمند راهنمایی است که در این‌گونه موارد، مراجعه به مشاور می‌تواند راهگشای مشکلات باشد. مشاور شایسته باید این ویژگی‌ها را داشته باشد: دارای دانش لازم و تجربه کافی، آشنایی با فرهنگ و سلایق مخاطبان خود، متدین و آگاه از محدوده اوامر و نواهی الهی (برای اینکه راهکارهای او در چارچوب رهنمودهای خداوند باشد) و رازداری.

دو. ارزیابی مستمر روابط خانوادگی

خانواده موفق آن است که به پایشِ جامع و مستمر عملکرد خویش و سود و زیان حاصل از آن می‌پردازد و پس از آن برای آینده برنامه‌ریزی می‌کند.

---

۱. بنگرید به: بورنستین، **روش‌های درمان مشکلات زناشویی**، ص ۲۰۴ - ۱۹۹.

در روایات سفارش شده است که انسان مسلمان در هر روز، فرصتی را برای محاسبه و بررسی رفتار خود اختصاص دهد و پس از این محاسبه، اگر عملکرد خویش را مثبت یافت، خدا را شکر گوید و توفیق استمرار آن را از او طلب کند و بر آن رفتار مداومت نماید، و اگر از روی غفلت یا به‌عمد مرتکب خطایی شده بود، از خدا طلب مغفرت کند و عزم خویش را بر ترک آن رفتار جزم نماید. امام کاظم علیه‌السلام فرمود:

کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند، از ما نیست. ببیند که اگر موفق به انجام کار خیری شده، از خداوند توفیق انجام بیشتر آن را بخواهد و خدا را بر آن سپاس گوید و اگر کار بدی انجام داده، از خدا آمرزش خواهد و توبه نماید.[1]

ارزیابی دائمی رفتارهای خانوادگی و رفع نواقص آن، خانواده را از آسیب‌ها در امان خواهد داشت.

سه. مواجهه صحیح با عیوب همسر

دختر و پسری که با یکدیگر ازدواج می‌کنند، رفته‌رفته با خصوصیات یکدیگر آشنا می‌شوند و خوبی‌ها و عیوب یکدیگر را بیشتر و بهتر می‌شناسند. در هنگام رویارویی با عیب‌های ظاهرشده، توجه به این امور می‌تواند مانع از سردی عاطفی و تنش در بین اعضای خانواده شود:

یک. برخی از عیب‌ها شخصی است و به روابط خانوادگی لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. در این‌گونه موارد بهتر است همسر توجهی نشان ندهد و برای اصلاح رفتار او به امور اساسی‌تر بپردازد. شیدای یزدی گوید:

همیشه تا توانی بپوش عیب کسان — به آن دلیل که دانای غیب ستار است

چشم‌پوشی از خطای همسر سبب می‌شود قبح کار از بین نرود؛ آبرو و احترام همسر حفظ شود و برخی از ارزش‌های اخلاقی (مانند گذشت) در فردی که چشم‌پوشی کرده، تقویت گردد.

دو. فردی که قصد اصلاح رفتار همسرش را دارد، باید اصلاح رفتار خود را مقدم بدارد. چنین فردی

---

۱. قال الکاظم علیه‌السلام: لَیسَ مِنّا مَن لَم یُحاسِبْ نَفسَهُ فی کُلِّ یَومٍ فَإن عَمِلَ خَیراً إستَزادَ اللهَ مِنهُ وَ حَمِدَ اللهَ عَلَیهِ وَ إن عَمِلَ شَرّاً إستَغفَرَاللهَ مِنهُ وَ تابَ إلَیهِ. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۲)

با این تجربه دشوار (تغییر رفتار ناپسند خود)، با همسر خویش منصفانه‌تر برخورد خواهد کرد.

سه. درصورتی‌که همسر خطای خویش را پذیرفت، باید عذرخواهی او را قبول کرد[1] و متناسب با ظرفیت همسر، با حفظ احترام خود و با اهتمام بر حفظ روابط عاطفی و صمیمی با او، به وی فرصت کافی برای تغییر داد و برای اصلاح خود، همسر و زندگی مشترک از خداوند طلب یاری کرد. نظامی گنجوی گوید:

چند نویسی، قلم آهسته دار — بر تو نویسند، زبان بسته دار

آب صفت هر چه شنیدی بشوی — آینه سان آنچه ببینی مگوی[2]

چهار. برای مواجهه صحیح با عیوب همسر باید خود نیز انتقادپذیر بود و انتقاد را هدیه‌ای از جانب همسر تلقی کرد که سبب شده اشتباهات سریع‌تر مشخص شود. این نحوه واکنش در مقابل همسر، روابط آنها را با یکدیگر صمیمی‌تر خواهد ساخت. برای تغییر رفتار نیز باید بر تغییر مثبت مداومت نمود تا سبب تثبیت رفتار نیکو گردد و خوبی‌ها عادتِ رفتاری شود. ازآنجاکه این تغییرها معمولاً دشوار است، گاهی باید زمان کوتاهی را تعیین کرد و در طول آن بر اصلاح رفتار اهتمام ورزید و سپس با چشیدن طعم شیرین رفتار نیک، زمان تغییر را طولانی‌تر ساخت.

چهار. مدیریت خشم

ازجمله علل مهم بروز کدورت بین همسران، خشم کنترل‌نشده است. این امر سبب بیان جملات یا انجام کارهایی می‌شود که همسر را آزرده‌خاطر می‌سازد و گاه با ایجاد عصبانیت در او، موجب مشاجراتی تلخ می‌شود و به روابط عاطفی آنها آسیبی جدی وارد می‌سازد. ازاین‌رو هنگامی که همسران گرفتار عصبانیت می‌شوند، باید به این نکات توجه کنند:

۱. درآغاز، علت خشم خویش را کشف کنند:

- گاه مشکلات جسمانی مانند بیماری، بی‌خوابی یا کم‌خوابی، مصرف برخی داروها، پرکاری غده تیروئید، کم‌خونی یا خستگی زیاد سبب بروز این عصبانیت‌ها می‌شود که در

---

۱. پیامبر اکرم ﷺ: «مَن لَم یَقبَلِ العُذرَ مِن مُتَنَصِّلٍ، صَادِقاً کانَ أو کاذِباً، لَم یَنَل شَفاعَتِي؛ هرکه عذر کسی را نپذیرد، خواه عذرش راست باشد یا دروغ، شفاعت من شامل حال او نخواهد شد». (مجلسی، **بحارالأنوار**، ج ۷۴، ص ۴۷)

۲. نظامی گنجوی، **مخزن الاسرار**.

این‌گونه موارد باید هرچه سریع‌تر مشکل برطرف شود.
- گاهی خشم، برآمده از عاملی روانی است که باید برای رفع آن تلاش کرد. برای نمونه، اگر علت آن احساس ناامنی است، باید با توجه به عوامل امیدوارکننده فراوانی که در اطراف وجود دارد و نیز با ایجاد روابط جایگزین به‌جای عامل ناامنی (مانند روابط گرم و صمیمی با همسر)، این احساس را از بین برد.
- گاهی رفتار همسر سبب خشم و غضب می‌شود. زن معمولاً از بی‌توجهی شوهر، تمسخر احساساتش، تندخویی شوهر، ساکت و عبوس بودن او، اوامر متعدد و مکرر، انتقادهای فراوان و توجه او به نامحرم عصبانی می‌شود. مردان نیز از بی‌توجهی زن به نظافت و آراستگی خود، تحقیر شوهر، ناسزاگویی، ساکت و عبوس بودن او و همچنین از جلب توجه مردان نامحرم (با پوشش یا کلام نامناسب) عصبانی می‌شوند. ازاین‌رو برای استمرار آرامش در خانواده، زن و شوهر باید از این‌گونه رفتارها بپرهیزند.
۲. همسران باید بکوشند تا از ابتدا مانع ایجاد خشم در خود شوند. بهترین راه برای تحقق این مهم آن است که نگرش منفی به خشم را در خود تقویت کنند. برای نمونه، اشعار یا روایاتی را درباره زشتی خشم بنویسند و در معرض دید خود قرار دهند؛ مانند کلام مولای متقیان علی علیه‌السلام که فرمود: «آغاز خشم دیوانگی است و پایان آن پشیمانی.»[۱] علاوه بر آن، نگرش مثبت به کنترل خشم را نیز در خود تقویت نمایند.
برخی امور نیز می‌تواند مانع ایجاد خشم در فرد شود؛ ازجمله عفو و گذشت، قناعت و پایین آوردن سطح توقعات. همچنین در مواجهه با امور نامطلوب، توجه به مقرون بودن خوشی‌ها با سختی‌ها، و لذت‌های اخروی با کاستی‌های دنیوی و نیز توکل به خداوند مهربان حکیم سبب کنترل خشم می‌شود.
عوامل دیگری که سبب آرامش و مانع ایجاد هیجانات مخرب می‌شود، عبارت است از: خواب کافی و مناسب، نظم در زندگی، شرکت در فعالیت‌های خیرخواهانه، استفاده از طبیعت، استفاده از رنگ‌های شاد در پوشاک و تزیین منزل، شوخی و خنده و از همه مهم‌تر، یاد خدا؛ چنان‌که قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

۱. إِيَّاكَ وَ الْغَضَبَ فَأَوَّلُهُ جُنُونٌ وَ آخِرُهُ نَدَمٌ. (آمدی، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ح ۶۸۹۸، ص ۳۰۳)

أَلا بِذِكْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.[1]

آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد.

۳. فردی که عصبانی می‌شود، ابتدا باید حالت روحی خود را به همسرش اظهار کند تا او رفتارش را بهتر درک نماید. سپس حواس خود را به چیز دیگری معطوف کند. برای مثال، تلویزیون تماشا کند؛ با دوستی تلفنی صحبت کند؛ آب یا شربت خنک بنوشد و چندین‌بار نفس عمیق بکشد. در هر صورت هرگز در حالت عصبانیت تصمیم نگیرد و تا حد امکان سخنی نگوید.

۴. زن یا شوهری که همسرش عصبانی شده، باید با او همدلی کند؛ هنگام سخن با او از کلماتی که بار عاطفی دارند، استفاده نماید و موضوع صحبت او را به‌آرامی تغییر دهد.

۵. درصورتی‌که فردی معمولاً و بدون دلیل منطقی عصبانی می‌شود، باید به روان‌شناس یا روان‌پزشک مراجعه کند تا تحت درمان قرار گیرد.

پنج. کسب مهارتِ حل مسئله

انسان در طول زندگی با مشکلات متعددی مواجه می‌شود. زندگی مشترک با همسر نیز در کنار شیرینی‌ها و لذت‌های فراوان، دشواری‌هایی دارد. چگونگی مواجهه با این مشکلات، در استحکام روابط خانوادگی یا سست نمودن بنیان خانواده تأثیر فراوانی خواهد داشت. ازاین‌رو، همسران باید مهارت حل مسئله را در این‌گونه مواقع بیاموزند. برای آموزش این مهارت، توجه به این نکات ضروری است:

۱. فشارهای زندگی مانند جمع شدن بخار در دیگ سربسته است که ناگهان موجب ترکیدن دیگ می‌شود. بنابراین نباید فشارها روی هم انباشته شود، بلکه باید آنها را با روش صحیح تخلیه کرد.

۲. مشکلات زندگی را باید «مسئله» دید و درصدد حل آن برآمد. مشکل امری مبهم، حل‌ناشدنی و کلی است؛ حال آنکه مسئله، واضح و روشن، حل‌شدنی، جزئی و معین است. با به‌کار بردن کلمه مسئله به‌جای مشکل، ناخودآگاه امید به حل آن در فرد ایجاد می‌شود.

---

۱. رعد (۱۳): ۲۸.

فراگیری مهارت حل مسئله سبب می‌شود: در خانواده بحران ایجاد نشود؛ فرد احساس توانمندی کند و اعتماد به نفس او افزایش یابد؛ از فشارهای روانی وی کاسته شود و در زندگی او آرامش ایجاد گردد.

ازآنجاکه حل یک مسئله نشان از درایت و فهم انسان است، حل مسائل می‌تواند اعتماد همسر، بستگان و دوستان را به فرد افزایش دهد؛ همان‌گونه که حل نشدن آن نیز ممکن است این اعتماد را سلب کند.

مراحل حل مسئله بدین قرار است:

۱. ابتدا باید مسئله را به‌صورت واضح، روشن و دقیق تعریف کرد. برای نمونه، اگر همسر فرد به او بی‌توجهی می‌کند، باید دقت کرد که آیا علت آن وجود خلأ عاطفی است یا عدم ارضای نیازهای جنسی یا خستگی ناشی از کار بیش از حد یا ... .

۲. باید هدف را مشخص کرد و به درستیِ آن نیز اطمینان داشت. گاه افراد هدف را اشتباه تعیین می‌کنند، یا در تعیین اولویت آن به خطا می‌روند؛ مانند اینکه در تنگنای اقتصادی خانواده، سفر تفریحی و تشریفاتی یک نیاز جدی تلقی شود.

۳. باید برای حل یک مسئله، راه‌حل‌های متعددی را درنظر گرفت. برای پیدا کردن این راه‌حل‌ها، تفکر، خلاقیت، افزایش آگاهی از طریق مطالعه و مشورت با فردی خردمند، دین‌دار و دلسوز، مفید و راهگشاست.

۴. راه‌حل‌ها را باید ارزیابی کرد و با توجه به پیامدها و عواقب هریک، بهترین آنها را انتخاب نمود.

۵. با طلب یاری از خدا، باید برای حل مسئله کوشید.

۶. گاهی افراد در رویارویی با مسائل زندگی با موانعی روبه‌رو می‌شوند که قدرت حل مسئله را از آنها سلب می‌کند. این افراد نیازمند توجه به این موانع و برطرف ساختن آنها هستند. مهم‌ترین مانع، ضعف انگیزه است. برای تقویت انگیزه حل یک مسئله باید پیامدهای منفی حل نشدن آن مسئله را فهرست کرد و خود را در فضای پس از حل مسئله تصور نمود و لذت زندگی در آن شرایط را مجسم نمود. بدین‌گونه، فرد توانایی صبر بر حل مسائل زندگی را به‌دست خواهد آورد. شاعر گران‌قدر حافظ گوید:

صبر و ظفر هر دو دوستان قدیم‌اند   بر اثر صبر نوبت ظفر آید[1]

طلاق

ازدواج پیوندی مقدس است که زن و شوهر باید در حفظ آن بکوشند. در بخش‌های پیشین مباحثی درباره انتخاب صحیح همسر، مهارت‌های لازم برای استحکام روابط همسران و ایمن‌سازی خانواده از آسیب‌ها بیان شد. ازآنجاکه گاهی زن و شوهر با تقصیر یکی یا هردو از یکدیگر جدا می‌شوند، در این بخش موضوع طلاق بررسی خواهد شد.

طلاق یعنی جدا شدن زن از مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی[2] که ممکن است به درخواست مرد یا زن باشد. این درخواست به دادگاه خانواده ارائه می‌شود و دادگاه به درخواست مرد پس از تحقیق و رعایت شرایط قانونی رسیدگی می‌کند. همچنین بنابر ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، به درخواست طلاق از سوی زن در صورت وجود شرایط قانونی رسیدگی می‌شود. این شرایط عبارت است از:

۱. زن از جانب شوهر وکالت داشته باشد که بتواند خود را در صورت تحقق موارد مندرج در قانون (یا در سند ازدواج) مطلقه کند.

۲. شوهر نفقه نپردازد و دادگاه نیز نتواند او را ملزم به پرداخت نفقه کند.

۳. وضعیت زندگی مشترک به‌گونه‌ای باشد که او در سختی طاقت‌فرسا قرار گیرد.

در این موارد دادگاه به تقاضای زن، او را از جانب شوهر مطلقه می‌سازد.

براساس ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی، طلاقی که به درخواست مرد باشد، «طلاق رجعی» است؛ یعنی در ایام عدّه[3] (سه بار پاک شدن از خون‌ریزی ماهیانه از زمان طلاق به بعد) شوهر می‌تواند رجوع کند. در طلاق رجعی، زن باید در تمام مدت عدّه در منزل شوهر سکونت داشته باشد، مگر آنکه ترس از ضرر جانی یا مالی یا حیثیتی داشته باشد. اگر در ایام عدّه، مرد با کلام یا رفتار خود، تمایلی برای رابطه همسری نشان داد، آن‌دو بدون نیاز به عقد ازدواج مجدد، دوباره زن و شوهر خواهند شد.

---

۱. حافظ، **دیوان حافظ**، غزل ۲۳۲.

۲. عمید، **فرهنگ عمید**، واژه «طلاق».

۳. درصورتی‌که طلاق قبل از رابطه زناشویی واقع شود، عدّه وجود ندارد.

طبق ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی، اگر طلاق از طرف زن و به‌سبب کراهت او باشد، «طلاق خُلع» نام دارد که هرچند زن باید عدّه نگه دارد، شوهر دیگر نمی‌تواند رجوع کند و در مقابل، زن تمام یا بخشی از مهر خود را می‌بخشد.

طلاق از نظر دینِ اسلام و عرف جامعه، امری ناپسند است و فقط در صورتی پذیرفتنی است که در تداوم زندگی مشترک، ضرر جدی وجود داشته باشد. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

ازدواج کنید، ولی طلاق ندهید؛ زیرا عرش خدا از وقوع طلاق می‌لرزد.[1]

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز فرمود:

همانا خدا و رسول خدا از زنانی که به‌ناحق از شوهر خود طلاق می‌گیرند، بیزارند. خدا و رسول خدا از مردانی که به زن خود ضرر می‌رسانند تا مهریه خود را ببخشد و طلاق گیرد، بیزارند.[2]

متأسفانه امروزه در نتیجه تغییرات فرهنگی و اجتماعی طی دهه‌های اخیر در بیشتر کشورهای جهان، طلاق رشد فراوانی داشته است.

یک. عوامل طلاق

بررسی نتایج ۹۲ پژوهش انجام‌یافته در ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ ـ که دستگاه‌های اجرایی یا مراکز تحقیقاتی دانشگاهی انجام داده‌اند ـ نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل وقوع طلاق در ایران بدین شرح است:

۱. **عوامل فرهنگی ـ اجتماعی:** شیوه ناکارآمد انتخاب همسر، آگاهی اندک از نقش زن یا شوهر در پیش از ازدواج، کاهش سطح مسئولیت‌پذیری دختران و پسران، عدم آموزش مهارت‌های لازم برای انجام مسئولیت‌های خانوادگی، بالا بودن سطح توقع زن یا شوهر از یکدیگر، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، عدم نگرش منفی به طلاق در میان بستگان زن یا شوهر، بی‌احترامی از سوی همسر، بی‌صداقتی زن یا شوهر در معرفی خود پیش از ازدواج و ... .

---

۱. تَزَوَّجوا وَ لا تُطَلِّقوا فَإِنَّ الطَّلاقَ یَهتَزُّ مِنهُ العَرشُ. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۸)

۲. أَلا وَ إِنَّ اللهَ وَ رَسولَهُ بَریئانِ مِنَ المُختَلِعاتِ بِغَیرِ حَقٍّ أَلا وَ إِنَّ اللهَ وَ رَسولَهُ بَریئانِ مِمَّن أَضَرَّ بِامرَأَتِهِ حَتّی تَختَلِعَ مِنهُ. (همان، ص ۲۸۳)

۲. **عوامل اقتصادی:** نپرداختن نفقه از جانب شوهر، توقعات بالای اقتصادی، نوع و میزان اشتغال زن در خارج از منزل و … .

۳. **عوامل اخلاقی:** عدم توافق اخلاقی همسران، سوءمعاشرت و سوءرفتار، فساد اخلاقی زن یا شوهر، اعتیاد، شراب‌خواری، فحاشی، خودخواهی و … .

۴. **عوامل روان‌شناختی:** ویژگی‌های روانی و عصبی غیرقابل تحمل، بدبینی شدید زن نسبت به شوهر یا شوهر نسبت به زن، باورهای غیرمنطقی، انگیزه‌های واهی در ازدواج و … .

۵. **عوامل جنسی:** عدم رضایتمندی زناشویی، ناتوانی جنسی زن یا مرد، سردمزاجی جنسی، وجود عادات جنسی ناپسند در مردان، عدم تمکین زن، تنوع‌طلبی جنسی، عقیم بودن مرد یا زن و … .[1]

دو. پیامدهای طلاق

هرچند معمولاً طلاق، خروج از یک رابطه تنش‌زا و فرسایشی است و معمولاً افرادی که از همسر خود جدا می‌شوند، تا مدت کوتاهی آسایش نسبی را تجربه می‌کنند، پیامدهای منفی طلاق بیش از آن است که افراد از طلاق خشنود باقی بمانند. رضایت دائمی از طلاق در ازدواج‌هایی حاصل می‌شود که میزان بحران و آسیب در زندگی مشترک بسیار بالا بوده و آثار منفی طلاق با آن برابری نمی‌کند. در چنین مواردی، فرد با مدیریت زندگی پس از طلاق، جدایی را رهایی واقعی از رنج‌ها و ضررهای فراوان می‌یابد. در ادامه به برخی پیامدهای منفی طلاق می‌پردازیم.

۱. پیامدهای فردی

بسیاری پس از طلاق دچار مشکلات روحی متعددی می‌شوند؛ ازجمله: کاهش شدید اعتماد به نفس، بی‌علاقگی به زندگی، احساس عذاب وجدان، احساس خشم، یأس، فریب‌خوردگی، عصبانیت، افسردگی و دل‌تنگی و کاهش انگیزه و علاقه به کار. گذشته از این، خروج از رابطه زناشویی و ارتباط منظم جنسی، زنان و به‌ویژه مردان را دچار فشارهای

---

۱. بنگرید به: محبی، **بررسی علل و عوامل مؤثر بر درخواست طلاق زنان.**

روانی می‌سازد. معمولاً طلاق سبب فشار اقتصادی بر زنان نیز می‌شود؛ زیرا حمایت مالی شوهر را از دست خواهند داد و تأمین مسکن و مخارج آنان برعهده خودشان خواهد بود. یافتن شغل مناسب و اشتغال آنها در بخش‌های غیررسمی، بی‌ثبات و پایین‌تر از شأن، ازگرفتاری‌های زنان پس از طلاق به‌شمار می‌آید.

۲. پیامدهای خانوادگی

فردی که پس از سپری کردن مدتی از زندگی مشترک و انحلال خانواده، قصد بازگشت به خانواده خویش را دارد، معمولاً منزلت سابق را ندارد و در خانه مستقل نیز با عدم اقبال اطرافیان مواجه می‌شود. این امر درمورد زنان موجب کاهش ضریب امنیت آنان نیز خواهد بود.

فردی که از همسر خویش جدا شده، برای ازدواج مجدد نیز با محدودیت‌هایی روبه‌روست. ازآنجاکه طلاق معمولاً نشان‌دهنده ناتوانی فرد در مدیریت روابط با همسر است، تمایل چندانی به ازدواج با فرد طلاق‌دهنده یا طلاق‌گیرنده وجود ندارد. علاوه بر آن، اگر زن و شوهر صاحب فرزند باشند، پس از طلاق سرپرستی کودک به‌تنهایی برای پدر یا مادر مشکلات متعددی به‌وجود خواهد آورد.

هرچند عوارض منفی طلاق برای زن و مرد بسیار است، فرزندان طلاق متحمل بیشترین آسیب‌ها خواهند شد.[1] آنها همواره با مشکل عاطفی جدایی از یکی از والدین مواجه هستند و حتی در صورت ارتباط با هردو، به‌دلیل جدایی زمانی این ارتباط، مشکل عاطفی خواهند داشت؛ ضمن آنکه ارتباط جداگانه با والدین، فرزند را فاقد تربیت هماهنگ و یگانه می‌سازد.

کودکانی که تحت سرپرستی مادر زندگی می‌کنند، با مشکلات مالی نیز روبه‌رو می‌شوند. در ضمن ازآنجاکه فرزند زندگی خود را با یکی از والدین ادامه می‌دهد، گاه نسبت به صفات روحی والد دیگر شناخت درستی ندارد.

پس از طلاق والدین، کودکان در سنین پیش از دبستان، معمولاً خشمگین یا افسرده می‌شوند.

---

۱. فرجاد، آسیب‌شناسی ستیزه‌های خانواده و طلاق، ص ۲۷۹.

بی‌میلی به بازی با دیگران و اخلال در بازی دسته جمعی، مراقبت زیاد درباره پاکیزگی، غمگینی، زود به گریه افتادن و زیاده‌طلبی، برخی از علایم رفتاری کودکان در مواجهه با طلاق والدین است.

فرزندانی که به مدرسه می‌روند، افسردگی شدید خود را از جدایی والدین، به‌صورت خشم و درگیری با معلمان بروز می‌دهند. در دوران نوجوانی که افراد به استقلال بیشتری دست می‌یابند و از محیط خانه دور می‌شوند، زمینه بروز بزهکاری در آنها بیشتر است. تعارض در انتخاب پدر یا مادر و وفاداری به یکی از آنها و رها کردن دیگری، مشکل اساسی نوجوانان پس از طلاق والدین است.[1]

درصورتی‌که والدِ سرپرستِ فرزند ازدواج مجدد نماید، فرزندان طلاق با مشکلات جدیدتری روبه‌رو خواهند شد. عدم پذیرش جدی فرزند از جانب همسر جدید و نیز نپذیرفتن او از سوی کودک در موارد بسیاری اتفاق می‌افتد. افزون بر این، ازآنجاکه ازدواج مجدد، شخص دیگری را وارد این حلقه محکم همبستگی می‌کند، فرزندان احساس می‌کنند دیگر جایی در خانه ندارند و فرد جدید، محبت و توجه پدر یا مادر را به خود جلب خواهد کرد. ازاین‌رو، آنها به‌شدت از سست شدن رابطه خود با پدر یا مادر نگران هستند.

طلاق همچنین سبب می‌شود که ارتباط فرزند با بستگان والد غیرسرپرست، از هم گسسته شود. درنتیجه از حمایت‌های عاطفی، روانی و اقتصادی والدین، خواهران و برادرانِ یکی از والدین محروم خواهد شد.

۳. پیامدهای اجتماعی

طلاق تعادل انسان‌ها را برهم می‌زند و موجب کاهش انسجام و یکپارچگی اجتماعی می‌شود.[2] علاوه بر آن، تعادل روحی نیروی انسانی را در تولید و خدمات برهم می‌زند و موجب بروز پیامدهای سهمگینی در حیات اقتصادی جامعه خواهد شد.

در ضمن هیچ‌گاه مطالعه آسیب‌شناسی اجتماعی و انحرافات اجتماعی بدون توجه به طلاق امکان‌پذیر نیست. طلاق می‌تواند موجب افزایش آسیب‌های اجتماعی شود؛ از قبیل اعتیاد

۱. بنگرید به: تایبر، بچه‌های طلاق، ص ۴۷ - ۴۰.
۲. ساروخانی، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ص ۱۲۰.



به موادمخدر و الکل، افزایش نرخ خودکشی و ناهنجاری‌های رفتاری جنسی. همچنین طلاق می‌تواند موجب کم‌بها شدن خانواده و ارزش‌های خانوادگی در جامعه شود. افزون بر این، افزایش میزان طلاق به‌تدریج قبح اجتماعی آن را کاهش داده، اعتماد اجتماعی را - که از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی است - سلب می‌کند.

سه. راهکارهای کاهش فروپاشی خانواده

۱. **پیشگیری از ایجاد اختلاف بین زن و شوهر:** مهم‌ترین عامل تداوم پیوند زن و شوهر، مهر و علاقه آنها به یکدیگر است. این محبت در صورتی پایدار می‌ماند که آن‌دو به یکدیگر خوش‌بین باشند و هریک، دیگری را مؤنس و یاور خویش بداند. به همین دلیل، اسلام از هرآنچه به روابط گرم و صمیمی همسران آسیب برساند، نهی کرده و دوستان، آشنایان و بستگان را به پرهیز از گفتار یا رفتاری که زن و شوهرها را نسبت به یکدیگر دلسرد کند، سفارش نموده است؛ حتی اگر آن گفتار، صادقانه باشد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

> کسی که میان زن و شوهری جدایی اندازد، غضب و لعنت خدا در دنیا و آخرت شامل حال او می‌شود، و سزاوار است خداوند او را در آتش بزرگ [در جهنم] اندازد، و هرکه قدمی در ایجاد اختلاف میان زن و شوهری بردارد، هرچند موجب جدایی آنها نشود، خشم خدا و لعنت او در دنیا و آخرت نصیب او می‌شود و خداوند با نظر رحمت به او نمی‌نگرد ... و هرکه قدمی در جهت اصلاح رابطه میان زن و شوهری بردارد، ... برای هر قدمی که برمی‌دارد، یا سخنی که می‌گوید، ثواب یک سال عبادت - که شب‌ها به نماز و روزها به روزه بگذرد - به او عطا می‌کند.[1]

۲. **گذشت خردمندانه برای پیشگیری از طلاق:** هرچند هریک از زوجین حقوق ویژه‌ای دارند،

---

۱. ... مَنْ عَمِلَ فِي فُرْقَةٍ بَيْنَ امْرَأَةٍ وَ زَوْجِهَا كَانَ عَلَيْهِ غَضَبُ اللهِ وَلَعْنَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَكَانَ حَقّاً عَلَى اللهِ أَنْ يَرْضَخَهُ بِأَلْفِ صَخْرَةٍ مِنْ نَارٍ وَمَنْ مَشَى فِي فَسَادِ مَا بَيْنَهُمَا وَ لَمْ يُفَرِّقْ كَانَ فِي سَخَطِ اللهِ عَزَّوَ جَلَّ وَ لَعْنَتِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ حَرَّمَ(اللهُ عَلَيْهِ) النَّظَرَ إِلَى وَجْهِهِ ... مَنْ مَشَى فِي إِصْلَاحِ بَيْنَ امْرَأَةٍ وَ زَوْجِهَا أَعْطَاهُ اللهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ ... كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاهَا أَوْ كَلِمَةٍ تَكَلَّمَ بِهَا فِي ذَلِكَ عِبَادَةُ سَنَةٍ قِيَامُ لَيْلِهَا وَ صِيَامُ نَهَارِهَا ... . (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۳، ص ۳۶۹ - ۳۶۸)

افراد خردمند به‌دلیل اهمیت استحکام خانواده از برخی حقوق خویش برای اصلاح روابط می‌گذرند تا بنای باعظمت خانواده فرو نریزد. در این معامله خردمندانه، همسر، فرزندان و بستگان در آینده به عظمت ایثار او اعتراف خواهند کرد و خداوند دانا و کریم نیز از دریای بی‌کران کرم خود به او پاداشی شایسته خواهد داد. قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزاً أَوْ إِعْرَاضاً فَلا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحاً وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَ أُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَ إِنْ تُحْسِنُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيراً.[1]

اگر زنی دریافت شوهرش با او بی‌مهر و از او روی‌گردان شده، باکی نیست که هردو در میان خود طرح آشتی افکنند که آشتی بهتر است؛ حال آنکه بخل و فرومایگی بر نفوس مردم غلبه دارد، و اگر نیکی و پرهیزکاری کنید، خدا به هرچه کنید، آگاه است.

۳. **وساطت داوران:** در قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) پیش‌بینی شده که در کلیه موارد درخواست طلاق به‌جز طلاق توافقی، دادگاه باید برای صلح و سازش، موضوع را به داوری ارجاع دهد و داوران نیز برای آشتی بین همسران تلاش کنند. داوران باید در صورت امکان از میان بستگان زن و شوهر انتخاب شوند؛[2] چراکه طرفین اختلاف غالباً در فضای روانی خاصی از احساسات منفی و کینه‌توزانه قرار دارند و در این فضا احتمال کمتری برای گرفتن تصمیمات صحیح و آینده‌نگرانه وجود دارد. راهکار اسلام در این مواقع آن است که طرفین دعوا تصمیم دوباره درباره زندگی را به دست افرادی بسپارند که دارای صلاحیت و آرامش روانی هستند. همچنین تأکید شده که یکی از داوران از خویشان زن، و دیگری از خویشان مرد باشد؛ ازآن‌رو که بیشتر از وضعیت زندگی آنان مطلع بوده و بیشتر به مصالح خویشان خود پایبندند و نسبت به آنان دلسوزند.[3]

۴. **توجه به مشکلات فرزندان:** مشکلاتی که والدین پس از طلاق درمورد حضانت فرزند، دوری

---

۱. نساء (۴): ۱۲۸.

۲. مبنای این تدبیر قانونی، فرمان خداوند در قرآن کریم است: «فَابْعَثُوا حَكَماً مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَماً مِنْ أَهْلِهَا؛ پس داوری از خانواده آن [شوهر]، و داوری از خانواده آن [زن تعیین کنید و] بفرستید». (نساء (۴): ۳۵)

۳. زیبایی‌نژاد، «طلاق پسندیده»، نشریه حورا، ش ۴۰، ص ۱۶.

از او و تأمین مخارجش با آن مواجه می‌شوند، یکی از عوامل انصراف از طلاق خواهد بود.

۵. توجه به پیامدهای اقتصادی طلاق: طبق قانون حمایت خانواده، ثبت طلاق الزامی است و جز در موارد استثنا،[۱] حقوق همسر و فرزندان درباره جهیزیه، مهریه، نفقه زوجه و نفقه اولاد باید پرداخت شود. گاهی مردان با توجه به مسئولیت‌های اقتصادی طلاق، از جدایی منصرف می‌شوند و به سازگاری ادامه می‌دهند.

۶. وقوع طلاق به نیکی و زیبایی: در قرآن به‌دفعات امر شده که وقوع طلاق باید به نیکی و با خوشرفتاری باشد. خداوند با عباراتی چون «تَسْرِيحٌ بِإِحسان»،[۲] «سَرِّحُوهُنَّ بِمَعرُوفٍ»،[۳] «فَارِقُوهُنَّ بِمَعرُوفٍ»[۴] و «سَراحاً جَمِيلاً»[۵] بر این امر تأکید نموده است. درصورتی‌که متقاضی طلاق پس از جدایی پشیمان شود، این نحوه جدایی در آینده زمینه بازگشت به زندگی مشترک را سهل می‌سازد.

۷. ایجاد زمینه آشتی مجدد: براساس قوانین اسلامی، اگر طلاق به درخواست مرد باشد، زن باید در ایام عدّه در منزل شوهر زندگی کند و مستحب است در این ایام خود را بیاراید و با پوشش زیبا و آرایش و رفتار جذاب و با به‌کارگیری استعدادهای زنانه خود، مرد را به‌سوی خویش متمایل سازد و کانون خانواده را در آخرین مرحله، از فروپاشی کامل در امان دارد.[۶] در طول مدت عده تا پایان آن، زن نباید از سکونت در منزل مشترک سر باز زند، مگر آنکه احتمال ضرر جانی یا مالی برای او وجود داشته باشد.[۷]

---

۱. درصورتی‌که زن رضایت دهد، یا حکم قطعی بر اعسار زوج یا تقسیط محکومٌ به صادر شود، اگر زن بدون دریافت حقوق مذکور نسبت به طلاق رضایت دهد، می‌تواند پس از طلاق از طریق اجرای احکام دادگاه برای دریافت این حقوق اقدام نماید.

۲. فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ؛ پس نگاهداشتنی به نیکی یا رها کردنی به احسان. (بقره (۲): ۲۲۹)

۳. فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ؛ پس همسرتان را به نیکی نگهدارید یا به نیکی رها سازید. (بقره (۲): ۲۳۱)

۴. فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ؛ پس همسرتان را به نیکی نگهدارید یا به نیکی از ایشان جدا شوید. (طلاق (۶۵): ۲)

۵. وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً؛ رها کنید ایشان را رهاکردنی زیبا. (احزاب (۳۳): ۴۹)

۶. امام صادق ﷺ فرمود: «المطلّقه تکتحل و تختضب و تطیّب و تلبس ما شاءت من الثیاب لأنّ الله عزّوجلّ یقول: «لَعَلَّ اللهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْراً» لعلّها أن تقع فی نفسه فیراجعها؛ زن مطلّقه سرمه می‌کشد و خضاب می‌نماید و خود را خوشبو می‌سازد و هر لباسی را که خواست می‌پوشد؛ زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: «شاید خداوند پس از آن امری را پدید آورد.» شاید زن بدین‌وسیله مِهر خود را در دل مرد اندازد و مرد به او رجوع نماید. (زندگی زناشویی از سر گرفته شود)». (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۲۱۷)

۷. در ماده ۳۸ قانون حمایت خانواده اعلام شده که در طلاق رجعی (طلاق به درخواست مرد)، ثبت طلاق

چهار. گریزناپذیری طلاق

اگر تداوم زندگی مشترک موجب آسیب‌های جدی به خود یا فرزندان است، نباید از جدایی و عواقب آن هراسید. این منفور الهی، حلال است و خداوند طلاق را راه خروج از بن‌بست قرار داده و اشاره فرموده که با تکیه بر رحمت وسیع خدا و با اعتماد به حکمت او از این داروی تلخ برای درمان بهره گیرید و بدانید که خداوند شما را یاری خواهد کرد. قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلاًّ مِنْ سَعَتِهِ وَ كَانَ اللَّهُ وَاسِعاً حَكِيماً[1]

و اگر [به طلاق] جدا شوند، خدا هرکدام [از آن‌دو] را از گشایشش بی‌نیاز می‌کند، و خدا گشایشگری فرزانه است.

پنج. ترمیم خانواده آسیب‌دیده از طلاق

در صورت وقوع طلاق، زن و مرد باید مهارت‌های لازم را برای مدیریت شرایط پس از طلاق به‌دست آورند تا از آسیب‌های احتمالی شرایط جدید در امان باشند. در این بخش به شیوه ترمیم خانواده آسیب‌دیده از طلاق پرداخته می‌شود.

۱. تقویت فضایل اخلاقی

کارشناسان مسائل خانواده پس از بیان رهنمودهای گوناگون برای کاهش مشکلات همسران و فرزندان طلاق، با این واقعیت انکارناپذیر روبه‌رو می‌شوند که هیچ راه‌حل اساسی و قابلِ اطمینانی برای مشکلات یادشده وجود ندارد، مگر رفتار نیکو و پسندیده زن و شوهر حین و پس از طلاق.

اسلام به‌عنوان دین اخلاق‌مدار، اهتمام فراوانی به شکوفایی و پرورش فضایل اخلاقی دارد. تأکید مکرر قرآن کریم بر طلاقِ توأم با احسان و نیکی نیز بیانگر اهمیت این موضوع است؛ چراکه طلاق زیبا، جز در پرتو آراسته بودن به فضایل اخلاقی تحقق نمی‌پذیرد. همچنین

منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده است که در صورت تحقق رجوع، صورت جلسه طلاق ابطال می‌شود.

۱. نساء (۴): ۱۳۰.

نکوهش آسیب‌رسانی همسران به یکدیگر به‌عنوان یک قاعده کلی قبل و بعد از طلاق[1] و تأکید بر مشورت و همفکریِ پسندیده میان زن و مردِ طلاق‌گرفته در امور مربوط به فرزندان،[2] ازجمله سفارش‌های قرآن کریم در این زمینه است.

۲. پذیرش موقعیت جدید

وظیفه مهم زن و مرد پس از طلاق، کنار آمدن با سردرگمیِ ناشی از این پدیده است. آنان باید با استفاده از شیوه‌های شناختی و عاطفی به سازگاری مطلوبی نایل گردند.[3] آنها برای تنظیم عواطف می‌توانند به فعالیت‌های سرگرم‌کننده روزانه بپردازند. مسافرت تفریحی، ورزش مداوم و گسترش روابط با خویشان و دوستان نیز در تنظیم عواطف فرد مؤثر است. درعین‌حال، فرد باید از لحاظ شناختی، واقعیت زندگی کنونی خود را پس از طلاق به‌خوبی درک کند.

۳. تقویت پیوندهای اجتماعی

راهکار دیگر اسلام در این زمینه، تقویت پیوندهای اجتماعی شامل روابط خویشاوندی، دوستی و همسایگی از طریق تأکید بر ارزش‌هایی مانند صله ارحام، رسیدگی به همسایگان و همدردی اهل ایمان با یکدیگر است. حضور مؤثر خویشاوندان، دوستان و همسایگان در کنار فرد طلاق‌گرفته و حمایت‌های مالی، عاطفی و مراقبتی آنان از وی و فرزندانش، نقش بسیار مهمی در کاهش عوارض منفی طلاق ایفا می‌کند.[4] کانون مدرسه به‌ویژه معلمان و مشاوران متعهد و دلسوز نیز می‌تواند در حمایت از کودکان در سازگاری با شرایطِ پس از طلاق و رفع نیازهای عاطفی آنان نقش مهمی داشته باشد.[5]

۴. توجه به نیازهای فرزندان پس از طلاق

بهداشت روانی فرزندان طلاق به عواملی مانند سلامت روانیِ سرپرستی که حضانت کودک

---

۱. بنگرید به: بقره (۲): ۲۳۲ - ۲۲۸.
۲. وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ ... . (طلاق (۶۵): ۶)
۳. دیماتئو، روان‌شناسی سلامت، ج ۲، ص ۵۷۰.
۴. بستان، خانواده در اسلام، ص ۲۱۵.
۵. شهیدی، اصول و مبانی بهداشت روانی، ص ۱۱۸.

را برعهده می‌گیرد، بستگی دارد. سلامت عاطفی و روانی سرپرست و سازگاری مناسب او با محیط و شرایط پس از طلاق، در حمایت او از کودک در برابر استرس‌ها و تضادهای ناشی از طلاق بسیار مؤثر است. خصوصیات کودک مانند سن، حالات عاطفی و جنسیت نیز در این امر اهمیت دارد.[1] نکته مهم، همکاری پدر و مادر و حمایت از یکدیگر در سرپرستی فرزند است. آنان باید نقش والدینی خود را از نقش همسری تفکیک نمایند. مسئولیت والدین با طلاق ساقط نمی‌شود و آنان باید با مشورت و همفکری به امور فرزند خویش رسیدگی کنند. برای این منظور، والدین باید از نقش یکدیگر در رفع نیازهای کودک حمایت کنند. افزون بر این، تضعیف و بی‌اعتبار کردن یکدیگر، نتایج ناخوشایندی بر فرزندان خواهد گذاشت. بچه‌ها به‌دلیل رابطه عاطفی شدید با پدر و مادر، بدگویی یکی از آنها را از طرف مقابل، در حقیقت بدگویی هریک از آنان نسبت به خود تلقی می‌کنند؛ زیرا آنها از لحاظ روانی، پدر و مادر را جزئی از شخصیت خویش می‌دانند. پدر و مادر نیز باید بپذیرند که بین احساسات خود نسبت به همسر سابق و احساسات کودک نسبت به او تفاوت بگذارند.

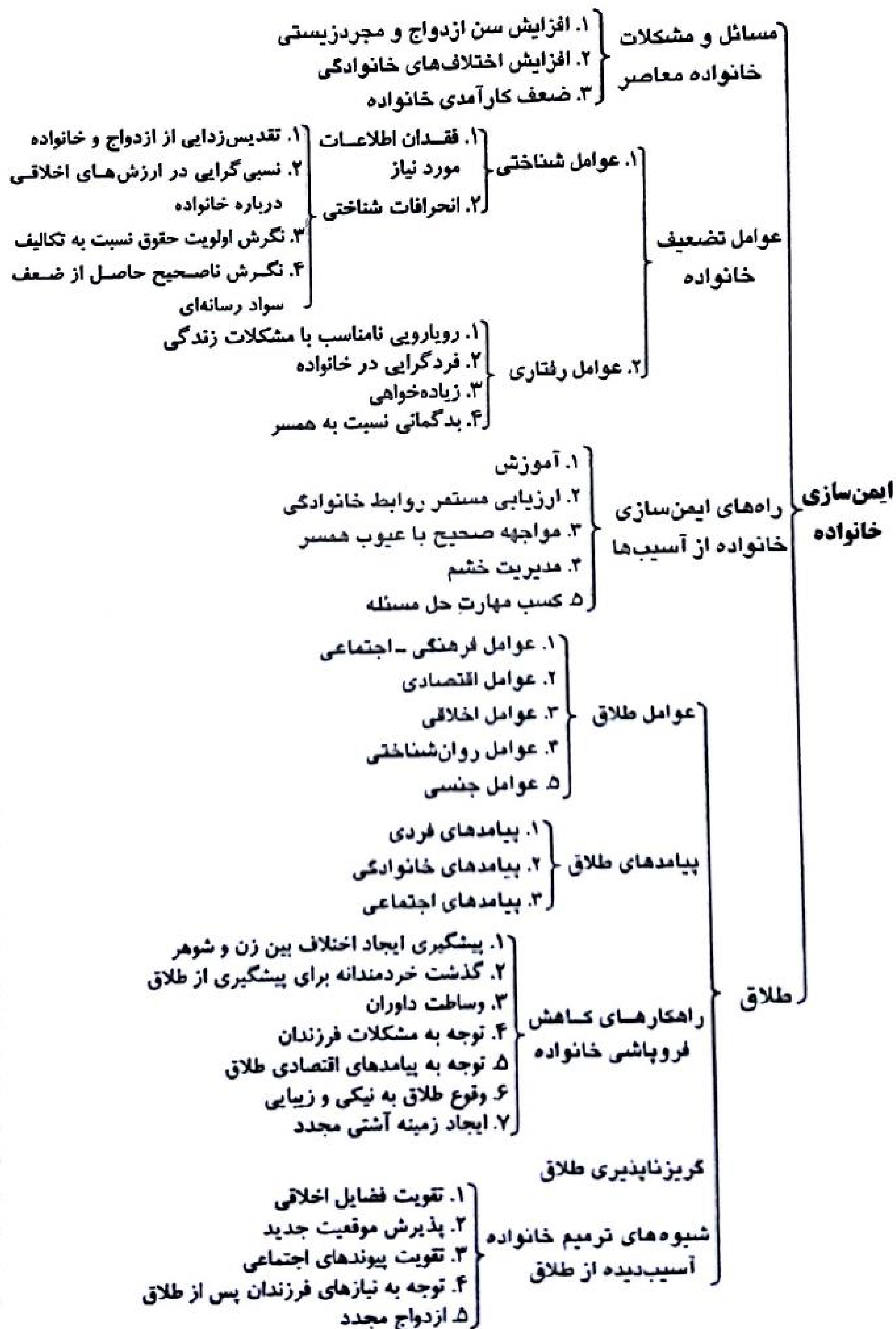
۵. ازدواج مجدد

یکی از راهکارهای اساسی اسلام برای کاهش پیامدهای منفی طلاق، ازدواج مجدد است. ازدواج مجدد به‌ویژه در صورت وجود فرزند (حاصل از ازدواج سابق) مشکلات خاصی را برای همسران درپی خواهد داشت، اما آثار مثبت آن در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه کاهش مشکلات مالی، عاطفی و جنسی همسران طلاق‌گرفته و افزایش سلامت روانی آنان انکارناپذیر است. به بیان روشن‌تر، ازدواج مجدد با توجه به مسئولیت مالی شوهر باعث می‌شود زنِ طلاق‌گرفته از دغدغه تأمین معاش تا حد زیادی برهد و بسیاری از زخم‌های روحی حاصل از ازدواج گذشته التیام یابد. بدون شک برای رفع مشکلات جنسی ناشی از طلاق (توقف ارضای نیاز جنسی و ناامنی جنسی برای زنان بی‌شوهر) نیز گزینه‌ای بهتر از ازدواج مجدد نمی‌توان یافت. کاهش مشکلات همسران موجب خواهد شد که قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان در اموری چند افزایش یابد: توجه به نیازهای فرزندان، رسیدگی به مشکلات آنها و مراقبت بهتر و نظارت مؤثرتر بر رفتار آنها.[2]

---

۱. همان، ص ۱۱۷.
۲. بستان، خانواده در اسلام، ص ۲۱۲.

نمودار مطالب فصل



پرسش

۱. در منطقه‌ای که زندگی می‌کنید، به‌نظر شما مهم‌ترین علل اختلاف همسران در خانواده‌های نابسامان چیست؟

۲. یکی از مشکلات رایج در روابط همسران جوان شهر خود را ذکر کرده، برای حل آن راهکاری ارائه دهید.

۳. در این فصل به برخی عوامل تضعیف خانواده اشاره شد. آیا عامل دیگری را می‌توانید ذکر کنید؟ در مقابل، برای تقویت خانواده چه توصیه‌هایی دارید؟

۴. طلاق چه پیامدهای منفی فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد؟

۵. برای کاهش آسیب‌های طلاق چه پیشنهادهایی دارید؟

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. **تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﵀.

۲. **خانواده و مصرف کالاهای فرهنگی جدید**، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، هاجر.

۳. محمدرضا زیبایی‌نژاد، حسین بستان و دیگران، **آسیب‌شناسی خانواده**، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.

۴. محمدرضا سالاری‌فر، **مقابله با خشونت خانگی علیه زنان**، قم، هاجر.

۵. ابراهیم شفیعی سروستانی، **زن نظام سلطه و رسانه‌ها**، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

۶. ویلیام گاردنر، **جنگ علیه خانواده**، ترجمه معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

۷. شکوه نوابی‌نژاد، **مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی**، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

فصل پنجم
فرزندآوری و فرزندپروری

اهداف درس

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱ اهمیت و جایگاه فرزندآوری در اسلام را بشناسند.

۲ آثار فردی و خانوادگی فرزندآوری را برشمارند.

۳ با آسیب‌های تک‌فرزندی آشنا شوند.

۴ برخی اصول تربیت فرزند را بدانند.

◆ **برگی از یک زندگی**

فرزند پروفسور حسابی می‌گوید: آموزش قرآن و نمازها و دعاها معمولاً برعهده مادر بود. اگر در ترجمه و تفسیر آیه‌ها برای مادرم مشکلی پیش می‌آمد، به‌سراغ پدر می‌رفتیم و از ایشان می‌پرسیدیم. پدر به ما ریاضیات، فیزیک، مکانیک، ستاره‌شناسی و پزشکی یاد می‌داد و ما را در جریان اختراعات جدید می‌گذاشت. در چنین شب‌هایی، ما نکات بسیار آموزنده‌ای از پدر آموختیم. علاوه بر اینها از ایشان شعر و ادبیات و مهم‌تر از همه درس زندگی و اخلاق را فراگرفتیم. پدر همیشه برای صدا کردن ما از ضمیر «شما» استفاده می‌کرد. او هر وقت ما را به اتاقشان فرامی‌خواند، می‌دانستیم که می‌خواهند مطلب مهمی را به ما بگویند؛ یا اگر می‌خواستند به ما تذکری بدهند، در آن اتاق انجام می‌شد تا کسی نشنود و خجالت نکشیم.[1]

فرزندآوری

یک. اهمیت و جایگاه فرزندآوری در اسلام

از نظر اسلام، داشتن فرزند و باقی گذاردن نسل برای هر مسلمانی، امری پسندیده است. قرآن کریم عطای فرزند را نعمت و رحمتی از جانب خداوند به بندگان می‌داند:

۱. حسابی، استاد عشق، ص ۲۸.

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثاً وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ.[1]

فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط از آنِ خداست؛ هرچه را بخواهد می‌آفریند؛ به هرکس بخواهد، دختر می‌بخشد و به هرکس بخواهد، پسر می‌بخشد.

استفاده از فعل «یَهَبُ» در آیه دلالت بر این دارد که فرزند پسر و دختر، هردو هدیه الهی و آسمانی به والدین هستند. ازاین‌رو، بندگان مؤمن طلب فرزند را در دعاهای اساسی خود قرار می‌دهند؛ چنان‌که قرآن در بیان ویژگی‌های «عباد الرحمان» (بندگان خداوند مهربان) می‌فرماید:

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَ بَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّ يَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَاماً.[2]

و کسانی که می‌گویند: «[ای] پروردگار ما! از همسران ما و نسل ما به ما روشنی چشمان ببخش و ما را پیشوای خودنگه‌داران قرار ده».

همچنین قرآن کریم دعا و درخواست حضرت زکریا علیه‌السلام از خداوند برای داشتن فرزند و اجابت آن را چنین گزارش می‌کند:

وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لا تَذَرْنِي فَرْداً وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ ... .[3]

و [یاد کن] زکریا را هنگامی که پروردگارش را ندا درداد: «پروردگارا! مرا تنها وامگذار [و فرزندی به من عطا کن] و تو بهترین وارثانی»، و [دعای] او را اجابت کردیم و به او یحیی را بخشیدیم.

تولد فرزندان در زندگی حضرت ابراهیم علیه‌السلام نیز نعمت و پاداش عظیمی شمرده شده که فرشتگان بدان بشارت دادند: «وَ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ ... .»[4] این عطای فرزند

---

۱. شورا (۴۲): ۴۹.
۲. فرقان (۲۵): ۷۴.
۳. انبیاء (۲۱): ۹۰ ـ ۸۹ .
۴. هود (۱۱): ۶۹ .

در سالمندی، با سپاسی ویژه از جانب آن حضرت همراه بود؛ همچنان‌که می‌فرماید:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی وَهَبَ لِی عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِیلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّی لَسَمِیعُ الدُّعَاءِ.[1]

ستایش مخصوص خدایی است که در پیری، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. قطعاً پروردگار من شنونده دعاست.

درک نعمت بودن فرزند و توجیه اصرار مؤمنین در طلب آن زمانی میسر می‌گردد که کلام مشهور پیامبر ﷺ را به‌یاد آوریم:

هرگاه شخص از دنیا برود، عملش قطع می‌شود و دیگر حسناتی برای او ثبت نمی‌شود، مگر از سه چیز: صدقه جاریه [=کار خیر ماندگار]، اثر علمی که از آن استفاده شود و فرزند صالحی که برای او دعا کند.[2]

چه فرصتی برای انسانِ محصور بین تولد تا مرگ، مغتنم‌تر از این است که بتواند راهی برای استمرار وجود خود بیابد و پرونده اعمال نیکش را باز نگه دارد و پس از مرگ نیز به آن بیفزاید؟ بر این اساس در ادبیات دینی، فرزند یکی از مصادیق مهم «باقیات الصالحات» است.

از منظر اسلام، تولد فرزند از اهداف مقدس ازدواج بوده و دراین‌باره توصیه‌های فراوانی شده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

ازدواج کنید تا عده شما بسیار شود؛ زیرا من در روز رستاخیز به فزونی شما بر امت‌های دیگر افتخار می‌کنم.[3]

رسول خدا ﷺ در روایتی دیگر فرمود:

چه چیز مؤمن را از اینکه [همسر و] خانواده‌ای برگزیند، بازمی‌دارد؟! امید است خداوند فرزندی به او روزی کند که زمین را با [گفتن] لااله الا الله پربار سازد.[4]

---

۱. ابراهیم (۱۴): ۳۹.

۲. إذا مَاتَ ابنُ آدَمَ اِنقَطَعَ عَمَلُهُ اِلاّ مِنْ ثَلاثٍ: صَدَقَةٍ جارِيَةٍ أو عِلمٍ يُنتَفَعُ بِهِ أو وَلَدٍ صالِحٍ يَستَغفِرُ لَهُ. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۹۲)

۳. تَناكَحُوا تَكثُرُوا؛ فَإِنّي أُباهِي بِكُمُ الأُمَمَ يَومَ القِيامَةِ. (پاینده، نهج الفصاحه، ص ۳۹۰)

۴. مَا يَمنَعُ المُؤمِنَ أن يَتَّخِذَ أهلاً لَعَلَّ اللهَ يَرزُقُهُ نَسَمَةً تُثقِلُ الأرضَ بِلا إلَهَ إلاّ اللهُ. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰،

در اینجا، دو نکته درخور ذکر است:

۱. در این روایات، احتمال پدید آمدن نسلی که لااله الا الله یا تسبیح بگویند (نه قطعیت تحقق آن)، علت مطلوب بودن فرزندآوری دانسته شده است. به بیان دیگر، آنچه برای زن و شوهر امکان‌پذیر است و به آن تکلیف شده‌اند، انگیزه و تلاش برای فرزندآوری و پرورش نسلی با این ویژگی است و همین تلاش در نزد خداوند مطلوب است و پاداش دارد. بنابراین اگر پدر و مادر با انگیزه به‌دست آوردن نسلی تسبیح‌گو فرزند آورند، اما به‌دلیل عواملی خارج از اختیار آنان، این ویژگی‌ها در فرزند محقق نگردد، پدر و مادر وظیفه خویش را به‌جای آورده‌اند و پاداش می‌گیرند. در روایتی آمده است:

شخصی به امام موسی کاظم علیه‌السلام نامه نوشت که من از پنج سال پیش، از بچه‌دار شدن خودداری می‌کنم؛ زیرا همسرم داشتن بچه را ناخوش می‌دارد و می‌گوید: «به‌دلیل اینکه امکانات خوبی نداریم، تربیت آنان برای من دشوار است.» پس صلاح کار چیست و شما چه نظری دارید؟ امام علیه‌السلام برای او نوشتند: بچه‌دار شوید و بدانید خداوند آنها را روزی می‌دهد.[1]

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ارزشمندی فرزندآوری را برای زنان که رنج بیشتری در بارداری و شیردهی می‌کشند، چنین متذکر شده: اجری که برای زنان از زمان بارداری تا هنگام از شیرگرفتن کودک درنظر گرفته شده، همانند مجاهد در راه خداست و اگر زن در هریک از این مراحل بمیرد، مقامی همانند مقام شهید دارد.[2]

۲. ولادت فرزند نه‌تنها برای والدین او مایه خیر و برکت است، بلکه در سطح کلان جامعه نیز ارزشمند است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا.[3]

ص ۱۴، ح ۲۴۹۰۰)

۱. عَنْ بَكْرِبْنِ صَالِحٍ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثاني علیه‌السلام: إِنِّي اجتنبتُ طلب الْوَلَدِ مُنْذُ خَمْسِ سِنِينَ أَنَّ أَهْلِي كَرِهَتْ ذَلِكَ وَ قَالَتْ إِنَّهُ يَشْتَدُّ عَلَيَّ تَرْبِيَتُهُمْ لِقِلَّةِ الشَّيْءِ فَمَا تَرَى؟ فَكَتَبَ إِلَيَّ اطْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللهَ يَرْزُقُهُمْ. (طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۲۴)

۲. قَالَ بَلَى لِلْمَرْأَةِ مَا بَيْنَ حَمْلِهَا إِلَى وَضْعِهَا ثُمَّ إِلَى فِطَامِهَا مِنَ الْأَجْرِ كَالْمُرَابِطِ فِي سَبِيلِ اللهِ فَإِنْ هَلَكَتْ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ كَانَ لَهَا مِثْلُ مَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ. (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۷)

۳. اسراء (۱۷): ۶.

سپس دوباره [پیروزی] بر آنان را به شما بازگردانیم و شما را به‌وسیله اموال و پسران امداد رسانیم و افراد شما را بیشتر [از دشمن] قرار دهیم.

در این آیه کثرت اولاد، نویدبخش پیروزی بر دشمنان معرفی شده است. چرا که زیاد شدن جمعیت مسلمانان ابزاری برای تأمین اقتدار سیاسی و اقتصادی جامعه اسلامی به‌شمار می‌رود.

در شریعت اسلام افزون‌بر تشویق به ازدواج و فرزندآوری، تأمین رزق و روزی همسر و فرزندان نیز تضمین شده؛[1] چنان‌که در آیات متعددی به‌صراحت از رازقیت خداوند سخن رفته است.[2]

البته اعتقاد به رازقیت خداوند و توکل بر او، با عاقبت‌اندیشی و برنامه‌ریزی در زندگی منافاتی ندارد؛ چراکه خداوند برای هر پدیده‌ای سببی قرار داده است. یکی از علل و اسباب کسب روزی، تلاش و مجاهدت است که نزد خدا پاداش نیز دارد.

در ادامه، فواید فرزندآوری براساس یافته‌های دانش تجربی بررسی می‌شود.

دو. آثار و فواید فرزندآوری

یکی از اهداف مهم ازدواج، صاحب فرزند شدن است تا والدین از این طریق از لذت مادری یا پدری بهره‌مند گردند. امروزه برخی زوج‌ها تولد فرزند را مانع آسایش و راحتی زندگی خود می‌دانند و هزینه تولد و تربیت فرزند را سرسام‌آور می‌شمردند. بیشتر پدران و مادران نیز در فراهم کردن امکانات رفاهی فرزند خویش ناخواسته افراط می‌کنند که این امر هزینه فرزندآوری را سنگین کرده است. روشن است که با سبک زندگی مصرفی و افزایش مصرف، برای پذیرش فرزندانِ بیشتر - که مصرف دیگر اعضای خانواده را با بحران روبه‌رو می‌کنند - جای کمتری می‌ماند. افزون بر این، در چنین فضایی فرزندآوری هرچه بیشتر به تحقیر

---

۱. در توصیه اسلام به فرزندآوری، توجه به این نکته ضروری است که پیامبر اکرم ﷺ این روایات را زمانی فرموده است که مسلمانان در تنگنای اقتصادی بوده‌اند.

۲. پیامبر ﷺ فرمود: مَنْ تَرَكَ التَّزويجَ مَخافَةَ العَيْلَةِ فَقَدْ ساءَ ظَنُّهُ بِاللهِ عَزَّ وَ جَلَّ. إنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ «إنْ يَكونُوا فُقَراءَ يُغْنِهِمُ اللهُ مِنْ فَضْلِه»؛ کسی که ازدواج را از ترس فقر و مخارج عائله‌مندی ترک کند، به خداوند گمان بد برده است؛ زیرا خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: اگر فقیر باشند، خداوند آنها را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند». (کلینی، اصول الکافی، ج ۵، ص ۸۸، ح ۱)

خانوارهایی می‌انجامد که نمی‌توانند در هماوردی مصرف، خود را نمایش دهند؛[1] حال آنکه همسران جوان علاوه بر محاسبه هزینه‌های اقتصادی ضروری یا غیرضروری فرزندپروری، باید به فواید فراوان تولد فرزند در خانواده نیز توجه نمایند.

فرزندآوری برای همسران آثار مثبت فراوانی دارد که به برخی از آنها می‌پردازیم.

۱. آثار و فواید روحی - روانی

۱ - ۱. احساس دوست داشتن و محبوب بودن

با آغاز زندگی مشترک، بسیاری از نیازهای عاطفی همسران جوان تأمین می‌شود و در صورت بهره‌مند بودن آنان از الگوی خانواده متعادل، به مرور زمان، می‌توانند به بیشتر نیازهای خود پاسخ دهند. تولد فرزند نیز زمینه پاسخ‌گویی بسیاری از نیازها ازجمله نیاز به دوست داشتن و محبوب بودن را فراهم می‌کند؛ زیرا یکی از نیازهای نوزاد، مورد توجه دیگران بودن است. در مقابل، والدین نیز نیاز دارند از کسی حمایت کنند و او را دوست بدارند. ازاین‌رو، کارکرد نیازهای مذکور به‌گونه‌ای است که والدین و فرزند مکمل یکدیگر هستند و حاصل آن رضایت خاطری است که نصیب آنها می‌شود. این احساس رضایت موجب انس بیشتر با کسی می‌شود که در تأمین خواسته‌های درونی سهمی دارد. درنتیجه با گسترش خانواده پس از تولد فرزندان، ظرفیت‌های انس و الفت در زندگی افزایش می‌یابد.

۱ - ۲. نشاط و سلامت روانی والدین

یکی از مهم‌ترین عوامل ازدیاد شور و نشاط در زندگی مشترک، تولد فرزند در خانواده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در تعبیری جالب می‌فرماید: «فرزند صالح، گلی از گل‌های بهشت است».[2]

همان‌گونه که گل‌های بهشتی باعث وجد و سرور اهل بهشت می‌شوند، فرزند صالح نیز

---

۱. مرکز تحقیقات زن و خانواده، تحولات جمعیتی ایران، عوامل، پیامدها، راهبردها، ص ۲۷.

۲. اَلْوَلَدُ الصَّالِحُ رَیْحَانَةٌ مِنْ رَیَاحِینِ الْجَنَّةِ. (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۳)

موجب شادمانی و سرور والدین می‌گردد.[1] ویل دورانت می‌گوید:

ملاحظه کنید که زناشویی بدون فرزند پژمرده است و چگونه پس از آوردن فرزند شکفته می‌شود.[2]

کودکان از زمان تولد و گاه از همان زمانی که داخل رحم مادر هستند، موجب شادی و هیجان در خانواده می‌شوند. آنها با افزایش نشاط در روابط همسران، سلامتی و بهداشت روانی آنها را نیز تأمین می‌کنند. همان‌گونه که تولد کودک موجب شادی پدر و مادر است، نگاه به چهره او و کارهای کودکانه‌اش نیز نشاط و سلامت روانی والدین را درپی می‌آورد. مایکل آرگیل بر آن است که کودکان برای خانواده سرچشمه فایده‌های بسیارند. او می‌نویسد:

با وجود فرزند، لذت بسیاری در خانواده وجود دارد. بیشتر والدین تحرک و شادی را به‌عنوان یک مزیت از کودکانشان دریافت می‌کنند. کودکان و والدین با هم می‌خندند و متأهلانِ دارای فرزند از متأهلانِ بدون فرزند شادترند.[3]

پژوهشی که راسل انجام داد، نشاط و شادمانی حاصل از تولد فرزند در خانواده را تأیید می‌کند:

گذراندن وقت با کودک و بازی با او، یکی از بهترین لحظاتی است که می‌تواند به پدر و مادر انرژی و نشاط ببخشد.[4]

او می‌گوید:

من شادی پدر بودن را برتر از هر شادی دیگر می‌دانم.[5]

تحقیقات فیلدمن درباره پدر و مادران جوانی که فرزند اولشان به دنیا آمده، حاکی از آن است که لذت پدر و مادر شدن و احساس شادی و نشاطِ حاصل از آن، در ایجاد آرامش و آسایش زندگی زناشویی بسیار مؤثر است.[6]

---

۱. پناهی، همسرگزینی، چرا و چگونه؟، ص ۲۵۰.

۲. دورانت، تاریخ فلسفه، ص ۱۷۸.

۳. آرگیل، روان‌شناسی شادی، ص ۱۳۵.

4. Russell, "Transittion to Parenthood", in: Journal of Marriage and the family, No. 36, p. 294 - 302.

5. Goldenberg Irene. and Family Therapy, p. 122.

6. Feldman, the Effects of children on the family, p. 104 - 125.

۱ - ۳. امید به آینده

با ورود اولین فرزند به کانون خانواده، دایره امیدها و آرمان‌های والدین افزایش می‌یابد. همچنان‌که فرزند در مقابل چشمان والدین می‌بالد و شکوفا می‌شود، بذرهای امید نیز در دل پدر و مادر جوانه می‌زند و آرزوهای نوین، منشأ حرکت و تلاش آنها برای تداوم حیات می‌گردد؛ زیرا فرزندانی که صحیح تربیت می‌شوند، غیر از اینکه خود آنان مسیر سعادت را در زندگی طی می‌کنند و باعث افتخار پدر و مادر می‌گردند، در زندگی آینده والدین نیز نقش مؤثری دارند و از آنان حمایت می‌کنند. چنین فرزندانی در سال‌های پیری پدر و مادر، از آنان دستگیری می‌نمایند و آنها را تنها نمی‌گذارند؛ حال آنکه افراد بی‌فرزند معمولاً در دوران کهولت از احساس تنهایی رنج می‌برند.[۱]

۱ - ۴. تداوم زندگی

فرزندآوری حلقه‌ای از زنجیره طولانی تداوم حیات به‌شمار می‌آید و این خود انگیزه‌ای برای داشتن فرزند است؛ فرزندی که نامی از والدین را برخود دارد و یادآور میراث خانواده است. فرزندآوری در حقیقت نمودار تمایل والدین به جاودانگی است و فردی که صاحب فرزند است، معمولاً استمرار زندگی فرزند خود را تداوم حیات دنیوی خویش احساس می‌کند.

۱ - ۵. رشد شخصیت

وجود تجربه فرزندپروری، مجموعه کاملی از ارزش‌ها را به ساختار شخصیت والدین می‌افزاید. هن،[۲] میلیسپ و هارتکا[۳] از مطالعات خود درباره شخصیت به این نتیجه رسیدند که سازمان روانی انسان با پذیرفتن نقش پدر و مادری به کمال می‌رسد. آنها می‌گویند:

معمولاً این‌گونه تصور می‌شود که تغییرات عمده سازمان شخصیت در طول

---

۱. امام سجاد ﷺ در حق فرزند این‌چنین دعا می‌کند: «بار خدایا! بازوی مرا به‌وسیله ایشان استوار گردان و کمر مرا به آنان راست نما [=در سختی و گرفتاری آنان را کمک من گردان] و عدد و شماره مرا به آنان افزون کن و مجلس مرا به ایشان بیارای و یاد مرا به آنها زنده بدار و به‌وسیله اینان برای رسیدن به حاجت و خواسته‌ام یاری‌ام فرما». (صحیفه سجادیه، دعای ۲۵)

2. Haan.
3. Hartka.

نوجوانی روی می‌دهد، اما یافته‌ها نشان می‌دهد که تغییرات بسیار شخصیتی، نه در طول نوجوانی، بلکه در انتهای آن رخ می‌دهد؛ یعنی زمانی که بیشتر مردم در نهایت دچار تغییرات نقش می‌شوند و به اشتغال و ایفای نقش والدینی مشغول می‌شوند.[1]

تربیت هر فرزند سبب رشد صفات و کمالات اخلاقی می‌شود؛ صفاتی مانند ایثار، گذشت و فداکاری، خروج از خودخواهی و توجه به نیازهای دیگران، صبر و سعه صدر.

۲. آثار و فواید جسمانی

خانواده‌هایی که صاحب فرزند هستند، بیش از خانواده‌های بدون فرزند از زندگی لذت می‌برند و احساس خوشبختی بیشتری می‌کنند. نتایج تحقیقات پژوهشگران دانشگاه بریگهام یانگ آمریکا بر روی ۲۰۰ هزار خانواده از ۸۶ کشور جهان (در بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ م) نشان می‌دهد که داشتن فرزند موجب کاهش فشار خون والدین، افزایش تمایل به یادگیری، استفاده بیشتر از قدرت تعقل، افزایش اعتماد به نفس، درک بهتر زیبایی‌ها، افزایش دقت در کارهای جزئی و افزایش شادی والدین می‌گردد.

فرزندآوری برای زنان اهمیت بیشتری دارد. داشتن فرزند برای زن، حکم سلامت او را دارد و با تأمین شادابی، او را به زندگی امیدوار می‌کند.

تحقیقات جدید نشان می‌دهد که پدر و مادر شدن، خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی و بیماری‌هایی مانند سرطان را کاهش می‌دهد. همچنین این پژوهش‌ها که بر روی یک و نیم میلیون نفر انجام شده، نشان می‌دهد که داشتن فرزندان پرشمار، از خطر ابتلا به سرطان سینه در زنان می‌کاهد.[2]

افزون بر این، دانشمندان براساس برخی آزمایش‌ها و تحقیقات اعلام کرده‌اند مادرانی که تازه صاحب فرزند شده‌اند، حافظه بصری قوی‌تری دارند و در مقایسه با زنانی که فرزند ندارند، بهتر می‌توانند اطلاعات اطراف خود را به‌خاطر بسپارند. همچنین این تحقیقات

---

1. RRMcCare and PT. Costa, Personality in Adulthood, P. 10.

۲. مقاله «داشتن فرزند برای سلامت شما خوب است»، به نقل از: www.jahannews.com

حاکی از آن است که داشتن فرزند موجب بهبود حافظه مادران می‌شود.[۱]

۳. آثار و فواید خانوادگی

۳-۱. استحکام خانواده

والدین به‌لحاظ ایجاد شبکه ارتباطی جدید پس از تولد فرزند، جاذبه‌ها، دل‌مشغولی‌ها و سرگرمی‌های تازه‌ای می‌یابند که مرکز ثقل آن فرزند است. مشاهده ناتوانی‌های نوزاد، حس مسئولیت و شفقت را در والدین برمی‌انگیزد؛ ازاین‌رو آنها با کمک یکدیگر، همه توان خویش را برای حمایت از او به‌کار گیرند.

بنابراین فرزند که در آموزه‌های دینی از او به «جگرگوشه والدین»[۲] یاد شده، در استحکام و تداوم حیات خانواده نقش مثبتی دارد و پدر و مادر حاضر نیستند به‌راحتی این جگرگوشه خود را با اختلاف یا طلاق آزرده‌خاطر کنند.[۳]

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خانواده‌های بی‌فرزند در ایران بیش از خانواده‌های دیگر در معرض گسست قرار دارند.[۴] فرزند - به‌ویژه فرزند خردسال - به‌منزله پیوند بین پدر و مادر است. ازاین‌رو، وجود فرزند باعث استحکام خانواده می‌شود.

۳-۲. پویایی خانواده

یکی از عوامل پایداری زندگی، داشتن تنوع مناسب است. در مقابل، یکنواختی موجب ملال، سرخوردگی و تضعیف مناسبات بین اعضای خانواده می‌گردد. تولد فرزند جدید، فرصتی برای تنوع بخشیدن به زندگی و رهایی از دل‌تنگی است. همان‌گونه که مشاهده رویش گل‌ها و گیاهان، حس حرکت و بالندگی را در آدمی بیدار می‌کند، تماشای صحنه‌های دلپذیر رشد کودکان، والدین را به وجد می‌آورد و موجب پویایی و انگیزش آنان می‌شود.

---

۱. همان.
۲. عن النبي ﷺ: «اَلْوَلَدُ كَبِدُ الْمُؤمِنِ ...». (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲)
۳. پناهی، همسرگزینی، چرا و چگونه؟، ص ۲۶۰.
۴. بنگرید به: ساروخانی، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ص ۷۱ - ۶۷ .

اضافه شدن فرزند به جمع خانواده، شتاب خاصی به آهنگ زندگی می‌بخشد. ویل دورانت در توصیف حالات پدر و مادر می‌نویسد:

> این زن است که توانایی‌های تازه‌ای به‌دست آورده، مادری چنان شکیبا و مهربان شده که حتی در هنگام هیجان و شدت عشق نیز سابقه نداشته است ... و این مرد مسئولیتی می‌پذیرد که او را پخته کرده، افق دیدش را وسیع می‌سازد و از یک حس پدری عمیق که ناگهان فرامی‌رسد، لذت می‌برد.[1]

۳ - ۳. گسترش ارتباطات خانوادگی

خانواده ابتدا متشکل از زن و شوهر است و روابط آنها نیز در محدوده خاصی است. با تولد اولین فرزند، باب جدیدی در روابط انسانی خانواده گشوده می‌شود. این گسترش رابطه، افزون بر تغییر کمّی، سبب تغییر کیفی رابطه آنها نیز می‌گردد. بدین ترتیب ارتباطات جدید آکنده از دل‌بستگی‌های خاص می‌شود.

شاید آمدن فرزند به جمع خانواده در ابتدا باعث شود زن و شوهر در رفتن به برخی محافل دچار محدودیت شوند، اما همین تازه‌وارد باعث می‌شود که آنها دوستان خانوادگی جدیدی پیدا کنند. همچنین وجود کودک، توجه دیگران به خانواده او را نیز درپی خواهد داشت و درنتیجه از حمایت اجتماعی بیشتری بهره‌مند خواهند شد که همین امر در افزایش سلامت خانواده مؤثر است.

هافمن[2] تحقیقی بر روی خانواده‌های دارای فرزند انجام داد و چنین نتیجه گرفت که فرزند بر فرایند اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری والدین تأثیر می‌گذارد. موارد زیر از نتایج پژوهش اوست:

- کودکان به پدر و مادر اعتبار بخشیده، آنان را از تنهایی نجات می‌دهند.
- کودکان با حضور خود، به بزرگسالان به‌خصوص زنان هویت اجتماعی می‌بخشند.
- آنها والدین خود را از طریق فعالیت‌هایشان در مدرسه و مراکز تفریحی سالم و محیط

---

۱. دورانت، تاریخ فلسفه، ص ۱۷۹ - ۱۷۸.

2. Lynn Hoffman.

همسایگی، با جامعه پیوند می‌دهند.

- کودکان با توجه به اصول اجتماعی شدن، شایستگی و صلاحیت والدین را افزایش می‌دهند و آنان را به مرز خودکفایی می‌رسانند.

- چون والدین بیش از افراد بی‌فرزند دارای تأیید اجتماعی هستند، کودکان علاوه بر کسب شخصیت، بر اعمال نفوذ والدین نیز می‌افزایند.[1]

بنابراین فرزندآوری یک جنبه کلیدی برای اجتماعی شدن بیشتر مردم در همه فرهنگ‌هاست.

از دیگر پیامدهای ارزشمند فرزندآوری به‌اختصار می‌توان این موارد را برشمرد: تقویت انگیزه مراقبت از خویش برای رسیدگی به فرزندان، انتقال ارزش‌های فکری، اخلاقی و معنوی و دارایی مادی زن و شوهر به نسل‌های بعد، بهره‌مندی از لذت مادری و پدری و برخورداری از اجر و ثواب عظیم الهی که به پدران و مادران وعده داده شده است.

بنابراین زوج‌ها باید برای افزایش نسلی سالم و صالح اقدام کنند که لازمه آن بارداری‌های هوشمندانه به تناسب امکانات، همراه با اقدامات لازم برای تسهیل امر فرزندپروری است؛ اقداماتی همچون تعدیل روحیه ایده‌آل‌گرایی در تأمین رفاه فرزندان، ایجاد فرهنگ قناعت و میانه‌روی در خانواده، ایجاد فرهنگ تقسیم کار عادلانه بین پدر و مادر برای تربیت فرزند، برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی از حمایت صمیمانه پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و سایر بستگان در امر فرزندپروری، ایجاد ارتباط با دوستان همفکرِ دارای فرزند برای تبادل اطلاعات و تجربیات و سهیم نمودن یکدیگر در شادی فرزندپروری (از طریق میهمانی‌ها) و توجه به برکت اقتصادی‌ای که خداوند برای تولد فرزند وعده داده است.

سه. پیامدهای تک‌فرزندی

با کاهش نرخ باروری در کشورمان در دو دهه اخیر، تعداد فرزندان کم شده و خانواده‌ها کوچک شده‌اند و پدیده تک‌فرزندی شیوع گسترده‌ای پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای‌که طبق آمارهای سال ۱۳۹۰ بیش از ۳۳٪ از خانواده‌های ایرانی بدون فرزند یا فقط دارای یک فرزند هستند. کم بودن تعداد فرزندان در خانواده و به‌طور خاص تک‌فرزندی دارای پیامدهایی

1.Haffmon, The Value of Children to Parents, P. 19 - 76.

است که به تجربه ثابت شده؛ پیامدهایی که تحقیقات متعددی را به‌ویژه در علم روان‌شناسی به خود معطوف کرده است. روان‌شناسان و مشاوران خانواده درمورد بسیاری از این پیامدها که دامنگیر خود کودک، پدر و مادر و در نهایت اجتماع می‌گردد، اتفاق‌نظر دارند و نسبت به آنها هشدار می‌دهند. در ذیل به برخی از این موارد اشاره می‌شود.

۱. پیامد برای والدین

در خانواده‌های پرجمعیت، پدر و مادر در تلاش مستمر برای رسیدگی به فرزندان، از زندگی پویا و پرتحرک لذت می‌برند و هنگام فعالیت خویش هم‌زمان آثار و برکات تلاش خود را در شور و نشاط حاصل از رشد و بالندگی فرزندان خود مشاهده می‌کنند؛ حال آنکه در خانواده تک‌فرزند این پویایی و تحرک بسیار کمتر است.
افزون بر این، در خانواده‌های تک‌فرزند معطوف شدن همه توجهات والدین به یک فرزند موجب می‌شود که مشکلات جزئی وی، اشتغال ذهنی زیادی برای پدر و مادر ایجاد کند. برای نمونه، پدر یا مادر با مشاهده کوچک‌ترین احتمال آسیب یا بیماری فرزند سراسیمه و آشفته می‌شود یا هر رفتار ظاهراً غیرمعمول و غیرعادی کودک را نشانه‌ای از بروز مشکل رفتاری یا اخلاقی او می‌داند. توجه به این جزئیات نیز گاه سبب درگیری‌های کم‌اهمیت در این خانواده‌ها می‌شود.

۲. پیامد برای فرزند

در خانواده‌های تک‌فرزند همه محبت‌ها و حمایت‌ها از یک سو و همه سخت‌گیری‌ها و کنترل‌ها از سوی دیگر متوجه همان یک فرزند است. این محبت و حمایت افراطی یا سخت‌گیری زیاد و کنترل بیش از حد پدر و مادر و اطرافیان به سلامت روانی فرزند آسیب می‌رساند: از یک سو، چون همه توجهات به‌سوی اوست و دیگران برای او تصمیم می‌گیرند، اراده او خدشه‌دار می‌گردد و قدرت و تحمل وی در رویارویی با مشکلات کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، چون معمولاً همه چیز برای او فراهم است، توقع وی بالا می‌رود و در درازمدت انسانی نامهربان و خودخواه می‌شود که چون عادت ندارد کسی را در کنار خود

ببینند، همه چیز را فقط برای خود می‌خواهد.
تک‌فرزندانی که در کانون توجه خانواده قرار می‌گیرند، در مواجهه با مشکلات معمولاً دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند؛ درحالی‌که اگر چند فرزند باشند، با تکیه بر یکدیگر و همدلی، مشکلات خود را بهتر حل می‌کنند.
یکی دیگر از مشکلات تک‌فرزندی این است که او نمی‌تواند در خانواده با کسی رقابت یا دعوا کند. بنابراین فرصتی برای کنترل و مدیریت برخی احساسات منفی پیدا نخواهد کرد.
تک‌فرزندها کمتر با مشکلات مواجه می‌شوند و همچنین در معرض تجربه کردن شکست، ناکامی، رانده شدن و ... قرار نمی‌گیرند و شرایطی را که لازمه بلوغ روحی و روانی است، تجربه نمی‌کنند.
گرایش به انزوا و ضعف در برقراری ارتباط با همسالان و سایر افراد جامعه ازجمله خصوصیات تک‌فرزندهاست. زندگی در کنار برادر یا خواهر، روحیه جامعه‌گرایانه کودک را تقویت می‌کند و به وی مدیریت در روابط اجتماعی را می‌آموزد. همدلی و همسویی با افراد خانواده، عشق‌ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم‌سن در جامعه و مدرسه، از اصلی‌ترین ویژگی‌های فرزندان در خانواده‌های دارای چند فرزند است. در این خانواده‌ها ارتباط با خواهر و برادر نقشی مهم و اساسی در رشد و شکوفایی کودک دارد. برای مثال در او میل به بازی و سرگرمی ایجاد می‌کند؛ این امکان را فراهم می‌سازد تا نقش‌های متفاوتی را ایفا نماید؛ او را در افزایش خلاقیت یاری می‌رساند؛ به او فرصت می‌دهد تا خشم و پرخاشگری خویش را ابراز کند و به او می‌آموزد که چگونه این حس را هدایت کند. بی‌تردید این ویژگی‌ها او را برای زندگی در جامعه و رویارویی با افراد آماده می‌سازد.
دیگر پیامد تک‌فرزندی آن است که تنهایی و کم شدن ارتباطات کلامی، سبب جایگزین شدن انواع رسانه‌های تصویری در زندگی او می‌گردد. درنتیجه کودک به تلویزیون و هیجان‌های کاذب در بازی‌های رایانه‌ای و دنیای مجازی روی می‌آورد که این امر تعامل اجتماعی را کاهش می‌دهد و تأثیری منفی بر رشدِ معرفتی او می‌گذارد. مرجعیت رسانه‌ها برای این کودکان سبب می‌شود که هویت برخی از این فرزندان بیشتر براساس آموزه‌های رسانه‌های مدرن شکل گیرد تا تربیت خانوادگی. افزون براین، ازآنجاکه الگوی تربیتی در خانواده کم‌جمعیت معمولاً فردگرایانه است، گسست نسلی نیز افزایش می‌یابد و فرزندان

آمادگی کمتری دارند که فرهنگ و سنت‌های پرارزشی را که دستاورد هزاران سال زندگی بشری است، از پدران و مادران و نیاکان خویش دریافت کنند. درنتیجه، پیوند میان گذشته و آینده که ضامن پایداری فرهنگ است، سست می‌شود.[1]

تک‌فرزندی آثار منفی دیگری نیز دارد؛ ازجمله: مراقبت بیش از حد پدر و مادر که استقلال تک‌فرزند را به خطر می‌اندازد؛ ضعف در تجربه مراحل کودکی به‌دلیل ارتباط مستمر با بزرگسالان، گستردگی مسئولیت‌های تک‌فرزند نسبت به پدر و مادر در ایام بیماری یا سالمندی آنان (به‌دلیل تمرکز مسئولیت بر یک فرزند)، محرومیت تک‌فرزند از حمایت خواهران و برادران در ایام جوانی و بزرگسالی، و محرومیت فرزندان او از حمایت عاطفی و روانی خاله و دایی یا عمه و عمو.

آنچه بیان شد، آسیب‌های رایج تک‌فرزندی است؛ هرچند مواردی نیز وجود دارد که تک‌فرزندها به‌واسطه تربیت صحیح پدر و مادر از بسیاری از آسیب‌های تک‌فرزندی در امان بوده‌اند. از این سو، خانواده‌هایی با فرزندان متعدد نیز وجود دارند که به‌دلیل تربیت ناصحیح، آسیب‌های بسیاری دیده‌اند.

فرزندپروری

هدف اصلی در فرزندآوری، تربیت فرزندانی شایسته است. پرورش فرزند نیکو نیازمند دانش و مهارت‌های ویژه‌ای است که در این بخش به مواردی از آن اشاره می‌شود.

یک. دوران بارداری

یکی از ویژگی‌های مسئولیت والدین، شمول و پیوستگی آن در طول دوره زندگی فرزند است که گستره آن، دوره قبل از تولد فرزند (همسرگزینی، مقدمات انعقاد نطفه، بارداری و زایمان) و نیز دوره کودکی، نوجوانی، جوانی و مرحله ازدواج فرزند را دربر می‌گیرد.

ازاین‌رو، تربیت فرزند باید از قبل از تولد (هنگام انتخاب همسر) مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا همسر اثرگذارترین عامل در تربیت آینده فرزند محسوب می‌شود. در ضمن باید توجه

۱. مرکز تحقیقات زن و خانواده، تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها، ص ۴۷ - ۴۵.

داشت افکار و حالات روانی و رفتار والدین حین انعقاد نطفه بر فرزند اثرگذار خواهد بود. بر این اساس اولین مؤلفه مهم، رعایت حریم الهی و ترک محارم الهی از سوی پدر و مادر است که بارزترین مورد آن، پرهیز از غذای حرام پیش از انعقاد نطفه و هنگام شکل‌گیری سلول‌های اولیه است؛ زیرا همان‌گونه که غذای مسموم موجب بروز اختلال‌هایی در بدن فرزند می‌گردد، غذای حرام نیز تأثیر مخربی بر روح و روان او خواهد گذاشت.[1]

پس از آن، زندگی و رشد جنین در رحم مادر حساسیت ویژه‌ای دارد. جنین در این دوران تحت‌تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد؛ ازجمله:

- عوامل مادی و طبیعی مانند تغذیه مادر، داروها، بیماری‌ها، اعتیاد و تشعشعات؛
- عوامل روانی همچون غم‌ها، شادی‌ها، ترس‌ها، اضطراب‌ها و اندیشه‌های مادر؛
- عوامل اجتماعی نظیر رفتارهای دیگران (به‌ویژه پدر) با مادر و ارتباطات اجتماعی او؛
- عوامل معنوی مانند ارتباط با خدا، غذای حلال، نیت خالص و خصوصیات اخلاقی مادر.

تأثیر این عوامل بر فرزند در رحم مادر تا حدی است که در سرنوشت او و در بزرگسالی نیز اثر خواهد داشت. در بین عواملی که ذکر شد، تغذیه مناسب و آرامش روحی مادر طی دوران بارداری اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا تکامل اعضای بدن جنین، رشد اعصاب و ساختمان مغز و میزان ضریب هوشی و استعداد کودک و حتی اخلاق او، به وضع تغذیه مادر در دوران بارداری بستگی دارد.

بی‌شک نزدیک‌ترین عنصر محیط به جنین، مادر است. بنابراین هیجانات شدید مادر، افکار منفی، غم و اندوه، تأسف خوردن از بارداری، واکنش منفی شوهر نسبت به بارداری او، نگرانی از واکنش اطرافیان به جنسیت نوزاد، ترس، خشم، بدبینی و ... در جنین تأثیر منفی می‌گذارد. از این سو نیز تماشای مناظر زیبا، قرار گرفتن در طبیعت، افکار مثبت، آرامش و اطمینان یافتن براثر حمایت‌های همسر و اطرافیان، پذیرش موقعیت خود و احساس غرور و افتخار برای داشتن چنین نعمتی، علاوه بر تأثیر مثبت بر جنین، قدرت تحمل مادر را در مقابل سختی‌های دوران حمل زیاد می‌کند.

پدران نیز مسئولیت خطیری در دوران بارداری مادران برعهده دارند. فراهم نمودن آرامش خاطر و سلامت روانی و عاطفی مادر، تلاش برای تأمین نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی

۱. بنگرید به: میخبر، ریحانه بهشتی، ص ۵۵ ـ ۳۴.

او و سیراب ساختن وی از منبع محبت، از وظایف پدران آگاه و متعهد است.[1]

دو. تأمین نیاز جسمانی فرزند

ازجمله حقوق کودکان بر پدر و مادر، حق بهره‌مندی از سلامت و رشد جسمی است. دراین‌باره پدر و مادر باید تغذیه سالم و کافی را برای کودک فراهم کنند. ازآنجاکه طعام حرام بر رشد و تکامل شخصیتی کودک تأثیر منفی می‌گذارد، پدر و مادر در تهیه غذای کودک باید بکوشند تا از درآمد مشروع، خوراک فرزند تأمین شود. علاوه بر آن، رعایت بهداشت و نظافت کودک و محافظت از عوامل بیماری‌زا و حوادث آسیب‌زا و اقدام برای درمان بیماری‌ها نیز از وظایف پدر و مادر است. پس از آنکه کودک قدرت درک مناسب یافت، آموزش بهداشت نیز لازم است. در ضمن زمینه‌سازی برای انجام ورزش و بازی‌های مطلوب نیز ازجمله حقوق فرزند بر پدر و مادر است. ورزش‌های سالم گذشته از آنکه توان بدنی کودک را افزون می‌سازد، نوعی تمرین و ممارست برای تحمل سختی‌ها و تن دادن به نظم و انضباط و برنامه نیز هست.[2]

سه. اصول تربیت فرزند

تربیت فرزندان وظیفه‌ای دشوار است که به فراگیری دانش و مهارت، بردباری، تمرین و صرف وقت نیاز دارد. در این بخش، چند اصل مهم در امر تربیت فرزند بیان می‌شود.

۱. محبت

محبت والدین به کودک در جهت رشد عاطفی او بسیار ضروری است. آدلر، روان‌شناس معروف می‌گوید:

> **کودک از نخستین لحظه تولد می‌خواهد خود را به مادر بچسباند و هدف از جنب و جوش‌هایش همین است. مادر است که اولین تماس میان کودک و دیگران**

---

۱. افروز، روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری، ص ۲۱۲.

۲. بنگرید به: حاجی‌ده‌آبادی، حقوق تربیتی کودک در اسلام، ص ۱۰۲ - ۹۴.

را برقرار می‌کند و در او میل به ارتباط با اشخاص دیگر را به‌وجود می‌آورد.[1]

اگر کودک از محبت پدر و مادر به‌طور متعادل بهره ببرد، آرامش روانی، امنیت خاطر و اعتماد به نفس خواهد داشت و گرفتار ناکامی و عقده‌های روانی نمی‌گردد. کارن هورنای روان‌شناس می‌گوید:

اگر کودک در نخستین سال‌های زندگی خود از محبت محروم بماند، هسته اصلی و اساسی بیماری‌های روانی در وی تکوین می‌یابد که بعدها در بزرگسالی، منشأ بسیاری از درگیری‌های عاطفی و اضطراب عمیق در او خواهد شد.

امروزه یکی از امور مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد، استقبال روزافزون مادران از سپردن کودکان خردسال به مهدکودک‌ها است. این مسئله در کشورهایی که سابقه‌ای طولانی در این خصوص دارند، مورد انتقادات جدی قرار گرفته است.

کارل زینس مستر[2] می‌گوید:

یکی از دلایل استرس دوران کودکی، دور بودن کودکان از والدین در زمان خردسالی است. استفاده فزاینده از مهدکودک‌ها برای بچه‌های خیلی کوچک، نشانه‌ای از این جدایی است.[3]

جان بالبی،[4] روان‌پزشک انگلیسی و پایه‌گذار نظریه «دل‌بستگی»[5] نیز در کتاب دلبستگی و فقدان آن[6] می‌نویسد:

گرسنگی کودک برای حضور مادرش به اندازه گرسنگی‌اش برای غذا زیاد است، و عدم حضور او بی‌تردید در کودک احساس شدید زیان‌دیدگی و عصبانیت ایجاد می‌کند؛[7] حال آنکه اعتماد به نفس مادران، به شغلشان

---

۱. رحیمی یگانه، خانواده شاد و بانشاط، ص ۱۹۲.

2. Karl Zinsmeister.

۳. گیلدر، هانتر و همکاران، چه کسی گهواره را تکان خواهد داد؟، ص ۲۵.

4. John Bowlby.

5. Theory of attachment.

6. Attachment and Loss

۷. گیلدر، هانتر و همکاران، چه کسی گهواره را تکان خواهد داد؟، ص ۹۸.

وابسته شده، نه به نقش مادری آنان، و مادران بسیاری که ماندن در خانه را برمی‌گزینند، گاهی اوقات هزینه سنگینی را برای اثبات شخصیت خود می‌پردازند.[1]

◆ **برای مطالعه بیشتر**

والدین برای محبت به فرزندان باید این نکات را درنظر بگیرند:[2]

۱. برای ابراز محبت به کودکان خردسال آنان را در آغوش بگیرید و ببوسید.
۲. در حضور آنان تأکید کنید که بسیار عزیز و دوست‌داشتنی هستند.
۳. به آنها سلام کرده، هنگام خواب آنها را ببوسید و به آنها شب‌بخیر بگویید.
۴. با آنان هم‌بازی شوید و بخشی از اوقات فراغت خود را به تفریح و گردش با آنان اختصاص دهید.
۵. هنگامی که عمل ناپسندی از آنها سر می‌زند، عمل آنان را نکوهش کنید، نه شخصیت آنها را.
۶. با آنها به‌خصوص در دوران نوجوانی مشورت کنید.
۷. در صورت مخالفت با درخواست اشتباه آنها، گفتن «نه» را با پیامی محبت‌آمیز همراه کنید. برای مثال بگویید: چون تو را دوست دارم، به تو اجازه نمی‌دهم.
۸. با اقوام و دوستانی که به فرزندتان محبت دارند، بیشتر معاشرت کنید.
۹. به مناسبت روز تولد، رسیدن به سن تکلیف، قبولی دانشگاه و ... جشن کوچکی برای آنها گرفته، به ایشان هدیه بدهید.
۱۰. عکس فرزندتان را در منزل و در کیف پول خود قرار دهید.
۱۱. در لحظات تنهایی و درماندگی از آنها پشتیبانی کنید و محبت خود را به ایشان ابراز نمایید.
۱۲. از محبت افراطی به فرزند اجتناب کنید. توقع بیجا، زودرنجی، سلطه‌طلبی، کم‌رویی و عدم رشد صحیح تربیتی و اخلاقی، حاصل افراط در محبت است.

۲. امنیت

بنیادی‌ترین نیاز عاطفی و روانی انسان نیاز به امنیت است. سلامت جسمی زمانی برای انسان ارزشمند است که دلهره و اضطراب نداشته باشد و احساس امنیت کند. این احساس

۱. همان، ص ۱۱۱.
۲. ر.ک: زارعیان، اشاره.

در سال‌های نخستین زندگی به کمک افراد خانواده به‌ویژه مادر ایجاد می‌شود. رابطه اولیه کودک با مادر، تجربه احساسی و ارتباطی بسیار مهمی برای فرزند پدید می‌آورد که احساس امنیت را در وی پی‌ریزی می‌کند. کودک یا نوجوانی که احساس امنیت و آرامش داشته باشد، به‌راحتی می‌تواند اعتقادات و اندیشه‌های خود را ابراز کند و اگر هم اشتباه یا خطایی داشته باشد، می‌تواند آن را به یاری پدر و مادر اصلاح نماید. این احساس به کودک اجازه ابتکار، خلاقیت و نوآوری می‌دهد. اساساً ترس و احساس ناامنی همواره مانعی بر سر راه پیشرفت آدمی است و فرزند را وابسته و بدون اراده بار می‌آورد. همچنین ترس و ناامنی موجب فروخوردن و واپس زدن اندیشه و ابتکار می‌شود و چه‌بسا به عقده‌های روانی بدل گردد.

بنابراین پرورش صحیح فرزندان بدون توجه به ایجاد فضای مناسب و آرام برای کودک میسر نیست. نابسامانی خانواده و نزاع‌های والدین، رابطه سرد میان اعضای خانواده به‌ویژه والدین و نبود امنیت و آرامش لازم در محیط خانه، تربیت صحیح فرزند را به مخاطره می‌افکند.[1]

◆ برای مطالعه بیشتر[2]

۱. برای اداره زندگی برنامه‌ریزی عاقلانه و مدبرانه داشته باشید تا با مشکلات و مسائل پیش‌بینی‌نشده روبه‌رو نشوید. بی‌شک این مشکلات، امنیت خانواده را به خطر می‌افکند.

۲. مراقب باشید ذهن کودک آشفته نشود. مسائلی را که باعث ناراحتی و اضطراب او می‌شود، ابراز نکنید. اگر احساس کردید موضوعی فکر و ذهن فرزندتان را مشغول کرده، سعی کنید علت را شناسایی نمایید و برای رفع آن راه‌حل مناسبی بیابید. بکوشید محیطی آرام برای فرزند فراهم کنید که از هرگونه آشفتگی، اضطراب و مشاجره به‌دور باشد.

۳. با فرزندان عادلانه رفتار کنید. تبعیض بین فرزندان موجب سلب امنیت روحی آنان می‌شود.

---

۱. شرفی، اخلاق خانواده، ص ۲۴۷.

۲. همان، ص ۲۴۸.

۳. اقتدار در تربیت

نحوه ارتباط والدین با فرزندان و شیوه‌های تربیتی آنها را در سه دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱. والدین سهل‌گیر؛

۲. والدین سخت‌گیر؛

۳. والدین مقتدر.

والدین سهل‌گیر، درخواست و انتظارات کمی از فرزندان دارند؛ به آنان اجازه می‌دهند بی‌هیچ قیدوبندی احساسات خود را ابراز کنند؛ فعالیت‌های کودکان را زیرنظر ندارند و به‌ندرت کنترل مناسبی بر رفتار آنان دارند.

والدین سخت‌گیر، الگوهای سخت‌گیرانه‌ای دارند؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از قواعد را بر فرزندان تحمیل نموده، از آنان انتظار اطاعت دقیق دارند. آنان به‌ندرت برای فرزندان چرایی لزوم پیروی از قواعد را توضیح می‌دهند و اغلب از شیوه‌های اعمال فشار استفاده می‌کنند.

والدین مقتدر، شیوه‌ای منعطف دارند که در آن به فرزندان آزادی عمل داده، درعین‌حال محدودیت‌هایی بر آنان اعمال می‌کنند و در ضمن دلایل آن را نیز برای فرزندان برمی‌شمردند. آنان پاسخ‌گوی نیازها و دیدگاه‌های فرزندان هستند و فرزندان را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی دخالت می‌دهند. آنها در صورت لزوم از اعمال قدرت استفاده می‌کنند و برای این کار نیز استدلال ارائه می‌دهند.[۱]

این سه شیوه، تأثیرات مهمی بر بهداشت روانی کودکان دارد: فرزندان خانواده‌های سخت‌گیر، قدرت‌طلب، تحریک‌پذیر، ترسو و نگران، زودرنج، آسیب‌پذیر در برابر فشار روانی، دمدمی‌مزاج و غمگین، بی‌هدف، عبوس و بدخلق و غیردوستانه پرورش می‌یابند. فرزندان خانواده‌های سهل‌گیر غالباً پرخاشگر، نافرمان، دارای اعتماد به نفس و خویشتن‌داری پایین، سلطه‌جو و بی‌هدف هستند و موفقیت و پیشرفت کمتری دارند. فرزندان خانواده‌های مقتدر از افرادی پرتوان و خونگرم، متکی به نفس و خویشتن‌دار، دارای انرژی زیاد، دارای توان مواجهه مناسب با فشار روانی، دارای روابط دوستانه با سایرین، کنجکاو، هدفمند و دارای انگیزه

۱. سالاری‌فر و همکاران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۱۳.

پیشرفت هستند.[1]

سعدی به‌زیبایی درمورد تربیت فرزند گوید:

خردمند و پرهیزکارش بر آر | گرش دوست داری بنازش مدار
به پایان رسد کیسه سیم و زر | نگردد تهی کیسه پیشه‌ور[2]

۴. هماهنگی والدین در تربیت فرزند

هماهنگی والدین در شیوه‌های تربیتی، تأثیر بسزایی در تربیت صحیح فرزندان دارد؛ حال آنکه اختلاف والدین در این زمینه، کودک را دچار تعارض می‌کند؛ چراکه او مجبور است فقط یک توصیه رفتاری را بپذیرد و چون هم پدر و هم مادر را دوست دارد، توان انتخاب یکی را نخواهد داشت و دچار التهاب درونی و تعارض خواهد شد.

در صورت اختلاف پدر و مادر در تربیت فرزند، باید آن‌دو با گفتگو و تبادل اندیشه، به شیوه‌ای واحد برسند و توجه داشته باشند که این گفتگو در حضور کودک انجام نگیرد. در مواردی که والدین نمی‌توانند به نظر واحد برسند، نظر مشاوری آگاه، متدین و دلسوز می‌تواند راهگشا باشد.

اگر والدین در تربیت فرزندان با هم هماهنگی داشته باشند، اطرافیان نیز به خود اجازه دخالت بی‌موقع و نامناسب را نخواهند داد و فرزندان با یک شیوه تربیتی مناسب و به‌صورتی متعادل رشد می‌یابند. در تربیت فرزندان باید به هماهنگی سایر عوامل تربیتی با پدر و مادر نیز توجه کرد. بنابراین هماهنگی بین مدرسه و خانه و بین استفاده از رسانه‌ها و اصول تربیتیِ پدر و مادر امری ضروری است.

◆ **برای مطالعه بیشتر**

برای ایجاد هماهنگی در تربیت فرزندتان این امور را درنظر بگیرید:

۱. ترتیب دادن گفتگوهای خانوادگی برای نزدیکی فکری بیشتر؛
۲. مطالعه و بررسی تأثیر تعارض تربیتی بر شخصیت فرزند؛
۳. ارتباط منسجم و مؤثر خانواده با مدرسه به‌منظور همگرایی اهداف تربیتی؛

۱. همان، ص ۳۱۷.
۲. سعدی، بوستان، باب هفتم.

۴. نقد برنامه‌های رسانه‌ای در خانواده، و مدیریت و هدایت فرزندان در انتخاب برنامه‌ها؛

۵. اهتمام به تکریم منزلت همسر با وجود اختلاف نظر، سلیقه و دیدگاه.

۵. ایجاد خودباوری در فرزند

ارزیابی کودکان از خویش، تأثیر مهمی در رشد شخصیت آنها دارد. اگر کودک به توانایی‌های خویش مطمئن باشد، به‌خوبی دیگران را نقد و ارزیابی می‌کند؛ با موانع کنار می‌آید و خودتردیدی، او را از رسیدن به خواسته‌هایش بازنمی‌دارد.

خودباوری یا اعتماد به نفس، یکی از هم‌بسته‌های مهم عزت نفس است. کودک باید در هر مرحله سنی با شناخت توانایی‌هایش، مطابق آنها رفتار کند. انجام امور شخصی از ساده‌ترین کارها ـ مانند لباس پوشیدن و شستشوی خود و غذا خوردن ـ تا حل تعارض‌های اجتماعی بدون تعدی به دیگران و دست یافتن به اهداف خویش، مبتنی بر اعتماد به نفس مناسب است. اظهار وجود، استقامت، مذاکره موفقیت‌آمیز، مهارت‌های گفتگو و گوش دادن فعال و کنترل قاطعانه عصبانیت و خشم، از آثار خودباوری است.[1]

در مقابل، کودکی که نسبت به خود احساس خوبی ندارد، هر طرف که می‌رود، دست و پا بسته است. او چون متقاعد شده که نمی‌تواند موفق شود، سخت تلاش نمی‌کند و از همین‌رو پیوسته شکست می‌خورد. او اغلب در مورد درستی رفتار خویش مردد و نگران است و در جلب دوستان و استمرار روابط دوستی با دیگران نیز با مشکل روبه‌روست.[2] او معمولاً دارای این ویژگی‌هاست:

- استعدادهایش را نادیده می‌گیرد و بیشتر نقاط منفی خود را می‌بیند؛
- از دست زدن به تجربه‌های جدید می‌هراسد؛
- از حضور در جمع و معاشرت با دیگران گریزان است؛
- سخن گفتن در جمع برایش دشوار است؛
- شکایت از دیگران را ابراز نمی‌کند و خود نیز انتقاد نمی‌پذیرد؛

۱. لیندن فیلد، اعتماد به نفس برتر، ص ۱۰۹ و ۱۴۳.

2. Papalia, D. E., Human Development, p. 276 - 278.

- تذکر دادن به دیگران برایش سخت است؛
- هنگام درخواست و تقاضا از دیگران خجالت می‌کشد؛
- از «نه» گفتن می‌هراسد؛
- با دیگران رودربایستی دارد؛
- به‌راحتی تحت‌تأثیر سخن یا پیشنهاد دیگران قرار می‌گیرد؛
- قدرت دفاع از حق خود را ندارد؛
- گمان می‌کند دیگران برایش ارزشی قائل نیستند؛
- برای ناتوانی‌های خود دیگران را سرزنش می‌کند؛
- زود ناامید می‌شود؛
- نمی‌تواند عواطف و احساسات خود را به‌خوبی نشان دهد.

برای مطالعه بیشتر

برای افزایش اعتماد به نفس یا خودباوری در فرزند این امور را رعایت کنید:

۱. خودباوری را در خویش افزایش دهید تا فرزندتان در اثرپذیری از رفتار شما خودباوری‌اش افزایش یابد.

۲. توکل به خدا را در فرزندتان تقویت کنید تا با اتکا به قدرت لایزال الهی، هرگز خود را ناتوان و درمانده نپندارد.

۳. با رژیم غذایی مناسب، خواب کافی و ورزش به او کمک کنید تا سلامت جسمانی داشته باشد و ناتوانی جسمی مانع خودباوری او نشود.

۴. به فرزند خود ابراز محبت کنید و رابطه عاطفی خویش را با او تقویت نمایید.

۵. برای سخنان او شنونده خوبی باشید.

۶. فرزند خود را با دیگران مقایسه نکنید و او را با خصوصیات و توانمندی‌های خودش بپذیرید و انتظارات خود از فرزندتان را منطبق بر توانایی‌های او قرار دهید.

۷. در امر و نهی زیاده‌روی نکنید.[1]

۸. به او در خانه و در جامعه احترام بگذارید.

۹. به توانمندی‌های او اعتماد کنید.

۱۰. به تناسب رشد به او مسئولیت‌هایی را واگذار کنید و بدو نشان دهید که برای شخصیت او ارزش قائل هستید.

۱۱. او را در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی شرکت دهید.

۱. مهکام و همکاران، اعتماد به نفس کودک من، ص ۵۴.

۱۲. به او مهارت‌های جدید را آموزش دهید و مهارت‌های اجتماعی‌اش را تقویت کنید.[۱]
۱۳. رفتارهای مطلوب را در فرزندتان با تشویق تقویت کنید و ویژگی‌های مثبت او را یادآور شوید.
۱۴. ارتباط خود را با آشنایان خوب و همسالان فرزندتان که درست‌کارند و اعتماد به نفس بالایی دارند، بیشتر کنید.
۱۵. با به‌کار بردن عباراتی چون «تو می‌توانی» و «برای داشتن چنین فرزندی خدا را شکر می‌کنم»، خودباوری را به فرزندتان تلقین کنید و به او در سن نوجوانی آموزش دهید تا با عباراتی مانند «من می‌توانم این کار را انجام دهم» خودگویی‌های مثبت داشته باشد.
۱۶. فرزندتان را به مطالعه زندگی مردان و زنان بزرگ و شایسته تاریخ تشویق کنید و زمینه آشنایی او را با افراد موفق فراهم نمایید.
۱۷. سرچشمه خودباوری، موفقیت‌هایی است که فرد تجربه می‌کند. سعی کنید تجربه‌های موفقیت‌آمیز را در فرزندتان افزایش دهید.
۱۸. ناکامی فرزند در انجام کاری را به بهترین تجربه‌های او در زندگی‌اش تبدیل کنید.
۱۹. با فرزند خود به‌گونه‌ای رفتار کنید که احساس کند دوست‌داشتنی و قابل احترام است، اما هرگز با او «نوزادوار» رفتار نکنید.
۲۰. مانع اعتماد به نفس کاذب در فرزندتان شوید. این‌گونه افراد بدون تلاش و آماده کردن مقدمات تصور می‌کنند که موفق خواهند شد.[۲]

۶. تقویت مسئولیت‌پذیری

فرزندان متناسب با رشد فکری و توانایی جسمی و روانی خود باید نسبت به خویشتن و اطرافیان مسئولیت‌هایی را بپذیرند و آنها را به خوبی انجام دهند. فرزندی که مسئولیت‌پذیر تربیت شده، دارای چنین ویژگی‌هایی است:

- وظایف خود را بدون یادآوری و دستور دیگران انجام می‌دهد؛
- با آرامش به محدودیت‌های منطقی که والدین وضع می‌کنند، احترام می‌گذارد و آنها را رعایت می‌کند؛
- برای کارهایی که انجام می‌دهد، دلیل دارد؛
- درصورتی‌که مرتکب اشتباهی شود، به اشتباه خود اعتراف می‌کند؛

---

۱. بنگرید به: سعیدی و رستمی، نکات کاربردی برای والدین در زمینه تربیت کودکان.
۲. بنگرید به: دهنوی، نسیم مهر، ج ۳، ص ۶۶ - ۴۶.

- در ناکامی‌ها دیگران را مقصر نمی‌داند؛
- به قوانین و مقررات اجتماعی احترام می‌گذارد؛
- می‌تواند برخلاف تصمیم گروه همسالان، قاطعانه تصمیم بگیرد.

◆ برای مطالعه بیشتر

برای تربیت فرزند مسئولیت‌پذیر:

۱. مسئولیت امور شخصی فرزند را خود برعهده نگیرید.

۲. متناسب با مسئولیت فرزند به او در تصمیم‌گیری و عمل استقلال بدهید.

۳. مسئولیت‌ها را به بخش‌های کوچک تقسیم کنید تا به‌خوبی بتواند از عهده آنها برآید.[1]

۴. برای انجام مسئولیت فرصت لازم را به او بدهید.

۵. برانجام کارهای فرزند نظارت داشته باشید و انجام مسئولیت‌ها توسط او را پیگیری کنید.

۶. اگر به مسئولیت خویش عمل نکرد، بگذارید با پیامدهای منطقی بی‌مسئولیتی خود مواجه شود. برای مثال، پیامد منطقی دیر بیدار شدن از خواب و دیر رسیدن به مدرسه، توبیخ از سوی اولیای مدرسه است.

۷. نظارت و هدایت در ارتباطات اجتماعی به‌خصوص با همسالان

از عوامل اثرگذار بر تربیت فرزند، محیط اجتماعی به‌ویژه همسالان است. رابطه با همسالان پاسخ به نیاز اساسی و مهم پیوندجویی در کودکان است.[2] آنان در این روابط ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را می‌آموزند. در این روند فرصت مناسبی برای مقایسه اجتماعی پدید می‌آید که کودکان با درک دیگران، شناختی واقعی از خود و توانایی‌های خویش به‌دست می‌آورند و به آزمون عقاید و احساسات خویش می‌پردازند.

همین امور کمک مناسبی به ایجاد خودپنداره و عزت نفس آنهاست. برای مثال، هنگامی که عملکرد خود را بهتر از دیگران دیدند، احساس غرور می‌کنند و عزت نفس آنها افزایش می‌یابد. آموختن چگونگی کمک به دیگران، رقابت با آنها، درک نیازهای آنها، اعتماد به دیگران، تأیید آنها و در عبارت کلی سازگاری اجتماعی، ابعاد مهمی از رشد اجتماعی است که کودک از همسالان می‌آموزد. برخی همسالان گاه امنیت عاطفی‌ای برای کودک

---

۱. همان، ص ۱۸۴ - ۱۷۶.

۲. مصباح، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ص ۸۹۵ .

فراهم می‌کنند که بزرگسالان قادر به آن نیستند. تعامل با همسالان از طریق بازی و سایر فعالیت‌های تفریحی می‌تواند به رشد شناختی کودک نیز کمک کند. در مجموع همسالان با گشودن چشم‌اندازهای جدید و فراهم آوردن فرصت‌های بیشتر، به استقلال و آزادی کودک کمک کرده، او را از داوری‌های خودمحور و یک‌جانبه بازمی‌دارند.[1] کودکان در بسیاری از رفتارهای خوب مانند ادب و شجاعت تحت‌تأثیر دوستان خود هستند. دوستی با همسالان درستکار سبب تأثیرپذیری مثبت خواهد شد. علاوه بر آن، هنگام هیجانات نامطلوب ارتباط با آنها سبب تخلیه احساسات شده، آرامش روحی را برای آنان به ارمغان می‌آورد.

با این حال، گروه همسال ممکن است با فشار بر افراد، استقلال فردی آنها را تضعیف کند؛ زیرا کمتر کودکی قادر به مقاومت در برابر فشار همسالان خود است. رفتارهای نابهنجار و ضداجتماعی مانند پرخاشگری و انحراف جنسی ممکن است از همسالان آموخته شود. گرایش به دوستان نامطلوب ممکن است به این دلایل باشد: غفلت والدین، ارتباط‌های فامیلی نادرست، حضور در محیط‌های نامناسب و عدم آگاهی کودک از ضرر همسالان ناسالم و ناآشنایی با ملاک‌های دوست خوب. پدر و مادر باید دوستان کودک خود را کنترل کنند؛ رفتارهای مجاز و غیرمجاز را برای او معین نمایند؛ با نظارت بر کودک، با موارد تخلف برخورد کنند[2] و تعامل مفید او با همسالان را تشویق نمایند.

برای مطالعه بیشتر

برای ارتباط مطلوب کودک با همسالان این امور را رعایت کنید:

۱. او را به شرکت در برنامه‌های گروهی مطلوب (در فامیل یا در مدرسه) تشویق کنید.

۲. دوستانش را به مناسبت‌هایی به منزل دعوت کنید.

۳. ارتباط خود را با بستگان و همسایگانی که فرزندان خوبی دارند، بیشتر کنید تا فرزند شما فرصت بیشتری برای انتخاب دوستان خوب به‌دست آورد.

۴. فرزندتان را تشویق کنید تا خوراکی‌ها و امکانات تفریح و سرگرمی خود را در اختیار دوستانش قرار دهد. این امر سبب خواهد شد که آنها نیز ارتباط صمیمی با وی برقرار کنند.

۵. با بیانی شیرین و مهربان، ارزش دوست خوب و چگونگی ارتباط خوب با دوست را

1. Papalia, D. E, Human Development, p. 282.

۲. تامپسون، مشاوره با کودکان، ص ۵۷۰.



به او بیاموزید.

۶ . از کودکی به فرزندتان در گفتگوهای صمیمی یا در قالب قصه، ملاک‌های دوست خوب را بیاموزید. مهم‌ترین ملاک‌های دوست‌یابی عبارت است از: اعتقادات صحیح، علایق مشترک و درست، همگونی خانودگی، سلامت نفس، ادب و شخصیت اجتماعی مطلوب.

۷ . اگر فرزندتان دوست ناسالمی دارد، به او کمک کنید تا متوجه شود که او ملاک‌های واقعی دوست مطلوب را ندارد. به او توضیح دهید که اگر شخصیت دوست او مثبت نباشد، دیگران او را نیز فردی نامطلوب می‌پندارند.

۸ . برای قطع ارتباط فرزندتان با دوستان نامناسب، به‌خصوص در دوران نوجوانی:

- از اهرم فشار استفاده نکنید؛ زیرا سبب مقاومت او خواهید شد.
- برای قطع رابطه زیاد اصرار نکنید؛ چراکه بر تداوم رابطه حریص‌تر می‌شود.
- به دوستان او توهین نکنید.
- بردبار باشید و پس از روشنگری فرزندتان به او فرصت دهید تا به‌مرور ارتباط خود را با آنان قطع کند.
- با تغییر منزل، باشگاه ورزشی یا ... زمینه دیدار او با آنان را کمتر کنید.
- با ایجاد زمینه ارتباط بیشتر با همسالان مطلوب، زمینه جایگزینی دوستان شایسته را برایش فراهم نمایید.

۹ . رابطه عاطفی خود را با فرزندتان بیشتر کنید؛ عزت نفس او را افزایش دهید و با ایجاد پشتوانه فرهنگی و تقویت روحیه دینی، از ابتدا به او کمک کنید تا در محیط‌های خارج از منزل تحت‌تأثیر بدآموزی‌های دیگران قرار نگیرد.[۱]

۸. توجه به نقش چندجانبه تربیتی خانواده

والدین باید توجه داشته باشند که فرزند در کانون خانواده در ابعاد مختلف پرورش می‌یابد پرورش جسمانی و روانی، فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، بنابراین در بُعد پرورش اجتماعی خانواده مهم‌ترین نقش را در جامعه‌پذیری کودکان ایفا می‌کند. به گفته پارسونز:

> **کودک در خانواده دوست داشته شدن و دوست داشتن را می‌آموزد؛ با چگونگی رفع نیازهای خود توسط دیگران آشنا می‌شود و شیوه مطلوب تعاملات اجتماعی را فرامی‌گیرد.**[۲]

---

۱. بنگرید به: دهنوی، نسیم مهر، ج ۱، ص ۲۲ - ۱۹ و ج ۲، ص ۱۰۲ - ۸۹ و ۱۴۷ - ۱۴۵.

۲. بنگرید به: میشل، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ص ۸۰ - ۶۸.

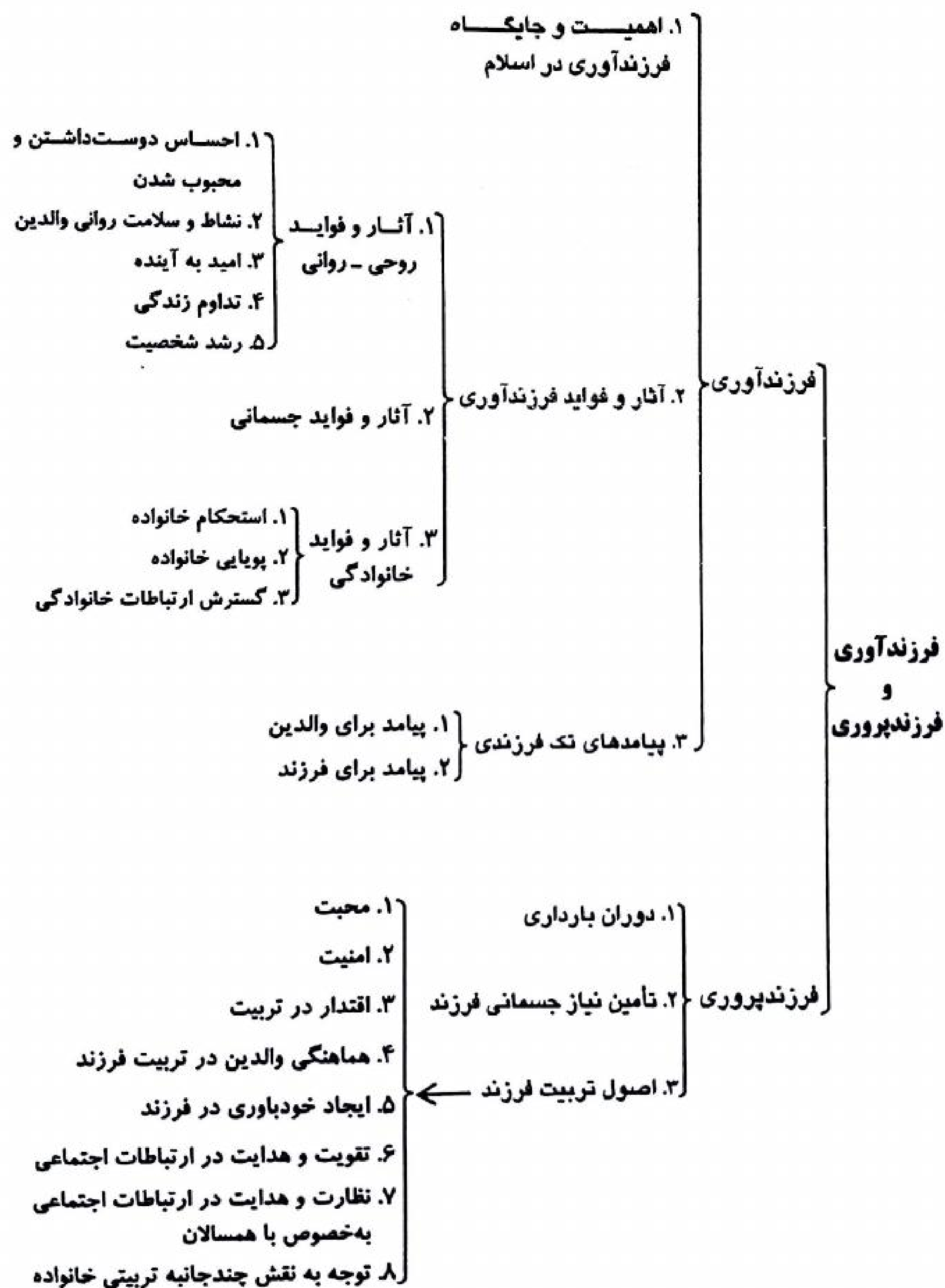
از دیگر کارکردهای تربیتی خانواده می‌توان به تأثیر آن در شکل‌گیری اعتقادات و رفتارهای اخلاقی و دینی فرزند اشاره کرد.

امروزه متأسفانه در برخی خانواده‌ها تمایل به ارزش‌هایی همچون رعایت احکام شرعی و آشنایی با معارف وحیانی و اسوه‌های اخلاقی و معنوی، کم‌رنگ شده و به‌جای آن، فرزندان به رقابت بر سر عناوین دنیایی و افزون‌طلبی و مصرف‌گرایی ترغیب می‌گردند.[1]

برای تحقق نقش تربیت دینی و معنوی خانواده باید پرورش کودک به‌گونه‌ای باشد که با خداوند انس بگیرد. او باید تدبیر الهی را بر خواست خویش مقدم داشته، احکام دینی را پاس بدارد. همچنین باید نهال اخلاص را در درون خویش پرورش دهد و دنیا را به‌منزله کشتزار آخرت بنگرد.

۱. زیبایی‌نژاد، آسیب‌شناسی خانواده، ص ۳۵.

نمودار مطالب فصل



پرسش

۱. به‌نظر شما وجود فرزندان چه برکاتی برای همسران جوان دارد؟ (در ابعاد جسمانی، روان‌شناختی و خانوادگی)

۲. آسیب‌های تک‌فرزندی بر کودک و والدین را ذکر کنید.

۳. در تربیت فرزند رعایت چه اصولی ضروری است؟

۴. یکی از خصوصیات اخلاقی خوب خود را که پدر و مادر شما در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند، نام برید. در این خصوص نقش والدین شما چه بوده است؟

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. غلامعلی افروز، **مباحثی در روان‌شناسی و تربیت کودکان و نوجوانان**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۲. احمد به‌پژوه، **اصول برقراری رابطه انسانی با کودک و نوجوان**، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

۳. راس پارک، **مهرپدری از دیدگاه روان‌شناسی**، تهران، قطره.

۴. محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی، **حقوق تربیتی کودک در اسلام**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۵. سید علی حسینی‌زاده، **تربیت فرزند**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۶. حسین دهنوی، نسیم مهر، ۳ ج، قم، خادم الرضا.

۷. محمدرضا شرفی، **با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟ چشم‌اندازی بر مراحل رشد و تحول و فرآیند تربیت از ولادت تا نوجوانی**، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.

۸. محمدرضا شرفی، **تا فصل گل شدن؛ نگاهی به نیازهای روانی و عاطفی فرزندان**، مشهد، آستان قدس رضوی.

۹. فرشته موتابی، **مهارت برقراری ارتباط مؤثر؛ ویژه والدین**، تهران، طلوع دانش.

فصل ششم
جمعیت

اهداف درس

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱ دیدگاه طرف‌داران افزایش و کاهش جمعیت را ارزیابی کنند.

۲ پیامدهای وضعیت کنونی نرخ رشد باروری در ایران را بشناسند.

۳ با علل ناباروری و راه‌های درمان آن به‌اختصار آشنا شوند.

۴ سیاست‌های کلی جمعیت در ایران را بدانند.

جمعیت

یک. تعریف جمعیت و جمعیت‌شناسی

به مجموعه‌ای از انسان‌ها که در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به‌طور مستمر و در قالب خانوار و خانواده زندگی می‌کنند و شرایط ملی، قومی و سیاسی واحدی دارند، «جمعیت»[1] گفته می‌شود. «جمعیت‌شناسی»[2] علمی است که به مطالعه چگونگی تحول و حرکات جمعیت‌ها در زمان و مکان می‌پردازد و پدیده‌های جمعیتی مانند باروری، ولادت، مرگ و میر و مهاجرت را به‌صورت منظم بررسی می‌کند و همچنین امکان آگاهی از وضعیت و تحلیل کمّی و کیفی جمعیت‌ها را فراهم می‌سازد. این دانش در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی کاربردی وسیع دارد و روزبه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود؛ زیرا شناخت ویژگی‌های جمعیت همچون تعداد، تراکم، توزیع جغرافیایی، ساختار سنی و جنسی، نحوه مهاجرت و جابه‌جایی فیزیکی یا طبیعی آن، از مؤلفه‌های مهم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

---

1. Population.
2. Demography.

ازاین‌رو، جمعیت‌شناسی دانشی میان‌رشته‌ای است که در قلمرو موضوع خود با علوم دیگر نیز ارتباط دارد.

دو. روند تحولات جمعیتی در جهان

در سیر تاریخی تحولات جمعیتی جهان، شاهد دو گذار جمعیتی هستیم که مراحل مختلف آن در نمودار (۱) آمده است. اطلاعات تاریخی نشان می‌دهد که تا اواسط قرن شانزدهم میلادی نرخ زاد و ولد و مرگ و میر، هردو در سطح بالایی قرار داشته و درنتیجه رشد طبیعی جمعیت بسیار کم بوده است. به همین دلیل افزایش جمعیت بسیار کند صورت می‌گرفت. پس از آن «گذار اول جمعیتی» با تغییرات رشد جمعیت آغاز شد. از اواسط قرن هفدهم با پیشرفت چشمگیر علم پزشکی و کنترل بیماری‌ها، نرخ مرگ و میر کاهش یافت؛ درحالی‌که نرخ زاد و ولد تغییری نکرد. به همین دلیل رشد طبیعی جمعیت سیر صعودی شتابانی گرفت.

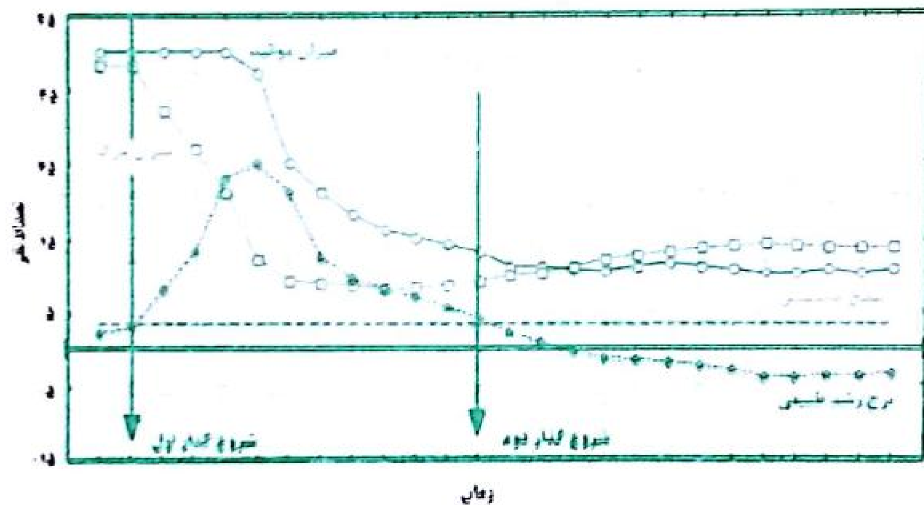
پس از این مرحله از اواخر قرن هجدهم با اشاعه دیدگاه‌های بدبینانه مالتوس در زمینه رابطه اقتصاد و جمعیت،[1] مردم و دولت‌ها به سمت کاهش جمعیت تشویق شدند و به‌تدریج نرخ زاد و ولد کاهش یافت. درنتیجه رشد طبیعی جمعیت نیز سیر کاهنده‌ای پیدا کرد.

چنین نگرشی به کاهش جمعیت و تأخیر در باروری از اوایل قرن بیستم با تغییرات جدی در هنجارها، ارزش‌ها و سبک زندگی در کشورهای اروپایی و آمریکایی همراه شد. در واقع این تغییرات فرهنگی - اجتماعی در غرب، خود حاصل نهادینه شدن مبانی فکری جدیدی - ازجمله اصالت انسان (در برابر اصالت خدا)، جداسازی دین از زندگی فردی و اجتماعی، فردگرایی و لذت‌گرایی - بود که پذیرش آنها عملاً نهاد خانواده و مسئولیت‌پذیری برای فرزندآوری را تضعیف می‌نمود. به همین دلیل در ادامه این روند تعداد ازدواج‌ها کم شد؛ سن ازدواج افزایش پیدا کرد و پدیده طلاق گسترش یافت. ازسویی دیگر، وسایل پیشگیری از بارداری نیز به بازار آمد و استفاده از آنها به‌شدت رو به گسترش نهاد. درنتیجه با ادامه

۱. توضیحات بیشتر راجع به این دیدگاه در ادامه همین فصل خواهد آمد.

کاهش نرخ زاد و ولد، نزول رشد طبیعی جمعیت ادامه یافت. شایان ذکر است در این مرحله نرخ مرگ و میر نسبتاً ثابت است؛ زیرا پیشرفت پزشکی تا حدی می‌تواند نرخ مرگ و میر را کاهش دهد.

چنان‌که در نموار (۱) مشاهده می‌شود، در همه این مراحل نرخ باروری کل به‌تدریج کاهش می‌یابد، اما همواره بالاتر از سطح جانشینی است.



نمودار (۱): گذارهای جمعیتی جهان[1]

«سطح جانشینی» به حداقل میزان نرخ باروری متوسط گفته می‌شود که یک جمعیت بتواند به‌لحاظ تعداد نسل خود را بازتولید کند؛ یعنی نسل بعدی جانشین نسل قبلی گردد.[2] این عدد معمولا بین ۲/۱ تا ۳/۳ درنظر گرفته می‌شود؛ زیرا ممکن است دو فرزند یک خانواده به هر دلیلی ازجمله بیماری، تصادف و حوادث غیر مترقبه زودتر از والدین خود از دنیا بروند و نقش جانشینی نسلی پس از پدر و مادر را ایفا نکنند. به همین دلیل جمعیت‌شناسان با درنظر گرفتن حاشیه امنی متناسب با میزان امید به زندگی، رفاه و بهداشت و مانند آن، این سطح را بالاتر از عدد ۲ درنظر می‌گیرند. بدیهی است با رسیدن نرخ باروری کل[3] به سطح جانشینی، رشد جمعیت یک‌باره متوقف نمی‌شود، بلکه سیر صعودی خود را با تا بالأخره این روند متوقف گردد و رشد جمعیت به صفر برسد.

---

1. Van de kaa (2002): "The Idea of a Second Demographic Transition in Industrialized Countries".

۲. سرایی، جمعیت‌شناسی، مبانی و زمینه‌ها، ص ۱۱۴.

۳. نرخ باروری کل عبارت است از: متوسط فرزندان زنده متولدشده به ازای هر زن.

گذار دوم جمعیتی زمانی آغاز می‌گردد که روند کاهشی نرخ زاد و ولد ادامه می‌یابد و درنتیجه نرخ باروری کل به سطح جانشینی می‌رسد. از آن پس سیر رشد طبیعی جمعیت به‌تدریج به صفر رسیده و منفی می‌شود.

اکنون بسیاری از کشورها وارد گذار دوم جمعیتی شده‌اند. در برخی کشورهای اروپایی نهادینه شدن عوامل فرهنگی و اجتماعی بازدارنده درخصوص فرزندآوری، موجب استمرار شیب تند کاهش نرخ باروری شده است؛ آن‌گونه که میزان مرگ و میر از زاد و ولد پیشی گرفته و افزون بر بالا رفتن نرخ سالخوردگی، مرحله جدیدی از این تحولات با رشد منفی جمعیت آغاز شده است.

آمارهای جهانی نشان‌دهنده آن است که سهم اروپا از کل جمعیت جهان در سال ۱۹۶۰ م نزدیک ۱۵ درصد بوده، اما در سال ۲۰۰۵ م به کمتر از ۸ درصد رسیده است. این روند کاهشی همچنان ادامه دارد؛ تا جایی که محققان پیامد اختلاف رشد جمعیت در خاورمیانه اسلامی و اروپا را تغییر تناسب جمعیتی به نفع مسلمانان در سال ۲۰۵۰ م می‌دانند. این بدان معناست که سهم مسلمانان در تحولات جهانی با توجه به جمعیت جوان این کشورها می‌تواند بیش از پیش افزایش یابد.

رشد منفی جمعیت در کشور ژاپن نیز زنگ خطر را برای آنان به صدا درآورده است. ژاپن در زمان رشد جمعیت شتابان خود در دهه ۱۹۶۰ م به ازای هر ۹ نفر نیروی کار، یک سالمند داشت؛ درحالی‌که در سال ۲۰۵۰ م این نسبت به یک نیروی کار در مقابل یک بازنشسته خواهد رسید. چنین وضعیتی سبب می‌شود که دولت‌ها ناچار شوند بخش مهمی از درآمد خود را برای حمایت از سالمندان هزینه نمایند؛ چنان‌که در سال‌های اخیر سهم هزینه حمایتی از سالمندان و مستمری‌بگیران از بودجه سالانه ژاپن به حدود ۳۰ درصد رسیده است.[1]

سه. دیدگاه‌های مختلف درباره جمعیت

تا اواخر قرن هجدهم عموماً جمعیت زیاد، مؤلفه مثبتی در اقتصاد و عامل تعیین‌کننده‌ای در اقتدار ملی و توان نظامی برای ملت‌ها و دولت‌ها به‌شمار می‌آمد و بر همین اساس

۱. ر. ک: مهری، «بررسی طرح‌ها و سیاست‌های افزایش موالید در کشورهای منتخب و ارائه الگوی متناسب را شرایط ایران»، شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، ص ۱۶ ـ ۸ .

جمعیت زیاد بر جمعیت کم ترجیح داده می‌شد.

در اوایل قرن نوزدهم در شرایط پس از انقلاب صنعتی، توماس رابرت مالتوس[1] (۱۸۳۴ - ۱۷۶۶ م) اقتصاددان انگلیسی، برای اولین بار رویکردی بدبینانه درباره رشد جمعیت به‌دست داد. او نظریات خود را برپایه فضای اقتصاد صنعتی آن روز بنا نهاد؛ فضایی که در آن سرمایه و منابع طبیعی نقش اصلی را در تولید کالا و خدمات ایفا می‌کردند.

به اعتقاد مالتوس، منابع طبیعی جهان محدود و پایان‌پذیر است. ازاین‌رو، افزایش جمعیت به‌معنای کاهش دسترسی سرانه هر فرد به منابع غذایی و درنتیجه به‌معنای گسترش فقر و گرسنگی است که می‌تواند رشد و پیشرفت اقتصادی را متوقف و جوامع را دچار رکود و عقب‌گرد کند. بعدها همفکران و پیروان او، مباحث دیگری را به نظریات او افزودند (ازجمله موضوع تخریب محیط زیست ناشی از افزایش جمعیت) و دیدگاه وی را در توضیح رابطه معکوس بین جمعیت و منابع طبیعی تأیید کردند. این دیدگاه تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست‌های نهادهای بین‌المللی و کشورهای در حال توسعه برجای گذاشت.

البته پس از وی، صاحب‌نظران بسیاری این رویکرد را نقد و رد کردند؛ تا جایی که حتی خود مالتوس در نوشتارهای بعدی خود (ویرایش پنجم رساله‌ای در باب اصول جمعیت) نظریات خود را تعدیل نمود. اما جالب اینجاست که با این‌همه، هنوز بسیاری از افراد بر نتایج اولین ویرایش کتاب او تکیه می‌کنند؛ درحالی‌که در مباحث علمی باید آخرین آرای یک صاحب‌نظر را معیار قرار داد و آن را تحلیل کرد.[2]

تصور مالتوس از ثروت و منابع طبیعی، تصوری کمّی و غیرپویا بود. از نظر وی منابع طبیعی کمیّت ثابت و معینی دارند و به‌صورت یک عامل مستقل بیرونی براقتصاد تأثیر می‌گذارند. اما در اندیشه اقتصادی مدرن، منابع طبیعی در درازمدت، خود بخشی از مجموعه متغیرهای درونی تشکیل‌دهنده نظام اقتصادی محسوب می‌شوند. ازاین‌رو به دلیل تأثیر متقابل منابع طبیعی و مؤلفه‌های نظام اقتصادی، پیش‌بینی درازمدت این منابع بدون درنظرگرفتن تحولات علمی و فنی سطح پیشرفت سایر متغیرهای مؤثر اقتصادی، امکان‌پذیر نیست و فاقد پایه علمی

1. Thomas Robert Malthus.

۲. دلالی اصفهانی و اسماعیل‌زاده، «نگرشی نو بر ایده‌های جمعیتی»، علوم اجتماعی، ص ۱۰۳.

خواهد بود.[1]

با رشد علم و تکنولوژی می‌توان از امکانات موجود بهره‌های بیشتری برد. برای مثال می‌توان زمین‌های غیر قابل کشت را به بهره‌داری رساند و حتی برای تهیه مواد غذایی از غیر زمین (مانند آب دریا و هوا) استفاده نمود. بنابراین در بررسی منابع یک سرزمین باید هم منابع موجود و هم منابع بالقوه را مورد توجه قرار داد و فرهنگ کار و تلاش را رواج داده، مانع گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی شد. در تربیت نیروی انسانی نیز می‌باید افرادی خلاق، تولیدگر، مدیر و برنامه‌ریز را پرورش داد.

نظریات جدید در حوزه علم اقتصاد، افزایش جمعیت را فرصتی جدی تلقی می‌کنند و تأکید می‌نمایند که نیروی کار و سرمایه انسانی در برتری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی کشورها اثرگذار است. برای مثال، ژان باتیست سی،[2] یکی از اقتصاددانان معروف فرانسوی معتقد بود رشد جمعیت علت رشد اقتصادی کشورها در بلندمدت می‌باشد.[3] پل ساموئلسون،[4] برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۰ م بهترین عامل تحرک و تکامل اقتصاد را نرخ باروری انسانی می‌دانست. همچنین هارود،[5] از دیگر نظریه‌پردازان توسعه اقتصادی است که رشد جمعیت را عامل مثبتی برای رشد طبیعی اقتصاد می‌داند.

مرور تجربه کشورهای مختلف در بررسی روند تغییرات سرانه تولید ناخالص ملی آنها نشان می‌دهد که با گذشت زمان، هرچه جمعیت کشورها افزایش یافته، ثروت بیشتری به ازای هر نفر تولید شده است. برای مثال، تجربه کشور هند نشان می‌دهد که آنچه جلوی رشد اقتصاد را می‌گیرد، افزایش جمعیت نیست، بلکه سیاست‌های نادرست اقتصادی است. بعد از دهه ۱۹۹۰ م که هند اصلاحاتی اساسی در نحوه مدیریت اقتصادی خود انجام داد، رشد عظیمی در اقتصاد این کشور حاصل شد؛ درحالی‌که هم‌زمان دارای رشد بسیار سریع در جمعیت و نرخ تولد بود.[6] تجربه چین نیز مؤید این مطلب است که جمعیت زیاد اگر

۱. محمودی و احراری، درآمدی بر اقتصاد جمعیت؛ نگرش‌ها، روش‌ها و یافته‌ها، ص ۱۲.

2. Jean Baptiste Say.

۳ محمودی و احراری، درآمدی بر اقتصاد جمعیت؛ نگرش‌ها، روش‌ها و یافته‌ها، ص ۳.

4. Paul Samuelson.

5. Harrod.

۶. دلالی اصفهانی، «نگرشی نو بر ایده‌های جمعیتی»، علوم اجتماعی، ص ۱۰۷.

به‌صورت شایسته مدیریت شود، عامل مهمی برای رشد اقتصادی کشور است.
بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ضریب هم‌بستگی میان جمعیت و سرانه تولید ناخالص ملی، همچنین ضریب همبستگی بین جمعیت و میزان بیکاری بسیار ناچیز است و رابطه معناداری بین آنها وجود ندارد. به بیان دیگر، مشکل کشورهای در حال توسعه را باید در سیاست‌گذاری و عملکرد مدیریتی ضعیف و همچنین در توزیع نامتوازن جمعیت و ثروت جستجو کرد، نه در میزان جمعیت آنها.
به‌طورکلی رشد و رفاه اقتصادی در سایه کار و کوشش آحاد افراد جامعه معنا می‌یابد. اگر در گذشته تنها بر سرمایه فیزیکی به‌عنوان عامل اصلی رشد اقتصادی تأکید می‌شد، امروزه با به حاشیه رفتن این عامل، سرمایه‌های نوینی همچون سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و نهادهای اقتصادی و مدیریتی، کانون توجه صاحب‌نظران جهان قرار گرفته است. هاربیسون،[1] نظریه‌پرداز توسعه معتقد است:

> **منابع انسانی پایه اصلی ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند. سرمایه و منابع طبیعی عوامل تبعی تولید هستند؛ درحالی‌که انسان‌ها عوامل فعالی هستند که سرمایه‌ها را متراکم می‌سازند؛ از منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کنند؛ سازمان اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را می‌سازند و توسعه ملی را به جلو می‌برند.[2]**

کشوری که نتواند مهارت‌ها و دانش مردمش را توسعه دهد و از آن به نحو مؤثری در اقتصاد ملی بهره‌برداری کند، قادر نیست هیچ چیز دیگری را توسعه بخشد.
بدیهی است که با افزایش جمعیت، نیروی کار گسترده‌ای فراهم می‌شود و امکان بهره‌گیری از فرصت‌های بالقوه اقتصادی فراهم می‌گردد و درنتیجه امکان تقسیم کار گسترده در جامعه و کسب مهارت برای نیروی کار به‌وجود می‌آید. بدین ترتیب تخصص‌گرایی که محصول مستقیم تقسیم کار است، بهره‌وری را افزایش می‌دهد و از مصرف شدن بیهوده منابع جلوگیری می‌کند؛ به‌گونه‌ای که با منابع کمتر، ثروت بیشتری تولید می‌شود. فراوانی نیروی کار موجب می‌گردد تا ضمن پاسخ به تقاضاهای جاری در جامعه، با خلاقیت، نوآوری

1. Harbisson.

۲. محمودی، وضعیت جمعیت ایران، گذشته، حال آینده، ص ۷.

و ابتکار این افراد، فرصت ایجاد خدمات و کالاهای جدید و متنوع در اقتصاد فراهم گردد. همچنین کثرت مصرف‌کنندگان کالا در جامعه زمینه تولید انبوه در مقیاس‌های بزرگ را فراهم می‌کند که همین موجب کاهش هزینه واحد تولید و درنتیجه سبب کاهش قیمت‌ها می‌گردد. ازاین‌رو، افزایش جمعیت و شکل‌گیری جوامع بزرگ، هم از جهت تقاضا (بازار مصرف) و هم از جهت عرضه (نیروی کار) زمینه رشد و توسعه اقتصادی را مهیا می‌سازد. بنابراین افزایش جمعیت درصورتی‌که با سیاست‌های مناسب در حوزه آموزش و تحصیلات همراه شود و سرمایه انسانی متناسب با بازار کار فراهم گردد، می‌تواند رشد و توسعه اقتصادی را شتاب بخشد. جمعیت بیشتر به‌معنای سرمایه انسانی و اجتماعی، قدرت فرهنگی و پشتوانه سیاسی کشور است و می‌تواند فاصله کشورهای در حال توسعه را با کشورهای توسعه‌یافته کاهش دهد. درنتیجه، توجه به جمعیت به‌عنوان یک مؤلفه قدرت در جوامع و حتی احساس تهدید از طریق آن ازسوی رقبا، توجیه‌پذیر به‌نظر می‌رسد.

چهار. جمعیت و نظام سلطه

در مطالعه چگونگی ایجاد شکاف عمیق بین کشورهای توسعه‌یافته و کشورهایی که جهان سوم نامیده شده‌اند، نباید سابقه تاریخی کشورهای اروپایی را در چگونگی انباشت ثروت و رسیدن به پیشرفت فراموش کرد. در قرون شانزدهم تا هجدهم میلادی، به مدد استعمارگری، تأمین مواد خام تسهیل گردید و به مدد برده‌داری نیز نیروی کار فراوان با هزینه اندک در اختیار این کشورها قرار گرفت. این دو عامل، چرخ صنعت را در اروپا و سپس آمریکا به گردش درآورد و فرایند رشد و توسعه را شتاب بخشید. در ادامه همان سیاست‌ها، امروزه نیز که سرمایه کیفی انسانی، محور اصلی پیشرفت علم و فناوری است، نیروی انسانی کارآمد، فعال و نخبه در کشورهای در حال توسعه، به‌صورت هوشمندانه دست‌چین شده، در قالب تحصیل یا مهاجرت در راستای تأمین منافع اروپا و آمریکا به خدمت گرفته می‌شوند.

از سوی دیگر درحالی‌که از حدود نیم قرن پیش کشورهای پیشرفته در درون خود سیاست افزایش موالید را دنبال می‌کنند، برای کشورهای در حال توسعه نسخه کنترل زاد و ولد را تجویز می‌نمایند. این دوگانگی رویکرد به‌دلیل آن است که آنها از وجود کشورهای

پرجمعیت و قدرتمند در عرصه جهان واهمه دارند و ازاین‌رو سال‌هاست که ظرفیت‌های مالی و غیرمالی فراوانی را در خدمت پروژه جهانی کنترل جمعیت و محدود نمودن نسل قرار داده‌اند. نگرانی این کشورها نه به‌جهت گرسنگی و کمبود امکانات ملت‌های ضعیف، بلکه به‌دلیل محدود شدن دسترسی خودشان به منابع جهانی است. بسیاری از سیاست‌مداران غربی به‌صراحت کاسته شدن جمعیت جهان را هدفی در راستای مصالح و منافع خود اعلام می‌کنند.

این هدف در چند دهه اخیر از طرق مختلف ازجمله ترویج فراگیر وسایل پیشگیری از بارداری، تسهیل سقط جنین و عمل‌های جراحی عقیم‌کننده در بسیاری از کشورهای در حال توسعه (ازجمله کشورهای مسلمان) پیگیری شده است. افزون بر روش‌های یادشده، تغییر ارزش‌ها و باورها و اقناع مردم و رهبران کشورهای ضعیف نسبت به اینکه کاهش جمعیت راه اصلی نجات و پیشرفت آنهاست نیز اجرای سیاست‌های کنترل نسل را تسهیل نموده است.

در سال‌های اخیر کثرت کشتارهای مسلحانه در درگیری‌ها و جنگ‌ها، ترورهای کور و بی‌هدف و نسل‌کشی زنان و کودکان به بهانه‌های مختلف ـ که با حمایت و مدیریت نظام سلطه جهانی اتفاق می‌افتند ـ ابعاد دیگری از تلاش برای کاهش جمعیت را آشکار نموده‌اند. مطالعه گزارش‌های تاریخی درباره چگونگی کاهش هدفمند نسل سرخ‌پوستان آمریکا و بومیان استرالیا ازسوی مهاجرین غربی نشان می‌دهد که دستیابی به قدرت از طریق تغییرات جمعیتی در نظام سلطه، در گذشته نیز تجربه شده است و نباید آن را امری ساده تلقی نمود.

پنج. عوارض و چالش‌های کاهش جمعیت و افزایش نرخ سالمندی

استمرار کاهش میزان زاد و ولد از یک سو و نزول نرخ مرگ و میر به‌دلیل افزایش امید به زندگی ازسوی دیگر، موجب می‌شود جمعیت به‌تدریج در دوره‌های بالاترسنی انباشته گردد و باکاسته شدن سهم جمعیت جوان از کل جمعیت، سهم سالخوردگی[1] بیشتر شود. این

۱. معمولاً به افرادی با سن بالاتراز شصت سال که بازنشسته می‌شوند و نیرو و نشاط کاری خود را از دست می‌دهند، سالمند یا سالخورده گفته می‌شود.

پدیده عوارض و پیامدهای بسیاری به همراه خواهد داشت که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. پیامدهای اقتصادی

در بعد اقتصادی، کاهش جمعیت و افزایش نرخ سالمندی موجب می‌گردد که با کاسته شدن از نیروی کار جوان و فعال، از میزان تولیدات و خدمات کاسته شود و قیمت آنها افزایش یابد؛ زیرا تولید بسیاری از کالاها و خدمات در تعداد و مقیاس کوچک، هزینه‌های بالاتری خواهد داشت. همچنین جمعیت کمتر و سالمندتر، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مصرف محدودتری دارد که همه این موارد از عوامل تضعیف اقتصاد به‌شمار می‌آیند. افزون بر این، کم شدن نیروی کار و افزایش مصرف‌کنندگان، کاهش تولید ناخالص داخلی را به‌دنبال خواهد داشت که پیامد آن کاهش صادرات محصولات صنعتی، افزایش واردات، کاهش ذخایر ارزی و افزایش بدهی‌های خارجی خواهد بود. با افزایش نرخ سالمندی، بار سنگینی از هزینه تکفل سالمندان بر جامعه تحمیل می‌شود. همچنین با افزایش تعداد بازنشستگان و مستمری‌بگیران نسبت به افراد شاغل، صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی فشار زیادی را متحمل می‌شوند که برای جبران آن می‌توان سن بازنشستگی را افزایش، یا میزان پرداختی به ایشان را کاهش داد که البته این امر نارضایتی بیمه‌شدگان و مشکلات اجتماعی را درپی خواهد داشت.

دربخش کشاورزی نیز باید یادآور شد که برای گسترش و توسعه بخش کشاورزی - به‌عنوان یکی از محورهای توسعه اقتصادی و اجتماعی در کشور ما - به مجموعه‌ای از نیروهای خلاق، آموزش‌پذیر، ریسک‌پذیر، پویا و شاداب نیاز است. این ویژگی‌ها نیز در جوانان بسیار بیشتر از سالمندان وجود دارد. شاغلان در بخش کشاورزی در سال‌های اخیر به‌طور قابل ملاحظه‌ای به سالخوردگی گراییده‌اند. مهاجرت از روستا به شهر - در کنار کاهش نرخ باروری - از مهم‌ترین دلایل سالخوردگی شاغلان بخش کشاورزی است؛ به‌گونه‌ای که درصد اشتغال جوانان در این بخش بسیار پایین است. مهم‌ترین نتایجی که سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی به‌دنبال خواهد داشت، عبارت است از: کاهش بهره‌وری، به خطر افتادن امنیت غذایی، وابستگی کشور به مواد غذایی و نیاز به واردات این مواد از

خارج و نیز عدم پذیرش نوآوری و فناوری نوین در عرصه تولیدات کشاورزی و دامی.
از دیگر پیامدهای اقتصادیِ سالمندی جمعیت، هزینه‌هایی است که جامعه باید برای حفظ سلامتی سالمندان صرف کند. یافته‌ها نشان می‌دهد تا سال ۱۴۳۰ به سه برابرِ تخت‌های بیمارستانی، پنج برابرِ مراکز فیزیوتراپی و چهار برابرِ آزمایشگاه‌های موجود نیاز خواهد بود.

۲. پیامدهای فرهنگی - اجتماعی

از نظر اجتماعی با کاهش بعد خانواده، حمایت از سالمندان به‌دلیل تعداد فرزندان کمتر، دشوارتر می‌گردد. از سویی ایجاد شکاف نسلی و تغییر در ساختار خانواده می‌تواند مسائل فرهنگی و اجتماعی متعددی را به‌دنبال داشته باشد. نیاز به مراقبت‌های روانی و اجتماعی از سالمندان نیز گسترش می‌یابد. اساساً جامعه سالمند چابکی و سرعت لازم را در حل مسائل اجتماعی و فرهنگی نخواهد داشت و خلاقیت و نوآوری و ریسک‌پذیری در آن کاهش می‌یابد؛ همچنان‌که امروزه رشد علمی و نوآوری‌ها و موفقیت‌های کشور در عرصه دانش و ورزش و تولید به‌دلیل کثرت نسل جوان است.
همچنین کاهش جمعیت می‌تواند موجب برهم خوردن نسبت و توازن جمعیتی در بین اقوام مختلف، مذاهب، صنوف و طبقات اجتماعی و حتی زنان و مردان گردد که نمی‌توان عوارض فرهنگی و تغییرات اجتماعی حاصل از آن را نادیده گرفت.

۳. پیامدهای سیاسی - امنیتی

روند کلی تغییرات در جهان امروز نشان می‌دهد که جمعیت یکی از مؤلفه‌های قطعی در اقتدار کشورهاست. از بعد سیاسی و امنیتی، توان نظامی و قدرت بازدارندگی یک کشور به جمعیت آن بستگی دارد و در هنگام بروز بحران‌ها، کشوری که از لحاظ ساختار سنی درصد بالایی از جوانان را دارا باشد، کمتر از کشوری با جمعیت سالخورده آسیب‌پذیر خواهد بود. گذشته از این، میزان تراکم جمعیت در مناطق مختلف کشور ازجمله مناطق روستایی و مرزی و توزیع جمعیتی متقارن و متناسب با ظرفیت‌های جغرافیایی از اهمیت زیادی

برخوردار است.

برای مطالعه بیشتر

ازآنجاکه برخی کشورهای جهان با بررسی میزان رشد جمعیت در کشور خود متوجه آثار زیان‌بار کاهش جمعیت در آینده شده‌اند، سیاست‌های مختلفی برای افزایش جمعیت در پیش گرفته‌اند که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.[1]

سوئد: به هریک از پدر و مادر ۱۸ ماه مرخصی همراه با حقوق داده می‌شود. ازآنجاکه مشارکت زنان در سوئد به‌عنوان نیروی کار بالاست، برای مادران شاغل برنامه‌های کاری منعطفی طراحی شده است؛ به‌گونه‌ای که مادران قبل از سن مدرسه کودکان می‌توانند ساعت‌های کاری خود را کاهش دهند.

نروژ: مادران از ۱۲ ماه مرخصی با ۸۰٪ حقوق یا ۱۰ ماه مرخصی با پرداخت حقوق کامل بهره می‌برند. پدران نیز حق دارند تقریباً تمام این زمان را به‌جای مادر مرخصی بگیرند، اما برای پدر، گرفتن حداقل ۴ هفته مرخصی اجباری است. در غیر این صورت، مزیت مرخصی پس از زایمان برای هر دو والد از بین می‌رود. نکته مهم این است که هزینه این مرخصی‌ها از محل مالیات و از سوی دولت پرداخت می‌شود. بنابراین کارفرمایان در این خصوص هیچ‌گونه ضرری متحمل نمی‌شوند. در این کشور به مادری که تا ۳۰ ماه بعد از تولد فرزند قبلی، فرزند جدید خود را به دنیا آورد، مرخصی ویژه تعلق می‌گیرد. این قانون برای تشویق زنان به کم کردن فاصله بین بارداری‌ها وضع شده است.

فرانسه: مانند سایر کشورهای اروپایی، میزان بالای اشتغال زنان مهم‌ترین چالش برای بهبود نرخ باروری است. ازاین‌رو، دولتمردان فرانسه سیاست‌های گوناگونی را برای تطبیق زندگی خانوادگی با کار کردن زنان طراحی کرده‌اند. برای مثال، مادران می‌توانند برای فرزند اول خود مدت ۱۶ هفته مرخصی زایمان همراه با دریافت حقوق بگیرند و این تا ۲۶ هفته برای فرزند سوم افزایش پیدا می‌کند. در این کشور در صورت تولد فرزند سوم، سالانه مبلغی کمک مالی به والدین تعلق می‌گیرد. علاوه بر آن، به ازای تولد فرزندان مالیات نیز کاهش می‌یابد و والدین همراه با فرزندان خود می‌توانند از برخی امکانات دولتی با تخفیف استفاده نمایند. این کشور گسترده‌ترین سیستم مراقبت از کودکان با بودجه دولتی را در اروپا داراست. همچنین فرانسه دارای دومین رتبه نرخ باروری در اروپاست.

بریتانیا: در حال حاضر پس از تولد فرزند، مادران شش ماه و پدران دو هفته مرخصی دارند. همچنین والدینِ کودکانِ زیر شش سال حق دارند از کارفرمایان خود درخواست

1. See: Jonathan Bradshaw and Naomi Finch, A comparison of child benefit packages in 22 countries.

نمایند که ساعت‌های کاری انعطاف‌پذیرتری داشته باشند.

آلمان: این کشور مدتی طولانی است که یکی از پایین‌ترین نرخ‌های باروری را در اتحادیه اروپا دارد. تعداد زنان بدون فرزند در این کشور بسیار بالاست؛ چنان‌که براساس آمار اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵ م، ۳۰٪ زنان آلمانی فرزند ندارند. جمعیت‌شناسان درباره ادامه این روند درآینده هشدار داده‌اند. از بزرگ‌ترین مشکلات خانواده‌ها، کمبود اماکن مراقبت از کودکان است که البته با وجود دریافت دستمزد خیلی زیاد، زمان کوتاهی سرویس ارائه می‌دهند و هنگام ظهر نیز تعطیل می‌شوند. همچنین زمان مدارس به‌طور سنتی در ساعت یک بعدازظهر به پایان می‌رسد که همین مشکل بزرگی برای والدین شاغل است. دولت آلمان در حال حاضر بهبود نرخ زاد و ولد را در صدر امور سیاسی خود قرار داده است. در سال ۲۰۰۵ م لایحه‌ای در راستای ارائه معافیت‌های مالیاتی تصویب شد و حذف تدریجی هزینه‌های مهدکودک نیز در دستورکار قرار گرفت. کریستینا شرودر، وزیر امور خارجه

وقت آلمان نیز درباره اختصاص مرخصی بدون حقوق به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها برای نگهداری از نوه‌های خود طرحی ارائه کرد. از دیگر تمهیدات آلمان برای مقابله با بحران کاهش جمعیت، سیاست‌های باز مهاجرت‌پذیری به‌خصوص برای پذیرش کارگران بسیار ماهر است.

چین: دولت چین از سال ۱۹۷۹ م تصمیم به اجرای سیاست تک‌فرزندی در کشور گرفت که مطابق آن، عموم خانواده‌های شهری و روستایی چینی می‌توانستند فقط یک فرزند داشته باشند. البته محدودیت در شهرها بیشتر از مناطق روستایی بود و در بیشتر مناطق روستایی با شرایطی اجازه فرزند دوم نیز داده می‌شد.

البته سیاست تک‌فرزندی در چین همواره بنابه شرایط مختلف استثناهایی نیز داشت. برای نمونه، بعد از زلزله سال ۲۰۰۸ م شهر «سی چوان»، محدودیت تک‌فرزندی برای خانواده‌های آسیب‌دیده برداشته شد؛ ضمن آنکه اخیراً در سال ۲۰۱۴ م حزب حاکم کمونیست چین رسماً قانون تک‌فرزندی را لغو کرد و بدین ترتیب به زوج‌ها اجازه داد درصورتی‌که یکی از والدین تک‌فرزند است، فرزند دوم بیاورند.

ترکیه: این کشور نیز همانند دیگر کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های تنظیم خانواده را در پیش گرفت، ولی اکنون تغییر در این روند را در دستورکار قرار داده، آن را به‌شدت پیگیری می‌کند. به‌تازگی نخست‌وزیر ترکیه، خانواده‌های این کشور را به آوردن حداقل سه فرزند تشویق نموده است. او داشتن سه فرزند را تنها راه جلوگیری از پیر شدن جمعیت ترکیه و افزایش نیروی کار مورد نیاز این کشور می‌داند و آن را عامل مهمی در افزایش قدرت منطقه‌ای می‌شمرد.

روسیه: از حدود سال ۱۹۹۵ م تا اواسط سال ۲۰۰۷ م جمعیت کشور روسیه حدود ۶/۵

میلیون نفر کاهش یافت و به پایین‌تر از ۱۴۲ میلیون نفر رسید که تقریباً کاهشی ۴/۴ درصدی را نشان می‌دهد. این روند کاهش جمعیت معمولاً در حالت جنگ و مهاجرت وسیع رخ می‌دهد، اما کاهش جمعیت روسیه در حال صلح و رشد اقتصادی رخ داد. به‌دلیل پایین بودن
میزان تولد و بالا بودن میزان مرگ‌ومیر، روسیه هر سال در حال از دست دادن تعداد زیادی از جمعیت خود است.
بدیهی است که رؤیای قدرت بزرگ روس نمی‌تواند بدون داشتن منابع انسانی فراوان تحقق یابد. ازاین‌روی، پوتین سال ۲۰۰۸ م را سال «خانواده» نام نهاد. بدین‌ترتیب تمام دستگاه‌های دولتی روسیه موظف شدند برنامه‌های تشویقی خود را برای افزایش جمعیت و جلوگیری از بحران کاهش جمعیت ارائه کنند. نگرانی دولت از بحران کاهش جمعیت تا سال ۲۰۳۰ م سبب شد تا برای تشویق والدین به فرزندآوری، مبلغ درخور توجهی به‌عنوان «سرمایه‌گذاری مادر»، به والدینی که فرزندشان به دنیا می‌آید، پرداخت شود و تا رسیدن هریک از فرزندان به هفت سالگی، ماهانه دویست دلار هزینه نگهداری، سلامت و بهداشت نیز به پدر و مادر پرداخت گردد.
رژیم صهیونیستی: شورای افزایش جمعیت این رژیم با همکاری کابینه، برای تشویق زنان به زایمان‌های بیشتر، به ازای تولد هر فرزند کمک مالی چشمگیری می‌کند و زنان نیز تشویق می‌شوند که حداقل چهار فرزند داشته باشند. در ضمن تعداد زیاد فرزندان سبب کاهش انواع مالیات‌ها می‌شود و کارمندان بازنشسته دارای فرزندان زیاد، حقوق بازنشستگی بیشتری دریافت می‌کنند. تبلیغات دینی نیز ازدواج را برای یهودیان واجب دانسته و بچه‌دار نشدن با وجود توانایی مالی و جسمی را گناه شمرده شده است.
سنگاپور: در این کشور برای افزایش نسل افراد باهوش و مستعد، به زنانی که تحصیلات عالی داشته باشند و فرزند سوم و بعد از آن را به دنیا آورند، تخفیف مالیاتی بیشتری تعلق می‌گیرد. همچنین به مادرانی که صاحب فرزند سوم یا بیشتر می‌شوند، مرخصی با حقوق و نیز کمک‌هزینه پرداخت می‌شود. علاوه برآن، به زوج‌های جوانی که در انتظار خرید آپارتمان هستند، کمک می‌شود تا آپارتمان اجاره کنند و ازدواج خود را به‌علت تأخیر در خرید آپارتمان به تأخیر نیندازند. همچنین از ساخت مسکن‌های چندنسلی (مسکن‌هایی که زوج‌های جوان و نسل‌های مسن‌تر آنها در مجاورت یکدیگر زندگی می‌کنند) حمایت می‌شود تا هم مراقبت و نگهداری
مادربزرگ‌ها و پدربزرگ‌ها از کودکان فراهم شود و هم فشار دولت برای حمایت و نگهداری از سالمندان کاهش یابد. در این کشور از طریق تلویزیون، رادیو، روزنامه، پوستر و بوردهای تبلیغاتی، شعارهای فراوانی برای تشویق به ازدواج و فرزندآوری تبلیغ می‌شود؛ شعارهایی همچون: «پلکان ترقی شغلی و تحصیلی را تنها طی نکنید؛ ازدواج کنید» یا

«زندگی لذت‌بخش است، اگر مادر یا پدر باشید» یا «بهترین هدیه به فرزندانتان یک برادر یا یک خواهر است».

در این کشور به‌دلیل رقابت شدید در زمینه ثبت‌نام در مدارس باکیفیت، اولویت ثبت‌نام با فرزندان سوم به بعد خانواده است تا والدین تشویق به فرزندآوری شوند. در سنگاپور کمیته‌ای دولتی با عنوان «خانواده مهم است»، تشکیل شده که هدف آن تسهیل ازدواج، افزایش فرزندآوری و ساختن محیطی دوستدار خانواده است.

در کشورهای متعدد دیگری نیز سیاست‌های افزایش جمعیت در حال اجراست. برای نمونه، در کره جنوبی برای درمان ناباروری، یارانه پرداخت می‌شود. در ایرلند براساس تعداد فرزندان - از یک تا هشت نفر - حقوق ماهیانه به والدین اختصاص می‌یابد. در آمریکا والدینی که تعداد فرزندان آنها زیاد است، مشمول کاهش مالیاتی قرار می‌گیرند. در ژاپن خانواده‌هایی که فرزند زیر پانزده سال دارند، ماهانه مبلغ قابل توجهی کمک مالی دریافت می‌کنند.

شش. سیر تحولات جمعیت در ایران

ایران در گذشته، کشور پرجمعیتی بوده است. به روایت برخی از مورخان، در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، جمعیت ایران باستان حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر بوده است. هرچند این رقم مربوط به محدوده کنونی ایران نبوده و شامل سرزمین‌های وسیع‌تری می‌شده که احتمالاً وسعتی بیش از سه برابر وسعت کنونی ایران داشته، بسیاری از سیاحان و مورخان به پرجمعیت بودن شهرهای ایران اشاره کرده‌اند که این خود بر کثرت جمعیت ایران در ادوار مختلف تاریخ دلالت دارد.

تا نیمه قرن سیزدهم شمسی، سرشماری جمعیتی در ایران متداول نبود. در نخستین سرشماری نوین در زمان میرزا تقی‌خان امیرکبیر در سال ۱۲۶۸ جمعیت ایران بین ۸ تا ۱۰ میلیون نفر اعلام گردید. برآورد دیگر از جمعیت ایران مربوط به ژنرال شیندلر[1] است که در جریان مأموریت خود برای گسترش تلگراف در ایران سفرهای متعددی کرد. او ضمن گزارش وضعیت ایران، شمار جمعیت کشور را در سال ۱۲۶۳ شمسی حدود ۷/۶ میلیون نفر تخمین زد.[2]

---

1. General Fch. Shindler.

۲. حسینی، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، ص ۱۷۳.

به این ترتیب تا قبل از آغاز قرن چهاردهم شمسی، جمعیت ساکن در ایران کمتر از ۱۰ میلیون نفر بوده است. سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵ جمعیت ایران را بالغ بر ۱۸/۹ میلیون نفر اعلام کرد که از این شمار ۶ میلیون نفر در مناطق شهری و ۱۲/۹ میلیون نفر در نقاط روستایی سکونت داشتند.

تا اوایل دهه ۱۳۳۰ جمعیت ایران با نرخ رشد پایینی افزایش می‌یافت؛ زیرا با اینکه فرهنگ ایرانی به‌طور سنتی با تعدد فرزند موافق بود و تأکید بر زودهنگامی و عمومیت ازدواج نیز یک ارزش اجتماعی و مذهبی تلقی می‌شد، از این‌سو کثرت مرگ‌ومیر اطفال به‌دلیل کمبود امکانات و بهداشت، اثر باروری بالا را خنثی می‌کرد و درنتیجه شمار کلی جمعیت به‌کندی افزایش می‌یافت.[1]

با بهتر شدن اوضاع بهداشت و درمان در طول یک دوره ده‌ساله از سال ۱۳۳۵، جمعیت کشور با نرخ متوسط رشد سالانه ۳/۱۳ درصد، به ۲۵/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ رسید. تا اواسط دهه ۱۳۴۰ دولت سیاست مشخصی در زمینه تحدید موالید و کاهش سطح باروری نداشت. در سال ۱۳۴۱ برای نخستین بار در برنامه سوم عمرانی کشور، موضوع جمعیت مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۴۵ دولت به‌طور رسمی سیاستِ جمعیتی خود را مبنی بر تنظیم خانواده و کنترل زاد و ولد اعلام نمود و به این ترتیب ایران به امضاکنندگان بیانیه جهانی تنظیم خانواده پیوست. این سیاست با افزایش دسترسی به خدماتِ جلوگیری از بارداری و به موازات آن با فعالیت‌های تبلیغاتی و آموزشی در راستای تحدید موالید همراه بود.[2]

بدین‌ترتیب، در طول دوره ده‌ساله بعدی (از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵) شتاب افزایش جمعیت ایران کاهش یافت. شمار جمعیت با نرخ رشد سالانه ۲/۷ درصد، از ۲۵/۷ میلیون نفر به ۳۳/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ رسید که در مقایسه با نرخ متوسط رشد در دوره قبل (۳/۱۳ درصد در سال) تا حدودی کاهش یافته بود. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تغییر بستر فرهنگی و اجتماعی در کشور و همچنین با متوقف شدن برنامه‌های تنظیم خانواده، روند افزایش جمعیت دوباره سرعت گرفت و اولین سرشماری رسمی پس از انقلاب، متوسط

---

۱. شوازی و دیگران، ارزیابی نتایج فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری، ص ۱۳.
۲. حسینی، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، ص ۱۷۵.

نرخ رشد سالانه حدود ۳/۲ درصد و آمار ۴۹ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ را گزارش نمود. این بالاترین نرخ در طول تاریخ تحولات جمعیتی ایران بود. در نتیجه مسئولان و سیاست‌گذاران از سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۰ مجدداً سیاست کنترل موالید و اجرای برنامه تنظیم خانواده را در اولویت قرار دادند. این سیاست‌ها در اولین برنامه توسعه بعد از انقلاب طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲به اجرا درآمد.

در سال ۱۳۷۱ لایحه کنترل جمعیت و تنظیم خانواده از طرف دولت تهیه و تقدیم مجلس گردید و در تاریخ ۱۳۷۲/۲/۲۶ تصویب شد. این قانون، انگیزه‌ها و پاداش‌های متعلق به خانواده‌های پرجمعیت را قطع کرد و مبانی قانونی مشخصی برای اعمال سیاست‌های همه‌جانبه کنترل موالید و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده فراهم ساخت.

این تغییر رویکرد و فعالیت‌های صورت‌گرفته درپی آن موجب شد که در فاصله ده‌ساله بین ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ نرخ رشد جمعیت با سرعتی استثنایی به ۱/۹۶ درصد (۲/۹۵ در شهر و ۰/۲۸ در روستا) تقلیل یابد. روند کاهش متوسط نرخ رشد جمعیت در مناطق روستایی بسیار بیشتر و بارزتر از مناطق شهری بود که از دلایل آن می‌توان به مهاجرت روستاییان به شهرها اشاره کرد.

به این ترتیب، هدفی که سیاست‌گذاران برای سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ درنظر گرفته بودند، بیش از یک دهه زودتر محقق شد و ایران در رتبه نخست دستیابی به اهداف برنامه‌های کنترل جمعیت در جهان قرار گرفت؛ به‌گونه‌ای که هیچ کشوری در جهان نتوانسته بود در مدت زمانی به این کوتاهی، به این میزان رشد جمعیت خود را کاهش دهد.

گرچه در پیش گرفتن سیاست‌ها و اعمال برنامه‌های تنظیم خانواده، عامل مؤثری در سرعت کاهش باروری و زاد و ولد در ایران بود، این فرایند تحت‌تأثیر عوامل، شرایط و زمینه‌های مختلف دیگری نیز قرار داشت که در تحلیل تغییرات کمّی جمعیت باید به آنها توجه نمود. بالا رفتن سن ازدواج، افزایش تجرد، بالا رفتن سطح اشتغال زنان و درنتیجه تمایل کمتر به فرزندآوری، افزایش هزینه پرورش فرزندان و فشارهای اقتصادی و همچنین مهاجرت از روستا به شهرها، تأثیر بسزایی در کاهش باروری داشته است. همه این عوامل موجب شد کاهش رشد جمعیت در دهه بعد نیز به‌صورت پرشتابی ادامه یابد؛ تا جایی که میزان متوسط رشد جمعیت در سال ۱۳۸۵ به حدود

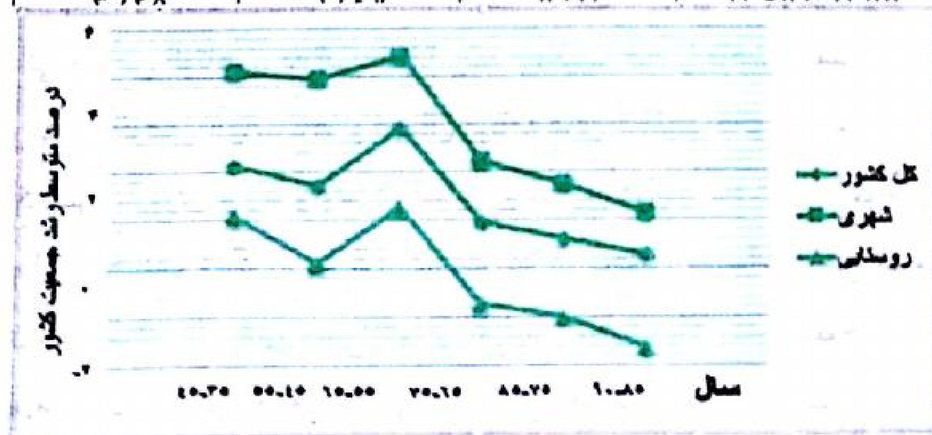
۱/۶ درصد سقوط کرد. بدین ترتیب براساس نتایج سرشماری مرکز آمار در همین سال جمعیت ایران به ۷۰/۵ میلیون نفر رسید.

طی سال‌های اخیر، درصد رشد سالانه جمعیت ایران به‌دلیل کاهش میزان باروری همچنان رو به کاهش بوده است. طبق سرشماری سراسری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ نرخ رشد جمعیت کشور در این سال به ۱/۲۹ درصد کاهش یافت[۱] و جمعیت کشورمان به ۷۵ میلیون نفر رسید.

در جدول ۱ و نمودار ۲ تحولات درصد رشد جمعیتی ایران طی چند دهه اخیر به تفکیک مناطق شهری و روستایی نشان داده شده است. این آمار نشان می‌دهد درصد رشد سالانه روند نزولی پرشتابی را طی کرده است. افزون بر این، با وجود افزایش تعداد کل جمعیت، منفی شدن نرخ رشد جمعیت در روستاها شتاب زیادی داشته؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از روستاها خالی از سکنه شده است.

جدول (۱): تحولات درصد رشد سالانه جمعیت ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰[۲]

دوره سرشماری	مناطق شهری	مناطق روستایی	کل
۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵	۵/۰۲	۲/۱۳	۳/۱۳
۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵	۴/۹۳	۱/۱۱	۲/۷۱
۱۳۶۸۱-۱۳۸۸	۸/۱۳	۱/۴۷	۳/۲۸



۱. بنگرید به: «سری‌های زمانی جمعیت»، نقل از درگاه ملی مرکز آمار ایران به نشانی: www.Amar.org.ir.

۲. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۹۰ـ ۱۳۳۵.

نمودار (۲): تحولات درصد رشد جمعیتی ایران طی چند دهه اخیر

در صورت تداوم این روند کاهشی در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۱۰ رشد سالانه جمعیت ایران به کمتر از یک درصد می‌رسد. همچنین آمار سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که در بیشتر از ۲۲ استان کشور، میزان باروری کل در حد زیر سطح جانشینی بوده است که استمرار آن به‌معنای عدم جایگزینی فرزندان با پدر و مادر در نسل بعدی است؛ معضلی که موجب تغییر ساختار سنی جمعیت کشور در آینده نزدیک می‌شود.

نمودار شماره ۲ تحولات نرخ باروری، میزان مرگ‌ومیر عمومی و امید به زندگی را در سال‌های ۱۳۹۰ - ۱۳۵۵ نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، میزان باروری کل به‌صورت چشمگیری کاهش یافته است. به موازات آن در همین بازه زمانی مرگ‌ومیر عمومی نیز کاهش، و امید به زندگی افزایش چشمگیری داشته است.

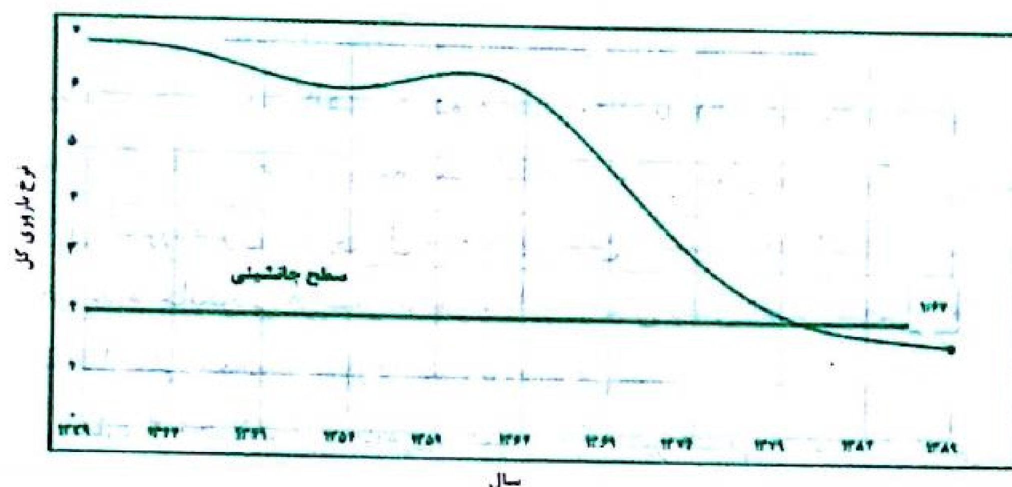
جدول (۲): نرخ باروری کل، میزان مرگ‌ومیر عمومی و امید به زندگی از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

سال	نرخ باروری کل	میزان مرگ‌ومیر عمومی (در هزار نفر)	امید به زندگی
۱۳۵۵	۶/۰۸	۱۱/۵	۵۴
۱۳۶۵	۶/۳	۸	۵۹
۱۳۷۵	۲/۵۲	۷	۶۷
۱۳۸۵	۱/۸۹	۶/۵	۷۱
۱۳۹۰	۱/۷۵	۶/۱	۷۲

همان‌گونه که در نمودار ۳ مشاهده می‌کنید، روند نزولی نرخ باروری کل[1] در ایران در سال‌های اخیر بسیار پرشتاب بوده است؛ آن‌گونه که نیکولاس ابرشتات، محقق آمریکایی، آن را یکی از سریع‌ترین و چشمگیرترین آمارهای کاهش نرخ باروری در تاریخ بشر می‌داند. این محقق خاطرنشان می‌کند که در طول سه دهه گذشته نرخ باروری در کل جهان ۳۳ درصد، در جهان اسلام ۴۱ درصد و در کشور ایران حدود ۷۰ درصد کاهش یافته است.[2]

۱. نرخ باروری کل عبارت است از: تعداد متوسط فرزندان زنده متولدشده به ازای یک زن.

2. Eberstadt 2013, on Fertility Decline in the Muslim World: A Vertible Sea-Change, Still Curiously Unnoticed.



نمودار (۳): روند تغییرات نرخ باروری کل طی سال‌های مختلف

گزارش آینده‌پژوهانه سازمان ملل که براساس تحولات اخیر جمعیتی کشور انجام شده است، دورنمایی از تغییرات جمعیتی ایران و روند شتابان کاهش نرخ رشد را نشان می‌دهد. این محاسبات پیش‌بینی می‌کند درصورتی‌که نرخ باروری ایران به همین صورت ادامه پیدا کند، نرخ باروری کل هر زن از ۱/۸ فرزند در سال ۱۳۹۰ به یک فرزند در سال ۱۴۲۰ کاهش می‌یابد و جمعیت کشور در آن سال به حدود ۷۷ میلیون نفر و نرخ سالخوردگی به ۲۵ درصد جمعیت کل کشور می‌رسد.[1] طبق آمارهای سازمان ملل در سال ۲۰۱۲ م کشور ایران در سال ۲۰۵۰ جزو پیرترین کشورها خواهد شد و از میانگین سنی جهان در آسیا، آمریکا و آمریکای لاتین نیز پیرتر خواهد شد. این در حالی است که در زمان انتشار این آمار (۲۰۱۲ م) ایران با نسبت سالمندی ۸٪ جزو جوان‌ترین کشورها بوده است.[2]

هفت. ظرفیت و تراکم جمعیتی

در ادامه بررسی تحولات جمعیت در ایران باید به موضوع «ظرفیت جمعیتی» کشور نیز توجه شود. منظور از ظرفیت جمعیتی، تعداد جمعیتی است که یک محیط طبیعی با تمام خصوصیاتش، نیازهای آن را کاملاً تأمین کند. ظرفیت و توان جمعیتی هر کشوری را می‌توان با توجه به منابع و امکانات مختلفی همچون زمین‌های قابل کشت، حاصلخیزی خاک،

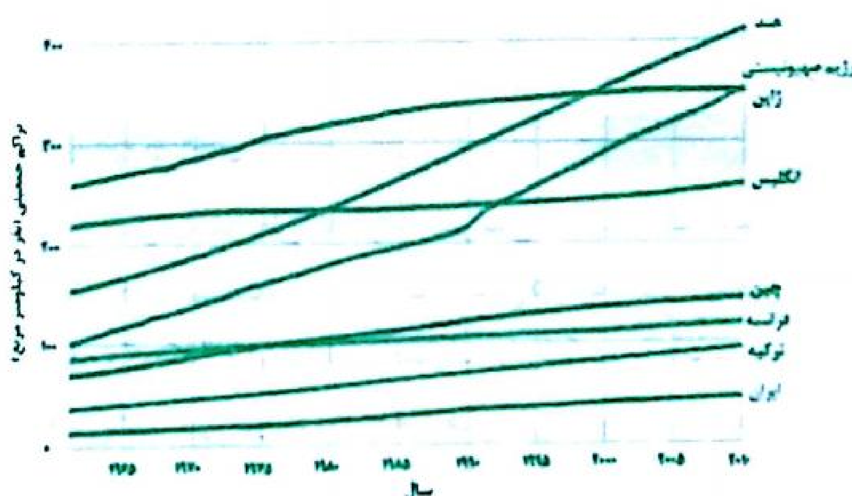
۱. مرکز تحقیقات زن و خانواده، **تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها**، ص ۱۸ - ۱۶؛ نیز: Address: http://esa.un.org/unpd/wpp/Exsel_Data/Population.htm.

۲. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ایران و بحران سالمندی.

میزان بارندگی، معادن و ذخایر زیرزمینی و میزان توسعه صنعتی و تکنولوژیک مشخص کرد.

ایران دومین دارنده منابع گاز و سومین دارنده منابع نفت جهان است و حدود ۲ درصد از کل منابع معدنی دنیا را در اختیار دارد و دارای زمین‌های کشاورزی وسیع و منابع آبی فراوانی است؛ درحالی‌که یک درصد از کل جمعیت جهان را در خود جای داده است.

یکی از شاخص‌های جمعیتی برای نشان دادن ظرفیت جمعیتی یک کشور، محاسبه تراکم‌های حسابی[1] و بیولوژیک[2] است. در حال حاضر، تراکم حسابی جمعیت در ایران حدود ۴۵ نفر در هر کیلومتر مربع است؛ حال آنکه در آسیا حدود ۱۲۰ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد. در ارمنستان و آذربایجان، تراکم جمعیتی نزدیک به ۱۰۰ نفر، در ژاپن نزدیک به ۳۳۶ نفر و در کره شمالی ۱۹۷ نفر در هر کیلومتر مربع است. همان گونه که در نمودار ۴ مشاهده می‌کنید، ایران در مقایسه با کشورهای آسیایی جزو کشورهای کم‌تراکم جمعیتی محسوب می‌شود.



نمودار (۴): تغییرات تراکم جمعیتی چند کشور طی دهه‌های اخیر

از سوی دیگر، اگر تراکم بیولوژیک را مبنای محاسبه قرار دهیم، این شاخص نیز در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان کمتر است. متوسط تراکم بیولوژیک در ایران نزدیک به ۴ نفر در هر هکتار است، اما این نرخ در استان‌های مختلف کشور تفاوت‌های عمده‌ای دارد. برای نمونه، تراکم بیولوژیک استان مازندران ۸/۱، اصفهان ۱۰/۷۵، آذربایجان شرقی ۲/۷۳ نفر و تهران ۶۰/۷۳ در هر هکتار زمینِ قابل کشت است. بنابراین

---

۱. تراکم حسابی عبارت است از نسبت کل جمعیت به مساحت منطقه با مقیاس کیلومتر مربع.

۲. تراکم بیولوژیک یا زیستی عبارت است از: نسبت کل جمعیت به مساحت زمین‌های قابل کشت.

با توجه به وضعیت تراکم حسابی و بیولوژیک، مشکل کنونی جمعیت ایران کثرت جمعیت نیست، بلکه توزیع نامتوازن آن و تمرکز حدود ۱۶ درصد جمعیت آن در کلان‌شهر تهران است.[۱] ایران در مرحله انتقال شهری بوده و دارای رشد شتابان شهرنشینی است. سرشماری سال ۱۳۹۰ نشان داد که نسبت جمعیت شهری به روستایی ۷۱ به ۲۹ درصد بوده است. این در حالی است که همین ثبت در سرشماری مربوط به دهه ۱۳۶۰ کاملاً معکوس بوده؛ یعنی جمعیت روستانشین در ایران نزدیک به ۷۰ درصد و جمعیت شهرنشین حدود ۳۰ درصد گزارش شده است. گسترش نظام شهرنشینی و رشد سریع روند آن در کشور پیامدهایی داشته؛ ازجمله: معضل مسکن، بیکاری پنهان، مسائل زیست‌محیطی، گسترش بی‌رویه سکونتگاه‌های غیررسمی و مناطق حاشیه‌نشین، ناسازگاری شبکه‌های اجتماعی و فرهنگی مهاجران در شهرهای میزبان و نیز متورم شدن ناعادلانه امکانات و خدمات در کلان‌شهرها.

هشت. پنجره جمعیتی

در علم جمعیت‌شناسی به شرایطی که در ساختار سنی جمعیت یک کشور تعداد جوانان و افراد فعال در سنین کار (جمعیت تولیدکننده بین سنین ۱۵ تا ۶۵ سال) به‌صورت چشمگیری بیشتر از سالمندان، کودکان و نوجوانان (جمعیت مصرف‌کننده) باشند، اصطلاحاً «پنجره جمعیتی» گفته می‌شود. این شرایط، نتیجه کاهش باروری و تغییر در توزیع و ترکیب سنی جمعیت است. به‌وجود آمدن پنجره جمعیتی، فرصت مغتنمی برای رشد و توسعه کشور در ابعاد مختلف است که باید از آن به‌خوبی بهره برد؛ چراکه به‌آسانی تکرار نمی‌شود، آن‌گونه که شاید بتوان گفت در عمر هر ملت ممکن است فقط یک بار تجربه شود.[۲]

بررسی‌های برخی محققان گویای آن است که جهش اقتصادی برخی کشورهای آسیای شرقی، بیش از هر عاملی، مرهون استفاده مناسب از فرصت پنجره جمعیتی بوده است. علاوه بر توجه اقتصادی ویژه به پدیده پنجره جمعیتی، این شرایط می‌تواند فرصتی

---

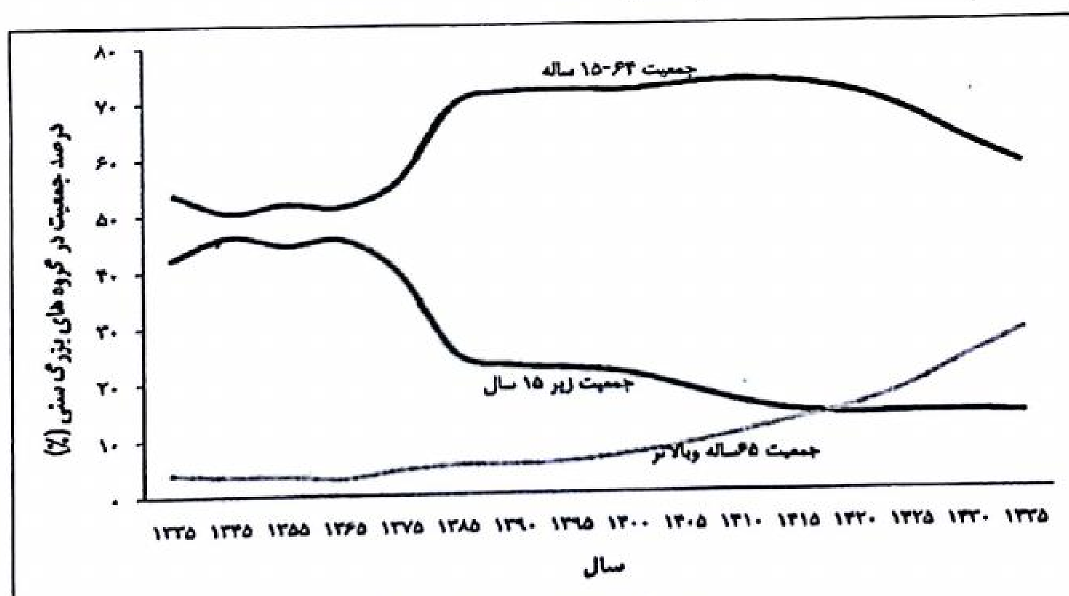
۱. محمودی، بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران، ص ۱۸.

۲. مشفق، بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران؛ میرزایی، «برنامه‌های توسعه، رویدادهای سیاسی بین‌الملل و جهت‌گیری مباحث جمعیت‌شناختی در قرن بیستم»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران.

مناسب برای پیشرفت ملت در همه ابعاد علمی، فرهنگی، رفاهی و تربیتی باشد که البته این امر مستلزم اتخاذ سیاست‌ها و تدوین و اجرای برنامه‌های مناسب و دقیق است.

چنان‌که در نمودار ۵ آمده، ایران با تغییر ساختار سنی از حدود سال ۱۳۸۵ وارد پنجره جمعیتی شده است که حداکثر سه دهه به طول می‌انجامد. گفتنی است سال‌های اول دهه نود که جمعیت جوان کشور (متولدین دهه ۱۳۶۰) در بالاترین سطح خود قرار دارد، بهترین وضعیت آن است.

این ساختار سنی طلایی در کنار سایر ظرفیت‌ها و منابع موجود در کشور می‌تواند شرایط ویژه‌ای برای توسعه و پیشرفت پرشتاب ایجاد کند. بی‌تردید بهره‌مندی از فرصت در گرو تعجیل در سیاست‌گذاری و هوشمندی در برنامه‌ریزی‌هاست تا با گام‌های بلند، آینده مقتدری برای نسل‌های بعد ایجاد شود.



نمودار (۵): پنجره جمعیتی ایران[1]

نه. سیاست‌های جمعیتی

رونق اقتصادی، پیشرفت علمی و تکامل فنی و صنعتی هر جامعه بیش از هر چیز با توانایی هوشی، دانش، کوشش و خلاقیت اعضای آن ارتباط دارد. اما دانش، کوشش و خلاقیت هر جمعیت در گرو سلامت جسمی و روحی، آمادگی ذهنی و هوشی و انگیزه تلاش آنهاست.

۱. صادقی، برآورده‌های جمعیتی سازمان ملل، ص ۱۲۳.

هر جامعه همان‌گونه که برای سامان دادن منابع طبیعی و مادی خود و استفاده از آن برنامه‌ریزی می‌کند، برای پرورش جمعیت خود و بهره‌وری بهینه از توان جسمی و روحی آن نیز باید برنامه‌ای مدون داشته باشد. تهیه چنین برنامه‌ای مستلزم اتخاذ نوعی سیاست جمعیتی است. تدوین و اجرای سیاست‌های جمعیتی، امروزه جزئی از برنامه ملی توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورها تلقی می‌گردد. البته سیاست‌های جمعیتی به سیاست‌های مرتبط با زاد و ولد و باروری محدود نمی‌شود. هر سیاستی را که به‌گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم بر ویژگی‌های کمّی و حتی کیفی جمعیت تأثیر بگذارد، می‌توان سیاست جمعیتی نامید. سیاست‌های توزیع جمعیت، سیاست‌های مهاجرتی و حتی خط‌مشی‌هایی که در جهت بهبود کیفیت جمعیت‌هاست، در زمره سیاست‌های جمعیتی به‌شمار می‌آیند.

ده. تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران

در قانون برنامه اول توسعه در زمینه خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور چنین آمده است:

> بر مبنای بررسی‌های به‌عمل آمده، اعمال سیاست تعدیل موالید از ۶/۴ مولود زنده به دنیا آمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ به ۲/۳ درصد در همین مدت با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه، امکان‌پذیر خواهد بود.

با وجود تعیین این ارقام در برنامه مذکور، نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ کشور نشان داد رشد جمعیتی کشور ۱/۲۹ درصد و متوسط میزان باروری کل کشور حدود ۱/۷ فرزند به ازای هر زن اعلام شده است. این انحراف قابل توجه و پیشی گرفتن از اهداف قانون برنامه توسعه، ضرورت تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی کشور را روشن می‌کند.
با توجه به مشکلات جمعیتی موجود و پیش رو و روند کاهش نیروی جوان و بانشاط در کشور، در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ «سیاست‌های کلی جمعیت» براساس بند یک

اصل ۱۱۰ قانون اساسی پس از مشورت با مجمع تشخیص نظام، از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ابلاغ گردید. این سیاست‌ها عبارت است از:

۱. ارتقا، پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی؛

۲. رفع موانع ازدواج، تسهیل و ترویج تشکیل خانواده و افزایش فرزند، کاهش سن ازدواج و حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد؛

۳. اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران به‌ویژه در دوره بارداری و شیردهی، پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهادها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط؛

۴. تحکیم بنیان و پایداری خانواده، با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری و با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی - ایرانی و نیز توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری؛

۵. ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی - ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی؛

۶. ارتقای امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه اعتیاد، سوانح، آلودگی‌های زیست‌محیطی و بیماری‌ها؛

۷. فرهنگ‌سازی برای تکریم سالمندان و ایجاد شرایط لازم برای تأمین سلامت و نگهداری آنان در خانواده و پیش‌بینی سازوکار لازم برای بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های سالمندان در عرصه‌های مناسب؛

۸. توانمندسازی جمعیت در سن کار با فرهنگ‌سازی و اصلاح، تقویت و سازگار کردن «نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی - حرفه‌ای و تخصصی» با نیازهای جامعه و استعدادها و علایق آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد؛

۹. بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، متناسب با ظرفیت زیستی با تأکید بر تأمین آب، با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیت؛

۱۰. حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم‌تراکم و ایجاد مراکز جدید جمعیتی .به‌ویژه در جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان .از طریق توسعه شبکه‌های زیربنایی، حمایت از سرمایه‌گذاری و تشویق آن و نیز ایجاد فضای کسب و کار با درآمد کافی؛

۱۱. مدیریت مهاجرت به داخل و خارج هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت، با تدوین و اجرای سازوکارهای مناسب؛

۱۲. تشویق ایرانیان خارج از کشور برای سرمایه‌گذاری در داخل و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان؛

۱۳. تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی ایرانی، اسلامی، انقلابی و ارتقای وفاق و همگرایی اجتماعی در پهنه سرزمینی به‌ویژه در میان مرزنشینان و ایرانیان خارج از کشور؛

۱۴. رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمّی و کیفی با ایجاد سازوکار مناسب، تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی و نیز انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه انسانی.

ناباروری

امروزه یکی از مشکلات جمیعتی ایران، ناباروری بسیاری از زوج‌های ایرانی است که این امر افزون بر آثار نامطلوب اجتماعی، بر روابط همسران نیز تأثیر منفی می‌گذارد. ازاین‌رو در انتها به این بحث و راه‌های درمان آن پرداخته می‌شود.

یک. علل ناباروری

ناباروری به‌معنای ناتوانی زن یا مرد در بچه‌دار شدن است که در ۱۰ تا ۱۵٪ از زوج‌ها دیده می‌شود. علل آن نیز می‌تواند ناشی از مشکل فیزیولوژیک در زن یا مرد یا هردو باشد.[۱]

---

۱. علل ناباروری عبارت است از:

- علل مردانه: اشکال در کمیّت و کیفیت اسپرم؛

- علل زنانه: عدم تخمک‌گذاری، انسداد لوله‌های رحمی، سابقه عفونت‌های دستگاه تناسلی و نیز اشکال آناتومیک در دستگاه تناسلی؛

۴۰٪ از علل ناباروری مربوط به مردان، ۴۰٪ مربوط به زنان، ۱۰٪ مربوط به هردو و ۱۰٪ نیز نامشخص است. بسیاری از این علل با انجام آزمایش‌های ساده قابل تشخیص است. امروزه با تکنیک‌های پیشرفته و جدید، راه‌های درمانی بسیاری برای درمان ناباروری وجود دارد. خوشبختانه این دانش در سطح بالایی به شکل بومی در کشورمان توسعه یافته؛ به‌گونه‌ای که بیشتر روش‌های درمانی با درصد قابل توجهی از موفقیت در مراکز درمانی خودمان اجرا می‌شوند. در ادامه عوامل مؤثر بر ناباروری را برمی‌رسیم.

دو. عوامل مؤثر بر ناباروری

۱. تغذیه ناسالم

یک رژیم غذایی صحیح همراه با فعالیت بدنی متعادل و نیز کنترل وزن، در ایجاد تخمک‌گذاری منظم و افزایش قدرت باروری زنان مؤثر است. همچنین مصرف ویتامین‌های E و C، اسیدفولیک و روی برای تولید تخمک بسیار اثرگذار است. مصرف ویتامین A نیز در بهبود عملکرد غدد تولیدمثل مؤثر است. ویتامین‌های گروه B نیز برای تنظیم عملکرد غدد جنسی ضروری هستند.

در مقابل، تغذیه ناکافی و ناسالم می‌تواند تأثیر بسیار نامطلوبی بر سیستم باروری بگذارد و حتی عاملی برای ناباروری مردان و زنان گردد. هر ماده غذایی که کالری بیهوده به بدن تحمیل کند، یک ماده غذایی ناسالم محسوب می‌شود. فست فودها، انواع کنسروها، سوسیس، کالباس، چیپس، پفک، نوشابه‌های گازدار، مواد رنگی خوراکی‌ها و بسیاری از شیرینی‌ها و مواد قندی، از این جمله‌اند.

۲. مواد فریزشده

یکی از راه‌های نگهداری مواد غذایی، فریز کردن آنهاست. مدت ماندگاری مواد غذایی در فریزر -هرچند با فریز کردنِ اصولی آنها همراه باشد- به‌ظاهر تأثیری بر عطر و طعم و بوی

- علل غیرقابل توجیه: عدم شناسایی علت زنانه یا مردانه برای آن.

آنها ندارد، اما بر ارزش غذایی آنها تأثیر می‌گذارد؛ به‌ویژه اگر بسته‌بندی نامناسب باشد، یا مواد غذایی بیش از زمان استاندارد در فریزر نگهداری شود.

یکی از آثار منفی فریز کردن مواد غذایی، از بین رفتن «سلنیوم» است. سلنیوم در تقویت تولیدمثل، افزایش باروری مرد و رشد جنین مؤثر است. غذاهایی که به‌صورت فرآوری‌شده درآیند (کنسرو، دودی یا فریزشده)، سلنیوم آنها از بین می‌رود.

از نظر طب اسلامی نیز علت عمده ناباروری در زن و مرد، غلبه سردی است که موجب ناتوانی رحم و ضعف اسپرم می‌شود. علت سردی زیاد بدن، استفاده از غذاهای مانده، فریزشده، آماده (فست فود) و فرآوری‌شده (کنسروشده، سوسیس، کالباس و ...) است.

۳. شرایط روحی و روانی

استرسِ محیطی موجب کاهش تخمک‌گذاری و همچنین افسردگی و اضطراب خواهد شد و بر مغز زنان اثر نامطلوبی خواهد داشت که در نهایت سبب تغییر در میزان هورمون‌های اصلی بدن و درنتیجه موجب ناباروری می‌گردد.

۴. نوع لباس

پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان در مردان، سبب بالا رفتن دمای بیضه و باعث آسیب رسیدن به اسپرم‌ها می‌شود. این کار علاوه بر کاهش قدرت باروری، با تحت فشار قرار دادن بیضه‌ها، خون‌رسانی به آنها را نیز مختل می‌کند. همچنین پوشیدن شلوار تنگ در زنان چه‌بسا افزون بر عفونت‌های مثانه، با کاهش خون‌رسانی به تخمدان، در درازمدت موجب بروز کیست تخمدانی شود و عفونت‌های قارچی دستگاه تناسلی را به‌دنبال آورد.

۵. فعالیت‌های ورزشی

تحرک کافی و ورزش، در کلیه مراحل بارداری، تغییرات خاص سن بلوغ و عوارض مربوط به دوران سالمندی نقش ویژه‌ای دارد. زنانی که تحرک کافی دارند، در دوران بارداری با مشکلات کمتری مواجه می‌شوند. اضافه وزن نه‌تنها بر قدرت باروری زوج‌ها، بلکه بر سلامت نوزادی که در آینده متولد می‌شود نیز اثرگذار است. زنان چاق با ورزش در حد

متعادل، چربی اضافی بدن خود را از بین می‌برند و در هورمون‌های جنسی آنها تعادل ایجاد می‌گردد. البته ورزش بیش از حد متعادل نیز برای باروری مضر است.

۶. تکنولوژی

توسعه سریع علم و تکنولوژی و پیشرفت در صنعت برق، موجودات زنده ازجمله انسان را تحت تابش طیف وسیعی از میدان‌های الکترومغناطیسی (حاصل از وسایل برقی، ازجمله خطوط انتقال نیروی برق با ولتاژ زیاد، کامپیوتر شخصی، فر برقی، تلویزیون و یخچال) قرار داده است.

آنتن‌های BTS تلفن همراه نیز به‌دلیل آنکه از خود تشعشعات الکترومغناطیسی ساطع می‌کنند، برای انسان خطرساز هستند. قرار گرفتن در معرض امواج این آنتن‌ها برای مدت طولانی و حتی در فواصل کوتاه خطرناک است و عوارض ثابت‌شده‌ای ایجاد می‌کند؛ ازجمله سردرد، سرگیجه، افزایش فشار خون و مشکلات و تحریکات عصبی. این امواج همچنین می‌توانند بر تولید نطفه اثرگذار باشند. افرادی که بیشتر در معرض این امواج باشند، امکان ناباروری در آنها بیشتر خواهد شد.

رایانه‌های کیفی نیز یکی از منابع میدان‌های الکترومغناطیسی به‌شمار می‌رود. بسیاری از افراد، این رایانه‌ها را در هنگام استفاده روی پاهای خود قرار می‌دهند که این شیوه به‌ویژه در نوجوانان و جوانان ممکن است موجب بروز برخی اختلالات شود؛ ازجمله در اسپرماتوژنز (سلول جنسی مردانه). افزون بر این، میدان‌های مغناطیسی ناشی از رایانه‌های کیفی می‌تواند از طریق تأثیر بر میزان تحرک اسپرم‌ها، قابلیت‌های تولیدمثلی را دچار اختلال کند.

۷. موادمخدر و مشروبات الکلی

از سال‌ها قبل، تأثیر مخرب و منفی موادمخدر بر سلامت عمومی بدن به‌روشنی ثابت شده است. امروزه نیز اثبات شده که مصرف این مواد، تأثیر مستقیمی بر سلامت جنسی مرد و زن و قدرت باروری آنها دارد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعتیاد مادران باعث کاهش رشد جنین، زایمان زودرس، احتمال سقط جنین و مشکلات تنفسی در او، فشار خون بالا، پایین بودن وزن نوزاد هنگام

تولد، تولد نوزاد مرده، جدا شدن زودرس جفت و سندرم مرگ ناگهانی می‌شود.
مشروبات الکلی نیز می‌تواند از جنبه روانی، جسمانی، رفتاری و ارتباطی بر زندگی جنسی افراد تأثیر بگذارد و سبب ایجاد آثار نامطلوبی بر نسل گردد. الکل همچنین بر روابط جوانان در اجتماع اثر بسیار نامطلوبی دارد و موجب تحریکات بی‌موقع و نامنظم جنسی و شیوع بیماری‌های مقاربتی می‌شود.
مصرف الکل در زنان، با ایجاد بی‌نظمی در چرخه تولیدمثل، موجب تقلیل استعداد باروری و کاهش عملکرد تخمدان می‌شود و با ایجاد اختلال در سیکل قاعدگی، موجب عدم باروری یا سقط جنین و رشد نامناسب جنین می‌گردد. مصرف الکل در مردان نیز با کاهش تعداد و حرکت اسپرم و کاهش سطح تستوسترون، ناتوانی جنسی را به‌دنبال می‌آورد.

۸. مصرف سیگار

ماده اصلی و اولیه تشکیل‌دهنده سیگار، قلیان و چپق «نیکوتین» است. این ماده، منقبض‌کننده‌ای قوی برای عروق بوده و ایجادکننده تصلب شرائین (کاهش‌دهنده خون‌رسانی به عضو) است. مصرف این ماده سمی در مردان گاهی با ایجاد اختلالات هورمونی و اشکال در اسپرماتوژنز همراه است که موجب تولید اسپرم غیرنرمال و کاهش تعداد و تحرک اسپرم می‌شود.
مصرف سیگار در زنان می‌تواند علاوه بر ایجاد سرطان رحم، به تولید تخمک با مشکلات ژنتیکی، ناباروری و سقط جنین بینجامد. نیکوتین بر جنین نیز تأثیر می‌گذارد و احتمال لب شکری شدن و شکاف کام، هیدروسفالی (جمجمه بزرگ) و میکروسفالی (جمجمه کوچک) را چند برابر افزایش می‌دهد.
قلیان نیز به‌علت داشتن توتون و تنباکو، بر باروری مردان و زنان تأثیرات سوء دارد. ترکیب دود حاصل از قلیان با بخار آب، اثر مخربی بر فرد و به‌ویژه بر جنین می‌گذارد.

۹. مواد شیمیایی

با صنعتی شدن جوامع و تغییر شیوه زندگی، به‌مرور بر انواع عوامل خطرساز محیطی افزوده

شده که این موجب بروز اختلالاتی در فرایند باروری گشته است. استفاده از هورمون‌ها و داروهای گوناگون در صنعت پرورش دام و طیور و وجود بقایای آنها در محصولات لبنی و گوشتی، عادات تغذیه‌ای و رژیم‌های غذایی نامناسب و نیز کمبود آنتی اکسیدان‌ها و عناصری نظیر روی، سلنیوم و مس در رژیم غذایی روزانه، ازجمله عوامل ناباروری است. فلزات سنگین همچون سرب نیز می‌توانند از سه راه هوا، آب و غذا وارد بدن انسان شوند و با تأثیر بر سلول‌ها یا هورمون‌های جنسی موجب ناباروری گردند. جذب سرب از هفته دوازدهم تا پایان دوران حاملگی از طریق جفت انجام می‌گیرد. سقطِ خودبه‌خود، پارگی زودرس مامبران‌ها (پرده‌های جنینی)، زایمان زودرس، مرده‌زایی و کندی در رشد ذهنی طفل، از تأثیرات سرب به‌شمار می‌رود.

۱۰. روش‌های پیشگیری از حاملگی

هرچند روش‌های پیشگیری از حاملگی با هدف پیشگیری موقت از بارداری انجام می‌پذیرد، در مواردی ممکن است به ناباروری دائمی بینجامد. برای نمونه، وازکتومی یک عمل جراحی و یک روش دائمی برای جلوگیری از بارداری در مردان است. اگر فردی پس از انجام وازکتومی پشیمان گردد و خواهان باز کردن مجدد مجرا شود، این امر از طریق لاپاراسکوپی و جراحی ظریف پلاستیک، آن هم با احتمال موفقیت خیلی ضعیف ممکن خواهد بود. مؤلفه مهم در این عمل جراحی، زمان است که هرچه فرد سریع‌تر برای جراحی اقدام کند، شانس بیشتری خواهد داشت، ولی اگر چندین سال از انجام جراحی وازکتومی گذشته باشد، شانس موفقیت عمل و در نتیجه امکان باروری پایین‌تر است و حتی گاه به صفر می‌رسد. شایان ذکر است شیوه زایمان نیز در امکان بچه‌دار شدن مؤثر است. ازاین‌رو، سزارین امکان تعدد بارداری را محدود می‌کند.

۱۱. سن

تمایل به دیر بچه‌دار شدن و استفاده از روش‌های پیشگیری از حاملگی به مدت طولانی می‌تواند اصل باروری را به خطر بیندازد. زنان در سنین ۲۰ تا ۲۴ سالگی بالاترین قابلیت باروری را دارند. طی تحقیقات صورت‌گرفته، هرچه بارداری و زایمان زودتر اتفاق بیفتد،

احتمال نازایی ثانوی، سرطان‌های تخمدان و پستان، یائسگی زودرس و عوارض مربوط به آن از قبیل پوکی استخوان، بیمارهای قلبی -عروقی و فشار خون کمتر است.[1]

سه. درمان ناباروری

مراحل بارداری زن را می‌توان چنین برشمرد:

۱. تخمدان‌های زن باید تخمک سالمی آزاد کنند تا بتوانند از لوله‌های رحم (لوله‌های فالوپ) به‌سوی رحم جابه‌جا شوند.

۲. اسپرم مرد باید بتواند خود را به لوله‌های رحم (لوله‌های فالوپ) برساند.

۳. اسپرم و تخمک باید با هم درآمیزند تا تخمک بارورشده (تخم) به‌وجود آید.

۴. تخم باید بتواند خود را به دیواره رحم پیوند دهد و از رگ‌های آن غذا دریافت کند تا جنین رشد کند و برای پا نهادن به دنیای بیرون آماده شود.

هرگونه نارسایی در هریک از این مراحل می‌تواند باعث ناباروری شود.

امروزه اگر پس از یک سال رابطه زناشویی منظم و صحیح، بارداری اتفاق نیفتد، ابتدا علت ناباروری شناسایی می‌شود. برای این کار در آغاز شرح حال بیمار بررسی می‌شود. ازاین‌رو، سؤالاتی درباره اختلال در عملکرد جنسی زن و شوهر، طول ناباروری و نتایج درمان قبلی، سابقه جراحی‌هایی که فرد انجام داده و نتایج آن، داروهایی که بیمار مصرف می‌کند و آلرژی‌هایی که دارد، شغل بیمار، مصرف موادی که می‌تواند بر ناباروری مؤثر باشد و سابقه فامیلی ناهنجاری‌های مادرزادی پرسیده می‌شود. سپس زن و شوهر معاینه فیزیکی می‌شوند و از آنها تست‌های غربالگری گرفته می‌شود.

پس از روشن شدن علت ناباروری، درمان آن آغاز می‌شود. این درمان‌ها عبارت است از: دارودرمانی، هورمون‌درمانی، عمل جراحی یا ترکیبی از آنها. در مواردی نیز بر تغییر روش زندگی تأکید می‌شود. برای نمونه، ازآنجاکه چاقی می‌تواند در ناباروری مؤثر باشد، کاهش وزن از طریق اصلاح تغذیه همراه با انجام فعالیت فیزیکی منظم، مانند ورزش روزانه با شدت متوسط (همچون پیاده‌روی سریع) توصیه می‌شود.[2]

---

۱. بنگرید به: نامجو، سلامت و باروری از نگاه پزشکی.

۲. بنگرید به: اسپیروف، اندوکرینولوژی بالینی و ناباروری، ج ۲ - ۱.

نمودار مطالب فصل

جمعیت

- ۱. تعریف جمعیت و جمعیت‌شناسی
- ۲. روند تحولات جمعیتی در جهان
- ۳. دیدگاه‌های مختلف درباره جمعیت
- ۴. جمعیت و نظام سلطه
- ۵. عوارض و چالش‌های کاهش جمعیت و افزایش نرخ سالمندی
  - ۱. پیامدهای اقتصادی
  - ۲. پیامدهای فرهنگی ـ اجتماعی
  - ۳. پیامدهای سیاسی ـ امنیتی
- ۶. سیر تحولات جمعیت در ایران
- ۷. ظرفیت و تراکم جمعیتی
- ۸. پنجره جمعیتی
- ۹. سیاست‌های جمعیتی
- ۱۰. تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران

ناباروری

- ۱. علل ناباروری
- ۲. عوامل مؤثر بر ناباروری
  - ۱. تغذیه ناسالم
  - ۲. مواد فریز شده
  - ۳. شرایط روحی و روانی
  - ۴. نوع لباس
  - ۵. فعالیت‌های ورزشی
  - ۶. تکنولوژی
  - ۷. مواد مخدر و مشروبات الکلی
  - ۸. مصرف سیگار
  - ۹. مواد شیمیایی
  - ۱۰. سن
- ۳. درمان ناباروری

◆ **پرسش**

۱. مراحل انتقالی جمعیت در جهان را توضیح دهید.
۲. سیر تحولات جمعیت در ایران را پس از پیروزی انقلاب اسلامی شرح دهید.
۳. کاهش جمعیت جوان و افزایش سالمندان در ایران چه پیامدهای منفی اجتماعی دارد؟
۴. برخی کشورها با اِعمال سیاست‌هایی درصدد افزایش نرخ باروری هستند. کدام‌یک از این سیاست‌ها برای ملت ایران قابل الگو گرفتن است؟

◆ **منابعی برای مطالعه بیشتر**

۱. اکرم حسینی مجرد، **جمعیت ایران؛ افزایش یا کاهش؟**، تهران، انتشارات دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲. حاتم حسینی، «گذار جمعیت‌شناختی در ایران»، **مجموعه مقالات همایش تحلیل روندهای جمعیتی کشور**، تهران، انتشارات مرکز آمار.
۳. حسن رهبری، **اسلام و سامان‌دهی جمعیت**، قم، بوستان کتاب.
۴. رسول صادقی و غلامعلی فرجادی، «پنجره جمعیتی: فرصت طلایی برای توسعه اقتصادی در ایران»، **همایش جمعیت، برنامه‌ریزی و توسعه پایدار**، تهران، انجمن جمعیت‌شناسی ایران.

منابع
و
مآخذ

۱. **قرآن کریم**، ترجمه محمدمهدی فولادوند.

۲. **نهج‌البلاغه**، شریف الرضی، محمد بن حسین، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.

۳. **نهج‌البلاغه**، شریف الرضی، محمد بن حسین، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین ، ۱۳۸۴.

۴. آذربایجانی، مسعود و دیگران، **روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۲.

۵. آرگایل، مایکل، **روان‌شناسی شادی**، ترجمه مسعود گوهری و دیگران، اصفهان، جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۲.

۶. آیت‌اللهی، زهرا، **مهارت‌های زندگی خانوادگی در آینه آیات و روایات**، قم، معارف، چ ۲، ۱۳۹۰.

۷. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول**، تهران، بین‌الملل، ۱۳۸۷.

۸. احمدی، محمدرضا، **روابط دختر و پسر**، قم، معارف، چ ۴، ۱۳۸۶.

۹. اسعدی، سید حسن، **خانواده و حقوق آن**، مشهد، به نشر، ۱۳۸۷.

۱۰. اعتصامی، پروین، **دیوان اشعار**، تهران، مروارید، چ سوم، ۱۳۹۳.

۱۱. افروز، غلامعلی، **تحصیلات و تفاوت‌های تحصیلی در ازدواج**، تهران، سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱.

۱۲. ـــــ ، **روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.

۱۳. ـــــ ، **سن و تفاوت‌های سنی در ازدواج**، تهران، سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱.

۱۴. الهی قمشه‌ای، محی‌الدین مهدی، **ایوان اشعار**، به کوشش حسین الهی قمشه‌ای، روزنه، چ ۳، ۱۳۷۸.

۱۵. الیزابت، فاکس جنووز، «زنان و آینده خانواده»، **فصلنامه کتاب زنان**، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۸۵.

۱۶. امینی، عبدالحسین، **الغدیر**، بیروت، دار الکتاب العربی، چ ۵، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. ا یمانی، محسن، **ارتباط با خانواده همسر**، تهران، حدیث راه عشق، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۸.
۱۸. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، **عوالم العلوم و المعارف (مستدرک زهرا علیها السلام)**، مصحح محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، مؤسسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. بداغی، فاطمه، **اخلاق و حقوق خانواده**، تهران، انتشارات حدیث راه عشق، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۸.
۲۰. بستان، حسین و همکاران، **اسلام و جامعه‌شناسی خانواده**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
۲۱. بستان، حسین، **خانواده در اسلام**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
۲۲. بلالی، اسماعیل، «رابطه مذهب و خانواده در غرب»، **مطالعات راهبردی زنان**، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۴.
۲۳. بلخی (مولوی)، جلال‌الدین محمد، **مثنوی معنوی** (نسخه رینولد نیکلسون)، به‌اهتمام کاظم دزفولیان، تهران، طلایه، ۱۳۸۰.
۲۴. بهایی، محمد بن حسین، **منهاج النجاح فی ترجمه مفتاح الفلاح**، مصحح حسن حسن‌زاده آملی، تهران، حکمت، چ ۶، ۱۳۸۴.
۲۵. بورنستین، ف، چ، **روش‌های درمان مشکلات زناشویی**، ترجمه حسن توزنده جانی و نسرین کمال‌پور، مشهد، مرندیز، ۱۳۸۰.
۲۶. پناهی، علی احمد، **همسرگزینی، چرا و چگونه؟**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۹۰.
۲۷. پی‌شولتز، دوان و سیدنی آلن‌شولتز، **نظریه‌های شخصیت**، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر ویرایش، ۱۳۸۴.
۲۸. تامپسون، کارلس ال و لینداب رادولف، **مشاوره با کودکان**، ترجمه کرامت کرامتی، ایلاف، ۱۳۸۷.
۲۹. تایبر، ادوارد، **بچه‌های طلاق**، ترجمه توراندخت تمدن، تهران، چکامه، ۱۳۷۲.
۳۰. تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد، **تصنیف غررالحکم و دررالکلم**، قم، انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.

۳۱. جعفریان، حبیبه، **چمران به روایت همسرشهید**، تهران، مؤسسه فرهنگی روایت فتح، ۱۳۷۸.

۳۲. ـــــ، **شهیدبابایی به روایت همسرشهید**، تهران، مؤسسه فرهنگی روایت فتح، چ ۴، ۱۳۷۸.

۳۳. جمعی از محققین، «مطالعه تطبیقی مشوق‌های مالی و حمایتی ایران و کشورهای جهان در جهت افزایش جمعیت»، **شورای فرهنگی اجتماعی زنان**، ۱۳۹۱.

۳۴. ـــــ، **منشور حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی ایران**، تهران، شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۸۳.

۳۵. جن فیست و گریگوری، **نظریه‌های شخصیتی**، تهران، روان، ۱۳۹۲.

۳۶. جهانفر محمد و شایسته جهانفر، **جمعیت و تنظیم خانواده**، تهران، جهاد فرهنگی، چ۷، ۱۳۸۲.

۳۷. جوادی‌آملی، عبدالله، **تفسیرتسنیم**، قم، مؤسسه اسراء، ۱۳۸۹.

۳۸. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، **حقوق تربیتی کودک در اسلام**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.

۳۹. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، **دیوان حافظ**، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، زوار، چ ۱۰، ۱۳۹۰.

۴۰. حرعاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة الی التحصیل مسائل الشریعة**، ج ۱۵، قم، مؤسسه آل‌بیت لاحیاء التراث، ۱۳۷۴ ق.

۴۱. حسابی، ایرج، **استاد عشق**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۸.

۴۲. حسینی، حاتم، **درآمدی برجمعیت‌شناسی اقتصادی ـ اجتماعی و تنظیم خانواده**، همدان، دانشگاه ابوعلی سینا، ۱۳۸۶.

۴۳. دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، **خانواده و مصرف کالاهای فرهنگی جدید**، قم، هاجر، ۱۳۹۳.

۴۴. ـــــ، **نشریه حورا**، تهران، شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ش۴۰، ۱۳۹۰.

۴۵. دلالی اصفهانی، رحیم و رضا اسماعیل‌زاده، «نگرشی نو بر ایده‌های جمعیتی»، **مجله**

علوم اجتماعی، مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۹، ۱۳۸۶.
۴۶. دهنوی، حسین، **نسیم مهر**، قم، خادم الرضا، چ ۱۰، ۱۳۸۴.
۴۷. دورانت، ویل، **تاریخ فلسفه**، ترجمه عباس زریاب، تهران، سازمان آموزش و انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۴۸. دیانت مقدم، مصطفی، **آرامش طوفانی**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۸.
۴۹. دیماتئو، ام. رابین، **روان‌شناسی سلامت**، ترجمه محمد کاویانی و همکاران، تهران، سمت، ۱۳۸۹.
۵۰. رجایی، غلامعلی، **برداشت‌هایی از سیره امام خمینی** ﷺ، تهران، عروج، چ ۲، ۱۳۷۸.
۵۱. رجبی، عباس، **حجاب و نقش آن در سلامت روان**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، چ ۳، ۱۳۸۶.
۵۲. رحیمی‌یگانه، زهرا، **خانواده شاد و بانشاط**، اصفهان، حدیث راه عشق، ۱۳۸۸.
۵۳. رمضانی، اسماعیل، **سواد رسانه‌ای**، تهران، مؤسسه فرهنگ و هنر هدایت میزان، ۱۳۹۳.
۵۴. زارعیان، حسن، **اشاره**، تهران، پیوند اولیا و مربیان، ۱۳۹۲.
۵۵. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، **تحولات جمعیتی ایران؛ عوامل، پیامدها، راهبردها**، قم، مرکز تحقیقات زن وخانواده، ۱۳۹۲.
۵۶. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، حسین بستان، و همکاران، **آسیب‌شناسی خانواده**، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۸.
۵۷. ساروخانی، باقر، **طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۵۸. سالاری‌فر، محمدرضا، **خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی**، تهران، سمت، چ ۵، ۱۳۸۸.
۵۹. سالاری‌فر، محمدرضا، محمدصادق شجاعی، سید مهدی موسوی‌اصل و محمد دولتخواه، **بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.

۶۰. سرایی، حسن، «گذارجمعیتی دوم، با نیم نگاهی به ایران»، **نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، سال ۳، شماره ۶، ۱۳۸۷.

۶۱. ـــــ ، **جمعیت‌شناسی، مبانی و زمینه‌ها**، تهران، سمت، چ ۸ ، ۱۳۹۱.

۶۲. سعدی شیرازی، شرف‌الدین مصلح ابن‌عبدالله، **بوستان**، به تصحیح غلامحسین یوسفی، خوارزمی، تهران، چ ۳، ۱۳۶۸.

۶۳. سعیدی، علی و حسن رستمی، **نکات کاربردی برای والدین در زمینه تربیت کودکان**، مشهد، تمرین، ۱۳۸۷.

۶۴. سنایی غزنویی، ابوالمجد مجدود بن آدم، **دیوان اشعار**، به کوشش بدیع‌الزمان فروزانفر و پرویز بابایی، تهران، نگاه، چ ۴، ۱۳۹۱.

۶۵. شجاعی، محمدصادق، **نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی**، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۹.

۶۶. شرفی، محمدرضا، **اخلاق خانواده**، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.

۶۷. شریفی خضارتی، امیر، **انحرافات جنسی، مطالعه تطبیقی جرم‌شناسی**، تهران، اندیشه عصر، ۱۳۸۸.

۶۸. شهیدی، شهریار، **اصول و مبانی بهداشت روانی**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱.

۶۹. شوازی، عباس و محمدجلال حسینی چاوشی میمنت، «ارزیابی روش فرزندان خود برای برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵»، **نامه علوم اجتماعی**، ۱۳۷۹.

۷۰. ggg. شورای عالی انقلاب فرهنگی، ایران و بحران سالمندی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳.

۷۱. شیلت، وندی و نانسی لی‌دموس، **دختران به عفاف روی می‌آورند**، ترجمه سمانه مدنی و پریسا پورعلمداری، قم، نشر معارف، چ ۳، ۱۳۸۹.

۷۲. صادقی، رسول، «تغییرات ساختار سنی و ظهور پنجره‌ی جمعیتی در ایران: پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاسی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی زنان**، سال ۱۴، ش ۵۵، بهار ۱۳۹۱.

۷۳. صدوق (ابن‌بابویه)، محمد بن علی، **الامالی**، قم، کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲.

۷۴. ـــــ ، **الخصال**، مصصح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ق.

۷۵. ـــــ ، **علل الشرایع**، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵.

۷۶. ـــــ ، **عیون اخبار الرضا**، مصصح مهدی لاجوردی، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ق.

۷۷. ـــــ ، **من لایحضره الفقیه**، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.

۷۸. صفایی، سیدحسین و اسدالله امامی، **مختصر حقوق خانواده**، تهران، میزان، ۱۳۸۴.

۷۹. طاهری، معصومه، **بررسی اسناد بین المللی حقوق زنان**، تهران، شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۸۳.

۸۰. طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الأخلاق**، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.

۸۱. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، **دلائل الامامه**، قم، بعثت، ۱۴۱۳ ق.

۸۲. طوسی، اسدالله، **ارتباط با خداوند در خانواده**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۹.

۸۳. ـــــ ، **همسران شایسته**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۹۱.

۸۴. طوسی، محمد بن الحسن، **امالی**، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۱ ق.

۸۵. عاطف وحید، محمد کاظم، فهیمه فتحعلی لواسانی و احمدرضا محمدپور، **تحکیم پیوند زناشویی**، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۸.

۸۶. عراقی، عزت‌الله، **آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟**، تهران، راهنما، ۱۳۶۹.

۸۷. علاسوند، فریبا، **زن در اسلام**، قم، هاجر، ۱۳۹۰.

۸۸. ـــــ ، **مهارت‌های زندگی با رویکرد دینی**، تهران، سروش هدایت، ۱۳۸۹.

۸۹. علیزاده، میرزا، **مثبت‌اندیشی یا منفی‌نگری**، مشهد، آستان قدس رضوی، چ ۸، ۱۳۹۰.

۹۰. عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، تهران، شهرزاد، ۱۳۸۹.

۹۱. فاتحی، حمیدرضا، «تأثیر فردگرایی و جمع‌گرایی بر روابط اعضای خانواده»، **کتاب زنان**، تهران، ش ۱۱، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۰.

۹۲. فرجاد، محمد حسین، **آسیب‌شناسی ستیزه‌های خانواده و طلاق**، تهران، منصوری، ۱۳۷۲.

۹۳. فرهمند، مریم، «فمینیسم و لزبینیسم»، **فصلنامه کتاب زنان**، تهران، روابط عمومی

شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۴.

۹۴. فرهمند، مریم و آمنه بختیاری، **فمنیسم و خانواده، واگردهای فمنیستی در ازدواج**، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۶.

۹۵. ggg. فریتس، مارک و لئون اسپیروف، **اندوکرینولوژی بالینی و ناباروری**، ترجمه و تدوین الهام السادات هاشمیان نائینی، تهران، تیمورزاده نوین، ۱۳۹۱.

۹۶. فیست جس و گریگوری فیست، **نظریه‌های شخصیت**، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، روان، چ ۹، ۱۳۹۱.

۹۷. فیض‌الاسلام، سید علی‌نقی، **ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه**، تهران، فقیه، ۱۳۷۷.

۹۸. فیض‌کاشانی، محمدمحسن، **دیوان اشعار**، تهران، نشر طلوع و سیروس، ۱۳۶۴.

۹۹. قربانی، فرج‌الله، **قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، دانشور، ۱۳۸۱.

۱۰۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **اصول کافی**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۱۰۱. ـــــ، **کافی**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۱۰۲. کیوویلسون، جمیز، **فمینیسم در آمریکا تا سال۲۰۰۳**، ترجمه معصومه محمدی و پروین قائمی، قم، دفتر معارف، چ ۴، ۱۳۸۶.

۱۰۳. کاتوزیان، ناصر، **دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده**، تهران، یلدا، ۱۳۷۵.

۱۰۴. کید، وارن و لیز استیل، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مهارتی خانواده**، تهران، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۷.

۱۰۵. کی‌نیا، مهدی، **مبانی جرم‌شناسی**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.

۱۰۶. گاردنر، ویلیام، **جنگ علیه خانواده**، ترجمه معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چ ۲، ۱۳۸۷.

۱۰۷. گلزاری، محمود، **ارتباط آگاهانه با جنس مخالف**، تهران، مهر، ۱۳۹۱.

۱۰۸. گیلدر، جرج و برندا هانتر و همکاران، **چه کسی گهواره را تکان خواهد داد؟**، ترجمه سمانه مدنی و آزاده وجدانی، قم، دفتر نشر معارف، چ ۲، ۱۳۹۰.

۱۰۹. لاهوری، اقبال، **پیام مشرق**، تهران، سنایی، چ ۲، ۱۳۶۶.

۱۱۰. لمبروزو، جینا، **روانشناسی زنان** ترجمه پری حسام شهرئیس، تهران، دانش، چ ۷، ۱۳۸۲.

۱۱۱. لیز استیل .وران کید، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مهارتی خانواده**، ترجمه فریبا سیدان و افسانه کمالی، تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا، ۱۳۸۸.

۱۱۲. لیندن، فیلد، **اعتماد به نفس برتر**، ترجمه منصور فهیم، تهران، رهنما، ۱۳۸۶.

۱۱۳. متقی‌فر، غلامرضا، **درآمدی بر نظام اخلاق جنسی در اسلام**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ﷺ، ۱۳۸۸.

۱۱۴. متقی‌هندی، علی بن حسام‌الدین، **کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.

۱۱۵. مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۱۱۰ ق.

۱۱۶. محبی، فاطمه، **بررسی علل و عوامل مؤثر بر طلاق زنان**، تهران، سازمان ملی جوانان، ۱۳۹۰.

۱۱۷. ـــــ، **جامعه‌شناسی تنگنای ازدواج در ایران**، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲.

۱۱۸. محققان سازمان روانشناسی آمریکا، **تأثیر فیمینسیم بر دختران در غرب**، ترجمه رضوی فاطمه، راحله میراسلامی و پریسا پورعلمداری، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۸.

۱۱۹. محمودی، محمدجواد و مهدی احراری، **درآمدی بر اقتصاد جمعیت نگرش‌ها، روش‌ها و یافته‌ها**، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و مرکز مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت، ۱۳۹۲.

۱۲۰. محمودی، محمدجواد، **بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران**، تهران، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، ۱۳۸۹.

۱۲۱. ـــــ، **تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدید نظر در سیاست‌های جمعیتی ایران، برداشت دوم**، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۸۹.

۱۲۲. مرکزآمار ایران، **نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۹۰-۱۳۳۵.**

۱۲۳. مشفق، محمود و محمد میرزایی، «بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران (برنامه‌های توسعه، رویدادهای سیاسی بین‌الملل و جهت‌گیری مباحث جمعیت‌شناختی در قرن بیستم)»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، **فصلنامه جمعیت**، سازمان ثبت احوال کشور، شماره ۷۱ و ۷۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹.

۱۲۴. مشفق، محمود، **بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران**، تهران، مرکز

مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، گزارش طرح پژوهشی، ۱۳۸۹.
۱۲۵. مصباح، علی و دیگران، **روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی**، تهران، حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۴.
۱۲۶. مطهری، مرتضی، **تعلیم و تربیت در اسلام**، تهران، صدرا، ۱۳۸۹.
۱۲۷. ـــــ، **جاذبه و دافعه علی**، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.
۱۲۸. ـــــ، **حقوق زن در اسلام**، تهران، صدرا، ۱۳۷۶.
۱۲۹. ـــــ، **مسئله حجاب**، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.
۱۳۰. مقدادی، محمدمهدی، **ریاست خانواده**، تهران، شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۸۲.
۱۳۱. مهری، سویزی، «بررسی طرح‌ها و سیاست‌های افزایش موالید در کشورهای منتخب و ارائه الگوی متناسب را شرایط ایران»، **شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده**، ۱۳۹۱.
۱۳۲. مهکام، رضا، محمدصادق فیاض و محمدرضا جهانگیرزاده، **اعتماد به نفس**، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، چ ۲، ۱۳۸۹.
۱۳۳. موریش، ایور، **درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت**، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران، دانشگاهی، ۱۳۷۳.
۱۳۴. مولوی‌نیا، محمدجواد، **دانستنی‌های جنسی و زناشویی**، قم، دفترتبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹.
۱۳۵. میخبر، سیما، **ریحانه بهشتی**، قم، نورالزهرا، ۱۳۹۰.
۱۳۶. میرزایی، محمد و عباس عسگری ندوشن، «برنامه‌های توسعه، رویدادهای سیاسی بین‌الملل و جهت‌گیری مباحث جمعیت‌شناختی در قرن بیستم»، **نامه انجمن جمعیت شناسی ایران**، شماره ۱، ۱۳۸۵.
۱۳۷. میشل، آندره، **جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
۱۳۸. نامجو، بتول، **سلامت و باروری از نگاه پزشکی**، تهران، شورای فرهنگی ـ اجتماعی زنان و خانواده، ۱۳۹۲.
۱۳۹. نظامی‌گنجوی، **مخزن الاسرار**، به اهتمام سعید حمیدیان، تهران، قطره، ۱۳۹۱.
۱۴۰. **نهج‌الفصاحه**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۸۲.

۱۴۱. نوابی‌نژاد، شکوه، «آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده»، **مجموعه مقالات سومین نشست اندیشه‌های راهبردی (زن و خانواده)**، تهران، پیام عدالت، ۱۳۹۰.

۱۴۲. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.

۱۴۳. نیشابوری، فریدالدین عطار، **اسرارنامه**، به اهتمام بدیع الزمان فروزانفر، تهران، دهخدا، چ ۲، ۱۳۵۳.

۱۴۴. همدانی(عریان)، بابا طاهر، **دیوان اشعار با دوبیتی**، به تصحیح وحید دستگردی، تهران، نوین، چ ۲، ۱۳۶۳.

۱۴۵. ورام بن ابی‌فراس، مسعود بن عیسی، **تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام**، قم، مکتبه الفقیه، ۱۴۱۰ ق.

۱۴۶. یوسف‌زاده، احمد، **نقض حقوق زنان و کودکان در اتحادیه اروپا**، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۱.

147. Allan, G., Crow, G., **Families, Households, and Society**, Basingstoke, UK: Palgrave, 2001.

148. Andrea, Parrot, **Coping With Date Rape and Acquaintance Rape**, New York, Rosen Pub. Group, 1993.

149. Bleske, A. L., & Buss, D. M., "Can men and women be just friends?", **Personal Relationships**, No. 7, 2000.

150. Bradshaw, J. and Finch, N., "A Comparison of Child BenefitPackages in 22 Countries", **Department for Work and Pensions Research Report**, Leeds, Corporate Document Services, 2002.

151. Costa, P. T., Jr. & McCrae, R. R., "Personality in Adulthood: A six-year longitudinal study of self-reports and spouse ratings on the NEO Personality Inventory", **Journal of Personality and Social Psychology**.

152. Eberstadt, Nicholas and Apoorva Shah, "Fertility Decline in the Muslim World, c. 1975 - c. 2005: A Veritable Sea-Change, Still Curiously Unnoticed." In:

Groth, H. and Sousa - Poza, A. (eds.). **Population Dynamics in Muslim Countries**, Berlin / Heidelberg: Springer, 2012.

153.Feldman, H., "The effects of children on the family", In: A. Michel (Ed.), **Family issues of employed women in Europe & America**, Leiden: Brill, 1971.

154.Goldenberg, Herbert & Irene Goldenberg, **Family Therapy: An Overview**, Belmont, CA: Thomson Brooks Cole.

155.James, W. H., West, C., Deters, K. E., & Armijo, E., "Youth dating violence.", **Adolescence**, No. 35, 2002.

156.Joyner, K. & Udry, J. R., "You don't bring me anything but down: Adolescent romance and depression", **Journal of Health and Social Behavior**, No. 41, 2000.

157.L.W., Martin L. Hoffman, "The Value of Children to Parents", **University of Michigan**. School of Public Health. Department of Population Planning.

158.Michel, G. F. & Moore C. L., **Developmental Psychobiology: An interdisciplinary science**. Cambridge (MA): MIT Press, 1995.

159.Papalia, D. E. & Olds, S. W. **Human Development**, (4th ed.), New York, Mc-Graw - Hill, 1993.

160.Papalia, D. E., Olds, S. W., and Feldman, R. D., **A Child's World: Infancy through Adolescence**, (6th ed.), New York, McGraw - Hill.

161.Russell C. S., "Transition to Parenthood", In: Journal of Marriage and the Family, No. 36.

162.Van de Kaa, D. J., "The Idea of a Second Demographic Transition in Industrialized Countries", **Paper presented at the 6thWelfare Policy Seminar of the National Institute of Population and Social Security**, Tokyo, Japan, January 29, 2002.

163.http://esa.un.org/unpd/wpp/Excel-Data/Population.htm

164. www.populationeurope.org(بخش روابط اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد)

165.www.amar.org.ir(مرکز آمار ایران)

166.www.euro.blogfa.com (وبلاگی برای شناخت بیشتر اتحادیه اروپا)

167.www.jahannews.com(پایگاه خبری جهان نیوز)

168.www.readersdigest.ca(مجله آنلاین کانادایی)

169.www.sabteahval.ir(سازمان ثبت احوال کشور)

۱۷۰.www.siasatema.com(تجارت آنلاین)